

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری "نشریه علمی"

سال سیزدهم، شماره ۴۷، بهار ۱۴۰۲

این فصلنامه "نشریه علمی" طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از شماره سوم با درجه علمی _ پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

رشته	درجه علمی	دانشگاه	عضو هیئت تحریریه
حسابداری	استاد	دانشگاه شهید باهنر کرمان	امید پورحیدری
حسابداری	استاد	دانشگاه هاوایی ایالات متحدہ امریکا	حمید پورجلالی
حسابداری	استاد	دانشگاه الزهراء (س)	رضوان حجازی
حسابداری	استاد	دانشگاه الزهراء (س)	علی رحمانی
حسابداری	استاد	دانشگاه ممفیس ایالات متحدہ امریکا	ذبیح الہ رضایی
حسابداری	استاد	دانشگاه شهید بهشتی	حسین سجادی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه الزهراء (س)	غلامرضا سلیمانی امیری
حسابداری	دانشیار	دانشگاه تهران	بیبا مشایخی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه تهران	ساسان مهرانی
حسابداری	دانشیار	دانشگاه گاول سوئد	سعید همایون
حسابداری	استاد	دانشگاه سالفورد انگلستان	حسن یزدی فر

مدیر اجرایی: الناز پاک خصال

ویراستار علمی و ادبی: نازنین بشیری منش

ویراستار انگلیسی: علی رضایی

صفحه آرا: مرضیه حسن زاده علی آبادی

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک رامتین

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

این فصلنامه با همکاری انجمن حسابداری مدیریت ایران به چاپ می رسد.

خط مشی انتشار مجله

فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری نشریه‌ای علمی است که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/آرشیوی، آزمایشی، بین رشته‌ای/انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تأکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن Nazanin B با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن Zar B با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و شکلها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و شکل و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره

گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۲-۱. **صفحهٔ جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبهٔ علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شمارهٔ تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبهٔ علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحهٔ اول مقاله:** عنوان و چکیدهٔ مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوهٔ استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۲-۳. **صفحهٔ دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارندهٔ موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینهٔ (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان

بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛

- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛

- فهرست منابع.

- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:

- نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.

- هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.

در صورت نیاز به توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:

- ۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)
- ۴-۲. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)
- ۴-۳. **مقالات برخط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیک، دوره (شماره) با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت
- ۴-۳. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

-در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آن‌ها با استفاده از نقطه و ویرگول (!) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی‌تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۰/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. شکلها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان شکلها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آن‌ها درج شود. بهتر است شکلها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین

ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و شکلها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آن‌ها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در نگاره‌هایی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی‌نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی‌نوشت در همان صفحه ارائه شود. شماره گذاری پی‌نوشت‌ها با تکنیک راه اندازی مجدد در هر صفحه، در ورد درج شود.

فهرست مطالب

۱	الگوی بهبود افشا در گزارشگری مالی.....
	فرخ برزیده، قاسم بولو، زهرا نخبه فلاح
۲۷	بررسی تأثیر معیارهای عملکرد اقتصادی و حسابداری بر خوانایی گزارشگری مالی مبتنی بر افشای روایی اطلاعات.....
	یعقوب حسین پور، ناصر ایزدی نیا، حمزه محمدی خشوئی، محمد علیمرادی
۵۱	یک دهه تحقیقات کیفی در مجلات علمی پژوهشی حسابداری ایران.....
	محمد عرب مازار یزدی، زهرا جودکی چگنی، پرستو دهنور آتش بیک، بنیامین عزیزی
۷۱	ارایه مدل ریسک حسابرسی مالیاتی در طرح جامع مالیاتی با رویکرد ترکیبی مدلسازی ساختاری تفسیری و فرآیند تحلیل شبکه ای.....
	حسین زارعیان، محسن حجازی
۹۹	مدل عوامل موثر بر اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت های بورس اوراق بهادار تهران.....
	غلامرضا کرمی، امید آخوندی
۱۲۹	اثر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی و آینده نگر بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت ها.....
	علی همایون، محمدحسین رنجبر، فائق احمدی، قدرت الله طالب نیا
۱۵۳	بررسی تأثیر عملکرد زیست محیطی بر ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر محافظه کاری حسابداری.....
	محمد امید اخگر، پیمان امینی، آزاده مرادی
۱۷۳	افشای ریسک شرکت ها: تأثیر ویژگی های کمیته حسابرسی.....
	ستاره فصیحی، رضوان برشد
۱۹۹	تودید حرفه ای و ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف با اهمیت با تأکید بر نظریه شناخت اجتماعی.....
	کاوه پرندین، عبدالله تاکی، سید محسن مدینه
۲۲۳	شناسایی و رتبه بندی عوامل موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی مبتنی بر روش های تصمیم گیری چند معیاره.....
	حمیدرضا عباسی، فرزانه حیدرپور

الگوی بهبود افشا در گزارشگری مالی^۱

فرخ برزیده^۲، قاسم بولو^۳، زهرا نخبه فلاح^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

مقاله پژوهشی

چکیده

یکی از اهداف گزارشگری مالی، تهیه و ارائه اطلاعات برای فراهم کردن مبنایی برای تصمیم‌گیری منطقی سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان است. بدین منظور ضروری است اطلاعات، مفید و مربوط بوده و توان اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد را داشته باشد. هدف پژوهش حاضر، شناخت مشکلات فعلی افشا در گزارشگری مالی در ایران و تدوین الگوی مناسبی برای بهبود آن با استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده با صاحب‌نظران با استفاده از روش تحلیل تم می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، شامل اعضای هیئت علمی، شاغلین نهادهای حرفه‌ای، مدیران، تحلیلگران و شرکای موسسات حسابرسی است که با روش گلوله برفی، ۲۲ نمونه انتخاب شدند و پس از انجام مصاحبه، داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل تم، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش در قالب سه بخش بسترهای افشا در ایران، مشکلات فعلی افشا در گزارشگری مالی و راهکارهای بهبود افشا ارائه شده است. چالش‌های موجود در پیاده‌سازی استانداردها، کاهش کیفیت برخی گزارش‌های حسابرسی، عدم ارائه برخی اطلاعات مربوط و در مواردی وجود اضافه بار اطلاعاتی، از جمله مشکلات موجود می‌باشد. بهبود فرایند تدوین و پیاده‌سازی استانداردها، ارائه رهنمودهایی درباره افشا و بهبود کیفیت حسابرسی می‌تواند سبب بهبود افشا و در نتیجه ارتقا اثربخشی گزارشگری مالی گردد.

واژه‌های کلیدی: افشا، افشای اجباری، افشای اختیاری، اضافه‌بار اطلاعاتی، تحلیل تم.

طبقه‌بندی موضوعی: M41.

10.22051/JERA.2023.41291.3044 :DOI ۱

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۴. دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

تصمیم‌گیری بهینه برای سرمایه‌گذاری و به بیان بهتر، تخصیص صحیح منابع کمیاب در جامعه مستلزم وجود اطلاعات مالی با کیفیت است. فقدان اطلاعات یا وجود اطلاعاتی فاقد ویژگی‌های کیفی، باعث تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نامطلوب و در نتیجه اتلاف منابع اقتصادی، تخریب بازارهای سرمایه و در نهایت عقب‌ماندگی و کاهش رفاه عمومی در کشور می‌شود. در واقع اطلاعات نیروی محرک تصمیم‌گیری است (مشایخ و میمنت آبادی، ۱۳۹۳). افشای با کیفیت بالا، امری ضروری برای عملکرد صحیح بازار سرمایه می‌باشد، بنابراین شناسایی و مقابله با مشکلات موجود در افشا امری ضروری است.

افشا، مفهومی گسترده، پیچیده و چندبعدی می‌باشد و همچنین دارای ذینفعان متعددی است که ممکن است دیدگاه‌های متضاد پیرامون مشکلات افشا و راه‌حل‌های آن داشته باشند. آرچامبالت و آرچامبالت (۲۰۰۳) مدلی از عوامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی موثر بر افشای مالی شرکت‌ها ارائه نمودند. آنها به این نتیجه دست یافتند که تفاوت در اجزای مدل سبب تفاوت در افشای مالی شرکت‌ها در کشورهای مختلف و همچنین شرکت‌های موجود در یک کشور می‌گردد و به عبارتی تصمیم مربوط به افشای مالی برای یک شرکت، فرآیند پیچیده بوده و تحت تاثیر عوامل مختلف قرار می‌گیرد. الزامات افشای بین‌المللی منجر به افشای اطلاعاتی می‌گردد که در برخی کشورها مفیدتر است زیرا مفید بودن افشا بستگی به ساختاری دارد که در آن ارائه شده است و برخی از این ویژگی‌ها از کشوری به کشور دیگر متفاوت است مانند حرفه حسابرسی، زیرساخت تبادل اطلاعات، انجمن تحلیل‌گران مالی، سیستم مالی، محیط قانونی، سایر مکانیزم‌های کنترلی شرکت، تمرکز صنعت، نفوذ سیاسی بر فعالیت‌های کسب‌وکار و سرمایه انسانی.

پژوهش‌های انجام شده در سطح بین‌الملل بیانگر این است که، مشکل افشا فقط مربوط به کمیت نیست: کیفیت افشا، از لحاظ برآورده کردن نیازهای استفاده‌کنندگان، یک مسئله است و گزارش‌های مالی به مجموعه‌ای غیرمنسجم از افشا الزام شده توسط مراجع مختلف تبدیل شده است و به نظر می‌رسد هدف گزارشگری مالی فراموش شده است، زیرا در افشای اطلاعات بیشتر به انطباق^۱ نه تبادل اطلاعات پرداخته می‌شود. تدوین‌کنندگان مقررات در امریکا و سایر کشورها از کاهش مربوط بودن گزارش‌های مالی آگاه بوده و همواره در پروژه‌های اثربخشی

گزارشگری مالی با هدف ارتقای قابل فهم بودن و مربوط بودن اطلاعات مالی مشارکت می‌نمایند. بنابراین شناخت مشکلات موجود در افشا در گزارشگری مالی در ایران و ارائه راه‌حلی به منظور بهبود افشا با توجه به شرایط موجود، می‌تواند اهمیت به‌سزایی داشته باشد.

مبانی نظری

یکی از مهمترین اهداف گزارشگری مالی ارائه اطلاعات برای تصمیم‌گیری است. این امر نیازمند افشای مناسب داده‌های مالی و سایر اطلاعات مربوط است. برای دستیابی به افشای مناسب، بایستی به سه سوال مهم پاسخ داد:

• برای چه کسانی اطلاعات افشا می‌شود؟

• هدف از ارائه اطلاعات چیست؟

• چه میزان اطلاعات بایستی افشا شود؟

اصطلاح افشا در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای انتشار اطلاعات است. حسابداران از این عبارت به صورت محدودتری استفاده می‌کنند و منظور آنها انتشار اطلاعات مالی درباره شرکت در گزارشگری مالی، معمولاً گزارش سالانه است. افشا در محدودترین حالت خود شامل مواردی مانند بحث و تحلیل مدیریت، یادداشت‌های همراه و گزارش‌های مکمل است (هندریکسن و ون بردا، ۱۹۹۲). به صورت کلی افشا را می‌توان به دو بخش اساسی تقسیم کرد: افشای اجباری^۱ و افشای داوطلبانه^۲.

گری، کوهی و لورس (۱۹۹۵) یک طبقه‌بندی از دیدگاه‌های تئوریک پذیرفته شده پیرامون افشا در ادبیات حسابداری شامل موارد زیر ارائه دادند:

(۱) تئوری‌های مبتنی بر مفید بودن در تصمیم‌گیری^۳

(۲) تئوری‌های اقتصادی از جمله تئوری‌های حسابداری اثباتی^۴

(۳) تئوری‌های سیاسی و اجتماعی^۵

در برخی مطالعات که از تئوری‌های مبتنی بر مفید بودن در تصمیم‌گیری استفاده می‌نمایند، ترتیبی از اقلام بر حسب اهمیت آنها تهیه می‌شود، برای مثال در چنین مطالعاتی از سرمایه‌گذاران

-
1. Mandatory Disclosure
 2. Voluntary Disclosure
 3. Decision-Usefulness Theories
 4. Economic Theories Including Positive Accounting Theory
 5. Political and Social Theories

درخواست می‌شود که اطلاعاتی را که تمایل به ارائه آنها در گزارش‌های سالانه دارند، بر حسب اهمیت رتبه‌بندی کنند. در سایر مطالعات با استفاده از تئوری‌های مبتنی بر مفید بودن در تصمیم‌گیری، برای مثال پژوهشگران درصدد یافتن پاسخ این سوال هستند که آیا اطلاعات مسئولیت‌های اجتماعی دارای ارزش اطلاعاتی برای بازارهای مالی می‌باشد یا خیر.

بر اساس تئوری مشروعیت^۱، جوامع در طی زمان تغییر می‌کنند، سازمان‌هایی که در این جوامع مشارکت دارند، بایستی به این تغییرات واکنش نشان دهند تا با تغییر ارزش‌های اجتماعی هماهنگ شوند. آنرمن و بنت (۲۰۰۴) بیان نموده‌اند که انتظارات گروه‌های ذینفع به عنوان بخشی از جامعه در طی زمان تغییر می‌کند؛ از اینرو، سازمانها بایستی همواره فعالیت‌های عملیاتی و گزارشگری خود را با این شرایط در حال تغییر سازگار سازند. همچنین دیگران و همکاران (۲۰۰۰) اظهار می‌کنند که شرکت‌ها تمایل دارند سیاست‌های افشای خود را در طی زمان در واکنش به رویدادهای اجتماعی تغییر دهند. بنابراین، به این دلیل که گروه‌های استفاده‌کننده، نیازهای اطلاعاتی متفاوتی دارند که با گذشت زمان تغییر می‌کند، بررسی مداوم سودمندی اطلاعات مختلف در تصمیم‌گیری آنها مفید است (آلفری و آلموتاوا، ۲۰۱۴). نتایج نظرسنجی مدیران مالی توسط لو (۲۰۱۸) بیانگر این است که گزارشگری مالی تضعیف یافته و به یک فعالیت رعایت قوانین و الزامات تبدیل شده و نه اینکه راهی برای آگاه‌سازی ذینفعان باشد.

در سال ۲۰۱۴ ارنست‌اندیانگ^۲ در گزارش خود درباره اثربخشی افشا^۳، برخی از مشکلات شناخته شده را چنین برشمرد: اضافه بار افشا^۴، تکرار اطلاعات، افزایش قابل توجه در میزان اطلاعات. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری^۵، مشکلات افشا را، ناکافی بودن اطلاعات مربوط، ارائه بیش از حد اطلاعاتی که مربوط نبوده و شیوه نادرست در تبادل اطلاعات افشا شده می‌داند. هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۶ نیز مشکلات موجود را فقدان رویکرد یکپارچه در افشا صورت‌های مالی و رشد فزاینده حجم یادداشت‌های همراه و حجم زیادی از افشا که مربوط نیستند، می‌داند. از سوی دیگر نتایج پژوهش‌های انجام شده حاکی از وجود رابطه میان

1. Legitimacy Theory
 2. EY: Ernst & Young
 3. Disclosure Effectiveness
 4. Disclosure Overload
 5. IASB: International Accounting Standards Board
 6. FASB: Financial Accounting Standard Board

افزایش میزان افشا توسط شرکت‌ها و کاهش هزینه سرمایه بدهی و حقوق صاحبان سهام به دلیل کاهش ریسک یا کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. دیدگاه‌های متفاوتی پیرامون وجود و ماهیت مشکل افشا وجود دارد، هیئت استانداردهای حسابداری مالی و هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری استفاده از پروژه‌هایی به منظور شناسایی مشکلات در یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی را ضروری دانسته‌اند (الکینس و انتویستل، ۲۰۱۸).

برای افشای بیش از حد دلایل مختلفی را برشمرده‌اند که برخی از آنها عبارتند از: افزایش پیچیدگی معاملات، برای مثال ابزارهای مشتقه؛ رویکرد چک‌لیستی تهیه‌کنندگان، حساب‌برسان و تدوین‌کنندگان مقررات که احتمالاً برخاسته از ریسک‌گریزی^۱ آنها می‌باشد و شکست در کاربرد صحیح مفهوم اهمیت^۲ (سها، موریس و کانگ، ۲۰۱۹).

پژوهش انجام شده توسط سینگلتن گرین و هاجکینسون (۲۰۱۳) به تجزیه و تحلیل مشکلات افشا در گزارشگری مالی شرکت‌های سهامی عام، با توجه به ادعاهای مطرح شده پیرامون اضافه بار اطلاعاتی^۳ از یک سو و از سوی دیگر ادعای استفاده‌کنندگان مبنی بر عدم دریافت تمامی اطلاعات موردنیاز می‌پردازد و به این مسئله پرداخته که چگونه شکست بازار و تدوین مقررات می‌تواند منجر به چنین مشکلاتی شده و مطرح می‌شود که مشکلات اساسی در افشا گزارشگری مالی وجود دارد که هیچ راه حلی از نظر بازار و تدوین مقررات قادر به حذف آنها نمی‌باشد. آنها عبارتند از:

- ذهنیت^۴: مربوط بودن و اهمیت، قضاوت‌های ذهنی هستند. همواره، مواردی وجود خواهد داشت که برخی از استفاده‌کنندگان با انتخاب تهیه‌کنندگان درباره اینکه چه چیزی برای افشا مربوط و با اهمیت است، موافق نباشند.
- سوگیری در گزارشگری^۵: در گزارشگری مالی، مدیران به گزارشگری درباره عملکرد خود می‌پردازند. اگرچه اکثر مدیران صادق باشند و حتی گزارشگری آنها تحت مقررات انجام شود، یک درجه از سوگیری انتظار می‌رود.

1. Risk Aversion
2. Materiality
3. Information Overload
4. Subjectivity
5. Self-Reporting Bias

- آسیب‌رسانی بالقوه به خود^۱: شفافیت کامل برخلاف منافع شرکت‌ها می‌باشد. برخی موارد افشا سبب ارائه اطلاعات ارزشمند به رقبا یا افرادی می‌شود که طرف قرارداد با شرکت هستند که به ضرر شرکت افشا کننده خواهد بود.
- طبق پژوهش سینگلتون گرین و هاجکینسون (۲۰۱۳) مقررات افشای گزارشگری مالی عمدتاً از طریق قانون‌گذاری، تدوین‌کنندگان مقررات اوراق بهادار، استانداردهای حسابداری و از طریق الزامات افشا توسط نهادهای گوناگون تعیین می‌گردد که می‌تواند منجر به موارد زیر شود:
- ۱- افشای بیش از حد،
 - ۲- افشای خیلی کم (نادیده گرفتن برخی استفاده‌کنندگان، نادیده گرفتن برخی نیازها)،
 - ۳- افشای نادرست،
 - ۴- افشای بسیار پیچیده،
 - ۵- افشا به شیوه‌ای نامناسب.
- مشکلات گزارشگری مالی بخشی اجتناب‌ناپذیر بوده و بخشی نتیجه سیستم تدوین مقررات کنونی است. این سیستم می‌تواند بهبود یابد، اما در صورتیکه افراد تمایل به پذیرش ریسک‌ها و همچنین متحمل شدن هزینه‌هایی داشته باشند. چهار روش غلبه بر مشکلات موجود که بخش عمده آن ناشی از سیستم تدوین مقررات است، عبارتند از:
- ۱- اصلاح فرآیند تدوین الزامات افشا (از جمله تدوین چارچوب الزامات افشا)،
 - ۲- تغییر الزامات افشا (حذف الزامات غیرضروری)،
 - ۳- تغییر روش پیاده‌سازی الزامات (عدم ارائه اطلاعات بی‌اهمیت)،
 - ۴- اتکا بیشتر به راه‌حلی غیر از تدوین مقررات (افشای اختیاری).
- پیشنهادات این پژوهش همچنین منجر به استفاده بیشتر از قضاوت حرفه‌ای توسط همه افراد درگیر در فرایند گزارشگری مالی (تهیه‌کنندگان، حساب‌برسان و نهادهای اجرایی) می‌شود.
- مسئله افشای اطلاعات همواره از اهمیت اساسی در هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری برخوردار بوده است. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری در برنامه تبادل اطلاعات بهتر در گزارشگری مالی^۲، پروژه‌هایی به منظور افزایش سودمندی اطلاعات مالی و بهبود شیوه ارائه اطلاعات به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی داشته که برخی از دستاوردهای آنها عبارتند از:

1. Potential Self-Inflicted Damage
2. Better Communication in Financial Reporting

- ۱- اصلاح استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱: شفاف سازی الزامات مرتبط با اهمیت، نحوه ارائه اطلاعات در یادداشت‌های همراه (دسامبر ۲۰۱۴)،
 - ۲- اصلاح استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۷، صورت جریان‌های نقدی: ارائه الزامات جدید افشا به منظور قادر ساختن سرمایه‌گذاران در درک جریان‌های نقدی فعالیت‌های تامین مالی (ژانویه ۲۰۱۶)،
 - ۳- بیانیه رویه حرفه‌ای درباره اهمیت: ارائه فرایند چهار مرحله‌ای قضاوت درباره اهمیت، ارائه رهنمود در برخی شرایط خاص مانند ارائه اطلاعات دوره‌های قبل (سپتامبر ۲۰۱۷)،
 - ۴- تعریف اهمیت -اصلاح استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۱ و ۸: تغییر در تعریف اهمیت به منظور کاهش در میزان اطلاعات بی اهمیت (اکتبر ۲۰۱۸).
- مفهوم افشا، مفهوم گسترده‌ای است و در پژوهش‌های انجام شده در ایران از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. رحمانی و بشیری‌منش (۱۳۹۳) با بررسی پژوهش‌های انجام شده پیرامون افشا در ایران، آنها را در سه دسته کلی طبقه‌بندی نمودند.
- ۱- اندازه‌گیری دقیق سطح افشای اطلاعات توسط شرکتها که در این پژوهش‌ها، ابعاد متنوع افشای اجباری و افشای اختیاری از نظر اطلاعات مالی و غیرمالی اندازه‌گیری و کمی-سازی شده است.
 - ۲- شناسایی عوامل و محرک‌هایی که بر رویه‌ها و سطح افشای اطلاعات تاثیر می‌گذارد.
 - ۳- پژوهش‌های بررسی پیامدهای افشای اطلاعات که طبق نتایج، افشا و شفافیت بیشتر، منافع متعددی مانند هزینه سرمایه کمتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را برای شرکتها به همراه دارد.
- در پژوهش‌های انجام شده در ایران در زمینه افشا، برخی مشکلات شناسایی و پیشنهادات متعددی نیز مطرح شده است که برخی از مشکلات شناسایی شده عبارتند از:
- ۱- نمره پایین شفافیت و افشا در ایران،
 - ۲- پیچیدگی در نظام‌های گزارشگری مالی،
 - ۳- مشکلات موجود در دستورالعمل افشای سازمان بورس و اوراق بهادار.
- اگرچه پژوهش‌های متعدد به این مسئله پرداخته است که مشکلات موجود در افشا در گزارشگری مالی چه مواردی می‌باشند، اما تاکنون پژوهشی با هدف ارائه راه‌حلی جامع از دیدگاه صاحب‌نظران انجام نشده است. این پژوهش درصدد شناسایی نقاط ضعف موجود در

موارد افشا و ارائه راه‌حلی جامع به منظور دستیابی به هدف ارائه بیشتر اطلاعات مربوط و کاهش ارائه اطلاعاتی است که مربوط نمی‌باشند و در نهایت افزایش سودمندی گزارشگری مالی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

سلیمان و بن امار (۲۰۲۲) رابطه میان مسئولیت اجتماعی شرکت و ویژگی‌های متنی افشای مالی را بررسی کرده و به این نتیجه دست یافتند که شرکت‌های با مسئولیت اجتماعی بالا، افشای خواناتری ارائه می‌کنند و از لحن مبهم کمتری در گزارش‌های سالانه خود استفاده می‌کنند. ساها و بس (۲۰۲۱) ارتباط میان الزامات افشای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و هزینه سرمایه را برای نمونه‌ای از شرکت‌های استرالیایی بررسی کرده و به این نتیجه دست یافتند که این الزامات افشا، ارتباط منفی با هزینه سرمایه دارد. به عبارتی شرکت‌های با سطح بالای افشای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، هزینه سرمایه کمتری دارند.

دسوزا، ریساتی، راور و بربا (۲۰۱۹) با استفاده از اطلاعات نمونه‌ای متشکل از ۱۶۴۳ سال شرکت و برای دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، به این نتیجه دست یافتند که مدیران عمداً پیچیدگی بیشتری در افشای حسابداری وارد می‌کنند تا اطلاعات مربوط به عملکرد ضعیف را پنهان کنند. یافته‌های این پژوهش با فرضیه مبهم‌سازی مدیریت^۱ سازگار است. آنها همچنین نشان دادند که اطلاعات پیچیده گذشته تأثیر منفی بر عملکرد فعلی شرکت‌ها دارد.

باکاریچ، حسین و ویتراپ (۲۰۱۹) به بررسی ویژگی‌های کیفی گزارش‌های مالی شرکت‌ها در دوره‌های مختلف چرخه عمر شرکت پرداختند. آنها با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۲۴۲۶۸ سال-شرکت طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۰ به این نتیجه دست یافتند که با رشد شرکت از مرحله ظهور به بلوغ، پیچیدگی و ابهام در افشا کاهش یافته و خوش‌بینانه‌تر ارائه می‌شود و اوج شفافیت و خوانایی در مرحله بلوغ شرکت و قبل از ورود به مرحله نهایی افول می‌باشد.

لو (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "کاهش سودمندی اطلاعات گزارش‌های مالی و چگونگی تغییر این روند" بیان نمود که نارضایتی فزاینده‌ای از مربوط بودن و سودمندی اطلاعات گزارش‌های مالی، به خصوص در میان سرمایه‌گذاران و مدیران شرکت وجود دارد که بیانگر شکاف فزاینده میان شاخص‌های بازار سرمایه و اطلاعات مالی است. سود گزارش شده توسط

بیشتر شرکت‌ها منعکس‌کننده عملکرد واحد اقتصادی نیست. دلایل این روند چنین بیان شده است: ۱- کنار گذاشتن رویکرد سود و زیان سنتی توسط تدوین‌کنندگان استاندارد و پذیرش رویکرد ترازنامه‌ای، ۲- شکست تدوین‌کنندگان استاندارد در تعدیل قواعد شناخت دارایی‌ها به علت تغییر اساسی در منابع ایجاد ارزش شرکت و استفاده روبه رشد دارایی‌های نامشهود.

کاشانی پور، مهربان پور، سرلک و پورموسی (۱۴۰۰) در پژوهش "بررسی ضرورت پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط در ایران" از طریق مصاحبه با خبرگان، تهیه صورت‌های مالی فرضی و انجام نظرسنجی با استفاده از پرسشنامه، به این نتایج دست یافتند که واحدهای تجاری کوچک و متوسط برای حسابداری و گزارشگری مالی به استانداردهای خاص نیاز دارند. همچنین نتایج پژوهش آنها، نشان دهنده ارتباط معنادار و مثبت بین پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای کوچک و متوسط در ایران و بهبود ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری بود.

حسینی، جبارزاده کنگرلویی، بحری ثالث و سعدی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "تحلیل عاملی اکتشافی چالش‌ها و موانع پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران"، موانع موجود در پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران را در قالب ۱۰ مؤلفه اصلی ارائه دادند که عبارتند از: عدم آشنایی کافی با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، عوامل سیاسی و حقوقی، ساختار مالکیت و بازار سرمایه، سیستم اداری و ویژگی‌های فرهنگی، نبود نظام جامع ارزیابی، مقاومت در برابر تغییر، قوانین و مقررات مالی، وضعیت اقتصادی، عدم توافق بین ذی‌نفعان و نبود چارچوب مفهومی.

حمزه نیک نیافر، افلاطونی و نیکبخت (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی تاثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشا بر میزان بکارگیری منابع مالی در فعالیتهای تجاری اصلی با نمونه‌ای متشکل از ۱۳۷ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۸۲ پرداختند. طبق نتایج، با افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشا، میزان بکارگیری منابع مالی در فعالیت تجاری اصلی شرکت‌ها، افزایش یافته و در مقایسه با کیفیت افشا، کیفیت اطلاعات حسابداری تأثیر قوی‌تری بر معیار بکارگیری منابع مالی در فعالیتهای تجاری اصلی واحد تجاری دارد.

امیرآزاد، برادران حسن‌زاده، محمدی و تقی‌زاده (۱۳۹۷) در پژوهش "الگوی مفهومی عوامل موثر بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران به روش نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان"، دریافته‌اند که

هزینه های سیاسی، فشار بازار سرمایه، اجتناب مالیاتی، معامله با اشخاص وابسته، عدم تقارن اطلاعاتی، شرایط قراردادهای وام، انگیزه پاداش مدیران و رقابت در بازار بر کیفیت گزارشگری مالی موثر هستند.

رحمانی و بشیری منش (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "محرک های افشای اختیاری در بازار سرمایه ایران"، ویژگی های شرکت، راهبری شرکتی و قدرت ذینفعان را به عنوان محرک های افشای اختیاری بررسی نمودند. طبق یافته های پژوهش، ویژگی های ساختاری شرکت، ویژگی های هیئت مدیره، ساختار مالکیت و حسابرسی و همچنین ذینفعان خارجی تاثیر مثبت و معنادار بر سطح افشای اختیاری ولی ویژگی های عملکردی شرکت و ذینفعان داخلی تاثیر منفی و معنادار دارند.

اعتمادی، سپاسی و احمدیان (۱۳۹۶) در پژوهش "فرا تحلیل اثرات پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی بر کیفیت گزارشگری مالی" به این نتیجه دست یافتند که پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی، به خودی خود منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی نشده است و پیامدهای مثبت یا منفی پذیرش این استانداردها، به عوامل متعددی مانند ساختار قانونی کشورها و ضمانت اجرایی حسابداری و حسابرسی کشور بستگی دارد. بنابراین مرور ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می دهد که شناسایی مشکلات موجود افشا در گزارشگری مالی و ارائه راهکار جهت بهبود آن، می تواند سبب بهبود اثربخشی گزارشگری مالی گردد و منافع متعددی را به همراه دارد.

سوال پژوهش

سوال اصلی پژوهش حاضر این است که الگوی مناسب برای بهبود افشا در گزارشگری مالی چیست؟

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، از نوع کیفی است. مراحل انجام این پژوهش عبارتند از:

۱. در ابتدا اسناد و متن های مهم و مرتبط با موضوع پژوهش انتخاب و مرور شده تا مطالبی از آنها استخراج شود که بتوانند راهنمای هدایت پژوهش در گام های بعدی باشد.

۲. افراد خبره با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند^۱ و به دلیل اطلاعات، تجربه یا دیدگاهی که درباره موضوع مورد مطالعه دارند انتخاب شده و مصاحبه اکتشافی انجام شد.
۳. سوالات مصاحبه اصلی با استفاده از اطلاعات کسب شده از طریق مرور متن و مصاحبه‌های اکتشافی، تدوین و مصاحبه‌های اصلی به روش گلوله برفی^۲ انجام شد. در تحلیل تم، تفسیر داده‌ها یک فرآیند پویا است، پس همزمان با مصاحبه‌ها، تحلیل داده‌ها صورت پذیرفت.
۴. مصاحبه‌ها تا زمان دستیابی اشباع نظری^۳ ادامه یافت.
۵. بعد از کامل شدن پیاده‌سازی و کدگذاری داده‌ها، الگویی به‌عنوان محصول فرآیند پژوهش با استفاده از روش تحلیل تم، تدوین و ارائه گردید.
- برای تحلیل تم ابتدا لازم است داده‌ها کدگذاری شوند. کدها عبارتند از ویژگی‌هایی از داده‌ها (معنایی یا محتوایی) که برای تحلیل، جالب به نظر می‌رسند که در نهایت در کنار هم و در پیوند با هم تم‌ها را تشکیل می‌دهند. کدگذاری این پژوهش ترکیبی از حروف انگلیسی و اعداد است و برای مصاحبه‌های اکتشافی، علامت اختصاری^۴ EI و برای مصاحبه‌های اصلی، علامت اختصاری^۵ MI استفاده شده و قسمت عددی کدها بیانگر مصاحبه و کدهای استخراج شده از آن می‌باشد که از 01 شروع با افزایش واحد تحلیل (مصاحبه) و کدهای موجود در هر واحد تحلیل یک واحد در چارچوب اعداد طبیعی افزایش می‌یابد.
- جامعه آماری عبارت است از:
۱. اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در رشته حسابداری،
 ۲. مدیران نهادهای حرفه‌ای حسابداری مانند جامعه حسابداران رسمی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان حسابرسی،
 ۳. مدیران و تحلیلگران شرکتهای سرمایه‌گذاری، کارگزاری‌ها و صندوق‌های سرمایه‌گذاری،
 ۴. حسابرسان مستقل و شرکای موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس.

1. Purposeful Sampling
 2. Snowball
 3. Theoretical saturation
 4. Exploratory Interview
 5. Main Interview

در این پژوهش از نمونه گیری گلوله برفی استفاده شده است. تعداد نمونه از ابتدا مشخص نیست، زیرا در تحقیق کیفی گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه می‌یابد که عناصر اساسی مطالعه به حد اشباع برسد، یعنی تا زمانی که افراد نمونه دیگر چیزی به داده‌ها اضافه نکنند و یا آنچه مطرح می‌کنند در تضاد با دانسته‌های گردآوری شده نباشد (از کیا، احمدرش و پارتازیان، ۱۳۹۶). در این پژوهش و بر اساس اشباع نظری ۲۲ مصاحبه به انجام رسیده است.

شایان ذکر است مصاحبه‌های انجام شده (اکتشافی و اصلی) از نوع نیمه ساختاریافته^۱ و نرم-افزار استفاده شده در این پژوهش به منظور تحلیل داده‌های کیفی نرم افزار مکس کیو دی ای^۲ است. در این پژوهش از روش کنترل اعضا^۳ به منظور اعتباربخشی به الگو و نتایج پژوهش استفاده شده است. کنترل اعضا یا اعتبار پاسخگو^۴، تکنیکی است که به آن وسیله پژوهشگر مفروضات خود را با یک یا چند نفر از افراد مطلع تحت بررسی کنترل می‌کند و این تکنیک به منظور تائید تفاسیر پژوهشگر به کار می‌رود (هومن، ۱۳۹۰).

یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ نتایج حاصل از تحلیل تم، همراه با تم‌های فرعی و دسته‌بندی مفهومی و کدهای مربوطه ارائه شده است.

جدول ۱. تحلیل تم همراه با کدهای هر تم

کدها	دسته‌های مفهومی	تم‌های فرعی	تم‌های اصلی
EI0102-EI0306-MI0107-MI0301-MI0501-MI0605-MI0607-MI0608-MI0711-MI1218-MI1221-MI1511-MI1801	شرایط سیاسی	عوامل	بسترهای افشا در ایران
EI0305-MI0102-MI0105-MI0110-MI0507-MI0512-MI0610-MI0612-MI0712-MI0713-MI0714-MI0720-MI0902-MI0905-MI0909-MI1005-MI1219-MI1220-MI1509	عوامل اقتصادی	محیطی کلان موثر بر افشا	
MI0502-MI1001-MI1222-MI1301-MI1313-MI1803-MI1921	عوامل فرهنگی		
EI0122-EI0203-EI0212-EI0213-EI0215-MI0220-MI0223-MI0408-MI0409-MI0410-MI0412-MI0414-MI0421-MI0803-MI0813-MI0824-MI1524-MI1527-MI1722-MI1910-MI1911	عدم پایبندی به الزامات		

1. Semi-structured Interview
2. MAXQDA 2020
3. Member Check
4. Respondent Validity

EI0214-EI0223-MI0407-MI0411-MI0601-MI0603-MI0706-MI0709-MI0915-MI0916-MI0919-MI1212-MI1214-MI1225-MI1235-MI1246-MI1410-MI1713-MI1723-MI1802-MI1806-MI1914	اثربخش نبودن قوانین و مقررات	شرایط نظارتی و قانونگذاری	مشکلات فعلی افشا در گزارشگری مالی
MI0224-MI0225-MI0227-MI0509-MI0511-MI0904-MI0921-MI1021-MI1023-MI1025-MI1026-MI1031-MI1240-MI1241-MI1520-MI1808-MI1810	مشکلات در تدوین استانداردهای حسابداری		
EI0202-MI0209-MI0211-MI0213-MI0215-MI0514-MI0602-MI0604-MI0710-MI0733-MI0734-MI0920-MI0922-MI1017-MI1024-MI11418-MI11419-MI11512-MI11514-MI11526-MI11603-MI11724-MI11819	مشکلات ساختاری نهادهای نظارتی و قانونگذاری		
MI0103-MI0106-MI0108-MI0109-MI0427-MI0516-MI0802-MI0917-MI11426-MI11531-MI11532-MI11611-MI1823-MI1826-MI1829-MI1937	وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار	چالش‌های مرتبط با حرفه حسابرسی	
MI0104-MI0736-MI11227-MI11257-MI11423-MI1530-MI1533-MI1824-MI1825-MI1940	نبود شرایط لازم برای رقابت عادلانه و سالم در حرفه حسابرسی		
EI0220-EI0221-MI0101-MI0111-MI0118-MI0428-MI0812-MI0818-MI0834-MI11203-MI11424-MI11504-MI11528-MI11726-MI11936-MI1938	تضعیف نقش اعتباربخشی حسابرسی		
MI0606-MI0609-MI0707-MI0729-MI0730-MI0731-MI0732-MI0810-MI1002-MI1913	مشکلات آموزشی	سایر موانع موجود	
EI0204-MI0302-MI0401-MI0724-MI0811-MI1204-MI1208-MI11215-MI1223-MI11312-MI11715-MI1902-MI1903-MI1906-MI1909-MI1922-MI1923	مشکلات ساختاری شرکت		
MI0715-MI0716-MI0725-MI0907-MI0914-MI11210-MI11211-MI1305-MI1307-MI11716-MI1904-MI1908-MI1925-MI1926-MI1927-MI1929	وضعیت ذینفعان و بازار سرمایه		
EI0114-EI0304-EI0312-EI0313-EI0314-EI0315-MI0708-MI0721-MI0809-MI1027-MI11309-MI11311-MI11409-MI11521-MI11719-MI11951	مشکلات موجود در همگرایی با استانداردهای بین‌المللی	موانع و مشکلات موجود در پیاده‌سازی استانداردها	
MI0210-MI0212-MI0214-MI0513-MI0719-MI0901-MI11420	تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی جانبدارانه		
MI0234-MI0235-MI0239-MI0704-MI0805-MI0910-MI1003-MI1308-MI1310	مغفول ماندن افشا		
MI0238-MI0701-MI0801-MI1004-MI1201-MI1202-MI1701-MI1708-MI11710-MI11917-MI11918-MI11919	پیچیدگی افشا و فقدان یکپارچگی	محتوای افشا	
EI0115-EI0117-MI0217-MI0218-MI0230-MI0406-MI0417-MI0423-MI0613-MI0728-MI0830-MI0831-MI0832-MI1030-MI11245-MI11502-MI11503-MI11608-MI11721-MI11814-MI11815-MI11816-MI1901-MI1905-MI1907-MI1930	مشکلات موجود در افشای کیفی و توصیفی		

EI0101-EI0201-MI1209-MI1718	فقدان انگیزه برای افشای اختیاری		
MI0119-MI0241-MI0429-MI0735-MI0913-MI1228-MI1425-MI1505-MI1529-MI1612	نامناسب بودن کیفیت برخی گزارش‌های حسابرسی		
EI0302-EI0303-MI0228-MI0510-MI0616-MI0806-MI0827-MI1007-MI1015-MI1103-MI1242-MI1243-MI1244-MI1408-MI1605-MI1720-MI1809-MI1952	افشای نامناسب ریسک		
EI0108-EI0110-EI0210-EI0211-MI0304-MI0305-MI0307-MI0420-MI0505-MI0825-MI0927-MI1109-MI1232-MI1515-MI1714-MI1805-MI1946	افشای نامناسب معاملات با اشخاص وابسته		
EI0105-MI0219-MI0404-MI0415-MI1411	همپوشانی اطلاعاتی		
EI0209-EI0307-EI0309-EI0316-MI0113-MI0114-MI0115-MI0116-MI0117-MI0202-MI0204-MI0205-MI0207-MI0303-MI0403-MI0416-MI0503-MI0504-MI0814-MI0815-MI0816-MI0817-MI0820-MI0821-MI0911-MI0912-MI1008-MI1010-MI1011-MI1012-MI1106-MI1314-MI1315-MI1404-MI1712-MI1804	اضافه بار اطلاعاتی		
MI0203-MI0903-MI1702-MI1704-MI1705-MI1956	نقض محرمانگی و یا افشای اسرار تجاری	مقدار افشا	
EI0118-EI0205-EI0208-EI0311-MI0208-MI0402-MI0705-MI0804-MI0808-MI1006-MI1217-MI1224-MI1501-MI1506-MI1510-MI1513-MI1601-MI1706-MI1915	کلی گویی و افشای ناکافی - عدم ارائه برخی اطلاعات مربوط		
EI0103-EI0104-EI0113-EI0207-EI0310-MI0229-MI0245-MI0405-MI1014-MI1101-MI1105-MI1107-MI1213-MI1306-MI1412-MI1507-MI1522-MI1606-MI1607-MI1820-MI1931-MI1932-MI1948-MI1957	-	شکل افشا و سایر موارد	
EI0218-EI0219-MI0120-MI0226-MI0615-MI0906-MI1022-MI1111-MI1250-MI1518-MI1519-MI1602	بهبود فرایند پذیرش استانداردهای بین‌المللی	اصلاح فرایند تدوین	راهکارهای بهبود افشا
EI0216-MI0112-MI0123-MI0216-MI0222-MI0243-MI0419-MI0926-MI1230-MI1231-MI1407-MI1535-MI1812	بهبود ضمانت اجرایی	استانداردها و نظارت بر	
EI0106-MI0206-MI0822-MI0823-MI0829-MI1009-MI1028-MI1248-MI1251-MI1811	بهبود و به روز رسانی الزامات	پیاده سازی الزامات	
EI0112-MI0231-MI0506-MI0508-MI0718-MI0826-MI1508-MI1517-MI1604-MI1717-MI1943-MI1950	تمرکز بر افشای اجباری	مربوطه	
EI0121-MI0221-MI0413-MI0422-MI0425-MI0426-MI0833-MI1413-MI1416-MI1807	پیگیری و بهبود اجرای الزامات موجود و عدم ارائه الزامات مشابه		

MI0201-MI0232-MI0611-MI1252-MI1421-MI1725-MI1818	تفکیک نهاد استانداردگذار و مجری		
MI0308MI0722-MI0723-MI1247-MI1249-MI1303-MI1304-MI1609-MI1613-MI1707-MI1709-MI1727-MI1833-MI1920	هدفمند کردن گزارشگری مالی	محتوای افشا	
EI0120-EI0301-MI0424-MI0726-MI0727-MI0807-MI0819-MI1112-MI1405-MI1432-MI1813-MI1817-MI1912-MI1944	بهبود افشای کیفی و توصیفی		
MI0233-MI0236-MI0237-MI0242-MI0244-MI0828-MI1016-MI1018-MI1020-MI1029-MI1032-MI1034-MI1102-MI1104-MI1110-MI1116-MI1935	ارائه رهنمودهایی درباره افشا		
EI0225-EI0226-MI1019-MI1236-MI1237-MI1238-MI1239-MI1255-MI1415-MI1430-MI1949	بهبود افشای اختیاری		
EI0119-EI0222-MI0121-MI0124-MI0240-MI0515-MI0617-MI0918-MI0925-MI1108-MI1229-MI1253-MI1254-MI1258-MI1422-MI1427-MI1428-MI1429-MI1822-MI1827-MI1828-MI1830-MI1831-MI1939-MI1941-MI1942	بهبود نقش اعتباربخشی حسابرسی		
MI0306-MI0614-MI0928-MI1233-MI1234-MI1516	بهبود گزارشگری معاملات با اشخاص وابسته		
EI0111-EI0206-EI0224-MI0122-MI0309-MI0418-MI0517-MI0737-MI0835-MI0837-MI0838-MI0923-MI1013-MI1033-MI1114-MI1259-MI1703-MI1834-MI1945-MI1953	-		
EI0107-EI0109-EI0116-EI0217-EI0308-MI0702-MI0703-MI0717-MI0738-MI0836-MI0908-MI0924-MI1113-MI1115-MI1205-MI1206-MI1207-MI1216-MI1226-MI1256-MI1302-MI1401-MI1402-MI1403-MI1406-MI1410-MI1414-MI1417-MI1431-MI1523-MI1525-MI1534-MI1711-MI1821-MI1832-MI1916-MI1924-MI1928-MI1933-MI1934-MI1947-MI1954-MI1955	-	شکل افشا و سایر موارد	

تم اصلی اول: بسترهای افشا در ایران: در این پژوهش ابتدا به بررسی شرایط فعلی

اثرگذار بر افشا در ایران پرداخته شده است. عوامل موثر، چهار تم فرعی به شرح زیر است:

الف: عوامل محیطی کلان موثر بر افشا:

طبق یافته‌های پژوهش، شرایط سیاسی مانند تحریم و ریسک سیاسی و عوامل اقتصادی مانند عدم ثبات اقتصادی، شرایط سرمایه‌گذاری خارجی، اقتصاد دولتی، عدم شفافیت اقتصادی و تورم بالا و همچنین عوامل فرهنگی، عوامل محیطی کلان موثر بر افشا می‌باشند. نمونه ای از پاسخها به شرح زیر است (اعداد داخل پرانتز کدهای مربوطه است):

«اولین عامل، عامل سیاسی است، به نظر من همیشه بحث عوامل سیاسی وجود دارد، البته یک

Interaction خیلی زیادی هم با اقتصاد دارد. (MI1511)»

ب: شرایط نظارتی و قانونگذاری:

عدم پابندی به الزامات، اثربخش نبودن قوانین و مقررات، مشکلات در تدوین استانداردهای حسابداری و مشکلات ساختاری نهادهای نظارتی و قانونگذاری بر سطح افشا در ایران موثر است. فقدان ضمانت اجرایی، عدم برخورد با موارد قصور در افشا، نظارت نامناسب و برخورد متفاوت مراجع نظارتی با موارد تخلف از جمله مشکلات موجود در دسته عدم پابندی به الزامات و عدم شناخت استفاده کنندگان و نیازهای اطلاعاتی آنها، در نظر نگرفتن ویژگی‌های محیطی در تدوین مقررات، نبود بسترسازی مناسب و قصور در اجرای صحیح قوانین و مقررات و تاکید بر شکل آنها، تعدد الزامات و یکپارچه نبودن آنها و به روز نبودن دستورالعمل‌ها سبب اثربخش نبودن قوانین و مقررات می‌شود. از مشکلات موجود در تدوین استانداردهای حسابداری می‌توان به مشکلاتی از قبیل فقدان دستورالعمل و رهنمود، سرعت بالای تدوین استانداردهای جدید و اجرایی نبودن برخی از آنها به دلیل ساختارهای موجود، عدم بررسی و پیگیری اجرای استانداردها، فقدان زیرساخت آموزشی و مالیاتی اشاره کرد و ضعف و جایگاه و تعدد نهادهای نظارتی و عدم هماهنگی از جمله مشکلات ساختاری نهادهای نظارتی و قانونگذاری می‌باشد. نمونه‌ای از نظرت مصاحبه‌شوندگان در زمینه مواردی که اشاره کردیم به شرح زیر است:

«یک مشکل دیگر به نظرم مقررات خیلی غیریکپارچه می‌توانیم بگوییم، استانداردها یک

چیزهایی می‌گویند دوباره در برخی مقررات دیگر، مثلاً مقررات سازمان بورس و ممکن است

در موارد دیگری که دستگاه‌های نظارتی دیگری وجود دارد مثل بانک مرکزی، بیمه‌ها، آن‌ها

هم ممکن است یک سری مقرراتی داشته باشند که این‌ها حالت یکپارچه ندارد. (MI1802)»

ج: چالش‌های مرتبط با حرفه حسابرسی

یافته‌های پژوهش بیانگر این است که وابستگی اقتصادی حسابرس به صاحبکار، نبودن شرایط برای رقابت عادلانه و سالم در حرفه حسابرسی و تضعیف نقش اعتباربخشی حسابرسی از جمله

موارد اثرگذار مرتبط با حرفه حسابرسی می‌باشند. در مواردی تعدیل گزارش حسابرسی برای حفظ صاحبکار به علت وابستگی اقتصادی حسابرسان رخ می‌دهد و مشکلات ساختاری موسسات موجود، مشکلات نظارتی، فقدان استقلال، تعدد موسسات معتمد بورس سبب نبود شرایط لازم برای رقابت عادلانه و سالم در حرفه حسابرسی شده است. کیفیت پایین برخی گزارش‌های حسابرسی، کم‌رنج شدن نقش اعتبارسنجی، رویکرد چک‌لیستی حسابرسان، عدم توجه کافی به افشا در گزارش نهایی و عدم آشنایی کافی با تکنولوژی‌های نوین از جمله مواردی است که حاکی از تضعیف نقش اعتباربخشی حسابرسی است.

د: سایر موانع موجود که عبارتند از: مشکلات آموزشی، مشکلات ساختاری شرکت و وضعیت ذینفعان و بازار سرمایه.

تم اصلی دوم: مشکلات فعلی افشا در گزارشگری مالی: این مشکلات عبارتند از:

الف: موانع و مشکلات موجود در پیاده سازی استانداردها

- ۱- مشکلات موجود در همگرایی با استانداردهای بین‌المللی: مشکلات در بکارگیری ارزش منصفانه، عدم توجه به نیازهای خاص کشور، فقدان زیرساخت‌های اطلاعاتی و آموزشی حسابداری، پیچیده‌تر شدن گزارشگری مالی، امکان‌پذیر نبودن به دلیل شرایط محیطی و مشکلات موجود در گزارشگری قسمت‌ها،
- ۲- تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی جانبدارانه،
- ۳- مغفول ماندن افشا: عدم توجه کافی به افشا در مقایسه با اندازه‌گیری و تدوین استاندارد بدون رهنمود یا راهنمای بکارگیری.

ب: محتوای افشا: مشکلات موجود در این بخش عبارتند از:

- ۱- پیچیدگی افشا و فقدان یکپارچگی: یافته‌های حاصل از تحلیل تم‌های پژوهش بیانگر نظام‌مند نبودن افشا، فاصله انتظارات و عدم تقارن اطلاعاتی بالا و هدفمند نبودن گزارشگری مالی، پراکندگی اطلاعات و عدم شناسایی استفاده‌کنندگان و نیازهای اطلاعاتی آنان می‌باشد.
- ۲- مشکلات موجود در افشای کیفی و توصیفی: ارائه حداقل افشا و بدیهیات صرفاً برای رفع تکلیف، مشکلات موجود در ارائه اطلاعات مکمل به صورت کمی، چالش

حسابرسی این نوع افشا، اطلاعات پراکنده و غیرمنسجم، عدم استفاده از یادداشت‌ها و گزارش تفسیری مدیریت در تحلیل‌ها و تهیه شکلی آن از مشکلات مطرح شده در این دسته بودند.

۳- فقدان انگیزه برای افشای اختیاری: در حال حاضر تمهیدات کافی برای افشای اختیاری فراهم نشده است و شرکت‌ها انگیزه‌ای برای این نوع افشا ندارند.

۴- نامناسب بودن کیفیت برخی گزارش‌های حسابرسی،

۵- افشای نامناسب ریسک: علیرغم تدوین استانداردهای حسابداری و پرداختن بیشتر به مسئله ریسک در سالهای اخیر و اهمیت آن در تصمیم‌گیری، کماکان افشای مناسبی صورت نمی‌پذیرد.

۶- افشای نامناسب معاملات با اشخاص وابسته: عدم ارائه اطلاعات مفید، پرداختن به شکل به جای محتوا، عدم اجرای صحیح استاندارد حسابداری شماره ۱۲، عدم افشا یا افشای نامناسب آگاهانه توسط شرکت‌ها از جمله مشکلات موجود در زمینه افشای معاملات با اشخاص وابسته مطرح گردیده است.

« محتوایی نیست، پیچیده به سمت شکل و حجم بیشتر، به نظرم یک مقداری راه

را گم کردیم باید بگردیم دنبال Solution و بر اساس این Data Solution بدهیم که

واقعاً آن Data بتواند مشکل را حل کند، الان این طوری نیست به نظر من. (MI1714)»

ج: مقدار افشا: مشکلات شناسایی شده در این بخش بر اساس یافته‌های پژوهش عبارتند از:

۱- همپوشانی اطلاعاتی میان گزارش‌های ارائه شده توسط شرکت‌ها،

۲- اضافه بار اطلاعاتی،

۳- نقض محرمانگی و یا افشای اسرار تجاری: افشا اطلاعات محرمانه و اسرار تجاری،

۴- کلی‌گویی و افشای ناکافی: عدم ارائه برخی اطلاعات مربوط و کاهش پاسخگویی.

۵- د: شکل افشا و سایر موارد: گزارشگری نامناسب در حوزه پایداری و مسئولیت

اجتماعی، تهیه گزارش‌های صورتی، تاکید بیش‌ازحد بر صورت‌مالی نمونه، کاهش

تمایل ورود به بازار سرمایه، کاهش باراطلاعاتی ناشی از به‌موقع نبودن ارائه گزارش‌ها

از جمله سایر مشکلات مطرح شده است.

تم اصلی سوم: راهکارهای بهبود افشا: راهکارهای مطرح شده به شرح زیر است:

الف: اصلاح فرایند تدوین استانداردها و نظارت بر پیاده سازی الزامات مربوطه:

۱- بهبود فرایند پذیرش استانداردهای بین‌المللی: در نظر گرفتن شرایط موجود و بهبود زیرساخت‌ها از جمله راهکارهای مطرح شده است.

۲- بهبود ضمانت اجرایی: طبق پاسخ‌های ارائه شده، مشکل عدم پایبندی به الزامات را می‌توان از طریق پیگیری و نظارت مستمر بر اجرای استانداردها، تقویت ضمانت اجرایی قوانین و مقررات، تقویت قوانین و سازوکار مبارزه با جرائم- اقدامات تنبیهی مرتفع نمود.

۳- بهبود و به‌روز رسانی الزامات: برآیند نظرات چنین بود که بازنگری و بهبود مستمر الزامات افشا در برخی استانداردها، اصلاح دستورالعمل افشا، اجرای کامل الزامات افشا در استانداردها و آموزش اجرای استانداردها می‌تواند به بهبود افشا کمک کند.

۴- تمرکز بر افشای اجباری: اکثریت مصاحبه‌شوندگان اتفاق نظر داشتند در شرایط فعلی، تاکید بیشتر بر افشای اجباری نسبت به افشای اختیاری می‌تواند نتایج موثرتری به همراه داشته باشد.

۵- پیگیری و بهبود اجرای الزامات موجود و عدم ارائه الزامات مشابه،

۶- تفکیک نهاد استاندارد‌گذار و مجری.

ب: محتوای افشا: راهکارهای مطرح شده به منظور بهبود محتوای افشا عبارتند از:

۱- هدفمند کردن گزارشگری مالی: در این دسته مفهومی شناسایی استفاده‌کنندگان اصلی، پایش مستمر اهداف و نیازهای اطلاعاتی آنان، مشارکت ذینفعان در تدوین استانداردها و تدوین چارچوب افشا، تاکید شده است.

۲- بهبود افشای کیفی و توصیفی: در این راستا به مسائلی مانند توجه به نگارش گزارشگری مالی (لحن و خوانایی)، قابل ارزیابی کردن افشای کیفی و توصیفی، تعیین عناوین، ارائه الگو و نمونه، بهبود گزارش تفسیری و بهبود افشای ریسک اشاره شده است.

۳- ارائه رهنمودهایی درباره افشا،

۴- بهبود افشای اختیاری: ایجاد انگیزه برای افشای اختیاری، تدوین دستورالعمل افشای داوطلبانه، تسهیل فعالیت تحلیلگران و حمایت از آنها و فعالیت کارآمد موسسات رتبه بندی از راهکارهای مطرح شده در راستای بهبود افشای اختیاری است.

۵- بهبود نقش اعتباربخشی حسابرسی: برخورد با موارد قصور در افشا، قضاوت حرفه‌ای بیشتر، تقویت استقلال موسسات حسابرسی، ارائه خدمات متنوع، بزرگ شدن موسسات حسابرسی، استفاده از فناوری‌های نوین از راهکارهای مطرح شده می‌باشد.

۶- بهبود گزارشگری معاملات با اشخاص وابسته،

ج: مقدار افشا: از جمله دیگر راهکارهای مطرح شده در این بخش عبارتند از: اتخاذ استراتژی تمایز در تدوین قوانین و مقررات و نظارت، تعیین حدود و ثغور اطلاعات محرمانه و اسرار تجاری، توسعه افشای اختصاصی و تعیین حدود و ثغور و ارزیابی مستمر آن، تدوین دستورالعمل یا آیین‌نامه اجرایی افشای اسرار تجاری، افشا در سایت شرکت و جلوگیری از افشای مازاد.

د: شکل افشا و سایر موارد: توسعه سامانه کدال، شفاف‌سازی درباره صورت‌های مالی نمونه و تاکید بر محتوای آنها، گزارشگری یکپارچه، گزارشگری پایداری، پرداختن به مفهوم اهمیت، بهبود به موقع بودن، الزام و افشای بیشتر در گزارشگری مالی میان دوره‌ای و تسهیل و افزایش جذابیت ورود به بازار سرمایه، از جمله راهکارهای دیگر باشد که می‌تواند سبب کاهش هزینه سرمایه، ارتقای اعتماد عمومی به بازار سرمایه، بهبود جایگاه حسابداری و حسابرسی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش شفافیت و بهبود بازار سرمایه گردد. در نهایت پس از بررسی کامل تم‌ها، الگوی زیر برای بهبود افشا در گزارشگری مالی در ایران تدوین شده است.



شکل ۱. الگوی بهبود افشا در گزارشگری مالی

نتیجه گیری و بحث

هدف اصلی افشا کمک به استفاده کنندگان در تصمیم گیری مربوط به سرمایه گذاری، تفسیر وضعیت مالی شرکت‌ها، ارزیابی عملکرد مدیریت، پیش بینی جریان‌ها و جوه نقد آتی است و به این دلیل بایستی تمام واقعیت‌های بااهمیت واحد اقتصادی به نحو مناسب و کامل افشا شوند، تا امکان اتخاذ تصمیم فراهم گردد و مانع از سردرگمی شود. افشا بایستی حاوی تمامی اطلاعات با اهمیت، مربوط و به موقع باشد و این اطلاعات به صورت قابل فهم و حتی الامکان کامل ارائه گردد تا امکان اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه را برای استفاده کنندگان فراهم سازد.

مفهوم افشا مفهوم گسترده‌ای است و پژوهش‌های متعددی در ایران در زمینه اندازه گیری سطح افشای اطلاعات توسط شرکتها، شناسایی عوامل و محرک‌های موثر بر رویه‌ها و سطح افشای اطلاعات و پیامدهای افشای اطلاعات، انجام شده است (رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۳) و مشکلات متعددی شناسایی و پیشنهادهای مطرح شده است، اما تاکنون پژوهشی با هدف بررسی مشکلات فعلی افشا در گزارشگری مالی و ارائه راه‌حلی جامع از دیدگاه صاحب‌نظران انجام نشده است. در این پژوهش به صورت جامع به بررسی تمامی ابعاد افشا در ایران پرداخته شده است.

در این پژوهش با استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام شده با صاحب‌نظران با استفاده از روش تحلیل تم، به بررسی مشکلات موجود در افشا در گزارشگری مالی در ایران پرداخته شده و راه‌حلی به منظوری بهبود شرایط فعلی ارائه شده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، افشا در گزارشگری مالی در ایران با مشکلات متعددی مواجه می‌باشد که متاثر از عوامل متعددی مانند عوامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و همچنین مشکلات در بخش نظارت و قانونگذاری و چالش‌های فعلی در بخش حسابرسی است و مشکلاتی مانند وضعیت آموزشی و ساختاری شرکت‌ها و وضعیت ذینفعان و بازار سرمایه سبب تشدید آن می‌گردد. از جمله مشکلات فعلی که در افشا در گزارشگری مالی وجود دارد عبارتند از موانع و مشکلات موجود در پیاده‌سازی کامل استانداردها، پیچیدگی افشا، وضعیت نامناسب افشای کیفی و توصیفی، فقدان انگیزه برای افشای اختیاری، افشای نامناسب ریسک و معاملات با اشخاص وابسته، کاهش کیفیت برخی گزارش‌های حسابرسی، همپوشانی و اضافه بار اطلاعاتی، کلی‌گویی و افشای ناکافی و عدم ارائه برخی اطلاعات مربوط و حتی در مواردی نقض محرمانگی و یا افشای اسرار تجاری توسط شرکتها می‌باشد. اصلاح فرایند تدوین استانداردها و نظارت بر پیاده‌سازی الزامات

مربوطه، هدفمند کردن گزارشگری مالی، بهبود افشای کیفی و توصیفی، ارائه رهنمودهایی درباره افشا، بهبود افشای اختیاری و نقش اعتباربخشی حسابرسی و گزارشگری معاملات با اشخاص وابسته می‌تواند سبب بهبود افشا گردد و نقش موثری در ارتقا اثربخشی گزارشگری مالی ایفا نماید.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، در حال حاضر مشکلاتی در افشا وجود دارد که مانع دستیابی به نتایج مورد نظر می‌گردد. به منظور کسب اعتماد سرمایه‌گذاران و بهبود فضای اطلاعاتی بازار سرمایه، بهتر است تغییراتی در الزامات موجود و همچنین در شکل و محتوای افشا با توجه به یافته‌های این پژوهش به منظور افزایش ضمانت اجرایی آنها و همچنین بروزرسانی متناسب با شرایط و نیازهای اطلاعاتی صورت پذیرد و رهنمودهای کافی ارائه گردد. همچنین دست اندرکاران بازار سرمایه می‌توانند با انجام سیاست‌های تشویقی، به فرهنگ‌سازی پیرامون ارائه افشای اختیاری اطلاعات به عنوان یک ابزار مهم اقتصادی به منظور افزایش شفافیت بپردازند. ضعف در بخش آموزش نیز یکی از چالش‌های اساسی در پیاده‌سازی صحیح الزامات افشا می‌باشد که در این راستا، دانشگاه‌ها، سازمان بورس، سازمان حسابرسی، جامعه حسابداران رسمی و انجمن‌های حسابداری می‌توانند گام اساسی در پیشبرد اهداف افشا داشته باشند.

با توجه به اینکه این پژوهش براساس مصاحبه صورت گرفته است، محدودیت‌های ذاتی ابزارهای گردآوری در این پژوهش وجود دارد. گستردگی موضوع پژوهش به عنوان یکی دیگر از محدودیت‌ها در اجرا مسلماً بر اجرای این پژوهش تاثیر گذاشته است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با روش‌های کمی، عوامل مؤثر بر بهبود افشا بررسی و همچنین مطالعه‌ای تطبیقی به منظور مقایسه افشا به صورت جامع و در همه ابعاد در کشورهای توسعه یافته با شرایط فعلی در ایران صورت پذیرد تا نارسایی‌های موجود به صورت دقیق شناسایی گردد.

منابع

- از کیا، مصطفی؛ احمدرش، رشید؛ پارتازیان، کامبیز. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل، تهران: انتشارات کیهان.
- اعتمادی، حسین؛ سپاسی، سحر؛ احمدیان، وحید. (۱۳۹۶). فراتحلیل اثرات پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی بر کیفیت گزارشگری مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۷(۲): ۴۷-۸۸.
- امیرآزاد، میرحافظ؛ برادران حسن‌زاده، رسول؛ محمدی، احمد؛ تقی‌زاده، هوشنگ. (۱۳۹۷). مدل جامع عوامل موثر بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران به روش نظریه‌پردازی زمینه‌بنیان. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۰(۴): ۲۱-۴۲.
- حمزه نیک نیافرود، مسعود؛ افلاطونی، عباس؛ نیکبخت، زهرا. (۱۳۹۹). تأثیر کیفیت اطلاعات حسابداری و کیفیت افشاء بر بکارگیری منابع مالی در هسته اصلی فعالیت تجاری شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰(۱): ۹۷-۱۱۴.
- حسینی، احد؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ بحری‌ثالث، جمال؛ سعدی، رسول. (۱۴۰۰). تحلیل عاملی اکتشافی چالش‌ها و موانع پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۸(۳): ۵۳۳-۵۵۲.
- رحمانی، علی؛ بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۳). مروری بر ادبیات افشای اطلاعات در ایران. حسابداری و منافع اجتماعی، ۴(۴): ۳۵-۶۸.
- رحمانی، علی؛ بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۶). محرک‌های افشای اختیاری در بازار سرمایه ایران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۵۶): ۱-۳۲.
- کاشانی پور، محمد؛ مهربان پور، محمدرضا؛ سرلک، نرگس؛ پورموسی، علی اکبر. (۱۴۰۰). بررسی ضرورت پذیرش و بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط در ایران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱(۳): ۱۱۳-۱۳۸.
- مشایخ، شهناز؛ میمنت‌آبادی، شیوا. (۱۳۹۳). افشای حسابداری، کیفیت حسابداری، محافظه‌کاری شرطی و غیر شرطی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶(۲۴): ۵۳-۷۰.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۰). راهنمای عملی پژوهش کیفی، انتشارات سمت، تهران، چاپ سوم.

References

- Alfraih, M. M; & Almutawa, A. M. (2014). An Empirical Investigation of Users' Views on Corporate Annual Reports in Developing Countries: Evidence from Kuwait. *Review of Contemporary Business Research*, 3(3), 51-83.
- Amirazad, M; Baradaran Hassanzadeh, R; Mohammadi, A; Taghizadeh, H. (2019). Modeling the Factors Affecting Financial Reporting Quality using

- Grounded Theory in Iran. *Journal of Financial Accounting Research*, 10(4), 21-42. (In Persian).
- Archambault, J. J; & Archambault, M. E. (2003). A multinational test of determinants of corporate disclosure. *The International Journal of Accounting*, 38(2), 173-194.
- Azkiya, M; Ahmad Rash, R; Partazian, K. (2017). *Qualitative research methods from theory to practice*. Vol 1. Tehran: Keyhan Publication. (In Persian).
- Bakarich, K. M; Hossain, M; & Weintrop, J. (2019). Different time, different tone: Company life cycle. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 15(1), 69-86.
- De Souza, J. A. S; Rissatti, J. C; Rover, S; & Borba, J. A. (2019). The linguistic complexities of narrative accounting disclosure on financial statements: An analysis based on readability characteristics. *Research in International Business and Finance*, 48, 59-74.
- Elkins, H; & Entwistle, G. (2018). A commentary on accounting standards and the disclosure problem: Exploring a way forward. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 33, 79-89.
- Etemadi, H; Sepasi, S; Ahmadian, V. (2017). Meta-analysis of IFRS Adoption Effects on Financial Reporting Quality. *Empirical Research in Accounting*, 7(2), 47-88. (In Persian).
- Gray, R; Kouhy, R; & Lavers, S. (1995). Corporate social and environmental reporting: a review of the literature and a longitudinal study of UK disclosure. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 8(2), 47-77.
- Hamze Nikniafard, M; Aflatooni, A; & Nikbakht, Z. (2020). The Effect of Accounting Information Quality and Disclosure Quality on the Use of Financial Resources in Firms' Core Business. *Empirical Research in Accounting*, 10(1), 97-114. (In Persian).
- Hendriksen, E. S; & Van Breda, M. F. (1992). *Accounting Theory*, Richard D. Irwin IMC, Chicago.
- Hooman, Haidar Ali. (2011). *Handbook of Qualitative Research*. Tehran: SAMT Publication. Third edition. (In Persian).
- Hosseini, A; Jabbarzade Kangaarloye, S; Bahrisals, J; & Sadi, R. (2021). Exploratory Factor Analysis of the Challenges and Obstacles of the Implementing IFRS in Iran. *Accounting and Auditing Review*, 28(3), 533-552. (In Persian).
- kashanipour, M; Mehrabanpour, M; Sarlak, N; & Pourmousa, A. A. (2021). Investigating the Necessity of Implementing and Applying "IFRS for Small and Medium Enterprises" in Iran. *Empirical Research in Accounting*, 11(3), 113-138. (In Persian).
- Lev, B. (2018). The deteriorating usefulness of financial report information and how to reverse it. *Accounting and Business Research*, 48(5), 465-493.
- Mashayekh, S; Meymanat abadi, S. (2015). Disclosure of accounting, accounting quality, conditional and unconditional conservatism. *Researches of Financial Accounting and Auditing*, 6(24), 53-70. (In Persian).
- Rahmani, A; Bashirimanesh, N. (2014). A Review of the Literature on Disclosure in Iran. *Journal of Accounting and Social Interests*, 4(4), 35-68. (In Persian).

- Rahmani, A; Bashirimanesh, N. (2017). Determinants of Voluntary Disclosure in Iran Capital Marke. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 14(56), 1-32. (In Persian).
- Saha, A; & Bose, S. (2021). Do IFRS disclosure requirements reduce the cost of capital? Evidence from Australia. *Accounting & Finance*, 61(3), 4669-4701.
- Saha, A; Morris, R. D; & Kang, H. (2019). Disclosure Overload? An Empirical Analysis of International Financial Reporting Standards Disclosure Requirements. *Abacus*, 55(1), 205-236.
- Singleton-Green, B; & Hodgkinson, R. (2013). Financial Reporting Disclosures: Market and Regulatory Failures. *Information for Better Markets series*, December.
- Soliman, M; & Ben-Amar, W. (2022). Corporate social responsibility orientation and textual features of financial disclosures. *International Review of Financial Analysis*, 84, 102400.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

بررسی تأثیر معیارهای عملکرد اقتصادی و حسابداری بر خوانایی گزارشگری مالی مبتنی بر افشای روایی اطلاعات^۱

یعقوب حسین پور^۲، ناصر ایزدی نیا^۳، حمزه محمدی خوشئی^۴، محمد علیمراد^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۸

مقاله پژوهشی

چکیده

مدیران می‌توانند به طور عمد روایی اطلاعات را با پیچیده‌تر کردن خوانایی آنها کاهش داده و موجب کاهش شفافیت و فهم استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی گردند. مدیران هنگامی که عملکردشان ضعیف است، افشای روایی اطلاعات را پیچیده‌تر می‌کنند. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر معیارهای عملکرد اقتصادی و حسابداری بر خوانایی گزارشگری مالی است. نمونه‌ای متشکل از ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق تهران با روش حذف سیستماتیک در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۴۰۰ انتخاب گردید. پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع کاربردی و از لحاظ طبقه بندی بر حسب روش، از نوع توصیفی بوده و روش تحلیل داده‌ها از نوع تحلیل رگرسیونی و روش داده‌های تابلویی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معیارهای اقتصادی استفاده شده در این پژوهش، بر خوانایی گزارش‌های مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارند. همچنین معیارهای حسابداری نظیر بازده دارایی‌ها و سود هر سهم، بر خوانایی گزارش‌های مالی تأثیر منفی و بازده حقوق صاحبان سهام بر خوانایی گزارش‌های مالی تأثیر مثبت دارند. آزمون معیارهای ترکیبی بازار و حسابداری هم مثل کیو توین و قیمت به سود، نشان می‌دهد که این متغیرها تأثیر مثبت و معنی‌داری بر خوانایی گزارش‌های مالی دارند. مطابق نتایج پژوهش، انتظار می‌رود عملکرد بهتر شرکتها در قالب متغیرهای اقتصادی، حسابداری و ترکیبی بازار-حسابداری، باعث خوانایی و شفافیت اطلاعاتی در گزارش‌های مالی گردد و رفتار فرصت طلبانه در ارائه گزارش‌های مالی نداشته باشند و تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاران تسهیل گردد.

واژه‌های کلیدی: معیارهای اقتصادی، معیارهای حسابداری، خوانایی گزارشگری مالی، افشای روایی اطلاعات.

طبقه بندی موضوعی: M41، G40.

10.22051/JERA.2022.40870.3022 :DOI ۱

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (yhp.hosseinpour@gmail.com)

۳. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول). (N.Izadinia@ase.ui.ac.ir)

۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (mohammadi.khosh@yahoo.com)

۵. استادیار، گروه حسابداری، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (alimoradi@khuisf.ac.ir)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

گزارش های مالی، ابزار اصلی ارتباط بنگاه ها به حساب می آیند و اطلاعات حسابداری کمی و کیفی ارائه می دهند که برای تصمیم گیری مفید هستند. پیچیدگی زبان که در افشای روایی اطلاعات حسابداری به کار می رود، استخراج اطلاعات را دشوارتر می کند و برای مدیرانی که عملکرد ضعیف دارند، به عنوان یک ترفند استفاده می شود (دسوزا و همکاران^۱، ۲۰۱۹). بر اساس فرضیه مبهم سازی مدیریت^۲، انگیزه مدیران در خصوص افشاهای با شفافیت کمتر، می تواند موجب مبهم سازی و پنهان کردن اطلاعات شود. مدیران می توانند اطلاعاتی را که به افشای آنها تمایل ندارند، پنهان کرده و موجب دشواری درک گزارشگری مالی برای سرمایه گذاران شوند (بلومفیلد^۳، ۲۰۰۲). در این رابطه، لی^۴ (۲۰۰۸) معتقد است که مدیران، ماهیت انتقال خبر بد یا ماهیت دائمی خبر بد را از طریق گزارش های سالانه پیچیده تر، پنهان می کنند. احمدی و قائمی (۱۳۹۷) نیز معتقدند که مدیران با استفاده از افشای پیچیده و طولانی، برخی اطلاعات مد نظر خود را از دید سرمایه گذاران و سایر ذینفعان مخفی نگه می دارند تا اخبار بد یا عملکرد بد آنها در گزارش های شرکت به سادگی مشخص نشود. بنابراین سرمایه گذاران، براساس قوانین و مقررات، پس از مشخص شدن ارائه نادرست افشای مالی شرکت، به انجام اقدامات قانونی مبادرت کنند. در این رابطه، لی (۲۰۰۸) معتقد است گزارش های سالانه شرکت هایی که دارای سود کمتری هستند، طولانی و پیچیده تر و غیرشفاف تر از سایر شرکتها است.

در این پژوهش، جهت ارزیابی عملکرد شرکتها و اینکه عملکرد مطلوب و یا ضعیف براساس معیارهای عملکرد نشان داده می شود، معیارهای عملکرد در سه دسته، معیارهای اقتصادی، حسابداری و ترکیبی بازار و حسابداری طبقه بندی شده و تأثیر این معیارها بر خوانایی گزارش های مالی با رویکرد افشای روایی اطلاعات از لحاظ تجربی در بازار سرمایه ایران، مورد بررسی قرار گرفته است. از شاخص سود هر سهم، بازده داراییها و بازده حقوق صاحبان سهام که از معیارهای سنتی حسابداری هستند و میزان سودآوری و بازدهی منابع را نشان می دهند استفاده شده است. این معیارها براساس پیروی از پژوهش دسوزا و همکاران مورد بررسی قرار گرفته اند. در این پژوهش از معیارهای اقتصادی، مثل ارزش افزوده

1. DeSouza et al.
2. Management Obfuscation Hypothesis
3. Bloomfield
4. Li

اقتصادی، ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده نقدی که جزء شاخص‌های جدید ارزیابی عملکرد شرکتها محسوب می‌شوند استفاده گردیده است. در طبقه سوم معیارهای عملکرد، از معیارهای ترکیبی بازار و حسابداری مثل نسبت کیو توین و نسبت قیمت به سود بر اساس مبانی نظری، در فرضیه پژوهش مورد سنجش و آزمون قرار گرفته‌اند. در پژوهش حاضر بررسی می‌شود که آیا معیارهای اقتصادی و حسابداری می‌تواند باعث تغییر خوانایی گزارش‌های مالی گردد یا خیر؟ به عبارت دیگر شرایط شرکت و معیارهای ارزیابی عملکرد در نظر گرفته شده است. ضمن اینکه در پژوهش حاضر، خوانایی به عنوان متغیر جدید و اولیه مطرح نیست، در صورتی که در پژوهش‌های پیشین، صرفاً بررسی می‌شود که آیا خوانایی، متغیر قابل پذیرفته شده‌ای است یا خیر؟ نکته دیگر اینکه اگر نتایج حاصل از پژوهش نشان دهد که خوانایی بر اساس معیارهای اقتصادی و حسابداری افزایش پیدا می‌کند، حاکی از این است که محتوای این اطلاعات با شرایط حاکم می‌تواند تغییر کند. انتظار می‌رود این پژوهش باب تازه‌ای را در ادبیات حسابداری ایران هم از لحاظ موضوع و هم از لحاظ روش‌های اجرای پژوهش گشوده و موجبات غنای هر چه بیشتر آن را فراهم نماید.

در ادامه مقاله، ابتدا به مبانی نظری، پیشینه و فرضیه‌های پژوهش اشاره شده، سپس روش شناسی و یافته‌های پژوهش ارائه و در نهایت به نتیجه‌گیری و بحث پرداخته شده است.

مبانی نظری، پیشینه و فرضیه‌های پژوهش

استفاده‌کنندگان گزارش‌های مالی اشخاصی هستند که جهت رفع نیازهای اطلاعاتی خود از صورت‌های مالی استفاده می‌کنند. از آنجا که تعداد استفاده‌کنندگان مزبور و میزان آگاهی آنها و همچنین نیاز اطلاعاتی هر گروه بسیار متنوع بوده، گزارش‌ها می‌بایست به گونه‌ای تهیه شوند که به راحتی قابل فهم باشند و با این فرض تهیه شوند که استفاده‌کنندگان از آگاهی متعارفی در مورد فعالیت‌های واحد گزارشگر و نحوه حسابداری برخوردارند و همچنین توانایی مطالعه اطلاعات و تمایل به انجام این کار را داشته باشند. در عین حال، اطلاعات پیچیده‌ای که جهت رفع نیازهای استفاده‌کنندگان مربوط تلقی می‌شوند، نباید به بهانه مشکل بودن درک آن توسط برخی استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی حذف شود، گرچه این گونه اطلاعات نیز باید تا حد امکان به گونه‌ای ساده ارائه شود. در بخش مفاهیم نظری استانداردهای حسابداری ایران، قابل فهم بودن به عنوان یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات، استفاده‌کنندگان را به درک معنای اطلاعات قادر می‌سازد. این ویژگی موجب می‌شود اطلاعات برای استفاده‌کنندگان قابل درک

باشد. در این راستا خوانایی به عنوان مفهومی جدید در عرصه حسابداری، می تواند به قابل فهم بودن بیشتر اطلاعات حسابداری کمک کند (آجینا و همکاران، ۲۰۱۶).

خوانایی عنصری است که مربوط به متن نوشتاری است. خوانایی در مورد اندازه گیری چگونگی درک متن دشوار است (دوبی^۱، ۲۰۰۴). مطالعات مرتبط با خوانایی، در قرن ۱۹ در مدارس آمریکایی پدیدار شد و در قرن بیستم، محققان بر کاربرد آن تمرکز نموده و معیارهای معنایی برای طراحی فرمول هایی که سطح درک متن را ضبط می کنند، تعیین نمودند. خوانایی در اصل، موفقیت در ارسال پیام کتبی به اشخاص ذینفع است و میزان پیچیدگی اطلاعات را ارائه می دهد. اسمیت و تافلر^۲ (۱۹۹۲) بیان می کنند که موفقیت در برقراری ارتباط پیام، با سطح خوانایی گزارش های مالی مرتبط است. اگر یک پیام به درستی درک نشود، نمی تواند برای نظارت یا تصمیم گیری مناسب باشد (جونز^۳، ۱۹۸۸). بنابراین، با توجه به تلاش برای تأمین نیازهای اطلاعاتی کاربران، ارتباط روشن و مؤثر که درک را تسهیل می کند، یک ویژگی ضروری برای گزارش مؤثر است (شرودر و گیسون^۴، ۱۹۹۰). پیام های واضح و خوانا برای کمک به سرمایه گذاران غیر متخصص، در درک شرکت بسیار مهم است. پیچیدگی منجر به وقت و تلاش بیشتر برای استخراج اطلاعات مهم می شود که تحلیل سرمایه گذاران را به خطر می اندازد (بلومفیلد^۵، ۲۰۰۲). در دهه گذشته، پژوهش هایی در مورد قابلیت خوانایی از مطالعه اصلی توسط لی (۲۰۰۸) مبنی بد اخلاقی در گزارشات است. در این مطالعه، لی (۲۰۰۸) رابطه بین قابلیت خوانایی گزارش ها و عملکرد مالی را با استفاده از رابطه سود عملیاتی به کل دارایی های شرکت های فهرست شده در بورس اوراق بهادار ایالات متحده بین سال های ۱۹۹۳ و ۲۰۰۳ را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می دهد که گزارش های سالانه بنگاه هایی که درآمد کمتری دارند، قابل درک نیستند و بنگاه ها با خوانایی گزارش آسان تر، ماندگاری بیشتری دارند. بر اساس پژوهش های قبلی، لو و همکاران^۶ (۲۰۱۷) چگونگی ارائه قابلیت خوانایی گزارش های سالانه را در رابطه با مدیریت درآمد ارائه دادند. آنها با استفاده از معیار اصلی قابلیت خوانایی اتخاذ شده توسط لی (۲۰۰۸) و استفاده از سود هر سهم به عنوان معیار درآمدی، نمونه ای را که از شرکت های فهرست شده در بورس اوراق بهادار ایالات متحده بین سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۲ تهیه شده، بررسی و دریافتند که مدیریت برای غلبه بر نتایج

1. DuBay
2. Smith & Taffler
3. Jones
4. Schroeder & Gibson
5. Bloomfield
6. Lo et al.

درآمد سال گذشته، اطلاعات کمتری را در گزارش‌های مالی افشاء می‌کند. و عملکرد شرکت می‌تواند میزان خوانایی گزارش‌های مالی را مدیریت کند که در این پژوهش از معیارهای حسابداری و اقتصادی عملکرد شرکتها برای سنجش تاثیر گذاری بر خوانایی گزارش‌های مالی استفاده می‌شود. استوارت^۱ (۱۹۹۱) معتقد است، برای اندازه‌گیری عملکرد مدیران شرکت‌ها در کنار معیارهای حسابداری، از روش‌های اقتصادی همچون ارزش افزوده اقتصادی^۲، باید استفاده نمود. استوارت در پژوهش‌های خود برای محاسبه ارزش افزوده اقتصادی بر روی سود عملیاتی گزارش شده برخی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیویورک، یکصد تعدیل انجام داد. برخی دیگر از اقتصاددانان، ارزش افزوده اقتصادی ارائه شده از طرف استوارت را مورد تعدیل قرار دادند و عنوان کردند که بهتر است برای اندازه‌گیری عملکرد مدیران شرکت‌ها، از ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده^۳ استفاده شود. به اعتقاد این اقتصاددانان، برای این منظور باید به جای ارزش دفتری تعدیل شده دارایی‌ها، از ارزش بازار آنها استفاده کرد و چون براساس معادله اصلی حسابداری دارایی با بدهی و حقوق صاحبان سهام برابر است، لذا می‌توان به جای خالص ارزش دارایی‌های شرکت، از مجموع ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به علاوه ارزش بازار بازده‌های آن استفاده کرد. در جدول زیر، رویکردهای چهارگانه ارزیابی عملکرد ارائه گردیده است (شریعت پناهی، ۱۳۸۲).

جدول ۱. رویکردهای چهارگانه ارزیابی عملکرد شرکت‌ها

استفاده از اطلاعات حسابداری	استفاده از اطلاعات مدیریت مالی	استفاده از ترکیب اطلاعات حسابداری و ارزش بازار	استفاده از اطلاعات حسابداری
سود خالص	میزان سود تقسیمی	نسبت قیمت به سود	نرخ رشد سود
نرخ بازده فروش	بازده واقعی سهام و بازده اضافی هر سهم	نسبت قیمت به جریان نقد	نرخ بازده دارایی‌ها
سود هر سهم	مدل قیمت گذاری داراییهای سرمایه ای (CAPM)	نسبت Q توبین	نرخ بازده حقوق صاحبان سهام
ارزش افزوده اقتصادی (EVA)			
ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده (REAV)			
ارزش افزوده بازار			
ارزش افزوده نقدی			

1. Stewart
2. Economic value added
3. Retained Economic value added

هال و برامر^۱ (۱۹۹۹) با تأکید بر سطح ارزیابی عملکرد، تقسیم بندی دیگری از معیارهای ارزیابی عملکرد مدیریت انجام دادند که در آن معیارهای ارزیابی عملکرد به دو گروه کلی معیارهای داخلی و خارجی تقسیم گردیده است. معیارهای داخلی، عملکرد را در سطح شرکت بررسی می کنند و متغیرهای مورد استفاده در این رویکرد درونی هستند. این معیارها شامل معیارهای سنتی ارزیابی عملکرد از جمله سود عملیاتی، نرخ بازده دارایی ها، نرخ بازده حقوق صاحبان سهام و سود هر سهم و معیارهای مبتنی بر ارزش افزوده شامل ارزش افزوده اقتصادی و مشتقات آن از جمله ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده و ارزش افزوده نقدی است. معیارهای خارجی، عملکرد را در سطح بازار مورد بررسی قرار می دهند. بر اساس این معیارها، عملکرد شرکت در صورتی مطلوب است که به افزایش ارزش بازار سهام شرکت منجر شده باشد.

حال با در نظر گرفتن معیارهای حسابداری و اقتصادی بیان شده، مدیران می توانند در صورت پایین بودن این معیارها برای شرکتها و داشتن منافع شخصی، به صورت عمدی، پیچیدگی را به گزارش ها بیفزایند (گای و همکاران^۲، ۲۰۱۶). بر اساس این فرضیه که در ادبیات به عنوان فرضیه مبهم سازی مدیریت^۳ مطرح شده است، مدیران انگیزه دارند زمانیکه عملکرد شرکت رضایت بخش نیست، اطلاعات بازار را تحت الشعاع قرار دهند (بلومفیلد، ۲۰۰۲). از آنجا که تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی پرهزینه است، تنها زمانی منجر به تحلیل دقیق می شود که فواید حاشیه سود بیشتر از هزینه حاشیه ای برای تحلیل بعدی باشد (بلومفیلد، ۲۰۰۲؛ گروسمن و استیگلitz^۴، ۱۹۸۰). از این رو، افشای پیچیده، با افزایش هزینه پردازش اطلاعات، کیفیت تجزیه و تحلیل را کاهش می دهد. لی (۲۰۰۸) به طور تجربی نشان می دهد که اطلاعات پیچیده، هزینه پردازش را افزایش می دهد و پیچیدگی صورتهای مالی بر گزارشهای حسابداری تاریخی سرمایه گذاران تأثیر می گذارد که حاکی از این است که سوء استفاده از داده ها، هزینه هایی را به روند تصمیم گیری اضافه می کند.

شرکت های با عملکرد ضعیف، تمایل دارند این عملکرد بد را از طریق اطلاعات پیچیده پنهان کنند. فرض بر این است که اگر درآمد فعلی گذرا باشد، یا اگر درآمد ناخوشایند ماندگار باشد، مدیران انگیزه دارند که روایی اطلاعات حسابداری را برای خواندن سخت تر کنند (لی، ۲۰۰۸). به

1. Hall and Brummer
 2. Guay et al.
 3. Management Obfuscation Hypothesis
 4. Grossman and Stiglitz

طور مشابه، شرکت‌هایی که عملکرد فعلی و آینده بهتری دارند ممکن است اطلاعات پیچیده کمتری را فاش کنند، که باعث کاهش هزینه‌های پردازش اطلاعاتی آنها می‌شود. مدیران درگیر در اقداماتی که به دنبال به حداکثر رساندن منافع شخصی (انگیزه) خود یا در تلاش برای رسیدن به یک معیار فرصت طلبی هستند، ممکن است افشای روایی پیچیده‌ای را ارائه دهند. این افزایش پیچیدگی ممکن است با آسیب رساندن به اقدامات شرکت‌ها، مانند کسب مدیریت از طریق تعهدات اختیاری یا فعالیت‌های واقعی، گره خورده باشد (لو و همکاران، ۲۰۱۷). لی (۲۰۱۲) در بررسی این مسئله که آیا گزارش‌های سه ماهه پیچیده، کارآیی بازار سهام را به خطر می‌اندازد، دریافت که خوانایی کم اطلاعات، به بازار سهام آسیب می‌رساند، زیرا تحلیل شرکتها را به تأخیر می‌اندازد. آسای^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه خود به بررسی عملکرد شرکت، اهداف گزارش و انتخاب زبان در افشای روایت پرداختند. آنها از یک آزمایش با مدیران با تجربه استفاده می‌کنند تا شواهد مستقیم بیشتری در مورد چگونگی تأثیرگذاری گزارش‌ها و عملکرد شرکت بر انتخاب زبان به دست آورند. به نظر آنها افشای اخبار بد کمتر از خبرهای خوب قابل خواندن است، اما تنها در شرایطی که مدیران انگیزه تقویت خود را دارند. نتایج آنها نشان می‌دهد که این تفاوت عمدتاً با تلاش برای نوشتن گزارش‌های خبری قابل خواندن بیشتر بر خلاف شرط عمدی عملکرد ضعیف رانده می‌شود. به منظور توضیح عملکرد ضعیف در یک عملکرد مثبت ضعیف، مدیران نیز بیشتر به آینده توجه می‌کنند، توضیحات علی را برای عملکرد ضعیف ارائه می‌دهند و از صدای منفعل‌تر و ضمیر شخصی کمتر استفاده می‌کنند. در پژوهشی دیگر دسوزا و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه خود به بررسی پیچیدگی‌های زبانی افشای حسابداری روایی در صورت‌های مالی پرداختند. این تحقیق ارتباط بین خوانایی افشای حسابداری روایی و عملکرد مالی را مورد بررسی قرار می‌دهد و استدلال می‌کند که مدیران هنگامی که عملکردشان ضعیف است، افشای حسابداری روایی را پیچیده‌تر می‌کنند. با استفاده از داده‌های پانل برای نمونه اصلی شامل ۱۶۴۳ شرکت سال و نمونه ثانویه شامل ۱۲۹۷ شرکت سال برای دوره ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶، دریافتند که مدیران به منظور پنهان کردن اطلاعات عملکرد ضعیف‌شان به طور عمد افشای حسابداری روایی را پیچیده‌تر می‌کنند. یافته‌ها با فرضیات ابهام مدیریت مطابقت دارد و به درک این امر کمک می‌کند که گزارش‌های روایی پیچیده به منظور پنهان کردن اطلاعات مالی منفی مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین نشان داده شده است که اطلاعات پیچیده قبلی تأثیر منفی

بر عملکرد فعلی شرکت دارد. بنابراین، از دیدگاه منطقی توافقی وجود دارد که گزارش‌های روایی پیچیده در روند تحلیل پرهزینه و کم‌تأثیر هستند. در پژوهش‌های داخلی حسن زاده و مجتهد زاده (۱۳۸۷) در پژوهشی، رابطه بین ارزش افزوده بازار با معیارهای ارزیابی عملکرد مبتنی بر مدل‌های اقتصادی و حسابداری را مورد بررسی قرار دادند. جامعه آماری شامل شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۸۱ بوده و روش تجلیل اطلاعات، مدل رگرسیونی پانلی با استفاده از نرم افزار Eviews انجام گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که سود بعد از مالیات نسبت به سایر معیارها با ارزش افزوده بازار همبستگی بیشتری دارد. همچنین رحمانی و بشیری منش (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان مروری بر ادبیات افشاء اطلاعات در ایران، به بررسی جامع تحقیقات حوزه افشای اطلاعات در ایران پرداخته و با بررسی موضوعات، متغیرها و عوامل مورد بررسی اطلاعات توسط شرکت‌ها ارائه می‌دهند. بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد توجه به ابعاد مختلف افشای اختیاری و توسعه روش‌های تحقیق مانند استفاده از مدل‌های غیر خطی می‌تواند به بهبود و گسترش ادبیات افشای اطلاعات کمک بسزایی کند.

محسنی و رهنمای رودپشتی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت لحن نوشتار و عملکرد آتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ پرداختند. در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از همبستگی و تحلیل رگرسیون خطی چند گانه استفاده گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین مدیریت لحن نوشتار و عملکرد آتی شرکت رابطه منفی و معنی داری وجود دارد و مدیران، از مدیریت لحن نوشتار با انگیزه‌های راهبردی و برای پوشش عملکرد آتی ضعیف شرکت استفاده می‌کنند. در ادامه پژوهش‌های مرتبط، صفری و رضایی (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای به بررسی استراتژی تجاری و خوانایی گزارشگری مالی پرداختند. در این پژوهش برای سنجش خوانایی گزارشگری مالی از شاخص فوگک و شاخص فلش و برای تعیین نوع استراتژی تجاری شرکت‌ها نیز از سیستم امتیازدهی ترکیبی استفاده شده است. فرضیه تحقیق با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۸۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ و با بهره‌گیری از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت‌های دارای استراتژی تهاجمی، نسبت به شرکت‌های دارای استراتژی تدافعی، گزارش‌های مالی را با خوانایی کمتری منتشر می‌کنند. همچنین، نتایج آزمون تحلیل حساسیت نشان داد که استفاده از معیارهای جایگزین برای سنجش خوانایی گزارشگری

مالی و استراتژی تجاری نیز تأثیری بر نتایج اصلی پژوهش ندارد و نتایج پژوهش از استحکام لازم برخوردار است. نوروزی و همکاران (۱۳۹۹) نیز در پژوهشی به ارزیابی نقش تعدیلی توانایی مدیریت بر رابطه بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی پرداختند. آنها با استفاده از رویکرد مدل سازی معادلات ساختاری داده های ۱۱۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سالهای ۱۳۹۶-۱۳۹۱ مورد بررسی قرار دادند. یافته های تحقیق حاکی از آن است که خوانایی گزارشگری مالی موجب کاهش هزینه نمایندگی شرکت می گردد. علاوه بر این نتایج پژوهش نشان داد که توانایی مدیریت، رابطه منفی بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی شرکت ها را تعدیل و تضعیف می کند.

بشیری منش و صمیمی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان خوانایی متن صورتهای مالی و استراتژی های حسابرسان در مواجهه با ریسک حسابرسی به بررسی تاثیر خوانایی صورتهای مالی بر حق الزحمه، تاخیر در ارائه گزارش، اظهار نظر و تغییر حسابرس پرداختند. نمونه ای شامل ۸۳۲ مشاهده (سال- شرکت) طی دوره زمانی ۱۳۹۷-۱۳۹۰ را مورد بررسی قرار دادند. یافته ها نشان داد با افزایش میزان پیچیدگی و ابهام متن صورتهای مالی، حسابرسان وقت بیشتری برای انجام فرآیندهای حسابرسی صرف نموده و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی و میزان تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی افزایش می یابد. همچنین یافته ها نشان می دهد حسابرسان در مواجهه با ابهام در متن صورتهای مالی از اظهار نظر مشروط استفاده می کنند تا ریسک دعوی حقوقی را کاهش دهند. یوسفوند و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تاثیر خوانایی گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی و کیفیت اقلام تعهدی پرداختند. آنها با استفاده از روش غربالگری، تعداد ۱۷۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در بازه زمانی سال های ۱۳۹۹-۱۳۹۰ به عنوان نمونه انتخاب و مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که هر چه خوانایی گزارشگری مالی بیشتر باشد، اجتناب مالیاتی کاهش می یابد، ولی خوانایی گزارشگری مالی بر کیفیت اقلام تعهدی اثر معنی داری ندارد.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه اول در قالب معیارهای سنتی حسابداری، فرضیه دوم در قالب معیارهای اقتصادی و فرضیه سوم در قالب معیارهای ترکیبی بازار و حسابداری و در راستای نظریه مبهم ساری مدیریت به پیروی از الگوی پژوهش دسوزا و همکاران (۲۰۱۶)، به شرح زیر تدوین گردیده است.

فرضیه اول: سود هر سهم، بازده حقوق صاحبان سهام و بازده دارایی ها، بر خوانایی گزارش های مالی تاثیر دارد."

فرضیه دوم: ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده نقدی، بر خوانایی گزارش‌های مالی تأثیر دارد.

فرضیه سوم: نسبت Q توپین و نسبت قیمت به سود بر خوانایی گزارش‌های مالی تأثیر دارد. در این پژوهش سعی شده است اثر متغیرهای اقتصادی و متغیرهای ترکیبی بازار و حسابداری که در ارزیابی عملکرد شرکتها مورد استفاده قرار می‌گیرد، مورد بررسی قرار گیرد. همانند متغیرهای حسابداری، انتظار می‌رود که شرکت‌هایی که دارای ارزش افزوده اقتصادی و ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده نقدی بالایی دارند، میزان شفافیت و ویژگی‌های خوانایی را در صورت‌های مالی رعایت کنند و عملکرد مطلوب‌تر تأثیر مثبت بر افشای روایی اطلاعات داشته باشد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی و از نظر هدف، کاربردی و در حوزه پژوهش‌های تئوری اثباتی قرار می‌گیرد. در این مطالعه، جهت تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون مبتنی بر داده‌های تابلویی استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۰ بوده و جهت نمونه‌گیری از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. بر این اساس، شرکت‌هایی که واجد شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیده‌اند.

- سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - طی دوره پژوهش، تغییر سال مالی را تجربه نکرده باشند.
 - داده‌های مورد نیاز برای دوره زمانی پژوهش موجود باشد.
 - قبل از سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده و در بازه زمانی پژوهش از بورس خارج نشده باشند.
- با در نظر گرفتن معیارهای فوق، حجم نمونه آماری ۱۵۲ شرکت تعیین گردید.

متغیرهای پژوهش

خوانایی^۱: این متغیر، متغیر وابسته پژوهش است که برای اندازه‌گیری آن مطابق پژوهش دسوزا و همکاران (۲۰۱۹) و حسن (۲۰۱۷) و با استفاده از شاخص فوگک با بکارگیری متن

گزارش‌های مالی و توسط نرم افزار کامپیوتری، اندازه گیری شده است. از این رو در گام نخست، فایل متنی گزارش‌های مالی مربوط به بازه زمانی تحقیق از وب سایت کدال جمع آوری و خوانایی هر یک با استفاده از شاخص گانینگ فوگ به صورت زیر مورد سنجش قرار گرفته است.

فرمول شماره (۱):

$$FOG = 0.4 \left[\left(\frac{\text{تعداد کلمات}}{\text{تعداد جمله‌ها}} \right) + 100 \left(\frac{\text{تعداد کلمات پیچیده}}{\text{تعداد کلمات}} \right) \right]$$

فرآیند و نحوه تعیین سطح خوانایی گزارش‌های مالی در شاخص فوق به ترتیب زیر است:

(۱) انتخاب یک نمونه یکصد کلمه‌ای از ابتدا، یک نمونه یکصد کلمه‌ای از وسط و یک

نمونه یکصد کلمه‌ای از اواخر گزارش به صورت تصادفی

(۲) شمارش تعداد جمله‌های هر یک از نمونه‌ها

(۳) مشخص کردن متوسط طول جملات از طریق تقسیم تعداد کلمات به تعداد جمله‌های کامل

هر نمونه یکصد کلمه‌ای

(۴) شمارش تعداد کلمات سه‌هجایی و بیش از سه‌هجایی موجود (کلمات پیچیده) در هر کدام

از متون یکصد کلمه‌ای (آبرناسی^۱ و همکاران، ۲۰۱۹)، دسوزا و همکاران (۲۰۱۹)،

(حسن، ۲۰۱۷)

(۵) جمع کردن تعداد کلمات پیچیده با تعداد متوسط کلمات در جملات

(۶) ضرب کردن حاصل جمع تعداد کلمات دشوار و متوسط کلمات در جملات با عدد ثابت ۰/۴

(۷) انجام محاسبات بندهای ۴، ۵، ۶، برای دو نمونه یکصد کلمه‌ای دیگر

(۸) محاسبه میانگین نتایج هر سه نمونه از طریق جمع کردن و تقسیم به تعداد

رابطه بین شاخص فوگ و سطح خوانایی بدین شرح است که:

اگر مقدار شاخص فوگ بزرگتر یا مساوی ۱۸ باشد متن قابل خواندن نبوده و پیچیده است.

بین ۱۴-۱۸ (متن سخت)، ۱۲-۱۴ (متن مناسب)، ۱۰-۱۲ (متن قابل قبول) و ۸-۱۰ (متن آسان)

است. از آنجا که مقادیر بیشتر شاخص‌های فوق، بیانگر میزان خوانایی کمتر گزارش‌های مالی

است، لذا هر یک از شاخص های محاسبه شده مذکور در عدد منفی یک (۱-) ضرب می شود، تا معیار مستقیمی از شاخص خوانایی گزارشگری مالی به دست آید.

متغیرهای مستقل

(ROA)^۱: بازده دارایی ها است که با استفاده از نسبت سود خالص بعد از مالیات به مجموع دارایی های اندازه گیری شده است.

(EPS)^۲: سود هر سهم است که از طریق تقسیم میزان سود عملیاتی پس از کسر مالیات بر تعداد کل سهام اندازه گیری شده است.

(ROE)^۳: بازده حقوق صاحبان سهام است که به وسیله نسبت سود خالص به میانگین حقوق صاحبان سهام شرکت اندازه گیری می شود.

(EVA)^۴: ارزش افزوده اقتصادی که طبق فرمول زیر محاسبه می شود:

(سود عملیاتی پس از مالیات - نرخ متوسط هزینه سرمایه * ارزش دفتری سرمایه)

(MVA)^۵: ارزش افزوده بازار که برابر است با (سرمایه به کار گرفته شده در شرکت - ارزش بازار شرکت)

(CVA)^۶: ارزش افزوده نقدی برابر است با (هزینه سرمایه نقدی - سود نقدی عملیاتی پس از مالیات)

(Q توبین): نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری داراییها

(P/E): نسبت قیمت به سود هر سهم است که از حاصل تقسیم قیمت سهام بر سود هر سهم پیش بینی شده به دست می آید.

متغیرهای کنترلی

در این پژوهش با تکیه بر مطالعه دسوزا و همکاران (۲۰۱۹) متغیرهای کنترلی زیر به مدل پژوهش اضافه شده است.

(SIZE): اندازه شرکت از متغیرهای محتوایی است که در محدوده بین سازمان و محیط قرار دارد و از عوامل بیرونی شرکت می باشد. اندازه شرکت ممکن است بر گزارش های مالی اثر

1. Return on Asset
2. Earnings per share
3. Return on Equity
4. Economic value added
5. Market value added
6. Cash value added

گذاشته و آنها را پیچیده تر کند. (لو و همکاران، ۲۰۱۷). بنابراین از لگاریتم خالص فروش سالیانه شرکت برای سنجش اندازه شرکت استفاده می شود.

(AGE): سن شرکت، در رابطه با سن شرکت انتظار می رود که شرکت‌های با قدمت بیشتر، گزارش‌های مالی خواناتری منتشر کنند (لو و همکاران، ۲۰۱۷). لذا، در این پژوهش، سن شرکتها بر اساس فاصله زمانی بین تاریخ تاسیس شرکت تا پایان دوره زمانی پژوهش، در نظر گرفته شده و با استفاده از لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های فعالیت شرکت از زمان تاسیس، اندازه گیری شده است.

(LEV): در دانش مالی، اهرم، فشار و میزان مخاطرات ناشی از هزینه‌های ثابت و تاثیرات بر ساختار سرمایه تعریف شده است. شرکت‌هایی که بدهی بالایی دارند ممکن است مجبور به ترغیب شرکت‌های ارائه دهنده سرمایه به سرمایه‌گذاری شوند و از این طریق اطلاعات پیچیده تری را فاش کنند. انتظار می رود یک علامت مثبت برای اندازه‌گیری اهرم در ارتباط با قابلیت خواندن باشد. به پیروی از پژوهش آجینا و همکاران (۲۰۱۶)، این متغیر از طریق تقسیم مجموع بدهی‌های به کل دارایی به عنوان معیار اهرم مالی اندازه‌گیری می شود.

مدل‌های پیشنهادی پژوهش به صورت روابط زیر می باشد:

مدل اول: این مدل جهت آزمون فرضیه اول مربوط به تاثیر معیارهای سستی حسابداری بر خوانایی گزارش‌های مالی مورد استفاده قرار می گیرد.

$$Readability = \beta_0 + \beta_1 EPS + \beta_2 ROA + \beta_3 ROE + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل دوم: این مدل جهت آزمون فرضیه دوم مربوط به تاثیر معیارهای اقتصادی بر خوانایی گزارش‌های مالی مورد استفاده قرار می گیرد.

$$Readability = \beta_0 + \beta_1 EVA_{it} + \beta_2 MVA_{it} + \beta_3 CVA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

مدل سوم: این مدل جهت آزمون فرضیه سوم مربوط به تاثیر معیارهای ترکیبی بازار و حسابداری بر خوانایی گزارش‌های مالی مورد استفاده قرار می گیرد.

$$READABILITY = \beta_0 + \beta_1 QTobin_{it} + \beta_2 P/E_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \varepsilon_{it}$$

یافته های پژوهش

جدول ۲. آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چارک اول	میان	چارک سوم	کمینه	بیشینه
READ	۳/۶۱۲	۰/۸۲۳	۳/۰۳۰	۳/۶۰۰	۴/۱۷۰	۱/۹۰۹	۸/۸۷۹
ROA	۰/۰۹۸	۰/۱۰۴	۰/۰۳۰	۰/۱۰۰	۰/۱۷۰	-۰/۰۴۵	۰/۲۴۵
EPS	۳/۰۸۵	۵/۰۵۶	-۰/۲۰۷	۳/۱۹۰	۶/۴۲۰	-۲/۹۸۰	۹/۸۹۰
ROE	۰/۰۹۸	۰/۰۹۹	۰/۰۳۰	۰/۱۰۰	۰/۱۶۸	۰/۰۰۱	۰/۷۶۷
EVA	۳/۱۱۸	۱/۱۳۰	۲/۴۱۰	۳/۱۲۰	۳/۸۹۰	۱/۳۲۳	۷/۴۴۳
MVA	۳/۱۱۹	۱/۱۹۵	۲/۳۱۰	۳/۱۳۵	۳/۹۳۸	۱/۲۰۹	۶/۷۶۷
CVA	۳/۲۱۲	۱/۲۰۴	۲/۴۲۲	۳/۲۰۰	۳/۹۹۰	۰/۹۰۹	۵/۴۳۴
Q Tobin	۰/۸۳	۰/۴۴	۰/۱۹	۰/۷۴	۱/۸۹	۰/۰۹	۲/۴۳
P/E	۵/۱۷	۴/۸۶	۰/۲۹	۴/۷۸	۱۵/۶۷	۰/۰۱	۲۱/۸۷
LEV	۰/۶۹۰	۰/۲۲۶	۰/۵۴۰	۰/۶۹۰	۰/۸۴۰	۰/۱۳۴	۰/۹۸۰
SIZE	۱۱/۰۰۶	۱/۹۹۵	۹/۶۸۰	۱۰/۹۹۵	۱۲/۲۹۰	۵/۶۵۷	۱۵/۸۷۸
AGE	۳۸/۱۷۲	۱۲/۱۰۷	۲۹/۸۱۵	۳۸/۵۴۵	۴۶/۲۸۸	۲۴/۷۶۸	۵۵/۰۹۰

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به مقادیر جدول (۲) که اطلاعات آمار توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می دهد، شاخص های پراکندگی میزان پراکندگی مقادیر هر متغیر را در اطراف میانگین نشان می دهند این شاخص ها نشان می دهند که تا چه اندازه داده ها متمرکز یا پراکنده اند. انحراف استاندارد متغیرها نشان می دهد که در تمامی متغیرها پراکندگی متوسطی وجود دارد و میان و میانگین متغیرها نشان می دهد که همه متغیرهای دارای تقارن نسبی هستند.

جدول ۳. نتایج آزمون چاو و هاسمن

آزمون چاو		مدل های پژوهش
P - Value	آماره آزمون	
۰/۰۰۰۱ ***	۶/۵۱۱	مدل اول
۰/۰۰۰۱ ***	۸/۰۰۱	مدل دوم
۰/۰۰۰۱ ***	۷/۹۶۷	مدل سوم
آزمون هاسمن		
۰/۰۰۰۱ ***	۹/۵۶۲	مدل اول
۰/۰۰۰۱ ***	۹/۸۷۸	مدل دوم
۰/۰۰۰۱ ***	۹/۱۲۳	مدل سوم

*** معنی دار در سطح ۵ درصد،
منبع: یافته های تحقیق

جدول (۳) نتایج آزمون چاو برای انتخاب بین مدل تلفیقی و مدل تابلویی را نشان می‌دهد. بدلیل اینکه $P - Value$ از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین فرض صفر (مدل تلفیقی) رد می‌شود و فرض یک (مدل تابلویی) انتخاب می‌شود. همچنین نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد که بدلیل اینکه $P - Value$ از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین فرض صفر (مدل اثرات تصادفی) رد می‌شود و فرض یک (مدل اثرات ثابت) انتخاب می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون مدل اول پژوهش

$Readability = \beta_0 + \beta_1 EPS + \beta_2 ROA + \beta_3 ROE + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \epsilon_{it}$				
متغیر	مقدار ضریب	انحراف معیار	آماره t	$P - Value$
ثابت مدل	۳/۵۵۴	۰/۰۹۹	۳۵/۸۹۸	۰/۰۰۰۱ ***
بازده دارایی	-۰/۴۴۳	۰/۱۰۹	-۴/۰۶	۰/۰۰۰۱ ***
سود هر سهم	-۰/۱۴۴	۰/۰۰۵	-۲۸/۸۰	۰/۰۰۰۱ ***
حقوق صاحبان سهام	۰/۱۱۲	۰/۰۵۴	۲/۲۵۹	۰/۰۰۳ ***
اندازه	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۱/۰۰۰	۰/۳۲۴
سن	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۱/۰۰۱	۰/۳۱۲
اهرم مالی	۰/۰۰۹	۰/۰۱۲	۰/۷۵۰	۰/۴۳۵
ضریب تعیین		۰/۸۳۱		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۲۹		
آماره F		۱۳۲۴/۳۳۴ (۰/۰۰۰۱ ***)		
آماره دوربین - واتسون		۱/۹۷۰		

*** معنی‌دار در سطح ۵ درصد،

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق جدول (۴) مدل رگرسیونی با توجه به آماره F و $P - Value$ به دست آمده معنی‌دار است (چون $P - Value$ از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر است). بنابراین از نظر آماری معنی‌دار است) که این موضوع بیانگر معنی‌دار بودن مدل است. همچنین ضریب تعیین مدل برابر ۰/۸۳۱ است که نشان می‌دهد ۸۳٫۱ درصد تغییرات متغیر وابسته خوانایی در اثر متغیرهای مستقل و کنترلی است که میزان قابل قبولی است. در ادامه برای تعیین اثر هر یک از این متغیرها، آزمون معنی‌داری ضرایب انجام می‌شود.

با توجه به ضریب بازده دارایی‌ها (ROA) در مدل رگرسیونی که برابر با $۰,۴۴۳$ - می‌باشد و چون $P-Value$ از سطح معنی‌داری $۰/۰۵$ کمتر است، بنابراین از نظر آماری معنی‌دار است. یعنی: "بازده دارایی بر خوانایی گزارش‌های مالی تأثیر منفی و معنی‌داری دارد."

با توجه به ضریب سود هر سهم (EPS) در مدل رگرسیونی که برابر با $۰,۱۴۴$ - می‌باشد و چون $P-Value$ از سطح معنی‌داری $۰/۰۵$ کمتر است، بنابراین از نظر آماری معنی‌دار است. یعنی: "سود هر سهم بر خوانایی گزارش‌های مالی تأثیر منفی و معنی‌داری دارد."

با توجه به ضریب بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) در مدل رگرسیونی که برابر با $۰,۱۱۲$ می‌باشد و چون $P-Value$ از سطح معنی‌داری $۰/۰۵$ کمتر است، بنابراین از نظر آماری معنی‌دار است. یعنی: "بازده حقوق صاحبان سهام بر خوانایی گزارش‌های مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد."

جدول ۵. نتایج آزمون مدل دوم پژوهش

$Readability = \beta_0 + \beta_1 EVA_{it} + \beta_2 MVA_{it} + \beta_3 CVA_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 AGE_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \epsilon_{it}$				
متغیر	مقدار ضریب	انحراف معیار	آماره t	$P-Value$
ثابت مدل	۳/۴۴۳	۰/۱۲۳	۲۷/۹۹۱	۰/۰۰۰۱ ***
ارزش افزوده اقتصادی	۰/۵۴۶	۰/۱۲۵	۴/۳۵۲	۰/۰۰۰۱ ***
ارزش افزوده بازار	۰/۴۳۵	۰/۱۱۴	۳/۸۱۵	۰/۰۰۰۱ ***
ارزش افزوده نقدی	۰/۳۲۴	۰/۲۱۳	۱/۵۲۱	۰/۰۲۳ ***
اندازه	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۸۰۰	۰/۴۳۵
سن	۰/۰۱۰	۰/۰۰۹	۱/۱۱۱	۰/۳۲۴
اهرم مالی	۰/۰۰۹	۰/۰۱۱	۰/۸۱۸	۰/۴۳۲
ضریب تعیین		۰/۸۶۰		
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۵۶		
آماره F		(۰/۰۰۰۱ ***) ۱۱۲/۰۰۹		
آماره دوربین - واتسون		۱/۷۶۸		

*** معنی‌دار در سطح ۵ درصد،

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق جدول (۵) مدل رگرسیونی با توجه به آماره F و $P-Value$ به دست آمده معنی‌دار است (چون $P-Value$ از سطح معنی‌داری $۰/۰۵$ کمتر است و بنابراین از نظر آماری معنی‌دار

است) که این موضوع بیانگر معنی‌دار بودن مدل است. همچنین ضریب تعیین مدل برابر ۰,۸۶۰ است که نشان می‌دهد ۸۶,۰ درصد تغییرات متغیر وابسته خوانایی در اثر متغیرهای مستقل و کنترلی است که میزان قابل قبولی است. در ادامه برای تعیین اثر هر یک از این متغیرها، آزمون معنی‌داری ضرایب انجام می‌شود.

با توجه به ضریب ارزش افزوده اقتصادی (EVA) در مدل رگرسیونی که برابر با ۰,۵۴۶ می‌باشد و چون $P-Value$ از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین از نظر آماری معنی‌دار است یعنی: "ارزش افزوده اقتصادی بر خوانایی گزارش‌های مالی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد."

با توجه به ضریب ارزش افزوده بازار (MVA) در مدل رگرسیونی که برابر با ۰,۴۳۵ می‌باشد و چون $P-Value$ از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین از نظر آماری معنی‌دار است یعنی: "ارزش افزوده بازار بر خوانایی گزارش‌های مالی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد."

با توجه به ضریب ارزش افزوده نقدی (CVA) در مدل رگرسیونی که برابر با ۰,۳۲۴ می‌باشد و چون $P-Value$ از سطح معنی‌داری ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین از نظر آماری معنی‌دار است یعنی: "ارزش افزوده نقدی بر خوانایی گزارش‌های مالی تاثیر مثبت و معنی‌داری دارد."

جدول ۶. نتایج آزمون مدل سوم پژوهش

$READABILITY = \beta_0 + \beta_1 QTobin_{it} + \beta_2 P/E_{it} + \beta_3 SIZE_{it} + \beta_4 AGE_{it} + 5LEV_{it} + \varepsilon_{it}$				
$P-Value$	آماره t	انحراف معیار	مقدار ضریب	متغیر
۰/۰۰۰۱ ***	۲۲/۹۲۴	۰/۱۴۵	۳/۳۲۴	ثابت مدل
۰/۰۰۰۱ ***	۳/۸۶۶	۰/۴۳۴	۱/۶۷۸	کیو توبین
۰/۰۰۰۱ ***	۵/۰۳۷	۰/۱۰۹	۰/۵۴۹	قیمت به سود
۰/۴۳۵	۰/۸۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴	اندازه
۰/۳۹۰	۱/۱۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۱۱	سن
۰/۵۶۰	۰/۹۲۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲	اهرم مالی
۰/۷۸۰	ضریب تعیین			
۰/۷۶۸	ضریب تعیین تعدیل شده			
(۰/۰۰۰۱ ***)	۱۳۴۰/۳۲	آماره F		
۱/۹۰۸	آماره دورین - واتسون			

*** معنی‌دار در سطح ۵ درصد،

منبع: یافته‌های تحقیق

طبق جدول (۶) مدل رگرسیونی با توجه به آماره F و P -Value به دست آمده معنی دار است (چون P -Value از سطح معنی داری ۰/۰۵ کمتر است و بنابراین از نظر آماری معنی دار است) که این موضوع بیانگر معنی دار بودن مدل است. همچنین ضریب تعیین مدل برابر ۰,۷۸۰ است که نشان می‌دهد ۷۸,۰ درصد تغییرات متغیر وابسته خوانایی در اثر متغیرهای مستقل و کنترلی است که میزان قابل قبولی است. در ادامه برای تعیین اثر هر یک از این متغیرها، آزمون معنی داری ضرایب انجام می‌شود.

با توجه به ضریب کیو توین (Q) در مدل رگرسیونی که برابر با ۱,۶۷۸ می‌باشد و چون P -Value از سطح معنی داری ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین از نظر آماری معنی دار است یعنی: "کیو توین بر خوانایی گزارش های مالی تأثیر مثبت و معنی داری دارد." با توجه به ضریب قیمت به سود (P/E) در مدل رگرسیونی که برابر با ۰,۵۴۹ می‌باشد و چون P -Value از سطح معنی داری ۰/۰۵ کمتر است، بنابراین از نظر آماری معنی دار است یعنی: "قیمت به سود بر خوانایی گزارش های مالی تأثیر مثبت و معنی داری دارد."

بحث و نتیجه گیری

شرکت‌هایی با عملکرد ضعیف تمایل دارند این واقعیت را از طریق پیچیده کردن روایی اطلاعات پنهان کنند. فرض بر این است که اگر درآمد فعلی گذرا باشد، یا اگر درآمد ناخوشایند ماندگار باشد، مدیران بر اساس تئوری مبهم سازی مدیریت، انگیزه دارند که روایی اطلاعات حسابداری را برای خواندن سخت‌تر کنند. به طور مشابه، شرکت‌هایی که عملکرد فعلی و آینده بهتری دارند ممکن است اطلاعات پیچیده کمتری را فاش کنند، که باعث کاهش هزینه‌های پردازش اطلاعاتی آنها می‌شود. مدیران درگیر در اقداماتی که به حداکثر رساندن منافع شخصی (انگیزه) خود یا در تلاش برای رسیدن به یک معیار فرصت طلبی هستند، ممکن است افشای روایی پیچیده‌ای را ارائه دهند.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش نشان می‌دهد با توجه به منفی بودن ضرایب متغیرهای بازده دارایی و سود هر سهم، هر چقدر بازده داراییها و سود هر سهم شرکتها منفی باشد، نشان دهنده عملکرد ضعیف شرکتهای بورسی مورد مطالعه در بازار سرمایه ایران بوده و با توجه به تئوری مبهم سازی مدیریت، تمایلی به ارائه اطلاعات پیچیده و در نهایت موجب خوانایی کم گزارش

های مالی خواهد شد. بررسی متغیر بازده حقوق صاحبان سهام در فرضیه اول نیز نشان می‌دهد که این متغیر تاثیر مثبت و معنی داری بر خوانایی گزارش های مالی دارد. افزایش میزان بازده حقوق صاحبان سهام، موجب افزایش خوانایی خواهد شد. این یافته ها براساس داده های شرکتهای نمونه مورد بررسی در بورس اوراق بهادار تهران بدست آمده و نتایج فرضیه اول پژوهش، با یافته های دسوزا و همکاران (۲۰۱۹) مطابقت دارد.

یافته های حاصل از بررسی آزمون فرضیه دوم هم نشان می‌دهد شاخص های اقتصادی نظیر ارزش افزوده اقتصادی، بازار و نقدی، اثر مثبت و معنی داری بر خوانایی گزارش ها دارند و نتایج نشان می‌دهند که شرکتهای مورد بررسی در شاخص های عملکرد مثبت و مطلوب، تمایل به افزایش خوانایی و شفافیت بالاتر گزارش ها دارند. شاخص های ارزش افزوده اقتصادی محاسبه شده در شرکت های نمونه نشان می‌دهد که ارزش شرکت مستقیماً به عملکرد مدیریت بستگی دارد. متغیر دیگر در رویکرد اقتصادی، ارزش افزوده بازار است که از تفاوت میان ارزش بازار شرکت و سرمایه به کار گرفته شده بدست می‌آید. سنجش این معیارها، با توجه به ضرایب مثبت در مدل، نشان می‌دهد که تاثیر مثبت و معنی داری بر میزان خوانایی گزارش های مالی دارند.

در فرضیه سوم پژوهش از معیار های ترکیبی بازار و حسابداری استفاده شده است، نتایج آزمون نشان می‌دهد که با توجه به مثبت بودن ضرایب در مدل رگرسیونی، نسبتهای Qتوبین و قیمت به سود تاثیر مثبت و معنی داری بر خوانایی دارند. بالا بودن مقدار این نسبتها نشان دهنده عملکرد مطلوب شرکتهای مورد بررسی بورسی بوده و باعث افزایش خوانایی و شفافیت روایی اطلاعات مالی می‌شود. با توجه به بعضی از کاستی ها که در اطلاعات حسابداری، مالی و اقتصادی برای ارزیابی عملکرد شرکتهای وجود دارد. دادهای نلفیقی، یکی از بهترین رویکردهای اندازه گیری عملکرد می‌باشد. زیرا در آن ترکیبی از اطلاعات حسابداری (ارزش های تاریخی) و ارزش های بازار استفاده می‌شود.

مطابق نتایج پژوهش، انتظار می‌رود عملکرد بهتر شرکت های پذیرفته شده در بازار سرمایه ایران، در قالب متغیرهای اقتصادی و حسابداری، باعث خوانایی و شفافیت اطلاعاتی در گزارش های مالی گردد و تصمیم گیری برای سرمایه گذاران تسهیل گردد. در حقیقت شرکتهایی که

شاخص‌های اقتصادی و حسابداری بهتری دارند موجب می‌شود که گزارش‌های مالی آن‌ها از قابلیت فهم بهتری برای استفاده‌کنندگان برخوردار باشد. و در نتیجه گزارش‌های مالی خواناتر باشند. در فرآیند پژوهش، شرایطی وجود دارد که خارج از کنترل پژوهشگر است، ولی به طور بالقوه می‌تواند نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به حجم زیاد گزارش‌های مالی، بررسی کامل متون میسر نشد، از طرفی تاکنون نرم‌افزاری جامع و هوشمند جهت بررسی خوانایی متون فارسی طراحی نشده است. از این رو به کمک کدنویسی به زبان PHP زمینه اندازه‌گیری خوانایی فراهم شد که با توجه به دردسترس نبودن دیکشنری‌ای در خصوص تعداد هجاء‌های کلمات فارسی، به ناچار تعریف کلمات پیچیده از کلمات ۳ هجائی به کلمات ساخته شده از ۶ حرف یا بیشتر تغییر یافت.

با توجه به اهمیت موضوع خوانایی در بحث گزارشگری مالی و تأثیر اطلاعات اقتصادی و حسابداری، به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری پیشنهاد می‌شود رهنمودهای لازم برای انتشار گزارش‌های مالی شفاف برای استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را تدوین نمایند. شاید بتوان انتظار داشت با ارائه گزارش‌های مختصر (از نظر تعداد صفحات و تعداد کلمات) و با حجم کمتر از سوی شرکت‌های بورسی، زمینه لازم برای ترغیب مطالعه چنین گزارش‌هایی از سوی سرمایه‌گذاران بازار سرمایه ایران فراهم شود و در سایه محتوای اطلاعاتی آنها، بتوان خوانایی گزارش‌های مالی شرکت‌ها را افزایش داد. در حقیقت ترغیب شرکت‌ها برای انتشار گزارش‌های مالی خوانا از طریق استانداردهای لازم، گام مهمی برای تقویت شفافیت اطلاعاتی شرکت‌ها و افزایش کارایی تخصیص منابع از سوی سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود. به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می‌شود با ایجاد راهکارهایی برای افزایش خوانایی گزارشگری مالی شرکت‌ها از جمله الزام شرکت‌ها به ارائه‌ی فایل ورد گزارش‌ها و استفاده از جملات ساده‌تر در متن گزارش‌های مالی، در راستای محدود ساختن رفتار فرصت‌طلبانه مدیران بر حسب اجرای هر چه بیشتر اصول مسئولیت اجتماعی و تأثیر آن بر ویژگی‌های شرکت و محسوس‌تر نمودن مؤلفه‌های خوانایی گزارشگری مالی اقدام گردد.

به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد با توجه به نتایج پژوهش، موارد ذیل را در پژوهش‌های خود مورد بررسی قرار دهند:

۱. در حوزه حسابرسی اثر معیارهای ریسک حسابرسی را بر خوانایی گزارش‌های حسابرسی مورد آزمون قرار دهند.
۲. در معیارهای حسابداری، ارتباط متغیرهای دیگر مانند نرخ رشد و نرخ بازده فروش را با خوانایی بررسی نمایند.
۳. پیشنهاد می‌شود که از رویکردهای مدیریت مالی مثل نسبت سود تقسیمی و یا از مدل‌های قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای استفاده کرده و ارتباط آنها را با خوانایی گزارش‌ها بررسی کنند.

منابع

- احمدی، آمنه؛ قائمی، محمدحسین. (۱۳۹۷). مدیریت سود واقعی و خوانایی گزارشگری مالی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، ۷(۱۳): ۴۵-۷۲.
- بشیری منش، نازنین؛ صمیمی، امین. (۱۴۰۰). خوانایی متن صورتهای مالی و استراتژی‌های حسابرسان در مواجهه با ریسک حسابرسی. فصلنامه پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۱(۳۹): ۱۶۹-۱۹۱.
- رحمانی، علی؛ بشیری منش، نازنین. (۱۳۹۳). مروری بر ادبیات افشاء اطلاعات در ایران. پژوهش‌های حسابداری، ۴(۳): ۳۷-۶۷.
- شریعت پناهی، سیدمجید. (۱۳۸۲). ارزیابی عملکرد شرکت‌ها و سازوکارهای کنترل رفتار مدیران: دیدگاه نظریه نمایندگی، مطالعات حسابداری، ۲(۱): ۸۵-۱۰۸.
- صفری گرایلی، مهدی؛ رضائی پسته نوئی، یاسر. (۱۳۹۸). استراتژی تجاری و خوانایی گزارشگری مالی. حسابداری مالی، ۱۱(۴۲): ۱۳۰-۱۵۰.
- محسنی، عبدالرضا؛ رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۵). عملکرد مالی و کارکردهای مدیریت لحن نوشتار در گزارشگری مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۹(۴): ۲۹-۴۸.
- حسن زاده، شادی؛ مجتهد زاده. (۱۳۸۷). رابطه ارزش افزوده بازار با معیارهای ارزیابی عملکرد مبتنی بر مدل‌های اقتصادی و حسابداری. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱(۲): ۱۴۷-۱۷۸.
- نوروزی، محمد؛ آذین فر، کاوه؛ عباسی، ابراهیم؛ داداشی، ایمان. (۱۳۹۹). طراحی مدل و ارزیابی نقش تعدیلی توانایی مدیریت بر رابطه بین خوانایی گزارشگری مالی و هزینه نمایندگی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۲(۱): ۱-۱۸.
- یوسفوند، داوود؛ محمدی، محمد؛ یوسفوند، ذبیح‌الله. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر خوانایی گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی و کیفیت اقلام تعهدی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۳۹): ۱۱۱-۱۲۶.

References

- Abernathy, J.L; Guo, F; Kubik, T.R. & Masli, A.(2018). Financial statement footnote readability and corporate audit outcomes. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 38(2): 1-26
- Ajina, A. & Laouiti, M. & Msolli, B. (2016). Guiding through the Fog: Does annual report readability reveal earnings management? *Research in International Business and Finance*, 38: 509-516.
- Ahmadi, A. & M, H. Ghaemi. (2018). Real Profit Management and Readability of Financial Reporting. *Applied Research in Financial Reporting*, 7(13): 45-72. (In Persian).

- Asay, H.S; Libby, R. & Rennekamo, K. (2018). Firm performance, reporting goals, and language choices in narrative disclosures. *Journal of Accounting and Economics*, 65(2-3), 380-398.
- Bashirimanesh, N. & Samimi, A. (2020). Readability of Financial Statements and Auditor Strategies to deal with Audit Risk. *Empirical Research in Accounting*, 11(39):37-69. (In Persian).
- Bloomfield, R. (2002). The "Incomplete Revelation Hypothesis" and Financial Reporting. *Accounting Horizons*, 16(3), 233-243.
- Cohen, D. & P. Zarowin. (2010). Accrual-based and Real Earnings Management Activities around Seasoned Equity Offerings. *Journal of Accounting and Economics*, 50, 2-19.
- De Souza, J.A.S, Rissatti, J.C, Rover, S. & Borba, J.A. (2019). The linguistic complexities of narrative accounting disclosure on financial statements: An analysis based on readability characteristics. *Research in International Business and Finance*, 48, 59-74.
- DuBay, W. H. (2004). The principles of readability. Impact Information. <https://doi.org/10.1.1.91.4042>
- Guay, W; Samuels, D; & Taylor, D. (2016). Guiding through the Fog: Financial statement complexity and voluntary disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 62(2-3), 234-269
- Grossman, S. & Stiglitz, j. (1980). On the Impossibility of Informationally Efficient Markets. *The American Economic Review*, 70, 393-407.
- Hasan, M. M. (2017). Managerial ability, annual report readability and disclosure tone. Available at SSRN:<https://ssrn.com/abstract=295135>
- Hasanzadeh, S. & V. Mojtahedzadeh. (2008). The Relationship between Market Value Added and Performance Evaluation Criteria Based on Economic and Accounting Models. *Quarterly Journal of the Stock Exchange*, 1(2): 147-178. (In Persian).
- Hall, J.H. & Brummer, L.M. (1999). The Relationship between the Market value of a Company and Internal Performance Indicators. *Management Dynamics*, 8(3), 47-68
- Jones, M. J. (1988). A Longitudinal Study of the Readability of the Chairman's Narratives in the Corporate Reports of a UK Company. *Accounting and Business Research*, 18(72), 297-305.
- Li, F. (2008). Annual report readability, current earnings, and earnings persistence. *Journal of Accounting and Economics*, 45(2-3), 221-247.
- Lo, K; Ramos, F; & Rogo, R. (2017). Earnings management and annual report readability. *Journal of Accounting and Economics*, 63(1), 1-25.
- Mohseni, A. & F. Rahnamay Roodposhti. (2016). Financial Performance and Writing Tone Management in Financial Reporting. *Empirical accounting research*, 9(4):29-48. (In Persian).
- Norouzi, M, K. Azinfar, E. Abbasi. & I. Dadashi. (2020). Modeling and Evaluating the Modifying Role of Management Ability on the Relationship between Financial Reporting Readability and Representation Costs. *Financial Accounting Research*, 12(1): 1-18. (In Persian).

- Rahmani, A. & N. Bashiri Manesh. (2014). A Review of Information Disclosure Literature in Iran. *Accounting Research*, 4(3):37-67. (In Persian).
- Safari gerayyli, M. & Y. Rezaei Pitenoei. (2019). Business strategy and financial reporting readability. *Quarterly financial accounting journal*, 11 (42):130-150. (In Persian).
- Schroeder, N. & Gibson, C.G. (1990). Readability of Management's Discussion and Analysis. *Accounting Horizons*, 4(4), 78-87.
- Shariat Panahi S.M. (2003). Evaluating the performance of companies and mechanisms to control the behavior of managers: The view of agency theory. *Quarterly Journal of Accounting Studies*, 2(1):85-108. (In Persian).
- Smith, M; & Taffler, R. (1992). Readability and Understandability: Different Measures of the Textual Complexity of Accounting Narrative. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 5(4), 84-98.
- Stewart, S. (1991). *The quest for value*, New York: Harper-collins
- Yousefund, D, Mohammadi, M. & Z. Yousefund. (2021). Investigating the effect of financial reporting legibility on tax avoidance and quality of accruals. *Accounting and Auditing Studies*, 10(39): 111-126. (In Persian).

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

یک دهه تحقیقات کیفی در مجلات علمی-پژوهشی حسابداری ایران^۱

محمد عرب مازار یزدی^۲، زهرا جودکی چگنی^۳، پوستو دهپور آتش بیگ^۴،
بنیامین عزیزی^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

موضوع این پژوهش، شناخت بسامد و ویژگی‌های محتوایی مقالات منتشر شده در مجلات زیر نظر وزارت علوم می‌باشد. هدف این پژوهش، بررسی تعداد مقالات کیفی، نوع روش تحلیل، ابزار گردآوری داده‌ها و قلمرو پژوهش می‌باشد. جامعه آماری شامل بررسی ۴۲۰۸ عنوان مقاله منتشر شده در ۱۵ مجله دارای رتبه علمی-پژوهشی در رشته حسابداری و گرایش‌های مرتبط با آن است. روش پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا از نوع کمی در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. نتایج گویای این مطلب است که طی چند سال اخیر روند مطالعات کیفی در مجلات داخلی تغییر نموده است. چرا که از سال ۹۷ به بعد نسبت به سال‌های پیشین تعداد مقالات بیشتری با روش کیفی انجام شده است. همچنین، در مقالات کیفی غالباً از روش گراندد تئوری، دلفی، تحلیل تم و تحلیل محتوا استفاده گردیده است. مقالات مورد بررسی بیشتر در حوزه حسابداری مالی و حسابرسی می‌باشد و در اکثر آنها مصاحبه به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها مطرح گردیده است. برای انجام پژوهش‌های انسان محور و مطالعه ژرف نگرانه پدیده‌ها، گریزی از انجام پژوهش‌های کیفی وجود ندارد. در این پژوهش اهمیت و نقش پژوهش‌های کیفی در افزایش درک پدیده‌های حسابداری شناسایی شد. همچنین، ابعاد مختلف مقالات کیفی در مجلات زیر نظر وزارت علوم مورد کنکاش قرار گرفت.

واژه های کلیدی: بسامد مقالات کیفی، تحلیل محتوا کمی، روش کیفی.

طبقه بندی موضوعی: M40, M4

10.22051/jera.2021.31891.2698 :DOI

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (marabmazar@sbu.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (z_joudakichegeni@sbu.ac.ir).

۴. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (p_dehpour@sbu.ac.ir).

۵. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (Benyaminazizi90@gmail.com).

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

پژوهش‌های کیفی نقش مهمی در حوزه حسابداری و حسابرسی ایفا می‌کنند. برخلاف پژوهش‌های کمی که تبدیل به جریان اصلی پژوهشی در بسیاری از مجلات حسابداری و حسابرسی شده است، پژوهش‌های کیفی^۱ با پاسخ به سؤالات پژوهش و کاوش مسائل حسابداری و حسابرسی به روش‌هایی که در دسترس روش‌های پژوهش کمی نیست، نقش مهمی ایفا می‌کنند (دی ویلیرز و همکاران، ۲۰۱۹). برای برخی از محققان، پژوهش‌های کیفی به عنوان پژوهش‌های درجه دوم در نظر گرفته می‌شود (بلوم، هارمن و لی، ۲۰۱۰). در نتیجه آن‌ها تمایلی به استفاده از روش‌های کیفی در انجام پژوهش‌های خود ندارند، حتی برخی از دانشگاه‌ها و دانشکده‌های حسابداری، مالی و بازرگانی با رویکرد کیفی مخالف هستند و معمولاً آن را برای اهداف پژوهشی کافی نمی‌دانند (بصری، ۲۰۱۴). در همین راستا، همیک، جوهد و بلجر (۲۰۲۲) استدلال کردند که تحقیقات کیفی در مورد حسابداری مالی یک زمینه نوظهور با پتانسیل تحقیقات قابل توجه است. آرنس (۲۰۲۱) بیان کرد که توسعه مقالات حسابداری کیفی دستاوردی است که در فرآیند نگارش پدیدار می‌شود. این اعتقاد وجود دارد که علوم اجتماعی^۲ چندان متفاوت از علوم طبیعی نبوده و می‌توان آن را به همان شیوه اجسام فیزیکی مورد مطالعه قرار داد (کوترلر و مینی‌چلو، ۲۰۱۰). علاوه بر این، امروزه بسیاری از روش‌های آماری کمی توسعه یافته و این تکنیک‌ها شاهراهی برای پیشرفت دانش و علم ارائه می‌دهند (گمیسون، ۲۰۱۰). اعضای هیأت علمی نیز اغلب با رویکرد کیفی و فرصت‌های ارائه شده آن آشنایی چندانی ندارند (بصری، ۲۰۱۴).

چوا (۱۹۸۶) سه پارادایم پژوهشی در حسابداری را معرفی می‌کند: اثبات‌گرایی، تفسیری و انتقادی. پارادایم اثبات‌گرایی اغلب با روش‌های کمی تقلیل‌گرایانه مرتبط است. به عنوان مثال، ساده نمودن چیزی پیچیده به اعداد برای تجزیه و تحلیل آماری. پارادایم‌های تفسیری و انتقادی اغلب با روش‌های کیفی مرتبط هستند که در آن محققان سعی می‌کنند پیچیدگی مطالب مورد مطالعه را حفظ کنند. پژوهش‌های ترکیبی نیز می‌تواند با استفاده از هر دو رویکرد کمی و کیفی انجام شود. در گسترده‌ترین سطح، این پارادایم‌ها، باورهای متفاوتی را در مورد نحوه عملکرد جهان، ماهیت دانش و روش‌های مناسب برای کسب دانش جدید منعکس می‌کنند (دی ویلیرز و همکاران، ۲۰۱۹).

1. Qualitative research
2. social Sciences

اثبات‌گرایی^۱، پارادایمی محبوب در رشته‌های حسابداری، مالی و بازرگانی محسوب می‌شود. پژوهش‌های اثبات‌گرایانه مبتنی بر نظریه‌های اقتصادی و مالی، به دنبال ارائه یک ساخت عقلانی از حسابداری به وسیله روش‌های کمی است (دیگان، ۲۰۱۳) که در آن پدیده‌ها به صورت عینی ارزیابی و به وسیله ارائه پیش‌بینی‌های قابل تعمیم توضیح داده می‌شوند (لافلین، ۲۰۰۷). واتس و زیمرمن (۱۹۷۹) بیان می‌کنند که پژوهش‌های اثبات‌گرایانه بایستی حاوی نظریه‌ای برای توضیح عوامل تعیین‌کننده ادبیات حسابداری موجود، پیش‌بینی چگونگی تغییر مسیر تحقیقاتی با تغییر عوامل زمینه‌ای و توضیح نقش تئوری‌ها در تعیین استانداردهای حسابداری باشد. با وجود برجسته بودن این پارادایم پژوهشی، مفروضات معرفت‌شناختی نظریه حسابداری اثبات‌گرایانه عاری از انتقاد نیست. شاید مهمترین و گسترده‌ترین بحث در این زمینه، توجه به این موضوع باشد که آیا حسابداری صرفاً یک کارکرد فنی است یا خیر که اثبات‌گراها می‌توانند با استفاده از روش‌های استنتاجی آن را مطالعه کنند (آرنس و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین استرلینگ (۱۹۹۰)، بیان می‌کند که مناسب بودن توصیف رویه‌های موجود به عنوان حمایت از ارائه توصیه‌های هنجاری نیز مورد تردید قرار گرفته است.

این انتقادات، انگیزه‌ای برای انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای بیشتر فراهم می‌کند که مایل به پذیرش تکثرگرایی نظری و روش‌مند هستند (دیلارد، ۲۰۰۸). بر همین اساس توجه به پژوهش‌های تفسیری و انتقادی بیشتر و بیشتر شد. تفسیرگرایان بر این باورند که دانش و حقیقت از تعامل بین واقعیت‌های چندگانه و در موقعی رقیب سرچشمه می‌گیرد. نیاز به حقیقت مطلق، دقیق و یافته‌های تعمیم‌پذیر جای خود را به مطالعات اکتشافی متمرکز بر درک چگونگی و چرایی درک کنشگران اجتماعی در مورد یک پدیده می‌دهد (چوا، ۱۹۸۶). در نتیجه محققان حسابداری تفسیری از چارچوب‌ها و روش‌های نظری متفاوتی برای مطالعه آنچه که هاپ‌وود (۱۹۷۸)، فن حسابداری می‌نامد، استفاده می‌کنند. بیشتر نظریه‌های تفسیری از علوم اجتماعی و سیاسی نشأت می‌گیرند (دیگان، ۲۰۱۳) و معمولاً برای اجتناب از آنچه که به عنوان تله‌های تقلیل‌گرایانه رویکردهای اثبات‌گرایانه سستی می‌دانند، بر روش‌های کیفی تکیه می‌کنند (برودبنت و آرنمن، ۲۰۱۱).

پژوهش‌های انتقادی^۲ نیز بر روش‌های کیفی متکی هستند و ذاتاً بین‌رشته‌ای هستند. نظریه پردازان انتقادی از طیفی از نظریه‌های جامعه‌شناختی استفاده می‌کنند تا توضیح دهند که

1. Positivism

2. Critical research

چگونه جامعه، سیاست و اقتصاد از هم جدا نبوده و هدف آنان به چالش کشیدن حقایق پذیرفته شده عمومی است. تمرکز این پژوهش ها نه تنها بر ادغام دیدگاه های چندگانه واقعیت بلکه بر توضیح تنش های بین درک و عمل به عنوان بخشی از فرآیند پیشبرد دستور کار هنجاری است (دیگان، ۲۰۱۳). نظریه انتقادی کاملاً با تغییر پیوند خورده است و به ارتقای جامعه‌ای بهتر می‌اندیشد، جامعه‌ای که در آن ترتیبات اجتماعی غالب در خدمت منافع توده مردم است، که تصور می‌شود ظرفیت آنها توسط آن ترتیبات موجود محدود شده است (روسلندر، ۲۰۰۶).

بحث‌های قابل توجهی در مورد مشروعیت رویکردهای پژوهشی متفاوت در حسابداری، نوع مقالات، مجلات و به‌طور گسترده‌تر، نقش پژوهش‌های حسابداری در جامعه معاصر شده است (گری و میلن، ۲۰۱۵؛ آرنس و همکاران، ۲۰۰۸). پارادایم‌های اثبات‌گرایانه، تفسیری^۱ و انتقادی به عنوان امتدادی پیوستار از اشکال مختلف پژوهش دانشگاهی در نظر گرفته می‌شوند (دومی، ۲۰۰۹). هر کدام یک دیدگاه جایگزین ارائه می‌دهند و بر جنبه‌های مختلف حسابداری تمرکز می‌کنند. با این وجود هنوز هم بسیاری از مجلات منتشر شده در داخل و خارج بر پارادایم اثبات‌گرایانه و استفاده از روش‌های کمی اصرار ورزیده و رایج‌ترین مقالات این مجلات، پژوهش‌های آرشیوی مبتنی بر نظریه‌های مالی، اقتصادی و ... هستند و از طرح‌های پژوهشی تجربی استفاده می‌کنند. درحالی‌که پژوهش‌های اثبات‌گرایانه در افزایش درک ما از پدیده‌های حسابداری نقش کلیدی ایفا می‌کنند، این مطلب مهم را نیز باید در نظر گرفت که با استفاده از روش‌های کمی نمی‌توان به برخی از سؤالات پژوهشی پاسخ داد.

تأمل در مورد اینکه چگونه پژوهش‌های کیفی می‌توانند درک ما را از پدیده‌های حسابداری افزایش داده و به بسیاری از مسائلی که نمی‌توان با استفاده از روش‌های کمی به آنها پاسخ داد، پاسخ گفت؛ بسیار مهم است. این پژوهش با پژوهش‌های پیشین که مجلات رشته حسابداری را مورد واکاوی قرار داده است، از چند جنبه متمایز است. اولاً، پژوهش حاضر به دنبال بررسی مقالات کیفی در کلیه مجلات زیر نظر وزارت علوم می‌باشد. ثانیاً، در این پژوهش چندین حوزه روش تحلیل، ابزارگردآوری داده‌ها و قلمرو پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. ثالثاً، پژوهش حاضر در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ انجام شده است. با توجه به این مطالب هدف این پژوهش، بررسی اهمیت استفاده از روش‌های کیفی در پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی،

پاسخگویی به انتقادات از پژوهش‌های کیفی و نیز روند انتشار مقالات کیفی در مجلات منتشر شده در ایران در یک دهه گذشته است. لذا در این پژوهش به بررسی آماری روند انتشار این مقالات پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اندیشمندان حوزه روش‌شناسی پژوهش، پژوهش‌ها را به دو گروه کلی طبقه‌بندی می‌کنند: ۱- پژوهش‌های کمی و ۲- پژوهش‌های کیفی. پژوهش‌های کمی در حوزه علوم انسانی بر پایه پارادایم اثبات‌گرایانه قرار دارد و با هدف آزمون تئوری به صورت قیاسی به کار می‌شود. از نظر معرفت‌شناختی در رویکرد کمی پژوهشگر و پدیده مورد بررسی از هم مستقل هستند و پژوهشگران کمی آموزش دیده‌اند تا باور کنند که مستقل از موضوعات و داده‌های پژوهشی هستند (پارکر، ۲۰۰۳). بنابراین محققان قادر به مطالعه پدیده‌هایی هستند بدون اینکه بر آن تأثیر بگذارند یا تحت تأثیر آن قرار گیرند. تیلور (۲۰۱۰) روش کمی را برای ارائه توصیف عینی پدیده‌ها و نشان دادن چگونگی کنترل پدیده‌ها از طرق خاص طراحی شده است. سیل و همکاران (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که هدف از پژوهش کمی، اندازه‌گیری و تجزیه و تحلیل روابط علی بین متغیرها در یک چارچوب مشخص است. با این وجود پژوهشگران کیفی، پژوهش کمی را به عنوان روشی مورد نقد قرار می‌دهند که نمی‌تواند به طیف کاملی از مشکلات در علوم رفتاری و نیز علوم اجتماعی مانند حوزه حسابداری و مدیریت بپردازد، زیرا هیچ محققانی وجود ندارد که فاقد ارزش باشد. در مقابل پژوهش کیفی رویکردی کل‌گرا، تفسیرگرا و برای اکتشاف در یک زمینه طبیعی انجام می‌شود و نباید در یک محدوده تصنعی انجام گیرد. پارکر (۲۰۰۳) بیان نمودند که رویکرد کیفی رویکرد پژوهشی مبتنی بر تفسیرگرایی و سازه-انگاری است. کاتلر و مینی‌چلو (۲۰۱۰) بیان نمودند که این رویکرد به عنوان واکنشی در برابر دیدگاه غالب پژوهشی اوایل قرن بیستم در اروپا و آمریکای شمالی (پژوهش کمی)، به وجود آمد. ترامبل و واتسون (۲۰۱۰)، بیان نمودند که هدف این رویکرد توسعه نظریه با بررسی استقرایی بوده و غالباً با جمع‌آوری داده‌های خاص شروع شده و به درک کلی‌تری از موضوع منجر می‌شود. ملا-مزا (۲۰۰۶) استدلال می‌کند که پژوهش کیفی به عنوان تماشای مردم در قلمرو خود، تعامل با آن‌ها به زبان خود و شرایط خود، و تلاش برای درک پیچیدگی، در حالی که تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها از منابع مختلف است. همچنین، هوفل (۱۹۹۷) بیان نمود که

هر نوع پژوهشی که یافته‌هایی را تولید می‌کند که از طریق روش‌های آماری یا سایر ابزارهای کمی به دست نیامده‌اند. علی و یوسف (۲۰۱۰) نیز بیان نمودند که هر پژوهشی که از روش‌های آماری استفاده نکند، کیفی است. هوفل (۱۹۹۷) ویژگی‌های پژوهش‌های کیفی را به صورت زیر توصیف می‌کند:

۱. پژوهش کیفی از محیط طبیعی به عنوان منبع داده استفاده می‌کند. محقق سعی می‌کند مشاهده کند و آنچه را مشاهده می‌کند، توصیف و تفسیر می‌کند.
۲. محقق به عنوان ابزار انسانی جمع‌آوری داده‌های عمل می‌کند.
۳. محققان کیفی عمدتاً از تحلیل داده‌های استقرایی استفاده می‌کنند.
۴. گزارش پژوهش‌های کیفی، توصیفی و شامل زبان بیانی و حضور صدا در متن هستند.
۵. پژوهش کیفی دارای ویژگی‌های تفسیری است که هدف آن کشف معنا است.
۶. پژوهش‌های کیفی به امری خاص و فراگیر توجه دارند و منحصر به فرد بودن هر مورد را جستجو می‌کنند.
۷. پژوهش‌های کیفی به دنبال نظریه‌پردازی برای فرآیندی نوظهور هستند.
۸. پژوهش‌های کیفی با استفاده از معیارهای ویژه‌ای برای قابلیت اعتماد پژوهش مورد قضاوت قرار می‌گیرند.

پارکر (۲۰۰۳)، بیان می‌کند که محقق کیفی دنیایی از روابط، معانی، درک و تفسیرهای ناملموس را شناسایی و بررسی می‌کند که پیچیده و چندبعدی هستند و نمی‌توانند مستقل از بازیگران و محققین وجود داشته باشند. کاسینات (۲۰۱۳) بیان می‌کند که تمرکز بر درک و تفسیر این روابط پیچیده و چندبعدی، شامل رویکردی تفسیری و طبیعت‌گرایانه بوده و بر فرآیند و معنا تأکید می‌شود. تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌های مورد استفاده در این نوع مطالعه می‌تواند به صورت مصاحبه عمیق و متمرکز گروهی و مشاهده مشارکتی باشد. علاوه بر این، نمونه‌ها به معنای نشان دادن جمعیت‌های بزرگ نیستند، اما از نمونه‌های کوچک و هدفمند پاسخ‌دهندگان واضح استفاده می‌شود، زیرا می‌توانند اطلاعات ضروری را ارائه دهند (بصری، ۲۰۱۴). پارکر (۲۰۰۳)، برخی از انتقاداتی که به پژوهش‌های کیفی وارد می‌شود را به صورت زیر بیان نموده و استدلال می‌کند که همه این انتقادات اساساً ناشی از عدم آشنایی و آگاهی از فلسفه و اصول روش‌شناختی است که روش‌های به کار گرفته شده را بیان می‌کنند. این انتقادات به شرح زیر است:

۱. پژوهش‌های کیفی شبیه روزنامه نگاری است.
۲. این پژوهش‌ها صرفاً انسان‌گرا هستند.
۳. غیرعلمی و ذهنی هستند.
۴. دارای سوگیری بوده و فرضیات بدون ارزش پژوهش‌های علمی را زیر سؤال می‌برند.
۵. نمی‌توانند گزاره‌های درستی قابل تأییدی را تولید کنند.
۶. نمی‌توانند یافته‌های آماری قابل تعمیم ایجاد کنند.
۷. و فاقد دقت لازم و کافی هستند.

دی‌ویلیرز و همکاران (۲۰۱۹) نیز برخی از انتقاداتی که از پژوهش‌های کیفی را بیان نموده و به آن پاسخ می‌گویند. انتقاد اولی که بیان می‌شود، حجم نمونه ناکافی و استفاده از روش‌ها بدون ساختار در پژوهش‌های کیفی است. میکلون و همکاران (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که مطالعات آرشیوی بر پارادایم اثبات‌گرایی متکی بوده و با استفاده از روش‌های کمی بر نمونه‌های بزرگ و رگرسیون برای آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌کند. وقتی صحبت از حجم نمونه و ظرافت مدل-سازی ریاضی می‌شود، به نظر می‌رسد که پژوهش‌های کیفی کوتاهی می‌کند. بیشتر پژوهش‌های کیفی شامل تعداد محدودی از شرکت‌کنندگان (معمولاً ۱۰ تا ۳۰ نفر) که اکثر آن‌ها به‌طور هدفمند انتخاب شده‌اند و بر تکنیک‌های آماری متکی نیستند. در پاسخ به این انتقاد دی‌ویلیرز و همکاران (۲۰۱۹) بیان می‌کنند که تفاوت حجم نمونه در پژوهش‌های کمی و کیفی محصول تفاوت‌های معرفت‌شناختی الهام گرفته از پارادایم‌های اثبات‌گرایانه یا تفسیری است و محققان کیفی پس از رسیدن به اشباع نظری، جمع‌آوری داده‌ها را متوقف می‌کنند و واضح است که هیچ‌بیش جدیدی از تجزیه و تحلیل اطلاعات بیشتر پیدا نخواهند کرد. پژوهشگران کیفی گاهی اوقات ادعا می‌کنند که پژوهش‌های کمی، جالب‌ترین مثال‌ها را نادیده گرفته و پیچیدگی ذاتی را برای دستیابی به یافته‌های آماری قابل توجه، بیش از حد ساده می‌کنند (برنان و سولومون، ۲۰۰۸).

انتقاد دیگری که پژوهشگران کمی بیان می‌کنند این است که پژوهش‌های کمی دارای مزیت تکیه بر مقدار و معناداری آماری هستند و توان تعمیم نتایج آن بسیار بالاست، درحالی‌که پژوهش‌های کیفی دارای این مزیت نیستند (دی‌ویلیرز و همکاران، ۲۰۱۹). در پاسخ به این انتقاد می‌توان چنین گفت که در پژوهش‌های کیفی بیشتر از مثال‌ها یا مصادیق دقیق برای استناد به

اصول، اعمال و نظریه استفاده می‌شود و بسیاری از این پژوهش‌ها، جزئیات بیشتری را در مورد مراحل انجام شده برای محدودسازی ذهنیت‌گرایی در حمایت از یافته‌های خود ارائه می‌دهند. دی‌ویلیرز و همکاران (۲۰۱۹)، بیان می‌کنند که محققان کیفی برای تعمیم به استدلال ابداعی تکیه می‌کنند که نوعی استدلال قیاسی است که برای توضیح آنچه محقق مشاهده می‌کند، استفاده می‌شود. در این نوع استدلال، محقق داده‌ها را تا رسیدن به نقطه‌ای ارائه می‌کند که نتیجه‌گیری، محتمل‌ترین توضیح برای پژوهش باشد.

انتقاد دیگر چالش موجود در بررسی اعتبار و پایایی پژوهش‌های کیفی است. محققان کمی دو دغدغه اصلی دارند: ثبات مدل انتخابی و تعمیم نادرست نتایج نمونه به جامعه و استدلال می‌کنند که پژوهش‌های کیفی در این زمینه با کمبود مواجه هستند. در این زمینه محققان کیفی اغلب برای اطمینان از اعتبار و پایایی^۱ یافته‌های خود تلاش می‌کنند و پادمان‌های کیفی خود را با جزئیات توضیح می‌دهند. به عنوان مثال، آن‌ها ممکن است موارد زیر را مستند کنند:

۱. فرآیند جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها،
۲. پروتکل‌های مدیریت داده‌ها برای اطمینان از یک رویکرد سازگار برای جمع‌آوری و پردازش داده‌ها،
۳. اقدامات انجام شده برای اطمینان از قابلیت اطمینان ابزار کدگذاری و تحلیل،
۴. داده‌های جمع‌آوری شده از منابع مختلف برای تأیید یافته‌ها و شناسایی تناقضات (کرپندورف، ۲۰۱۳).

همچنین در پژوهش‌های کیفی چنانچه محقق به‌طور مستدل و شفاف ایده‌های خود را ارائه نماید، تهدیدی برای اعتبار و پایایی پژوهش وجود ندارد (دی‌ویلیرز و همکاران، ۲۰۱۹). منتقدان اغلب پژوهش‌های کیفی را متهم می‌کنند که بر جنبه‌های خاصی از داده‌هایشان برای حمایت از یک موقعیت خاص تأکید نموده و یا فقط با ویژگی‌های حسابداری که برایشان جالب است سروکار دارند و به داستان‌سرایی می‌پردازند. هرچند این انتقاد در برخی موارد درست است اما می‌توان استدلال کرد که این مطالعات دارای طراحی ضعیف و یا اجرای ضعیف هستند که منحصر به پژوهش‌های کیفی نیست و مطالعات کمی نیز می‌تواند بد طراحی شوند. به‌عنوان مثال

حذف یک متغیر کنترلی خاص ممکن است نتایج یک پژوهش کمی را با سوگیری مواجه سازد. همچنین آنان می‌توانند در داده‌های پژوهش دستکاری نموده و یافته‌های خود را به‌منظور نظریه‌پردازی یا حمایت از نظریه خاصی به کار ببرند (دی‌ویلیرز و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان سوال پژوهش را به شکل ذیل تدوین کرد:

روند تحقیقات کیفی در مجلات داخل کشور چگونه بوده است؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی است. این نوشتار، مقالات کیفی را در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار می‌دهد. روش پژوهش با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا از نوع کمی می‌باشد. تحلیل محتوا یکی از روش‌های مهم و پرکاربرد پژوهش است. این روش از آن جهت به دیگر روش‌ها برتری دارد که نیاز به تولید اطلاعات نیست، بلکه اطلاعات موجود است و باید تحلیل شود و نتیجه‌گیری لازم به عمل آید. در حقیقت، تحلیل محتوا روش استاندارد است که برای مطالعه و شناسایی ویژگی‌های اطلاعات ثبت شده به کار می‌رود و پژوهشگر را قادر می‌سازد تا حجم زیادی از اطلاعات را به آسانی به صورت سازمان‌یافته درآورد (وقفی و همکاران، ۱۳۹۹). تحلیل محتوا دربردارنده نتایج مفید و مربوط در خصوص وضعیت فعلی تحقیقات، کمیت و کیفیت مقالات و میزان ارزش و اعتبار نشریات و همچنین راهگشایی برای انجام تحقیقات آتی می‌باشد (سلیمانی امیری، ایزدپور و گرامی راد، ۱۳۹۹).

جامعه آماری این پژوهش را مجلات زیر نظر وزارت علوم تشکیل می‌دهد. بر اساس معیارهای انتخاب مجلات ۱۵ مجله شامل بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، پژوهش‌های تجربی حسابداری، پیشرفت‌های حسابداری، حسابداری ارزشی و رفتاری، دانش حسابداری، دانش حسابداری مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی، فصلنامه حسابداری مالی، مطالعات حسابداری و حسابرسی، حسابداری مدیریت، دانش حسابرسی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، حسابداری دولتی مورد بررسی قرار گرفت. در تحلیل داده‌های حاصله از روش آمار توصیفی مانند دسته‌بندی داده‌ها بر حسب توزیع فراوانی، درصد فراوانی و رسم جدول به منظور واکاوی حوزه‌های بررسی تعداد مقالات کیفی، نوع روش تحلیل، ابزار گردآوری داده‌ها و قلمرو پژوهش استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی به مجموعه روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای جمع‌آوری، خلاصه کردن، طبقه‌بندی و توصیف حقایق عددی به کار می‌رود. در واقع این آمارها، داده‌ها و اطلاعات پژوهش را توصیف می‌کنند و طرح یا الگوی کلی برای استفاده سریعتر و بهتر از داده‌ها به دست می‌دهد. آمار توصیفی شرحی از ویژگی و میزان اعداد استفاده شده در تحلیل‌های آماری است (رحمانی، گرامی‌راد و محمودخانی، ۱۴۰۱). پژوهش حاضر پژوهش‌های کیفی منتشر شده در نشریه‌های زیر نظر وزارت علوم را در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار می‌دهد. که در ادامه، آمار توصیفی و بسامد مقالات منتشر شده در این مجلات، روش پژوهش (کمی و کیفی)، روش تحلیل، ابزار گردآوری داده‌ها و قلمرو پژوهش آورده شده است. لازم به ذکر است که تعداد مقالات کم در سال ۱۴۰۰ به دلیل عدم انتشار شماره‌های مرتبط می‌باشد.

در جدول ۱ میزان مقالات کیفی مرتبط با مجلات بیان شده است. با توجه به فراوانی و بسامد هر یک از مجلات می‌توان اینگونه استنباط نمود که نسبت مقالات کیفی منتشر شده در مقایسه با کل مقالات منتشره سهم ناچیزی را به خود اختصاص داده است. همانگونه که جدول نشان می‌دهد مجله پژوهش‌های تجربی حسابداری و بعد از آن به ترتیب دانش حسابرسی و تحقیقات حسابداری و حسابرسی در مقایسه با سایر مجلات مقالات بیشتری را منتشر نموده است. با این وجود از بین ۴۲۸ مقاله تنها ۲۳ مقاله با روش کیفی به چاپ رسیده است. در سایر مجلات نیز تعداد مقالات کیفی قابل توجه نمی‌باشد.

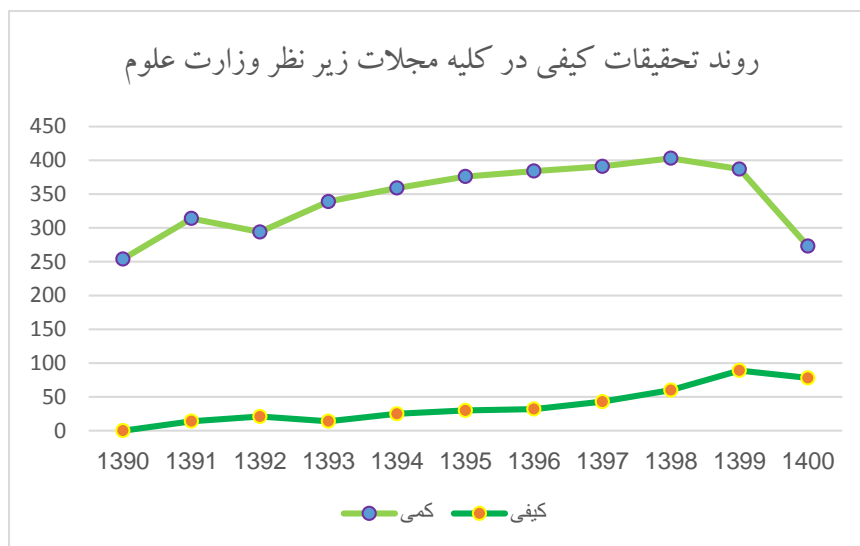
گرچه شواهد گویای این مطلب است که تقریباً از سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ جهت‌گیری و نگرش نسبت به روش کیفی تغییر کرده است و با گذشت زمان توجه به روش کیفی افزایش پیدا کرده است. با روندی که در این سال‌ها دیده می‌شود و همچنین فاصله پذیرش مقالات تا چاپ آن در این مجله (تقریباً ۱ تا ۲ سال) می‌توان چنین برداشت نمود که یک روند افزایشی در انجام رساله‌ها و پایان‌نامه‌های کیفی وجود دارد. پژوهشگران در محیط ایران باید به این نکته توجه نمایند که انجام پژوهش‌های کیفی به درک عمیق‌تر موضوعات و نتایج قابل اتکاتر منتج می‌شود. ذکر این نکته حائز اهمیت است که درصد بالایی از مقالات داخلی بر روش پرسشنامه‌ای تمرکز داشته‌اند و به نظرخواهی از افراد در این حوزه بسنده کرده‌اند. با این وجود، پژوهشگران باید نگرش شکاکانه‌ای نسبت به پاسخ‌های دریافتی از طریق پرسشنامه داشته باشند.

جدول ۱.۱ آمار توصیفی

جمع کل	سال چاپ											
	۱۴۰۰	۹۹	۹۸	۹۷	۹۶	۹۵	۹۴	۹۳	۹۲	۹۱	۹۰	نام مجله
۲۷۲	۱۶	۲۱	۲۱	۲۷	۲۵	۲۶	۲۶	۲۸	۲۶	۲۹	۲۷	بررسی‌های حسابداری و حسابرسی (کمی و سایر)
۲۹	۵	۶	۷	۲	۳	۲	۲	۰	۱	۰	۱	بررسی‌های حسابداری و حسابرسی (کیفی)
۳۰۱	۲۱	۲۷	۲۸	۲۹	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۷	۲۹	۲۸	بررسی‌های حسابداری و حسابرسی (کل)
۴۰۵	۳۰	۳۶	۵۸	۴۲	۴۰	۳۷	۴۰	۴۳	۳۶	۲۹	۱۴	پژوهش‌های تجربی حسابداری (کمی و سایر)
۲۳	۱۰	۴	۲	۳	۰	۳	۰	۱	۰	۰	۰	پژوهش‌های تجربی حسابداری (کیفی)
۴۲۸	۴۰	۴۰	۶۰	۴۵	۴۰	۴۰	۴۰	۴۴	۳۶	۲۹	۱۴	پژوهش‌های تجربی حسابداری (کل)
۲۷۱	۱۴	۲۴	۲۳	۲۲	۲۳	۲۳	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۳۴	پژوهش‌های حسابداری مالی (کمی و سایر)
۵	۰	۰	۱	۲	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	پژوهش‌های حسابداری مالی (کیفی)
۲۷۶	۱۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۲۸	۲۸	۲۸	۳۴	پژوهش‌های حسابداری مالی (کل)
۱۸۰	۱۵	۲۴	۲۲	۱۹	۱۳	۱۵	۱۶	۱۴	۱۵	۱۳	۱۴	پیشرفت‌های حسابداری (کمی و سایر)
۵	۴	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	پیشرفت‌های حسابداری (کیفی)
۱۸۵	۱۹	۲۴	۲۲	۲۰	۱۳	۱۵	۱۶	۱۴	۱۵	۱۳	۱۴	پیشرفت‌های حسابداری (کل)
۸۶	۷	۱۶	۱۷	۱۷	۱۵	۱۴						حسابداری ارزشی و رفتاری (کمی و سایر)
۳۲	۵	۸	۷	۷	۳	۲						حسابداری ارزشی و رفتاری (کیفی)
۱۱۸	۱۲	۲۴	۲۴	۲۴	۱۸	۱۶						حسابداری ارزشی و رفتاری (کل)
۳۳۰	۲۷	۴۲	۳۸	۳۱	۲۹	۲۴	۲۸	۲۸	۲۹	۲۲	۳۲	حسابداری مدیریت (کمی و سایر)
۲۱	۴	۷	۲	۱	۱	۶	۰	۰	۰	۰	۰	حسابداری مدیریت (کیفی)
۳۵۱	۳۱	۴۹	۴۰	۳۲	۳۰	۳۰	۲۸	۲۸	۲۹	۲۲	۳۲	حسابداری مدیریت (کل)
۳۱۷	۲۵	۲۹	۳۰	۲۹	۲۹	۲۹	۲۸	۲۹	۲۹	۳۲	۲۸	دانش حسابداری (کمی و سایر)
۵	۱	۳	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	دانش حسابداری (کیفی)
۳۲۲	۲۶	۳۲	۳۱	۲۹	۲۹	۲۹	۲۸	۲۹	۲۹	۳۲	۲۸	دانش حسابداری (کل)
۲۶۳	۲۷	۲۶	۳۱	۳۱	۲۷	۳۰	۲۸	۲۱	۰	۲۸	۱۴	دانش حسابداری مالی (کمی و سایر)
۱۵	۳	۴	۴	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	دانش حسابداری مالی (کیفی)
۲۷۸	۳۰	۳۰	۳۵	۳۲	۲۸	۳۱	۲۹	۲۱	۰	۲۸	۱۴	دانش حسابداری مالی (کل)
۳۷۴	۲۷	۴۴	۳۶	۳۹	۴۴	۳۸	۴۰	۳۵	۳۲	۲۰	۱۹	دانش حسابرسی (کمی و سایر)
۴۹	۱۶	۱۶	۱۰	۲	۳	۲	۰	۰	۰	۰	۰	دانش حسابرسی (کیفی)
۴۲۳	۴۳	۶۰	۴۶	۴۱	۴۷	۴۰	۴۰	۳۵	۳۲	۲۰	۱۹	دانش حسابرسی (کل)
۲۵۴	۷	۱۹	۲۲	۲۰	۲۳	۲۴	۲۴	۳۲	۳۱	۳۰	۲۲	فصلنامه حسابداری مالی (کمی و سایر)
۱۲	۱	۵	۱	۴	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	فصلنامه حسابداری مالی (کیفی)
۲۶۶	۸	۲۴	۲۳	۲۴	۲۴	۲۴	۲۴	۳۲	۳۱	۳۰	۲۲	فصلنامه حسابداری مالی (کل)
۱۲۹	۶	۱۶	۱۳	۱۸	۱۴	۱۴	۱۴	۱۳	۱۴	۷	۰	پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی (کمی و سایر)
۷	۳	۰	۳	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی (کیفی)

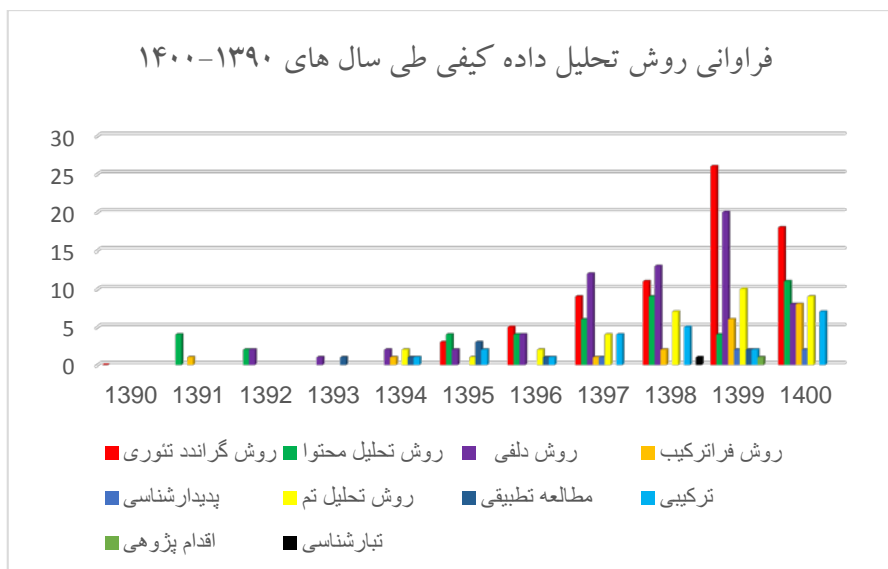
جمع کل	سال چاپ										نام مجله	
	۱۴۰۰	۹۹	۹۸	۹۷	۹۶	۹۵	۹۴	۹۳	۹۲	۹۱		۹۰
۱۳۶	۹	۱۶	۱۶	۱۸	۱۵	۱۴	۱۴	۱۳	۱۴	۷	۰	مجله پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی (کل)
۳۸۶	۲۸	۴۰	۴۲	۴۲	۳۴	۲۸	۳۰	۳۶	۳۴	۳۶	۳۶	تحقیقات حسابداری و حسابرسی (کمی و سایر)
۱۹	۵	۵	۲	۲	۲	۱	۰	۰	۲	۰	۰	تحقیقات حسابداری و حسابرسی (کیفی)
۴۰۵	۳۳	۴۵	۴۴	۴۴	۳۶	۲۹	۳۰	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶	تحقیقات حسابداری و حسابرسی (کل)
۱۰۲	۱۵	۱۴	۹	۱۰	۱۶	۱۵	۱۶	۷				حسابداری دولتی (کمی و سایر)
۲۹	۹	۱۰	۵	۵	۰	۰	۰	۰				حسابداری دولتی (کیفی)
۱۳۱	۲۴	۲۴	۱۴	۱۵	۱۶	۱۵	۱۶	۷				حسابداری دولتی (کل)
۲۹۴	۲۰	۲۵	۲۲	۲۵	۳۸	۴۳	۳۹	۱۳	۱۳	۲۸	۲۸	مطالعات تجربی حسابداری مالی (کمی و سایر)
۱۹	۱	۴	۶	۴	۲	۰	۰	۱	۱	۰	۰	مطالعات تجربی حسابداری مالی (کیفی)
۳۱۳	۲۱	۲۹	۲۸	۲۹	۴۰	۴۳	۳۹	۱۴	۱۴	۲۸	۲۸	مطالعات تجربی حسابداری مالی (کل)
۱۴۷	۱۰	۱۱	۱۹	۱۹	۱۴	۱۶	۱۰	۱۸	۱۲	۱۸	۰	مطالعات حسابداری و حسابرسی (کمی و سایر)
۱۲۸	۱۱	۱۷	۹	۹	۱۴	۱۲	۱۸	۱۰	۱۶	۱۲	۰	مطالعات حسابداری و حسابرسی (کیفی)
۲۷۵	۲۱	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۳۰	۰	مطالعات حسابداری و حسابرسی (کل)

متعاقباً، بر اساس نمودار ۱ می توان استدلال نمود که فراوانی مقالات کیفی در حال افزایش و به صورت صعودی می باشد. اما همچنان اختلاف بین مقالات کیفی و کمی در سطح بالایی قرار دارد و تعداد مقالات کیفی چاپ شده نسبت به کل مقالات ناچیز و اندک است.



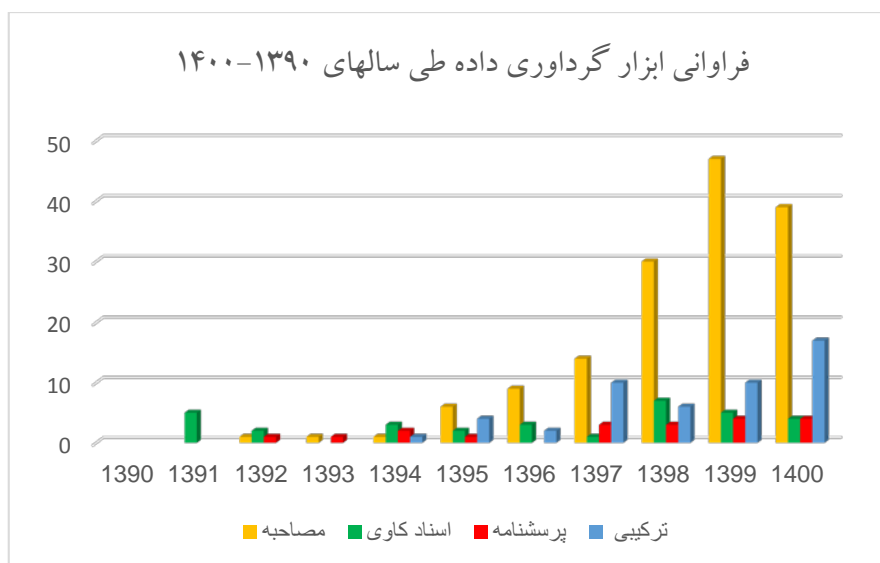
نمودار ۱. روند تحقیقات کیفی

جهت تحلیل داده‌های کیفی روش‌های متنوعی وجود دارد که شامل تحلیل تم، تحلیل الگو، داده بنیاد، تحلیل روایی، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا و غیره است (مصطفایی و حسینی، ۱۴۰۰). مطابق با نمودار ۲، بر اساس کنکاش مجلات می‌توان بیان کرد که توجه محققان به روش دلفی و نظریه داده بنیاد جلب شده است. می‌توان چنین استنباط کرد که دلیل استفاده از این روش آشنایی بیشتر پژوهشگران با آن است. بعد از این روش‌ها، روش تحلیل محتوا و روش تحلیل تم درصد بیشتری از روش پژوهش کیفی را به خود اختصاص داده است. با توجه به مباحث گفته شده می‌توان اینگونه تفسیر نمود که روش تحلیل محتوا و تحلیل تم با بکارگیری روش‌های متداولی نظیر مصاحبه و اسناد کاوی به استخراج ایده‌ها و آیتم‌ها می‌پردازد و سپس با کدگذاری و ترکیب کدها به تم اصلی منجر می‌شود. این فراوانی ممکن است به این دلیل باشد که این روش یکی از ساده‌ترین و نخستین روش‌های تحقیق کیفی است که با رویکرد قیاسی یا استقرایی قابل استفاده است. گفتنی است که پدیدارشناسی و تبارشناسی در پایین‌ترین مقدار قرار دارند. یکی از علل تحقیقات اندک در زمینه پدیدارشناسی و تبارشناسی، ناآگاهی نسبت به این روش‌ها می‌باشد.



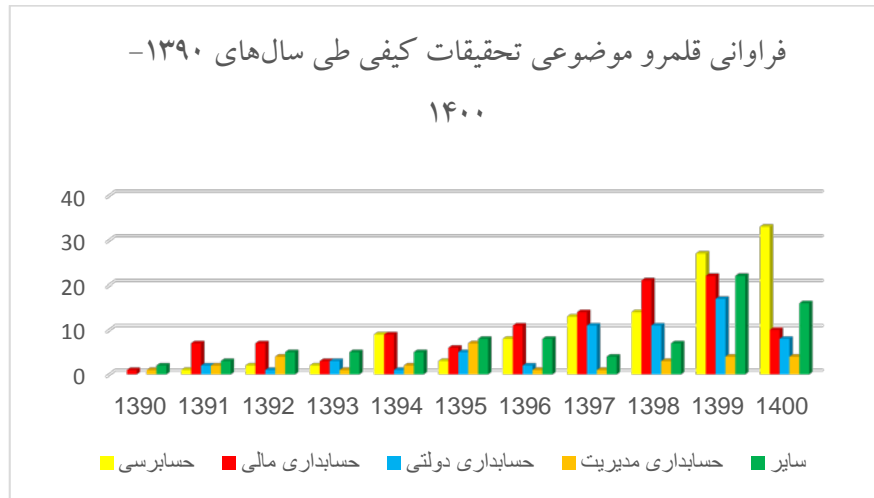
نمودار ۲. فراوانی روش تحلیل

جهت گردآوری داده‌های پژوهش ابزارهای مختلفی نیز وجود دارد که با توجه به هدف، رویکرد و استراتژی پژوهش انتخاب می‌شود. به طور کلی روش‌های گردآوری داده‌های پژوهش به دو دسته کلی شامل استفاده از اطلاعات و مدارک موجود (اسناد کاوی) و روش‌های میدانی شامل مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه تقسیم می‌شود (مصطفایی و حسینی، ۱۴۰۰). بر اساس نمودار ۳ و با ارزیابی مقالات در طی چند دوره می‌توان اذعان داشت که ابزار گردآوری داده‌ها در اکثر مقالات مصاحبه و ترکیبی از مصاحبه و اسناد کاوی می‌باشد. افزون بر این، در مقالات اندکی از پرسشنامه باز به منظور انجام روش کیفی استفاده نموده‌اند.



نمودار ۳. فراوانی ابزار گردآوری داده

مطابق با نمودار ۴، می‌توان بیان کرد که پژوهشگران به حوزه‌های حسابداری مالی و حسابرسی توجه فراوانی داشته‌اند. همچنین حسابداری مدیریت نسبت به سایر قلمروها سهم اندکی را به خود اختصاص داده است. در حقیقت، نقصان مقالات چاپ شده به طور تخصصی در حوزه حسابداری مدیریت آشکار است. بنابراین ضرورت توجه به این گونه پژوهش‌ها احساس می‌شود.



نمودار ۴. فراوانی قلمرو موضوعی

پژوهش کیفی نوعی نگرش وسیع، عمیق و بامعنا و حتی غیرابزاری به مسائل، رفتارها و یافته‌هاست. این مهم در پژوهش‌های کمی به گونه‌ی دیگری است؛ چرا که پژوهش کمی به تعیین کمیت و شمارش پدیده‌های تحت شرایط گوناگون مربوط می‌شود. اما مساله قابل تامل این است که میزان و نرخ انتشار مقالات کمی نسبت به نرخ انتشار مقالات کیفی در مجلات معتبر خارجی، بالاتر است. پژوهش کیفی به صورت تفسیری به مطالعه پدیده‌ها می‌پردازد، در نتیجه باعث ایجاد نگرانی از غیرقابل اطمینان بودن نتایج و ورود قضاوت‌های شخصی پژوهشگر به جریان پژوهش می‌شود. از طرف دیگر برخلاف پژوهش‌های کمی، اصول و قواعد از پیش تعیین شده و استاندارد برای پژوهش‌های کیفی وجود ندارد و اغلب این پژوهش‌ها اجازه تعمیم‌پذیری یافته‌ها را نمی‌دهد. نقد مهم دیگری که بر این نوع پژوهش وارد است، مشکل پایایی است. درواقع ممکن است گزارش‌های ارائه شده توسط پژوهشگر حوادث نادری بوده و یا اینکه سهوا اطلاعات تحریف شده‌ای را گزارش دهند. با این حال، بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، میزان چاپ و انتشار تحقیقات کیفی نسبت به تحقیقات کمی در داخل کشور بالاتر بوده است. درواقع محدودیت‌هایی نظیر کارایی ضعیف بازار سرمایه ایران و نتایج زود بازده تحقیقات کمی از یک سو و نوین بودن روش‌های کیفی برای اساتید و دانشجویان داخلی از سوی دیگر از جمله دلایل گرایش پژوهشگرهای داخلی به تحقیقات کیفی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

عوامل متعددی در شکل‌گیری و رشد علوم به طور عام و دانش حسابداری به طور خاص نقش داشته‌اند که از آن میان می‌توان به مجلات علمی-پژوهشی اشاره کرد. مجلات علمی-پژوهشی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی علمی سبب تولید علم، برقراری ارتباطات علمی و تسریع در فرآیند اطلاع‌رسانی علمی می‌باشد. لذا بسیاری از مراکز علمی می‌کوشند مجله‌ای برای اشاعه اطلاعات مدنظر خود یا مجرایی برای ارتباط با مخاطبان بالفعل و بالقوه خویش بیابند. هدف از پژوهش حاضر این است که شمای کلی از مقالات کیفی در مجلات معتبر را به نمایش بگذارد. بر این اساس نتایج حاصل از بررسی مقالات کیفی گویای این مطلب است که در سال‌های اخیر تعداد مقالات کیفی بیشتری به چاپ رسیده است. با این وجود، تعداد مقالات کیفی در مقابل مقالات کمی بسیار اندک می‌باشد. عدم تکیه بر پژوهش‌های کیفی و درک عمیق از موضوع و انجام پژوهش‌های زودبازده سبب کندگی در مسیر پیشرفت و اصلاح وضع موجود می‌شود. با گذشت زمان می‌توان شاهد این مساله بود که شناخت جوانب و کارکردهای پنهان برخی از موضوعات نیازمند تحلیل عمیق افراد است. بنابراین برای انجام پژوهش‌های انسان‌محور و مطالعه ژرف نگرانه پدیده‌ها، گریزی از انجام پژوهش‌های کیفی وجود ندارد.

در مقالات کیفی غالباً از روش تحلیل تم، تحلیل محتوا، گراند تئوری و دلفی استفاده گردیده است. لذا می‌توان استدلال کرد که غالباً پژوهشگران داخلی از بین روش‌های تحلیل گوناگون در روش پژوهش به چند روش خاص بسنده کرده‌اند. یکی از دلایل عدم بکارگیری روش‌های مختلف کیفی می‌تواند عدم آگاهی و شناخت پژوهشگران باشد. لذا آموزش کافی در روش‌های مختلف کیفی و سوق دادن پژوهشگر به سمت پژوهش‌های کیفی و تفکر انتقادی می‌تواند فتح بابی در این زمینه باشد. مضافاً، مقالات مورد بررسی بیشتر در حوزه حسابداری مالی و حسابرسی می‌باشد و در اکثر آنها مصاحبه به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها مطرح گردیده است.

آنچه در نگاه اول احساس می‌شود نبود مجله کیفی در محیط ایران است. لذا پیشنهاد می‌گردد با توجه به اهمیت موضوع و تغییر در بسامد مقالات کیفی می‌بایست متولیان این امر، کمیسیون‌های نشریات علمی کشور و دانشگاه‌ها به ایجاد مجلاتی مختص به روش کیفی پردازند. با واکاوی مقالات مجلات مذکور از جمله مسائلی که به ذهن خطور می‌کند این است که چرا اغلب پژوهشگران با توجه موضوع و ماهیت پژوهش به دلیل و چرایی انتخاب روش

تحلیل نمی‌پردازند. با توجه به بررسی مقالات کیفی می‌توان اذعان داشت که اکثر پژوهشگران به علل استفاده از روش تحلیل به کار رفته شده، اشاره‌ای نکرده‌اند. لذا پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران آتی در انجام تحقیقات کیفی با ذکر دلایل متقن و متناسب با موضوع در رابطه با روش استفاده شده به ارتقا کیفیت مقالات کمک کنند. مضافاً، نتایج نشان داد که پژوهشگران روش‌های تحلیل محدودی را به کار گرفته‌اند. از این رو، دانشگاه‌ها به منظور آموزش کافی پژوهشگران و آشنایی آنها با روش‌های متنوع باید سازوکارهای مناسبی را اتخاذ کنند. لازم به ذکر است که از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این است که مقالات منتشر شده برخی از مجلات محدود به دوره‌های کمتر از بازه زمانی مورد نظر می‌باشد.

منابع

- رحمانی، علی؛ گرامی راد، فاطمه و محمودخانی، مهناز. (۱۴۰۱). فراتحلیل آمار توصیفی متغیرها در مجلات حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۲(۱)، ۶۹-۹۰.
- سلیمانی امیری، غلامرضا؛ ایزدپور، مصطفی و گرامی راد، فاطمه. (۱۳۹۹). تحلیل محتوای نشریه پژوهش‌های تجربی حسابداری طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۳۵)، ۱۲۹-۱۵۸.
- مصطفایی، پرستو و حسینی، علی. (۱۴۰۰). تحلیل محتوای کیفی گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با تاکید بر ذینفعان اجتماعی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۴۱)، ۷۹-۱۱۲.
- وقفی، حسام؛ کامران راد، صدیقه؛ نظری، طاهره و حلاج‌نیا، الهه. (۱۳۹۹). تحلیل محتوای مقالات دو فصلنامه حسابداری دولتی از ابتدای انتشار تا پایان سال ۱۳۹۸. *فصلنامه حسابداری دولتی*، ۷(۱)، ۹۷-۱۱۶.

References

- Ahrens, T. (2022). Paper development in qualitative accounting research: bringing social contexts to life. *Qualitative Research in Accounting & Management*, 19(1), 1-17.
- Ahrens, T; Becker, A; Burns, J; Chapman, C. S; Granlund, M; Habersam, M; & Scheytt, T. (2008). The future of interpretive accounting research? A polyphonic debate. *Critical perspectives on accounting*, 19(6), 840-866.
- Ali, A. M; & Yusof, H. (2011). Quality in qualitative studies: The case of validity, reliability and generalizability. *Issues in Social and Environmental Accounting*, 5(1), 25-64.
- Bluhm, D. J; Harman, W; Lee, T. W; & Mitchell, T. R. (2011). Qualitative research in management: A decade of progress. *Journal of management studies*, 48(8), 1866-1891.
- Brennan, N. M; & Solomon, J. (2008). Corporate governance, accountability and mechanisms of accountability: an overview. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 21(7), 885-906.
- Broadbent, J; & Unerman, J. (2011). Developing the relevance of the accounting academy: The importance of drawing from the diversity of research approaches. *Meditari accountancy research*, 19(1/2), 7-21.
- Chua, W. F. (1986). Radical developments in accounting thought. *Accounting review*, 601-632.
- De Villiers, C; Dumay, J; & Maroun, W. (2019). Qualitative accounting research: dispelling myths and developing a new research agenda. *Accounting & Finance*, 59(3), 1459-1487.
- Deegan, C. (2013). *Financial Accounting Theory* (McGraw-Hill Education Australia, Sydney).
- Dillard, J. (2008). A political base of a polyphonic debate. *Critical Perspectives on Accounting*, 19(6), 894-900.

- Dumay, J. C. (2009). Reflective discourse about intellectual capital: research and practice. *Journal of Intellectual Capital*, 10(2), 489-503.
- Gray, R; & Milne, M. J. (2015). It's not what you do, it's the way that you do it? Of method and madness. *Critical Perspectives on Accounting*, 32, 51-66.
- Gummesson, E. (2000). *Qualitative methods in management research* (2nd ed.). USA: Sage Publication, Inc.
- Himick, D; Johed, G; & Pelger, C. (2022). Qualitative research on financial accounting—an emerging field. *Qualitative Research in Accounting & Management*, (ahead-of-print)
- Hoepfl, M. C. (1997). Choosing qualitative research: A premier for technology education researches. *Journal of Technology Education*, 9(1), 47-63.
- Hopwood, A. G. (1987). The archeology of accounting systems. *Accounting, organizations and society*, 12(3), 207-234.
- Kottler, J. A; & Minichiello, V. (2010). *An overview of the qualitative journey*. Los Angeles: SAGE Publications, Inc.
- Krippendorff, K. (2013). *Content Analysis: An Introduction to its Methodology* (Sage, Los Angeles, CA).
- Laughlin, R. (2007). Critical reflections on research approaches, accounting regulation and the regulation of accounting. *The British Accounting Review*, 39(4), 271-289.
- Michelon, G; Patten, D. M; & Romi, A. M. (2019). Creating legitimacy for sustainability assurance practices: Evidence from sustainability restatements. *European Accounting Review*, 28(2), 395-422.
- Mostafaei, P & Hosseini, A. (2021). Qualitative content analysis of corporate social responsibility reports with emphasis on social stakeholders. *Experimental Accounting Research*, (11)(41), 112-79 (In Persian)
- Muela-Meza, Z. M. (2003). An introduction to the applicability of qualitative research methodologies to the field of Library and Information Sciences. *Bibliodocencia: Revista de Profesores de Bibliotecología*, 2(12), 4-12.
- Parker, L. D. (2003). Qualitative research in accounting and management: the emerging agenda. *Journal of Accounting and Finance*, 2 (4), 15-30.
- Rahmani, A; Grami Rad, F and Mahmoudkhani, M. (1401). Meta-analysis of descriptive statistics of variables in accounting journals. *Experimental Accounting Research*, 12(1), 69-90. (In Persian)
- Roslender, R. (2006). Critical theory in accounting research, in: Z. Hoque, ed; *Methodological Issues in Accounting Research: Theories and Methods* (Spiramus, London), 247-267.
- Sale, M. J; Lohfeld, L. H; & Brazil, K. (2002). Revisiting the quantitative-qualitative debate: Implication for mixed-method research. *Quality and Quantity*, 36(1), 43-53.
- Soleimani, A, Gholamreza; Izadpour, M & Grami Rad, F. (2019). Content analysis of the Journal of Experimental Accounting Research during the years 2011 to 2018. *Experimental Research of Accounting*, 9(35), 129-158. (In Persian)
- Sterling, R. R. (1990). Positive accounting: An assessment. *Abacus*, 26(2), 97-135.

- Taylor, G. R. (2010). Quantitative research methods. Integrating quantitative and qualitative methods in research (3rd ed.). USA: University Press of America, Inc.
- Trumbull, M; & Watson, K. (2010). Qualitative research methods. Integrating quantitative and qualitative methods in research (3rd ed; pp. 62-78). USA: University Press of America, Inc.
- Vaghfi, H; Kamranrad, S; Nazari, T; Hallajnia, E. (2020). Content analysis of articles in two government accounting quarterly journals from the beginning to the end. *Government Accounting Quarterly*, 7(1), 97-116. (In Persian).
- Watts, R. L; & Zimmerman, J. L. (1979). The demand for and supply of accounting theories: The market for excuses. *Accounting review*, 3(6) 273-305.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

ارایه مدل ریسک حسابرسی مالیاتی در طرح جامع مالیاتی با رویکرد ترکیبی مدل‌سازی ساختاری تفسیری و فرآیند تحلیل شبکه‌ای^۱

حسین زارعیان^۲، محسن حجازی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

مقاله پژوهشی

چکیده

از مهم‌ترین چالش‌های حسابرسی مالیاتی در کشورهای در حال توسعه، عدم کارایی در بهره‌وری از منابع است که جهت غلبه بر آن، حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک توسعه یافته و در ایران، حسابرسی مبتنی بر ریسک با اجرای طرح جامع مالیاتی در دو افق زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت آغاز شده است. تعیین و مدل‌سازی شاخصه‌های اندازه‌گیری ریسک جهت انتخاب مؤدی، نقطه کلیدی در شروع فرایند حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک می‌باشد که این پژوهش به آن می‌پردازد. با توجه به کمبود چارچوب نظری در زمینه شاخصه‌های مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی، روش پژوهش ترکیبی اکتشافی است. در بخش کیفی، تحلیل تم بر روی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام و پس از شناسایی اولیه مفهوم‌ها و تم‌های فرعی و اصلی، با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) مدل طراحی و سپس شاخص‌ها با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه‌ای (ANP) رتبه‌بندی شدند. بر اساس نتایج، امکان اعتبارسنجی داده‌ها با سامانه‌های اطلاعاتی، به عنوان نقطه اولین تلاقی و ارتباطی بین مؤدی و سازمان امور مالیاتی، مهم‌ترین عامل مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: حسابرسی مالیاتی، حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک، مدیریت ریسک، مدل‌سازی ساختاری-تفسیری، فرآیند تحلیل شبکه‌ای.

طبقه بندی موضوعی: M42, M48

10.22051/JERA.2023.38394.2953 :DOI ۱

۲. دکتری، گروه حسابداری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول). (Hosein.zareian@gmail.com).

۳. دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، گرایش بازاریابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (Hejazimohsen@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

مالیات، یکی از مهم‌ترین عناصر مدیریت درآمدهای ملی، به ویژه در کشورهای در حال توسعه است. مسائلی نظیر تأمین هزینه‌های عمومی دولت، ارائه خدمات عمومی و همچنین ابزار سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت اهداف مطلوب توسعه اقتصادی، موجب افزایش اهمیت مالیات و فرایند مالیات‌ستانی می‌شود (گرایی‌نژاد و چپردار، ۱۳۹۱).

نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی در کشورهای با سطح درآمدی پایین، به طور متوسط بین ۱۰ تا ۲۰ درصد و در کشورهای با سطح درآمدی بالا، بیش از ۴۰ درصد است (بسلی و پرسون^۱، ۲۰۱۴ و بیلی^۲، ۲۰۱۷). بر اساس داده‌های بانک جهانی و سازمان بین‌المللی پول، متوسط نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی، در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ برابر ۳۳/۵ و نرخ متوسط جهانی آن ۱۳/۵ درصد در سال ۲۰۲۰ بوده است (بانک جهانی، ۲۰۲۱) در حالی که این نسبت در ایران ۶/۱ درصد می‌باشد.

فرایند مالیات‌ستانی در ایران دچار چالش‌ها و مشکلاتی است. مهم‌ترین مؤلفه در مدیریت نامناسب نظام مالیاتی، برنامه حسابرسی ناکارآمد است (ادمینستون و برد، ۲۰۰۴ و بیلی، ۲۰۱۷) که این مؤلفه موجب کاهش قابلیت حسابرسی مالیاتی (بیلی، ۲۰۱۷)، کاهش امکان شناسایی و محاکمه مجرمان مالیاتی می‌شود (جی.آی.زد^۴، ۲۰۱۰، گوپتا و ناگادورا^۵، ۲۰۱۰ و بیلی، ۲۰۱۷). به طور کلی عملکرد حسابرسی مالیاتی در کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، بسیار ضعیف است (ابریل و همکاران^۶، ۲۰۱۰ و بیلی، ۲۰۱۷).

ساختار مالیاتی باید همزمان با کاهش تعداد حسابرسی‌ها به دنبال به حداکثر رساندن موازنه بین ریسک و موارد منتخب جهت حسابرسی باشد (کاسپر و رابلن^۷، ۲۰۲۳). در کشور ایران، به جز مؤدیان اشخاص حقیقی که از تسهیلات مالیات مقطوع ماده ۱۰۰ قانون مالیات‌های مستقیم استفاده می‌کنند، همه مؤدیان حسابرسی می‌شوند. بدیهی است سازمان امور مالیاتی نباید تک‌تک مؤدیان را مورد حسابرسی و رسیدگی قرار دهد و همچنین بررسی مداوم مؤدیان

1. Timothy Besley and Torsten Persson
2. Mekonnen belay
3. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)
4. Deutsche Gesellschaft fur Internationale Zusammenarbeit (GIZ)
5. Manish Gupta and Vishnuprasad Nagadevara
6. Liam P. Ebrill; Michael Keen; Victoria J. Perry
7. Matthias Kasper and Matthew D. Rablen

کم‌خطر و تمکین‌کننده، هدر دادن منابع توسط دولت و افزایش هزینه فرصت ازدست‌رفته می‌باشد (بانک جهانی^۱، ۲۰۱۱)؛ بنابراین منابع باید برای مؤدیانی صرف شود که از یک سو پتانسیل ایجاد درآمد و سود بالایی داشته و از سوی دیگر احتمال اجتناب مالیاتی بیشتری دارند. یکی از معایب مهم حسابرسی های مالیاتی که نقطه بروز چالش می باشد، این است که در بسیاری از موارد حسابرسان مالیاتی، فرار مالیاتی را تشخیص نمی‌دهند (کاسپر و آلم^۲، ۲۰۲۲). سازمان امور مالیاتی با یک سری مشکلات و چالش‌های جدی روبه‌رو است که مهم‌ترین ریسک سازمان امور مالیاتی، عدم تمکین مؤدیان می‌باشد (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۶). برنامه حسابرسی مالیاتی اثربخش، تأثیری فراتر از افزایش مستقیم درآمدهای مالیاتی دارد (تهرانی و همکاران، ۱۳۹۷ و بایبر، ۲۰۱۰). این تأثیر به طراحی درست استراتژی انتخاب حسابرسی با تفکیک کارکرد ارزیابی ریسک از کارکرد اجرای حسابرسی (بانک جهانی، ۲۰۱۱) و تمرکز بر مؤدیان با ریسک بالا بستگی دارد (تهرانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ برزگری خانقاه و فیض‌پور، ۱۳۹۲). در این راستا، برنامه‌های اصلاح نظام مالیاتی در قالب طرح جامع مالیاتی^۳ تدوین شده که «پیاده‌سازی حسابرسی مبتنی بر ریسک» از مهم‌ترین این اقدامات است (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۶).

تصویب اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم (با تأکید بر تقویت بانک‌های اطلاعاتی و ضمانت اجرایی) در سال ۱۳۹۴ و هم‌چنین تصویب قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مؤدیان در سال ۱۳۹۸، نشان‌دهنده حرکت به سمت مدیریت ریسک و حسابرسی مبتنی بر آن می‌باشد که بسترهای قانونی آن در مواردی نظیر مفاد ماده ۹۷ ق.م.م. و ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۱۹ ق.م.م. مصوب ۱۳۹۸/۹/۹ مورد توجه قرار گرفت و «سازمان می‌تواند بر اساس شاخص‌ها و معیارهایی که تعیین می‌نماید و یا به طور نمونه، نسبت به انتخاب مؤدیان مالیاتی بر اساس رتبه ریسک برای حسابرسی منابع مختلف مالیاتی اقدام نماید». ضمناً بر اساس مفاد تبصره ماده ۹۷ ق.م.م. سازمان امور مالیاتی کشور مکلف به استقرار بانک اطلاعات مربوط به نظام جامع مالیاتی شد و با شروع اجرای طرح جامع مالیاتی، تمام مبانی قانونی و فنی سازمان امور مالیاتی در جهت حسابرسی مبتنی بر ریسک قرار گرفت.

1. World Bank
2. Matthias Kasper and James Alm
3. Integrated Tax System (ITS)

انتخاب مؤدی بر اساس معیار ریسک و برنامه‌ریزی حسابرسی، نیازمند شناسایی سطح ریسک هر مؤدی است. شناسایی ریسک هر مؤدی نیز مستلزم شناسایی شاخصه‌هایی که نشانگر ریسک مؤدی می‌باشد تا بر اساس این شاخصه‌ها، بتوان پیش از اجرای فرایند حسابرسی، اقدام به انتخاب مؤدی جهت حسابرسی نمود (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۶).

در سازمان امور مالیاتی ایران موضوع مهم در انتخاب مؤدی جهت حسابرسی، شناخت کلیه عوامل مؤثر بر ریسک مؤدی از دیدگاه سازمان مالیاتی می‌باشد. مسأله اصلی این است که در سازمان مالیاتی ایران، الگوی کامل و جامعی جهت انتخاب مؤدیان بر پایه ارزیابی سطح ریسک هر مؤدی و انتخاب آنها جهت حسابرسی وجود ندارد و نیاز به یک الگوی مناسب برای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک که در آن کلیه متغیرهای مؤثر بر ریسک تمکین مؤدی دیده شده، احساس می‌شود. بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه حسابرسی مبتنی بر ریسک، نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌ها به معرفی و ضرورت این نوع حسابرسی پرداخته‌اند. هم‌چنین علی‌رغم این که پروژه‌های انتخاب برای حسابرسی بر مبنای ریسک در دو افق زمانی کوتاه‌مدت و بلندمدت در طرح جامع مالیاتی مدنظر بوده، تاکنون اقدام مؤثری در این زمینه انجام نگرفته است و این پروژه‌ها با چالش‌هایی برای تحلیل و ارزیابی ریسک مواجه می‌باشند. لذا لازم است شناسایی و مدل‌سازی شاخصه‌های مؤثر در انتخاب مؤدی برای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک مورد توجه قرار گیرد.

در این پژوهش سعی شده است کلیه عوامل مؤثر بر ریسک مالیاتی مؤدی و انتخاب وی برای حسابرسی، شناسایی، تجزیه و تحلیل و در قالب الگوی حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در ایران آورده شوند. لذا این پژوهش، به دنبال پاسخی برای این پرسش است که عوامل مؤثر بر ریسک مؤدیان حقوقی در سازمان مالیاتی ایران در قالب الگوی حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک چیست؟ و اهمیت این عوامل چگونه است؟

مبانی نظری

طبق تعریف اداره حسابداری عمومی آمریکا^۱، حسابرسی مالیاتی عبارت است از: جمع‌آوری و ارزیابی شواهد و مدارک مربوط به اطلاعات ابرازی مؤدی جهت تعیین مقدار صحیح مالیات. حسابرسی مالیاتی، مجموعه‌ای از اقداماتی است که در جهت تعیین مقدار صحیح مالیات متعلقه

1. U.S. Government Accountability Office (U.S. GAO)

با ارزیابی تمکین مؤدی از قوانین مرتبط مالیاتی و اثبات صحت و اعتبارسنجی اظهارنامه‌های مالیاتی، انجام می‌گردد (لوشی^۱، ۲۰۱۶؛ مورفی و هیگینس^۲، ۲۰۱۷ و منصور و کلب^۳، ۲۰۱۹). در فرآیند مالیات‌ستانی، همواره برخی از مؤدیان به دلیل ضعف دستگاه مالیاتی، عامدانه و یا از روی سهل‌انگاری، بی‌دقتی یا بی‌توجهی به تکالیف خود عمل نمی‌کنند. اگرچه، حذف کامل این پدیده در نظام مالیاتی هر کشوری تقریباً امری غیرممکن است، اما، در بسیاری از کشورها با آگاهی کامل از این واقعیات، از طریق طراحی، اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌های مدیریت ریسک تمکین (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۴) به طور مستمر در صدد کاهش و یا به حداقل رساندن موارد عدم تمکین مالیاتی هستند.

پارامترهای صحیحی برای فرار مالیاتی در طبقات مختلفی از مؤدیان قابل محاسبه است که منجر به یک روش کلی‌تر برای استراتژی حسابرسی مالیاتی شده و قادر به محدود نمودن فرار مالیاتی، حتی در غیاب حسابرس مالیاتی است (میچلی، ۲۰۲۰) که این همان حلقه مفقوده حسابرسی مالیاتی، یعنی «حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک» است.

در حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک، انتخاب مؤدی جهت حسابرسی بر اساس معیار ریسک است؛ در نتیجه برنامه‌ریزی حسابرسی با توجه به طبقات مختلف ریسک مؤدیان انجام می‌گردد. سیستم، ریسک اطلاعات و نحوه رعایت و تمکین مؤدی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، چنانچه ریسک بیش از آستانه باشد، مؤدی برای حسابرسی و بازنگری به صورت دستی انتخاب می‌گردد (انتخاب جهت حسابرسی مبتنی بر ریسک) و پس از حسابرسی و بررسی‌های لازم، برگ تشخیص صادر می‌شود (سازمان امور مالیاتی کشور، ۱۳۹۰).

پیشینه پژوهش

پیشینه خارجی

میچلی (۲۰۲۰) با استفاده از نظریه بازی‌ها، به بررسی مشوق‌های فرار از مالیات بر ارزش افزوده پرداخت. وی چارچوبی ارائه نمود که قادر به اندازه‌گیری انگیزه‌های مؤدیان برای رفتارهای

-
1. Isuf Lushi
 2. Kevin E. Murphy and Mark Higgins
 3. Israa Mansour and Mutasem Kalib

غیرمالیاتی و پذیرش ریسک آن‌ها و محاسبه پارامترهای صحیحی برای فرار مالیاتی در گروه‌های مختلفی از مؤدیان بود.

لویلند و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهش خود به بررسی استفاده از تکنیک‌های یادگیری ماشینی در پیش‌بینی نمره ریسک برای انتخاب مؤدیان جهت حسابرسی پرداخته‌اند. بر اساس نتایج پژوهش، مشخص گردیده که نه تنها استفاده از این تکنیک، می‌تواند رفتار عدم تمکین را به سرعت تشخیص دهد، بلکه نحوه‌ی رفتار ارائه اظهارنامه‌های آتی را پیش‌بینی نماید. هم‌چنین استفاده از حسابرسی تصادفی، موجب تأثیرگذاری بر روی رفتار مؤدیان و تغییر در توزیع نمرات ریسک آن‌ها می‌شود.

داسیلوا و همکاران^۲ (۲۰۱۶) به بررسی داده‌های موجود در اداره مالیاتی برزیل با استفاده از تکنیک شبکه‌های بیزی در جهت تشخیص رفتار مؤدیان پرداخته و بر اساس آن، روش انتخاب حسابرسی مبتنی بر ریسک موجود را بهبود داده‌اند. بر اساس روش ارائه شده پژوهشگران، بهترین نتیجه از روش نایو نسبت به روش‌های دیگر شبکه‌های بیزی به دست می‌آید و در صورت انتخاب این روش، با ۳۰ درصد افزایش در تعداد پرونده‌های حسابرسی، درآمدهای مالیاتی در بهینه‌ترین حالت افزایش می‌یابد.

همبرگ و همکاران^۳ (۲۰۱۵) پژوهشی با عنوان «تشخیص عدم تمکین مالیاتی با استفاده همزمان از ریسک فرار مالیاتی و احتمال حسابرسی» انجام داده‌اند. روش مورد استفاده شامل شبکه‌ای از مالکیت و دنباله‌ای از تراکنش‌ها می‌باشد که خروجی آن احتمال انجام یک حسابرسی را مشخص می‌کند و برای انجام این کار، به هیچ داده اولیه نظیر داده‌های اظهارنامه مالیاتی یا سوابق حسابرسی نیاز نمی‌باشد. تکنیک به کار گرفته شده برای تحلیل داده‌ها، تکامل دستوری^۴ (یکی از نسخه‌های الگوریتم ژنتیک) می‌باشد. بر اساس این نتایج، نوسان‌های رفتار یک سیستم، می‌تواند با استفاده از نمای کلی فرار مالیاتی و تشخیص‌های به دست آمده از حسابرسی مالیاتی، مدل‌سازی شود.

پیشینه داخلی

پژوهش خباززاده و همکاران (۱۴۰۰) با هدف بررسی ضرورت حسابرسی در سیستم مالیات بر ارزش افزوده و نیز بررسی عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی در سیستم مالیات بر ارزش افزوده، به بررسی سیستم حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک و تکنیک‌های حسابرسی جهت استقرار

1. Knut Loyland, Oddbjorn Raaum, Gaute Torsvik and Arnstein ovrum
 2. Leon Solon da Silva; Henrique de C. Rigitano; Rommel N. Carvalho; Joao Carlos F. Souza
 3. Erik Hemberg; Jacob Rosen; Geoff Warner; Sanith Wijesinghe; Una-May O'Reilly
 4. Grammatical Evolution

طرح‌های حسابرسی قوی و اثربخش که قادر به شناسایی به‌موقع موارد عدم تمکین و تخلفات مالیاتی باشد، پرداخته است. در این پژوهش نمونه‌ای شامل ۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با رگرسیون چندگانه غیرخطی به روش لاجیت نشان می‌دهد؛ از بین عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی، سابقه مالیاتی مؤدی و ثبت نام به موقع در مهلت مقرر در طرح ارزش افزوده با ریسک حسابرسی ارتباط معنادار و معکوسی وجود دارد؛ همچنین بین اندازه مؤدی و استرداد مالیاتی و درخواست‌های با مانده اعتبار منفی مالیاتی از سوی مؤدیان با ریسک حسابرسی ارتباط معنادار و مستقیمی وجود دارد.

ساری و اعتمادی (۱۳۹۸) در پژوهشی، با الگوسازی مفهومی و مدل‌سازی آماری اندازه‌گیری ریسک مالیاتی بر اساس مؤلفه عدم اطمینان، به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ریسک مالیاتی پرداختند. یافته‌ها نشان‌دهنده وجود رابطه منفی معنادار بین نرخ مؤثر مالیاتی و بی‌ثباتی وضعیت مالیاتی شرکت‌ها بود. از طرفی، نتایج بیانگر افزایش اختلاف مالیاتی با کاهش نرخ مؤثر مالیاتی بود.

پژوهش شیری حکم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در خصوص قابلیت انطباق مدل حسابرسی مبتنی بر ریسک با اهداف رسیدگی میزان مالیاتی از لحاظ شناسایی ریسک نمونه‌گیری در رسیدگی و نحوه محاسبه و رابطه بین ریسک‌های شناسایی شده و تعیین میزان مالیات واقعی می‌باشد. نتیجه بررسی این فرضیه‌ها نشان‌دهنده کاهش ریسک نمونه‌گیری و کفایت متغیرهای مدل حسابرسی بوده و تنها در خصوص اثربخشی مدل نتیجه آزمون عدم کفایت و جامعیت مدل نشان‌دهنده پوشش کلیه سرفصل‌های رسیدگی در ترازنامه و صورت سود و زیان می‌باشد.

تهرانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود، به طراحی مدلی برای پیش‌بینی خوش‌حسابی مؤدیان بزرگ مالیاتی با استفاده از نسبت‌های مالی به عنوان متغیرهای پیش‌بین (مستقل) و روش رگرسیون لجستیک پرداخته‌اند. بر اساس نتایج پژوهش نسبت‌های بازده دارایی‌ها، نسبت آنی و سود ناخالص به‌طور معناداری باعث افزایش احتمال خوش‌حسابی و نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام، حاشیه سود عملیاتی و حاشیه سود خالص باعث کاهش احتمال خوش‌حسابی می‌شوند.

دستگیر و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به ارائه مدل انتخاب برای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک اشخاص حقوقی در ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش، عوامل مؤثر بر ریسک

مؤدی شامل ۱) کیفیت حاکمیت شرکتی (متغیرهای نقش دو گانه مدیر عامل، درصد تعداد مدیران غیر موظف، درصد سهام در دست مدیران، قدرت سهامداران، درصد سهامداران نهادی، ارائه گزارش حسابرسی، ارائه گزارش حسابرسی مالیاتی)؛ ۲) ویژگی‌های مؤدیان حقوقی (متغیرهای نوع مالکیت، نوع شرکت، نوع فعالیت، تمرکز، عمر فعالیت، اندازه، عضویت در بورس) و ۳) سابقه مالیاتی شرکت، شناسایی شده‌اند.

پرسش پژوهش

عوامل مؤثر بر ریسک مؤدیان مالیاتی در سازمان مالیاتی ایران جهت انتخاب برای حسابرسی در قالب الگوی حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک چیست؟ و اهمیت این عوامل چگونه است؟

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش از نوع ترکیبی با تأکید بر رویکرد اکتشافی، جهت گیری آن از نوع کاربردی، هدف آن اکتشافی و توصیفی و رویکرد پژوهش نیز استقرایی است. پژوهش‌های ترکیبی بر گردآوری، تجزیه و تحلیل و ترکیب دو نوع داده کیفی و کمی در یک پژوهش واحد یا مجموعه‌ای از پژوهش‌ها تأکید می‌کند (پلانو کلارک و همکاران^۱، ۲۰۰۸) که به سه دسته بهم تنیده^۲، تشریحی^۳ و اکتشافی^۴ تقسیم می‌شوند (مک‌میلان و شوماخر^۵، ۲۰۰۱ و کرسول^۶، ۲۰۰۷). در روش ترکیبی اکتشافی ابتدا از روش کیفی و سپس از روش کمی برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش استفاده می‌شود (کرسول و پلانو کلارک^۷، ۲۰۰۷) و زمانی به کار می‌رود که پدیده مورد نظر، قبلاً مورد مطالعه قرار نگرفته و یا این که از زاویه جدیدی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد (مک‌میلان و شوماخر، ۲۰۰۱). بنابراین این پژوهش شامل دو بخش است:

بخش کیفی: تحلیل تم

با توجه به خاص بودن مقوله حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک و فقدان پژوهش‌های میدانی در این حوزه، اتکای صرف به ادبیات نظری، نتایج جامعی در پی نخواهد داشت. بنابراین در این

1. Plano Clark, V; Creswell, J; O'Neil Green, D; & Shope, R.
2. Triangulation
3. Explanatory
4. Exploratory
5. McMillan, J. H; & Schumacher, S.
6. Creswell, John W.
7. Creswell JW, Plano Clark VL.

پژوهش با علم به این موضوع و برای شناسایی شاخصه‌های مؤثر بر ریسک مؤدی، از روش تحلیل تم^۱ که در پژوهش‌های کیفی کاربرد گسترده‌ای دارد، استفاده شد. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی حسابرسان مالیاتی سازمان امور مالیاتی کشور بوده که تجربه حسابرسی اشخاص حقوقی بیش از ۱۰ سال و تجربه حسابرسی در طرح جامع مالیاتی را داشته‌اند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی، روش هدفمند قضاوتی می‌باشد. کفایت نمونه‌گیری با روش نمونه‌گیری نظری محقق شد. در این روش نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا می‌کند که الگو به حد ساخت و اشباع برسد. داده‌های مورد نیاز برای شناسایی شاخصه‌های اولیه، در طی مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ نفر از خبرگان حسابرسی مالیاتی جمع‌آوری گردید. پرسش اصلی مصاحبه، عوامل نشان‌گر ریسک مؤدی، قبل از شروع فرایند انجام حسابرسی توسط حسابرس می‌باشد. پس از انجام مصاحبه، متن مصاحبه‌ها به دقت بررسی و در قالب متنی پیاده‌سازی و برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها، از تحلیل تم استفاده شد. به این ترتیب مفاهیم، تم‌های فرعی و اصلی جهت شناسایی شاخصه‌های مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی تعیین شد.

بخش کمی: مدل‌سازی ساختاری تفسیری و فرآیند تحلیل سلسله شبکه‌ای

در این مرحله برای شناسایی و ساخت مدل مدنظر، با استفاده از نظر خبرگان، از مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM^۱) استفاده می‌شود. مدل‌سازی ساختاری تفسیری، فرایند متعاملی است که در آن مجموعه‌ای از عناصر مختلف و مرتبط با یکدیگر در مدل سیستماتیک جامعی ساختار بندی شوند (آذر و بیات، ۱۳۸۷). بنابراین با استفاده از این روش و طی مراحل آن، می‌توان به مدلی جامع در رابطه با موضوع پژوهش دست یافت. پرسشنامه این مرحله با استفاده از شاخصه‌های شناسایی شده از تحلیل تم تدوین و با مراجعه مکرر به خبرگان (شامل ۱۰ نفر از حسابرسان مالیاتی سازمان امور مالیاتی) تکمیل گردید.

پس از نظرسنجی از خبرگان (شامل ۱۴ نفر) در قالب مقایسات زوجی و انجام تحلیل‌های مرتبط اوزان اهمیت ابعاد مدل به صورت تحلیل شبکه‌ای حاصل شد. به این ترتیب اوزان اهمیت ابعاد مدل با نقش در نظر گرفتن هر بعد در ساختار شبکه با کمک تکنیک فرآیند تحلیل شبکه‌ای حاصل می‌شود. آمار توصیفی مرتبط با مصاحبه‌شوندگان به شرح جدول ۱ می‌باشد:

1. Thematic Analysis
2. Interpretive Structural Modeling

جدول ۱. توصیف متغیرهای جمعیت‌شناختی جامعه آماری

ردیف	ویژگی	گزینه‌ها	کیفی		کمی	
			تحلیل تم		ANP	
			فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱	جنسیت	مرد	۱۱	۹۱/۷	۱۲	۸۵/۷۱
		زن	۱	۸/۳	۲	۱۴/۲۹
۲	سن	از ۳۰ تا ۳۴	۱	۸/۳	۳	۲۱/۴۳
		از ۳۵ تا ۳۹	۳	۲۵	۵	۳۵/۷۱
		از ۴۰ تا ۴۴	۵	۴۱/۷	۴	۲۸/۵۷
		از ۴۵ تا ۴۹	۱	۸/۳	۱	۷/۱۴
		از ۵۰ تا ۵۴	۱	۸/۳	۱	۷/۱۴
۳	سابقه کار	از ۱۱ تا ۱۵	۲	۱۶/۷	۴	۲۸/۵۷
		از ۱۶ تا ۲۰	۵	۴۱/۷	۴	۲۸/۵۷
		از ۲۱ تا ۲۵	۳	۲۵	۴	۲۸/۵۷
		از ۲۶ تا ۳۰	۲	۱۶/۷	۲	۱۴/۲۹
۴	میزان تحصیلات	کارشناسی	۴	۳۳/۳	۱	۷/۱۴
		کارشناسی ارشد	۶	۵۰	۷	۵۰
		دکتری	۲	۱۶/۷	۶	۴۲/۸۶
۵	پست سازمانی	حسابرس ارشد	۳	۲۵	۴	۲۸/۵۷
		رئیس گروه حسابرسی	۲	۱۶/۷	۳	۲۱/۴۳
		مدیر حسابرسی	۴	۳۳/۳	۳	۲۱/۴۳
		معاون حسابرسی	۲	۱۶/۷	۲	۱۴/۲۹
		مدیر کل	۱	۸/۳	۲	۱۴/۲۹

منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش

نتایج تحلیل تم

هدف از تحلیل تم بر روی مصاحبه‌های انجام گرفته، شناسایی شاخصه‌های مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی جهت انتخاب مؤدی و هم‌چنین قالب‌بندی آن به شکل تم‌های فرعی و اصلی می‌باشد. فرایند شناسایی کدها به صورت رفت و برگشتی بوده و پس از هر مصاحبه، با مراجعه به ادبیات موضوع و پژوهش‌ها و تجربیات داخلی و بین‌المللی، معادل‌های مربوط به هر کد جستجو و شناسایی گردید. در مرحله اولیه تحلیل تم، تعداد ۷۲ کد منحصر به فرد شناسایی گردید که بر اساس تشابه معنایی کدها، تعداد ۴۳ مفهوم اولیه استخراج شد. با استفاده از وجوه اشتراک مفاهیم و با توجه به درک پژوهشگر از موضوع و مطالعات پیشینه پژوهش، پس از بررسی‌های چندباره

و پالایش، ترکیب، حذف و اضافه آن، در نهایت تعداد ۱۴ تم فرعی و ۵ تم اصلی شناسایی گردید. در جدول ۲ مفاهیم و تم‌های فرعی به همراه فراوانی هر یک از مفاهیم در مصاحبه‌ها، بیان شده‌است.

جدول ۲. مفاهیم و تم‌های فرعی و اصلی استخراج شده

ردیف	مفهوم (شاخصه‌های مؤثر)	تم فرعی	تم اصلی	فراوانی	درصد از مفاهیم	درصد از خبرگان	
۱	امکان بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی	استفاده از	راهبردها و تکنیک‌ها	۴	۶۱/۱	۳۳/۳۳	
۲	کیفیت حسابداری مالی انجام شده توسط حسابرسان مستقل	فرصت‌های بالقوه مؤثر بر حسابداری		۷	۲/۸۲	۵۸/۳۳	
۳	حضور زن در فرایند حسابداری مالیات از طرف مؤدی	ویژگی نیروهای		۳	۱/۲۱	۲۵	
۴	دانش مالی و مالیاتی مؤدی	انسانی مرتبط با		۷	۲/۸۲	۵۸/۳۳	
۵	وجود مشاور مالیاتی	حسابداری مالیاتی		۶	۲/۴۲	۵۰	
۶	خرید از شرکت‌های صوری و فاقد اعتبار	ویژگی‌های تأمین‌کنندگان	زنجیره ارزش	۱۰	۴/۰۳	۸۳/۳۳	
۷	داشتن شعب یا شرکت‌های وابسته چندگانه (داخلی و خارجی)	ویژگی‌های کلی مؤدی		۴	۱/۶۱	۳۳/۳۳	
۸	شهرت و اعتبار مؤدی در جامعه			۴	۱/۶۱	۳۳/۳۳	
۹	قرار گرفتن در لیست شرکت‌های آلاینده (مشمول عوارض آلاینده‌گی)			۲	۰/۸۱	۱۶/۶۷	
۱۰	ماهیت فعالیت (تولید، خدمات، بازرگانی، پیمانکاری) از نظر ردیابی هزینه			۶	۲/۴۲	۵۰	
۱۱	محل‌های فعالیت شرکت (چندگانه یا دور از محل اداری)			۲	۰/۸۱	۱۶/۶۷	
۱۲	نوع مالکیت سهامداران (سهامی عام، سهامی خاص)			۵	۲/۰۲	۴۱/۶۷	
۱۳	استفاده از تخصص فنی سایر سازمان‌ها در فرایند تشخیص مالیات			۳	۱/۲۱	۲۵	
۱۴	تعداد درجه کیفی محصول قابل فروش			ویژگی‌های مشتریان و محصولات	۴	۱/۶۱	۳۳/۳۳
۱۵	تعداد مشتریان				۳	۱/۲۱	۲۵
۱۶	تنوع تولید (تعداد محصول)				۳	۱/۲۱	۲۵
۱۷	مشتری محصول (مصرف‌کننده نهایی (B2C) یا واسطه ((B2B))	۶			۲/۴۲	۵۰	
۱۸	نسبت مشتریان غیردولتی به مشتریان دولتی	۳			۱/۲۱	۲۵	
۱۹	سابقه تعلق مالیات متمم به مؤدی در سال‌های قبل	کتمان رویدادهای مالی	رفتار تمکین مالیاتی		۸	۳/۲۳	۶۶/۶۷
۲۰	ارائه کامل اسناد و مدارک در زمان مندرج در دعوت‌نامه یا تمدید		مالیاتی	۸	۳/۲۳	۶۶/۶۷	

ردیف	مفهوم (شاخصه‌های مؤثر)	تم فرعی	تم اصلی	فراوانی	درصد از مفاهیم	درصد از خبرگان
۲۱	اظهارنامه‌های الحاقی ارزش افزوده	کیفیت تعامل و سوابق انجام تکالیف مالیاتی		۴	۱/۶۱	۳۳/۳۳
۲۲	زمان انجام تکالیف مالیاتی (در موعد مقرر قانونی، خارج از موعد مقرر)			۶	۲/۴۲	۵۰
۲۳	سابقه نحوه ابلاغ اوراق مالیاتی (ابلاغ به مودی، ابلاغ قانونی، استنکاف)			۲	۰/۸۱	۱۶/۶۷
۲۴	سوابق نحوه قطعیت مالیات (تمکین، توافق، هیأت بدوی، هیأت تجدید نظر، هیأت ماده ۲۵۱ مکرر، شورای عالی مالیاتی)			۶	۲/۴۲	۵۰
۲۵	پرونده‌های معوق مالیات ارزش افزوده			۳	۱/۲۱	۲۵
۲۶	سوابق پرداخت مالیات ابرازی توسط مودی			۵	۲/۰۲	۴۱/۶۷
۲۷	سوابق پرداخت مالیات قطعی توسط مودی			۷	۲/۸۲	۵۸/۳۳
۲۸	نسبت جرایم قابل بخشش به جرایم غیر قابل بخشش			۶	۲/۴۲	۵۰
۲۹	امکان اعتبارسنجی داده‌های ارائه شده با سامانه‌های اطلاعاتی داخل سازمان	امکان اعتبارسنجی داده‌ها با سامانه‌های اطلاعاتی	قابلیت تطبیق داده‌ها	۱۰	۴/۰۳	۸۳/۳۳
۳۰	امکان تطبیق داده‌ها با منابع اطلاعاتی برون‌سازمانی نظیر بانک، گمرک و..			۹	۳/۶۳	۷۵
۳۱	مغایرت لیست حقوق سامانه مالیاتی و سازمان تأمین اجتماعی			۴	۱/۶۱	۳۳/۳۳
۳۲	تفاوت معنادار سود شرکت با شرکت‌های مشابه			۷	۲/۸۲	۵۸/۳۳
۳۳	داشتن ترکیبی از مشتریان داخلی و خارجی (صادرات)	استفاده از اطلاعات حسابداری فروش		۷	۲/۸۲	۵۸/۳۳
۳۴	فروش به شرکت‌های صوری و فاقد اعتبار			۱۲	۴/۸۴	۱۰۰
۳۵	فعالیت یا تولید در زمینه کالا یا خدمت مشمول ارزش افزوده	برای تأثیر بر حسابرسی مالیاتی		۴	۱/۶۱	۳۳/۳۳
۳۶	اخذ تسهیلات بانکی			۳	۱/۲۱	۲۵
۳۷	زیان ابرازی طی حداقل دو سال متوالی	استفاده از اطلاعات حسابداری مالی برای تأثیر بر حسابرسی مالیاتی	کارکردهای گزارشگری و حسابداری	۱۰	۴/۰۳	۸۳/۳۳
۳۸	عدم تناسب نسبت هزینه دستمزد به کل هزینه‌ها با توجه به ماهیت فعالیت			۷	۲/۸۲	۵۸/۳۳
۳۹	نوسان معنادار در ارقام صورت‌های مالی در حداقل ۲ سال متوالی			۷	۲/۸۲	۵۸/۳۳
۴۰	بالا بودن نسبت موجودی کالا به فروش طی حداقل دو سال متوالی	تکنیک‌های مدیریت بهای تمام شده		۱۱	۴/۴۴	۹۱/۶۷
۴۱	نسبت مواد وارداتی به کل مواد اولیه مورد استفاده در تولید			۵	۲/۰۲	۴۱/۶۷
۴۲	سهم حساب جاری شرکا و کارکنان در انجام هزینه‌ها و خرید	منابع هزینه‌ها		۱۱	۴/۴۴	۹۱/۶۷
۴۳	نسبت هزینه‌های پرداختی از تنخواه به کل هزینه‌ها			۴	۱/۶۱	۳۳/۳۳

منبع: یافته‌های پژوهش

مدل‌سازی ساختاری تفسیری

پس از شناسایی شاخصه‌ها و تم‌های فرعی و اصلی، به سطح‌بندی تم‌های فرعی به عنوان عوامل مؤثر در ریسک حسابرسی مالیاتی پرداخته و روابط بین این عوامل، با توجه به روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری مشخص می‌گردد. مدل با هفت گام اصلی زیر اجرا می‌شود:

۱. شناسایی متغیرهای مربوط به مسئله: پس از انجام تحلیل تم و مطالعه عمیق مبانی نظری ادبیات موضوع، ۱۴ تم فرعی (به شرح جدول ۲ و ۳) استخراج شده‌اند.
۲. تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری: با توجه به عوامل چهارده‌گانه مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی، ماتریس خودتعاملی ساختاری به صورت جدول ۳ می‌باشد. تعداد ۱۰ پرسشنامه، به عنوان مبنای تحلیل و به کمک نمادهای زیر مورد استفاده قرار گرفت.
 V : متغیر i بر تحقق متغیر j کمک می‌کند. A : متغیر j بر تحقق متغیر i کمک می‌کند. X : متغیر i و j هر دو بر تحقق هم کمک می‌کند. O : متغیر i و j با یکدیگر ارتباط ندارند.

جدول ۳. ماتریس خودتعاملی ساختاری عوامل مؤثر بر حسابرسی مالیاتی

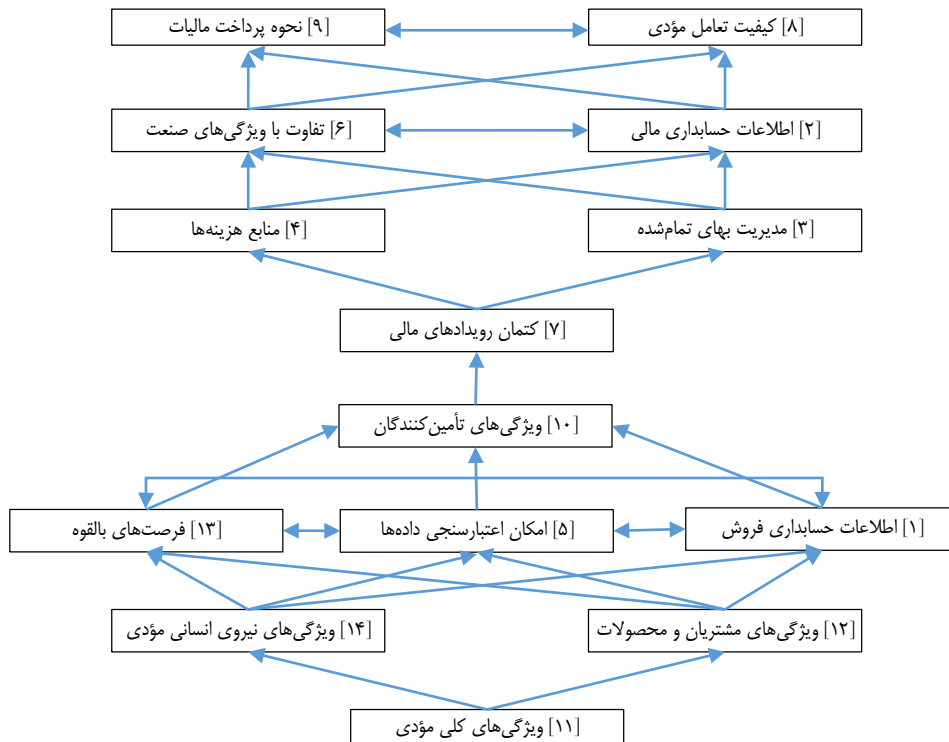
(۱۴)	(۱۳)	(۱۲)	(۱۱)	(۱۰)	(۹)	(۸)	(۷)	(۶)	(۵)	(۴)	(۳)	(۲)	(۱)	
A	X	O	O	O	O	O	V	V	X	O	V	V	-	(۱) استفاده از اطلاعات حسابداری فروش
A	A	O	A	A	V	O	O	X	A	A	A	-		(۲) استفاده از اطلاعات حسابداری مالی
A	A	O	A	A	O	V	A	V	A	O	-			(۳) تکنیک‌های مدیریت بهای تمام‌شده
A	A	O	A	A	V	V	A	O	A	-				(۴) منابع هزینه‌ها
A	X	A	A	V	O	V	V	V	-					(۵) امکان اعتبارسنجی داده‌ها با سامانه‌ها
A	A	A	A	A	V	V	A	-						(۶) تفاوت با ویژگی‌های صنعت
A	A	A	A	A	V	V	-							(۷) کتمان رویدادهای مالی
A	A	O	A	A	X	-								(۸) کیفیت تعامل و سوابق انجام تکالیف مالیاتی
A	O	O	A	O	-									(۹) نحوه استفاده از اختیارات قانونی در پرداخت
A	A	A	A	-										(۱۰) ویژگی‌های تأمین‌کنندگان
V	V	V	-											(۱۱) ویژگی‌های کلی مؤدی
O	O	-												(۱۲) ویژگی‌های مشتریان و محصولات
X	-													(۱۳) استفاده از فرصت‌های بالقوه
-														(۱۴) ویژگی نیروهای انسانی مرتبط با حسابرسی

منبع: یافته‌های پژوهش

۴ و ۳. ایجاد ماتریس دسترسی اولیه و نهایی: با تبدیل علائم راهنمای ماتریس SSIM بر اساس قواعد پیش‌گفته به اعداد صفر و یک، می‌توان به ماتریس دست‌یابی رسید.

۵. بخش بندی سطح: برای تعیین سطح هر یک از عوامل می بایست مجموعه عوامل خروجی، ورودی و مشترک آن‌ها مشخص شود. سپس بر اساس آن سطح بندی صورت گیرد.

۶. ترسیم مدل: پس از تعیین روابط و سطح متغیرها، می توان آنها را به شکل مدلی ترسیم کرد. به همین منظور، ابتدا متغیرها بر حسب سطح آنها به ترتیب از بالا به پایین تنظیم می شوند. در پژوهش حاضر متغیرها در هشت سطح قرار گرفتند (شکل ۱).

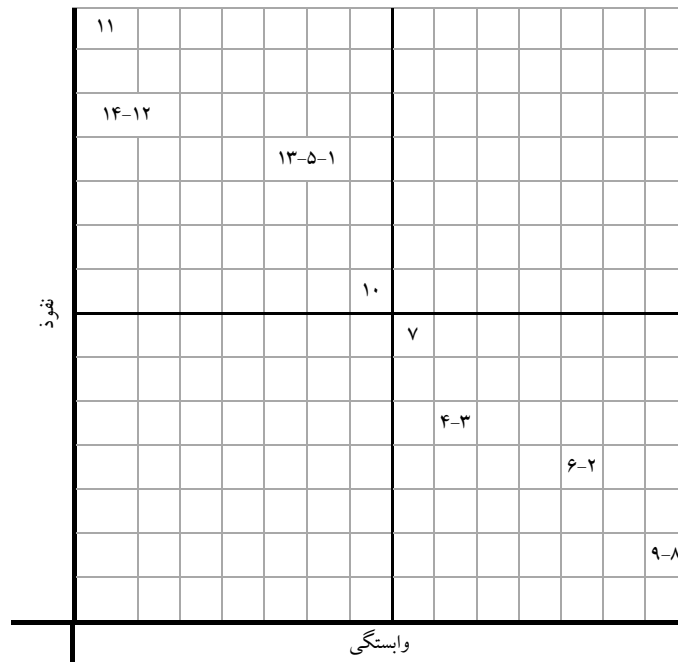


شکل ۱. مدل عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی

۷. تجزیه و تحلیل قدرت نفوذ و میزان وابستگی (نمودار MICMAC): در تحلیل MICMAC عوامل بر اساس میزان نفوذ و وابستگی به چهار دسته تقسیم می شوند:

دسته اول متغیرهای خودمختار هستند که میزان وابستگی و نفوذ کمی دارند. هیچ کدام از عوامل شناسایی شده در این دسته قرار نمی گیرند. دسته دوم متغیرهای وابسته هستند که دارای وابستگی قوی و نفوذ ضعیف هستند. عوامل ۸، ۹، ۲، ۶، ۳ و ۷ در این دسته قرار می گیرند. دسته

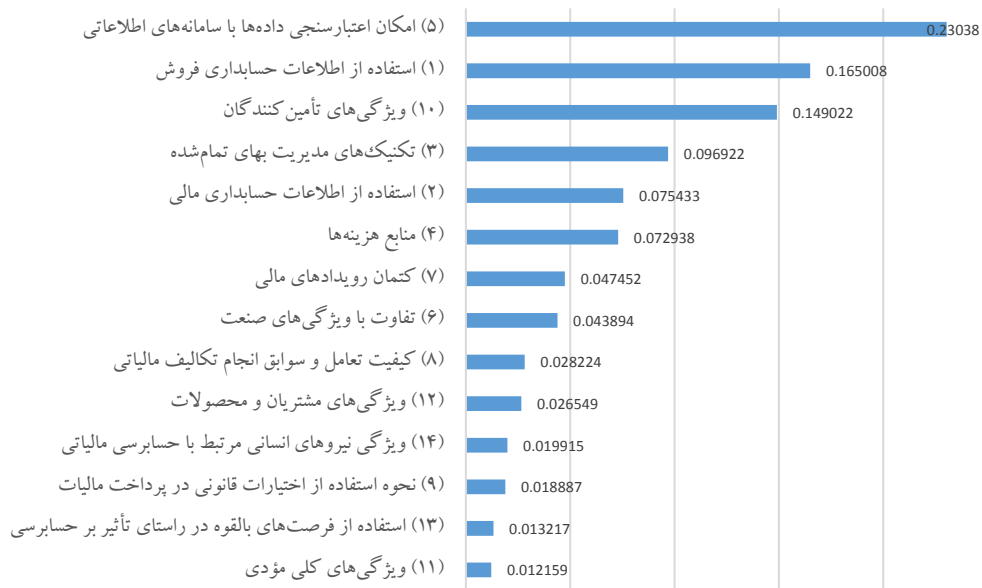
سوم متغیرهای پیوندی (رابط) هستند که وابستگی و نفوذ زیاد دارند. هر چند بر اساس نمودار، هیچ یک از عوامل در این دسته قرار نمی‌گیرند، اما می‌توان گفت متغیرهای ۷ و ۱۰ جزء این دسته از عوامل هستند. دسته چهارم متغیرهای مستقل هستند که دارای وابستگی کم و نفوذ زیاد هستند. متغیرهای ۱۰، ۱، ۵، ۱۳، ۱۲، ۱۴ و ۱۱ جزء این عوامل هستند.



شکل ۲. تحلیل MICMAC عوامل مؤثر بر حسابداری مالیاتی

فرایند تحلیل شبکه‌ای

برای رتبه‌بندی با توجه به ماهیت شبکه‌ای و روابط موجود بین آن‌ها، از فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP) استفاده گردید که پس از انجام مقایسات زوجی، نتایج آن در شکل ۳ به صورت نمودار میله‌ای مشخص گردیده‌است. محاسبات مربوط به فرایند تحلیل شبکه‌ای، در نرم‌افزار SuperDecision انجام گردید که سوپرماتریس موزون و سوپرماتریس حدی در نرم‌افزار محاسبه گردید.



شکل ۳. وزن نهایی عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی

مهم‌ترین عامل مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی «امکان اعتبارسنجی داده‌ها با سامانه‌های اطلاعاتی» می‌باشد. در رتبه دوم «استفاده از اطلاعات حسابداری فروش برای تأثیر بر حسابرسی مالیاتی» و در رتبه سوم «ویژگی‌های تأمین‌کنندگان (خرید از شرکت‌های صوری و فاقد اعتبار)» قرار گرفته است. کم‌اهمیت‌ترین عامل هم مربوط به «ویژگی‌های کلی مؤدی» می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب برای حسابرسی مالیاتی، نیازمند شاخصه‌هایی جهت ارزیابی ریسک مؤدی می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف شناسایی شاخصه‌های مؤثر در ریسک حسابرسی مالیاتی انجام شده است. نتایج به دست آمده از مراحل پژوهش به شرح زیر است:

شناسایی شاخصه‌ها و عوامل مؤثر

پنج تم اصلی شناسایی شده مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی عبارتند از:

۱- کارکردهای گزارشگری و حسابداری: کارکردهای گزارشگری و حسابداری، استفاده آگاهانه مؤدی از حسابداری فروش، حسابداری مالی، حسابداری بهای تمام‌شده و منابع

هزینه‌های انجام گرفته در جهت ارائه اطلاعات تأثیرگذار بر حسابرسی مالیاتی می‌باشد. مربوط و قابل اتکا بودن اطلاعات، منجر به تصمیم‌گیری‌های درست برای ذی‌نفعان خواهد شد، اما به دلیل تضاد منافع بین مؤدی و حسابرسی مالیاتی، ممکن است گزارش‌های حسابداری تهیه شده توسط مؤدی در جهت کاهش میزان مالیات وی باشد.

بر اساس دیدگاه انتقادی، ویژگی عینیت و یا بی‌طرفی در اطلاعات حسابداری مورد تردید است و حسابداری به عنوان ابزاری برای مشروعیت و پایداری فعالیت‌های شرکت‌ها مطرح می‌شود. بنابراین حسابداران با دستکاری در ارقام صورت‌های مالی، فعالیت‌های شرکت را متناسب با هدف خود جلوه می‌دهند، بدان معنی که حسابداری ابتدا پاسخ را مطرح و سپس برای آن مسأله‌ای طرح می‌کند، نه این که مسأله طرح شده را حل کند. مؤدیان نیز از طریق اطلاعات حسابداری، سعی در ارائه تصویر غیرواقعی از وضعیت مالی و مخدوش نمودن درآمد مشمول مالیات دارند که این کار را با روش‌هایی نظیر ارائه فاکتورهای صوری، ثبت هزینه‌های مربوط به کالاهای صادراتی در حساب هزینه‌های مربوط به کالاهای غیرصادراتی، کتمان فروش محصولات مشمول مالیات ارزش افزوده، کتمان فروش از طریق انباشت موجودی‌ها، دستکاری و جابه‌جایی اقلام صورت‌های مالی، انجام هزینه‌های شرکت از منابع غیرمرتبط مانند حساب جاری شرکت، انجام می‌دهند. حسابداری بیان عینی و بی‌طرفانه از واقعیت اقتصادی شرکت نیست، بلکه با استفاده از کارکردهای گزارشگری و حسابداری، بیان جانبدارانه‌ای ارائه می‌کند که باعث افزایش ریسک مؤدی و ایجاد چالش در فرایند حسابرسی مالیاتی می‌شود.

۲- قابلیت تطبیق داده‌ها: تطبیق داده‌ها از طریق استفاده از سامانه‌های اطلاعاتی برون‌سازمانی (نظیر بانک، گمرک، تأمین اجتماعی)، سامانه‌های اطلاعاتی درون‌سازمانی (نظیر صورت معاملات فصلی، لیست حقوق) و اطلاعات شرکت‌های مشابه انجام خواهد شد. مطالعه تجربیات پیاده‌سازی حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک در کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد قابلیت تطبیق داده‌های موجود در سامانه‌های اطلاعاتی، یکی از ضرورت‌ها و پایه‌های اساسی حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک می‌باشد. (بانک جهانی، ۲۰۱۱)

وجود کمیته حسابرسی مستقل و متخصص تأثیر زیادی در ارزیابی ریسک دارد (یزدانی و همکاران، ۱۴۰۱). بر اساس تئوری عدم تقارن اطلاعاتی، انتخاب (گزینش) نامناسب اولین عامل عدم تقارن اطلاعاتی بوده و زمانی رخ می‌دهد که یکی از طرفین، نسبت به طرف دیگر دارای مزیت اطلاعاتی باشد. بدیهی است که مؤدی به دلیل آگاهی و دسترسی به اطلاعات خود و هم‌چنین صنعت خود، نسبت به حساب‌رسان

مالیاتی دارای مزیت اطلاعاتی می‌باشد. هر قدر این مزیت اطلاعاتی بیشتر باشد، مؤدی با عدم ارائه اطلاعات غیرقابل دسترسی برای حسابرس مالیاتی، منجر به گزینش نادرست حسابرس می‌شود. دسترسی به سامانه‌های برون‌سازمانی نظیر بانک و گمرک و هم‌چنین امکان تطبیق با سامانه‌های درون‌سازمانی نظیر سامانه صورت معاملات فصلی، شکاف اطلاعاتی بین مؤدی و حسابرس مالیاتی را کاهش می‌دهد.

۳- رفتار تمکین مالیاتی: مفهوم تمکین مالیاتی، مبتنی بر تکالیف و تعهدات مؤدیان مالیاتی در زمینه‌های ثبت‌نام در سیستم مالیاتی، تنظیم و تسلیم به‌موقع اظهارنامه، نگهداری و ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز مراجع مالیاتی و پرداخت به‌موقع مالیات می‌باشد.

بر اساس نظریه عمومی اطلاعات، از دید حسابرسان مالیاتی، انتظار می‌رود مؤدیانی که تمکین مالیاتی بیشتر و بالتبع ریسک کمتری دارند، اطلاعات مربوط به عملکرد خود را به‌موقع و درست، به استفاده‌کنندگان ارائه نمایند؛ بنابراین عدم ارائه به‌موقع و صحیح اطلاعات، به منزله اخبار بد تلقی شده و نشان‌دهنده ریسک بیشتر مؤدی می‌باشد.

مهم‌ترین هدف هر سیستم حسابداری، تهیه و ارائه اطلاعات باکیفیت برای استفاده‌کنندگان آن است. با وجود به‌کارگیری بهای تاریخی، به عنوان مبنای ارزش‌گذاری در شرایط تورمی، این اطلاعات قابلیت اتکا در تصمیم‌گیری‌ها را از دست می‌دهد. حسابداری تورمی، یک رویه مورد استفاده در بسیاری از کشورها می‌باشد، اما در ایران این رویه مجاز نمی‌باشد، بنابراین با شرایط تورمی کشور و مجازنبودن حسابداری تورمی، مؤدیان با استفاده از تسهیلات قانونی موجود، پرداخت مالیات را به تأخیر می‌اندازند.

تمکین مالیاتی مؤدیان تنها تحت تاثیر سازوکارها و اهرم‌های الزام‌آور قانونی نمی‌باشد، بلکه فرهنگ مالیاتی و ارزش‌های اجتماعی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تمکین مالیاتی می‌باشند. نسبت‌گرایی فرهنگی در حسابداری، بیانگر این است که افراد متعلق به فرهنگ‌های مختلف، به طور متفاوتی به ساخت و یا استفاده از اصول حسابداری می‌پردازند و فرایند تصمیم‌گیری آنان مبتنی بر این فرهنگ می‌باشد. فرایند فرهنگی مبتنی بر مؤلفه‌هایی است که بر رفتار بازیگران نظام اطلاعات حسابداری تأثیر قابل‌ملاحظه‌ای دارد و موجب تفاوت نگرشی در بهره‌گیری از اطلاعات و تصمیم‌گیری می‌شود. بدین دلیل است که حتی با وجود شرایط تورمی، برخی از مؤدیان، بر اساس هنجارها و ارزش‌های فرهنگی خود، رفتار متفاوتی نسبت به سایر مؤدیان دارند.

۴- زنجیره ارزش: از دیدگاه مدیریتی، زنجیره ارزش مجموعه فعالیت‌هایی است که زنجیروار به همدیگر متصل هستند و منجر به خلق محصول باارزش برای مصرف‌کننده و سودآوری برای شرکت

می‌شود. فعالیت‌های زنجیره ارزش شامل فعالیت‌های اصلی (نظیر تولید محصول، بازاریابی و فروش) و فعالیت‌های پشتیبانی (نظیر ساختار سازمانی، تکنولوژی و تأمین کنندگان) است.

تحلیل زنجیره ارزش علاوه بر کاربرد به عنوان ابزار مدیریت استراتژیک یا حسابداری بهای تمام‌شده، قابلیت کاربرد در جهت بهینه‌سازی هزینه‌های مالیاتی را دارد به گونه‌ای که امکان یکپارچگی برنامه‌ریزی مالیاتی با فعالیت‌های کسب و کار در جهت افزایش فرصت‌های رشد، کاهش هزینه‌ها و ریسک، افزایش بازده سرمایه‌گذاری و ایجاد کارایی در تمام عملیات‌ها را فراهم می‌کند.

مؤدی می‌تواند با استفاده از برخی ویژگی‌های زنجیره ارزش مانند ماهیت عملیات، مکان‌یابی فعالیت‌های زنجیره ارزش، بازار هدف و ویژگی‌های محصول و یا تغییر عمده تأمین کنندگان خود، تصویری نادرست از وضعیت مالی و سودآوری، با هدف تأثیرگذاری بر حسابرسی مالیاتی ارائه دهد. در مقابل حساب‌رسان مالیاتی با آگاهی از تکنیک‌های حسابداری مدیریت مورد استفاده توسط مؤدی مانند قیمت‌گذاری انتقالی، تحلیل رفتار هزینه و تجزیه و تحلیل مشتریان، می‌تواند در جهت ارتقای کیفیت حسابرسی مالیاتی اقدام کند.

۵- راهبردها و تکنیک‌ها: استفاده مؤدی از فرصت‌ها و منابع موجود برای تشخیص و یافتن بهترین موقعیت تعامل و ارتباط با سازمان مالیاتی به عنوان راهبردها و تکنیک‌های مؤدی مد نظر قرار می‌گیرد. راهبردها و تکنیک‌های مورد استفاده شامل بهره‌گیری از معافیت‌های مالیاتی، انتخاب کیفیت حسابرسی مالی، استفاده از مشاوران مالیاتی و دانش و آگاهی مؤدی از مباحث مالی و مالیاتی می‌باشد.

حسابرس مالی در بررسی کیفیت صورت‌های مالی، علاوه بر توجه به شکل قانونی و تکنیکی حسابداری و گزارشگری، باید نسبت به منافع سایر ذی‌نفعان (نظیر سازمان امور مالیاتی) مراقبت حرفه‌ای لازم را اعمال کند. نقش اجتماعی حسابرسی ایجاب می‌کند، یک حسابرس مالی نسبت به کشف تقلب و گزارش موارد غیرقانونی و بر خلاف هنجارهای جامعه، مسئولیت و پاسخگویی داشته باشد، لذا بالابودن کیفیت حسابرسی مالی انجام‌شده، باعث افزایش قابلیت اعتماد صورت‌های مالی برای تمام ذی‌نفعان خواهد شد و می‌تواند فرصت بالقوه‌ای برای تأثیر بر فرایند حسابرسی مالیاتی باشد. هم‌چنین هدف ماده ۲۷۲ قانون مالیات‌های مستقیم مبنی بر ارائه گزارش حسابرسی مالی، ترغیب مؤدیان جهت انجام حسابرسی و انتخاب مؤسسات حسابرسی با کیفیت‌تر بوده است.

تئوری اثباتی حسابداری به عنوان یکی از پرنفوذترین تئوری‌ها در پژوهش‌های حسابداری بر این مبنا قرار گرفته است که اعمال اشخاص برای نفع شخصی و افزایش ثروت خود، به طریقی فرصت طلبانه انجام می‌گردد. مهم‌ترین فرضیه تئوری اثباتی حسابداری، فرضیه پاداش است که بر اساس آن مدیران تلاش می‌کنند از رویه‌هایی استفاده کنند که موجب افزایش پاداش آنان گردد. کلیدی‌ترین معیار برای پاداش به مدیران، سود شرکت است. افزایش دانش و توان مالی و مالیاتی مؤدی از طریق به‌کارگیری متخصصان و مشاوران مالیاتی، باعث ایجاد مزیت مالیاتی و بنابراین افزایش سود مؤدی می‌گردد که پیامد آن پاداش بیشتر مدیر است. بدیهی است مدیران بر اساس تحلیل هزینه-منفعت، پاداش خود را نسبت به منافع سازمان مالیاتی ترجیح می‌دهند و استفاده از مشاوران مالیاتی و یا به‌کارگیری نیروهای متخصص در حوزه‌های مالی و مالیاتی، می‌تواند ریسک حسابرسی مالیاتی را افزایش دهد.

الگوی ارائه‌شده در پژوهش

پس از شناسایی عوامل مؤثر، با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، ارتباط بین این عوامل شناسایی و در قالب الگویی نمایش داده شد. در پایین‌ترین سطح مدل «ویژگی‌های کلی مؤدی» به عنوان عامل مؤثر و دارای بیشترین نفوذ و کمترین وابستگی قرار گرفته است. ویژگی‌های مالکیت مؤدی نظیر سهامی عام یا خاص، داشتن شعب و ساختار فیزیکی و جغرافیایی مؤدی و هم‌چنین نوع فعالیت مؤدی (با توجه به شرایط ردیابی هزینه‌ها در هر نوع فعالیت) از اساسی‌ترین ویژگی‌هایی است که می‌تواند بر روی رفتارهای مالیاتی و امکان تغییر در گزارش‌ها و صورت‌های مالی برای مؤدی مؤثر باشد. شرکت‌های سهامی عام به دلیل تضاد منافع کمتر با سازمان امور مالیاتی نسبت به شرکت‌های سهامی خاص و هم‌چنین الزامات قانونی برای شرکت‌های سهامی عام، انگیزه کمتری برای رفتارهای ضد مالیاتی دارند. وجود شعب مختلف برای مؤدی و امکان انتقال هزینه‌ها و حساب‌سازی با توجه به مباحث قیمت‌گذاری انتقالی، می‌تواند یک عامل پایه‌ای و اساسی بر روی ریسک حسابرسی مالیاتی مؤدی باشد. هم‌چنین امکان ردیابی هزینه‌های انجام گرفته برای حسابرس مالیاتی با توجه به نوع فعالیت مؤدی متغیر است، به گونه‌ای که در فعالیت‌های پیمانکاری، شناسایی و ردیابی هزینه‌ها، سخت‌تر از سایر فعالیت‌ها است. بنابراین بدیهی است این ویژگی‌های کلی که بر اساس ماهیت و یا شرایط فعالیت و بر اساس تنظیم عملیات مؤدی تنظیم شده است، به عنوان اولین و پایه‌ای‌ترین عامل در

الگوی ارائه شده مورد توجه قرار می‌گیرد، به عبارت بهتر، این ویژگی‌های کلی مؤدیان، متأثر از چشم‌انداز و استراتژی‌ها و رسالت سازمانی مؤدی می‌باشد، اما می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای در ریسک مالیاتی مؤدی باشد.

پس از مشخص شدن ویژگی‌های کلی مؤدیان در سطح بعد «ویژگی مشتریان و محصولات» و «ویژگی نیروی انسانی مرتبط با حسابرسی مالیاتی» عامل‌های مؤثر می‌باشند. بدیهی است که این دو عامل از ویژگی‌های کلی مؤدی تأثیر می‌پذیرند و بر اساس ویژگی‌های کلی مؤدی، این عامل نیز تنظیم و برنامه‌ریزی می‌گردند. وجود محصولات متنوع و تعداد زیاد مشتریان و به ویژه مشتریان بخش غیردولتی، امکان تغییر در میزان فروش و یا جابه‌جایی اقلام صورت‌های مالی بین مشتریان یا محصولات را برای مؤدی فراهم می‌کند. از طرف دیگر به کارگیری متخصصان حوزه‌های مالیاتی، بر اساس تحلیل هزینه-منفعت، می‌تواند بیانگر قصد مؤدی در کاهش مالیات باشد که می‌تواند به صورت فرار و یا اجتناب مالیاتی، موجب انحراف در تشخیص مالیات صحیح مؤدی گردد.

در سطح بعدی، عامل‌های «امکان اعتبارسنجی داده‌ها با سامانه‌های اطلاعاتی»، «استفاده از اطلاعات حسابداری فروش» و «استفاده از فرصت‌های بالقوه نظیر بهره‌گیری از حسابرسی مالی توسط مؤدی یا معافیت‌های مالیاتی» قرار دارد که می‌توان گفت بر اساس ویژگی‌های مشتریان و محصولات و همچنین نیروهای انسانی مرتبط با حسابرسی مالیاتی، عامل‌های این سطح نیز برنامه‌ریزی می‌شوند. به عنوان مثال وجود تعداد زیاد مشتریان، امکان اعتبارسنجی داده‌ها با سامانه‌های اطلاعاتی را کاهش داده و بنابراین منجر به ریسک بیشتر مؤدی می‌گردد.

هدف‌گذاری برای تغییر گزارش‌های حسابداری و مالی، می‌تواند منجر به تغییر در «ویژگی‌های تأمین‌کنندگان» شود که از سطوح قبلی تأثیر می‌پذیرد. مهم‌ترین اقدام در این زمینه خرید از شرکت‌های صوری و فاقد اعتبار می‌باشد.

هم‌چنین بر اساس مدل مشخص می‌گردد در سطح بعدی، مؤدی با بهره‌گیری از «تکنیک‌های مدیریت بهای تمام‌شده»، «تغییر در منابع و محل هزینه‌ها»، «اطلاعات حسابداری مالی» و «ارائه صورت‌های مالی دارای تفاوت معنادار با صنعت»، اقدام به کاهش مالیات تشخیصی خود کند که نشان‌دهنده ریسک بیشتر مؤدی هست.

در آخرین سطح، «کیفیت تعامل مؤدی و انجام تکالیف مالیاتی» و «نحوه پرداخت مالیات» نشانگرهایی از ریسک مؤدی هستند. این سطح، مربوط به مراحل اصلی نقش‌آفرینی سازمان

امور مالیاتی در فرایند مالیات‌ستانی می‌باشد که مؤدی با استفاده از اقداماتی نظیر درخواست تمدید برای ارائه اسناد و مدارک، ارائه اظهارنامه‌های الحاقی ارزش افزوده، اعتراض جهت به تعویق‌انداختن قطعی شدن مالیات و یا به تعویق‌انداختن پرداخت مالیات، آخرین تلاش‌های خود را برای کاهش میزان مالیات خود انجام می‌دهد.

رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ریسک

برای رتبه‌بندی با توجه به ماهیت شبکه‌ای و روابط موجود بین آن‌ها، از فرایند تحلیل شبکه‌ای (ANP) استفاده گردید.

امکان اعتبارسنجی داده‌ها با سامانه‌های اطلاعاتی، به عنوان نقطه اولین تلاقی و ارتباطی بین مؤدی و سازمان امور مالیاتی، مهم‌ترین عامل مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیاتی می‌باشد. وجود سامانه‌های اطلاعاتی برون‌سازمانی و درون‌سازمانی، علاوه بر این که امکان ردیابی هزینه‌ها و اطلاعات ارائه‌شده توسط مؤدی را برای حسابرس مالیاتی فراهم می‌کند، انگیزه‌های مؤدیان برای ارائه اطلاعات نادرست را کاهش می‌دهد.

دومین عامل، استفاده از اطلاعات حسابداری فروش مؤدی برای تأثیرگذاری بر حسابرسی مالیاتی می‌باشد. تغییرات غیرعادی و فاحش در فروش و نسبت بهای تمام شده به فروش می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از گزارش‌های جسورانه باشد (پیوندی و همکاران، ۱۴۰۱). در برخی موارد، افزایش فروش منطقی و با دلایل توجیهی است. اما در برخی موارد افزایش غیرواقعی فروش بدون داشتن ظرفیت تولیدی لازم در برخی صنایع وجود دارد. وجود این اطلاعات، علاوه بر این که مبنای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی مؤدی می‌باشد، پایه‌ای‌ترین اطلاعات در تهیه صورت‌ها و گزارش‌های مالی می‌باشد. می‌توان گفت این عامل، نقطه شروع مؤدی در حساب‌سازی و تهیه صورت‌های غیرواقعی است که با استفاده از ابزارهایی نظیر فروش به شرکت‌های صوری و فاقد اعتبار انجام می‌گردد.

عامل ویژگی‌های کلی مؤدیان، به عنوان کم‌اهمیت‌ترین عامل شناسایی گردیده‌است. بدیهی است انتخاب ویژگی‌های نظیر مالکیت، ماهیت فعالیت و مکان‌یابی فعالیت‌های شرکت، بیشتر مبتنی بر استراتژی‌های و توجیه‌پذیری اقتصادی و در نهایت سودآوری مؤدی باشد و عامل کم‌اهمیتی در ریسک مؤدی می‌باشد. هر چند این عامل از طریق تأثیرگذاری بر عامل‌های دیگر و یا فراهم‌نمودن برخی ویژگی‌ها، امکان تأثیرگذاری بر فرایند تشخیص مالیات را خواهد داشت.

بر اساس نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌گردد:

۱) با توجه به مفاد ماده ۱۴ قانون دائمی ارزش افزوده پس از استقرار کامل سامانه مؤدیان توسط سازمان امور مالیاتی کشور، این سازمان مجاز است حداکثر یک درصد از پرونده‌های مالیاتی مؤدیان عضو سامانه مؤدیان را مورد بررسی قرار دهد و با توجه به الزام تقویت و بهبود مستمر موتور ریسک حسابرسی مالیاتی، پیشنهاد می‌شود سازمان امور مالیاتی سازوکاری مناسبی برای افزایش قابلیت‌های موتور ریسک با ملحوظ داشتن شاخصه‌های این پژوهش، تبیین نماید.

۲) با استفاده بیشتر از فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و تقویت زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری سازمان امور مالیاتی کشور، امکان اعتبارسنجی داده‌ها در هنگام ورود اطلاعات توسط مؤدی (نظیر ارائه انواع اظهارنامه‌ها، صورت معاملات فصلی، لیست حقوق و دستمزد) و بررسی صحت اطلاعات با پایگاه‌های مختلف درون و برون سازمانی به صورت خودکار فراهم گردد. به نظر می‌رسد کنترل خودکار این اطلاعات در بسیاری از موارد حتی در سامانه مؤدیان مسکوت مانده‌است.

۳) در جهت بهینه‌سازی ریسک مالیاتی مؤدیان، سازمان امور مالیاتی می‌تواند الزامات و شرایطی را برای بهره‌گیری آنان از راهبردها و تکنیک‌های موجود در نظر بگیرد. مواردی نظیر استفاده از اعضای جامعه مشاوران رسمی مالیاتی به عنوان مشاور مالیاتی و یا بهره‌گیری از خدمات مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالاتر، با احتمال بیشتر در جهت کاهش ریسک مؤدی عمل می‌نماید.

منابع

- آذر، عادل و بیات، کریم. (۱۳۸۷). طراحی مدل فرآیند محوری کسب و کار با رویکرد مدلسازی ساختاری تفسیری (ISM). *نشریه مدیریت فناوری اطلاعات*، ۱(۱)، ۳-۱۸.
- برزگری خانقاه، جمال و فیض پور، محمدعلی. (۱۳۹۲). حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک: تجاربی از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه. *مجله پژوهش حسابداری*، ۸، ۱۲۳-۱۴۲.
- پژویان، جمشید (۱۳۸۶)، اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها)، تهران: نشر جنگل.
- پیوندی، سعیده، قائمی، محمد حسین و دریائی، عباسعلی. (۱۴۰۱). شناسایی گزارش‌های مالی جسورانه شرکت‌ها، *نشریه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۲(۴۵)، ۱۷۷-۱۹۸.
- تهرانی، رضا، عباسیان، عزت‌اله و آخوندی، احمد. (۱۳۹۷). طراحی مدلی برای پیش‌بینی خوش‌حسابی مؤدیان بزرگ مالیاتی. *پژوهشنامه مالیات*، ۳۸(۸۶)، ۱۱-۲۹.
- خیابزاده محمد اسمعیل، جهانشاد آزیتا، پورزمانی زهرا. (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده (مطالعه موردی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران). *پژوهشنامه مالیات*، ۲۹(۵۲)، ۵۲-۲۵.
- دستگیر، محسن، ایزدی‌نیا، ناصر، عسکری، علی و رضضانی، سیدمهدی. (۱۳۹۴). ارائه مدل انتخاب برای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک اشخاص حقوقی در ایران. *پژوهشنامه مالیات*، ۲۵(۷۳)، ۹-۴۴.
- ساری، محمدعلی و اعتمادی، حسین. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر ریسک مالیاتی شرکتها، *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۳۳)، ۳۵۳-۳۷۵.
- سازمان امور مالیاتی کشور (۱۳۹۶). *مروری بر عملکرد، اقدامات، برنامه‌ها و چالش‌های سازمان امور مالیاتی کشور*. تهران: معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل؛ دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی.
- سازمان امور مالیاتی کشور (۱۳۹۷). *الگوی برای مدیریت ریسک تمکین مالیاتی*. تهران: معاونت پژوهش، برنامه‌ریزی و امور بین‌الملل؛ دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی.
- شیری حکم‌آبادی، علی، جمشیدی، حمید و میرسپاسی، نیلوفر. (۱۳۹۷). راهکارهای حسابرسی مالیاتی بر اساس مدل حسابرسی مبتنی بر ریسک حسابرسی، *نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی (تحقیقات حسابداری)*، ۱۰(۳۷)، ۱۴۷-۱۶۲.
- گرایبی‌نژاد، غلام‌رضا و چپردار، مریم. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر درآمدهای مالیاتی در ایران. *فصلنامه علوم اقتصادی*، ۶(۲۰)، ۶۹.
- یزدانی، بهزاد، لشکری، زهرا و محمدی نوده، فاضل. (۱۴۰۱). نقش ویژگی‌های حسابرس در کاهش ریسک تقلب گزارشگری مالی، *نشریه پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۲(۴۴)، ۲۷-۴۶.

References

- Abdoli, Gh; Abrishami, H; Hoseinifard, S.M. (2015). Theoretical and empirical analysis of favorable tax audits in income tax to reduce tax evasion. *Journal of Taxation*, 28(76), 41-67. (In Persian).
- Arlinghaus, B. P. (1998). Goal setting and performance measures – by tax professionals in Fortune 500 companies. *The Tax Executive*, 50(6), 434-442.
- Azar, A; Bayat, K. (2008). Designing a business-centric process model with an interpretive structural modeling (ISM) approach. *Journal of Information Technology Management*, 1(1) 3-18. (In Persian).
- Barzagari Ghanaghah, J; Fezpour, M.A. (2013). Risk-based tax audits: Experiences from developed and developing countries. *Journal of Accounting Research*, 8, 123-142 (in Persian).
- Belay, Mekonnen (2017). Challenges of tax audit administration in Addis Ababa: evidence from small taxpayer branches, Department of Accounting and Finance School of Business Administration, Saint Mary University.
- Besley, Timothy, and Persson, Torsten. (2014). Why Do Developing Countries Tax So Little, *Journal of Economic Perspectives*, *American Economic Association*, 28(4), 99-120.
- Biber, Edmund and Hamad, Chaouki (2011), “Modern Tax Administration and Managing Compliance” (Power point documentary), The Workshop Managing Taxpayer Compliance and Taxpayer Audit, Tehran, INTA.
- Biber, Edmund. (2010) Revenue Administration: Taxpayer Audit Development of Effective Plans, Technical Notes and Manuals, IMF, Fiscal Affairs Department.
- Cheng, Ching-Hsue & Lin, Yin. (2002). Evaluating the best main battle tank using fuzzy decision theory with linguistic criteria evaluation. *European Journal of Operational Research*. 42, 174-186.
- Creswell JW, Plano Clark VL. (2007) “Designing and conducting mixed methods research”. *Thousand Oaks, CA: Sage*.
- Creswell, J. W. (2007). *Qualitative inquiry and research design, choosing among five approaches*, 2nd edition, California: Sage publication.
- Creswell, John W. and Miller, Dana L. (2000). Determining Validity in Qualitative Inquiry, *Theory into Practice*, 3(3), 124-130
- Da Silva, Leon S’olon; Rigitano, Henrique de C; Carvalho, Rommel N; Souza, Jo’ao Carlos F. (2016). Bayesian Networks on Income Tax Audit Selection - A Case Study of Brazilian Tax Administration. Proceedings of the 13th UAI Bayesian Modeling Applications Workshop (BMAW 2016), 14-59.
- Dastgir, M; Eizadina, N, Askari, A, Ramazani, S.M. (2015). Providing a selection model for risk-based tax audits of legal entities in Iran. *Journal of Taxation*, 25(73), 9-44. (In Persian).

- Deutsche Gesellschaft für Internationale Zusammenarbeit (GIZ). (2010). addressing tax evasion and tax avoidance in developing countries. Eschborn, the German Federal Ministry for Economic Cooperation and Development (BMZ)
- Ebrill, Liam P; Keen, Michael; and Victoria Perry. (2010). the Modern VAT. Washington D.C, International Monetary Fund.
- Edmiston, Kelly D. and Bird, Richard M. (2004). Taxing Consumption in Jamaica: The GCT and the SCT, International Tax Program, Institute for International Business, Joseph L. Rotman School of Management, University of Toronto.
- Gupta, Manish. And Nagadevara, Vishnuprasad. (2010) Audit Selection Strategy for Improving Tax compliance: Application of Data Mining Techniques.
- Harberger, Arnold C. (1995). "The ABCs of Corporation Tax Incidence: Insights into the Open-Economy Case." In American Council for Capital Formation, Tax Policy and Economic Growth. Washington D.C, American Council for Capital Formation, 51-73.
- Hemberg, Erik, Rosen, Jacob, Warner, Geoff, Wijesinghe, Sanith, and O'Reilly, Una-May. (2015). Tax non-compliance detection using co-evolution of tax evasion risk and audit likelihood. In Proceedings of the 15th International Conference on Artificial Intelligence and Law (ICAIL '15). ACM, New York, NY, USA, 79-88.
- Iranian Tax Affairs Organization. (2017). An overview of the performance, actions, programs and challenges of the country's tax administration. Tehran: Vice President for Research, Planning and International Affairs; Office of Research and Planning. (In Persian).
- Iranian Tax Affairs Organization. (2018). A model for managing tax compliance risk. Tehran: Vice President for Research, Planning and International Affairs; Office of Research and Planning. (In Persian).
- Kasper, Matthias, James, Alm. (2022). Audits, audit effectiveness, and post-audit tax compliance; *Journal of Economic Behavior and Organization*, 195, 87-102.
- Kasper, Matthias, Rablen, Matthew D. (2023). Tax compliance after an audit: Higher or lower? ; *Journal of Economic Behavior and Organization*, 207, 157-171.
- Khabazzadeh M E, Jahanshad A, Pourzamani Z. (2020). Identifying Factors Affecting VAT Auditing Risks (Case Study of Firms Accepted in Tehran Sock Exchange). *Journal of Tax Research*; 29 (52):25-52. (In Persian).
- Kvale, Steinar. (1996). InterViews: An introduction to qualitative research interviewing. Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc.
- Loyland, Knut. Raaum, Oddbjørn. Torsvik, Gaute. And ovrum, Arnstein. (2019). Compliance effects of risk-based tax audits. Working Paper, Oslo Fiscal Studies (OFS).

- Lushi Isuf. (2016). Effect of integrity of the officers on reduce the tax evasion or increase of the revenue - Survey in Kosovo. *European Journal of Sustainable Development*, 15(2), 51-56.
- Mansour, Israa, Kalib, Mutasem. (2019). The Impact of Using Analytical Procedures on Reducing the Cost of Tax Audit; The Jordanian Income and Sales Tax Department. *International Business Research*, 12(2), 52-65.
- McMillan, J. H; & Schumacher, S. (2001). Research in education: A conceptual introduction, 5th edition. New York: Adison Wesley Longman, Inc.
- Miceli, M.A. (2020). VAT Compliance Incentives, SSRN Electronic Journal, 1-22. Available at: <https://doi.org/10.2139/ssrn.3531282>.
- Murphy, Kevin E; Higgins, Mark. (2017). Concepts in Federal Taxation 2018, 25th Ed, Cengage Learning.
- Neuman, S; Omer, T; Schmidt, A. (2013). Risk and return: do tax risk reduce firms' effective tax rates? Working Paper, Ph.D. Thesis, TexasA&M University and North Carolina State University.
- OECD. (2004), compliance Risk Management: Audit case Selection Method, Information Notes, October 2004, Tax Administration compliance sub-group.
- Pejhoian, J. (2007). Public Sector Economics (Taxes), Tehran: Jangal Publishing. (In Persian).
- Peivandy, S; Ghaemi, M.H; Daryaei, A.A. (2022). Identifying bold financial reports of companies. *Journal of experimental accounting research*, 12(45), 177-198. (In Persian).
- Plano Clark, V; Creswell, J; O'Neil Green, D; & Shope, R. (2008). Mixing quantitative and qualitative approaches: An introduction to emergent mixed methods research. In: S. HesseBiber & P. Leavy (Eds.) Handbook of emergent methods, New York: The Guilford Press.
- Roy, A.K. (2008). Risk Based Internal Audit-Need for Such Approach in Banking Sector for Implementation of Accountant, July-September.
- Sari, M.A; Etemadi, H. (2018). Presenting an Optimal Model for Minimizing the Tax Risk of Companies Based on the Quality Components of the Internal Information Environment - An Applied Approach to the Fuzzy Decision Tree Method,4 (19), 1-23. (In Persian).
- Shiri Hokmabadi, A; Jamshidi, H; & Meyerspasi, N. (2018). Tax Audits Based on Risk-Based Audit Approaches. *Accounting and Auditing Research*, 10(37), 147-162. (In Persian).
- Tehrani, R; Abasian, E, Akhondi, A. (2018). Designing a model for predicting the good accounting of large taxpayers. *Journal of Taxation*, 38 (86), 11-29. (In Persian).

- World Bank. (2011). Risk-Based Tax Audits; Approaches and Country Experiences. Edited by Munawer Sultan Khwaja, Rajul Awasthi, and Jan Loeprick. Washington D.C: The World Bank.
- World Bank. (2011). Supporting the development of more effective tax systems. Report to the G-20 development-working group
- World Bank. (2021). Doing Business 2020; IRAN. Washington D.C: The World Bank.
- Yazdani, B; Lashkari, Z; Mohammadi Node, F. (2022).The role of auditor characteristics in reducing the risk of financial reporting fraud. *Journal of experimental accounting research*, 12(44), 27-46. (In Persian).

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

مدل عوامل موثر بر اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران^۱

غلامرضا کرمی^۲، امید آخوندی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

مقاله پژوهشی

چکیده

ارزش دفتری، را می‌توان نقطه آغاز در تعیین ارزش شرکت تلقی نمود که پس از تاثیر پذیرفتن از عوامل مختلف می‌توان به ارزش بازار شرکت دست یافت که قابل مشاهده و اندازه‌گیری است. در این پژوهش با تمرکز بر سه قلمرو حسابداری، مالی و شالوده اقتصادی کشور تلاش شده است تا بتوان عوامل هر کدام از این سه قلمرو را که بر اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار شرکت تاثیرگذار است در یک مدل یکپارچه ارائه نمود. بدین منظور با ۱۶ نفر از خبرگان سه قلمرو حسابداری، مالی و شالوده اقتصادی مصاحبه به عمل آمد و با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد، مدل کیفی عوامل موثر بر اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران ارائه شد. تشویق به سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در بازار سرمایه، بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، مدیریت بهینه نقدینگی موجود در کشور، از جمله دستاوردهای مهم این پژوهش است که به توضیح میزان اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ارزش بازار، ارزش دفتری، حسابداری، شالوده اقتصادی، مالی.

طبقه بندی موضوعی: 41 ، G40 ، A42 ، D01.

1. DOI: 10.22051/JERA.2023.42274.3072

۲. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (Ghkarami@ut.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

(omidakhoundi@yahoo.com)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت، نشان دهنده ارزش شرکت در صورت‌های مالی است که تارسیدن به ارزش بازار اوراق بهادار، عوامل گوناگونی بر آن تاثیر می‌گذارند و باعث ایجاد اختلاف بین این دو سرطیف می‌شود. هنگام بررسی این اختلاف، باید به اولین مبنای زیربنایی قیمت سهام شرکت توجه نمود که همان ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است که طبق اصول و قواعد حسابداری محاسبه و در صورت‌های مالی منعکس می‌شود. به منظور بررسی اینکه تا چه اندازه ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در توضیح‌دهندگی ارزش بازار اوراق بهادار (قیمت سهام) تاثیر دارد و در تصمیمات سرمایه‌گذاران به عنوان اطلاعات مربوط لحاظ شده است، پژوهش‌هایی با عنوان «ارتباط ارزشی» در حسابداری انجام شده است که نتایج این پژوهش‌ها در ایران نشان دهنده کاهش «ارتباط ارزشی» ارزش دفتری می‌باشد (فرهادی و سلیمانی، ۱۳۹۷؛ مومنی، فروغی و امیری، ۱۳۹۷؛ نورانی، خدای‌پور و پورحیدری، ۱۳۹۸).

سرمایه‌گذاران در ادامه تصمیم‌گیری برای انتخاب سهام مورد نظر خویش جهت خرید یا فروش، در کنار اطلاعات حسابداری، مولفه‌هایی در خصوص میزان ارزنده بودن سهام را نیز لحاظ می‌کنند. تصمیم‌گیری در این خصوص در حوزه مالی کلاسیک (سنتی) و همچنین مالی رفتاری قرار می‌گیرد. تاثیر عوامل کلان اقتصادی که بستر شکل‌گیری تصمیمات سرمایه‌گذاران است، به میزان شدت و گستردگی آنها بستگی دارد. پژوهش‌های انجام گرفته در ایران نشان داده‌اند که دو متغیر اقتصاد کلان تورم و نرخ ارز بر مولفه‌های بازار اوراق بهادار (قیمت و بازده سهام) تاثیرگذار هستند. در کنار این عوامل کلان اقتصادی که در بعضی از کشورها نیز وجود دارد، عامل تحریم یک مولفه تاثیرگذار و خاص در بستر اقتصادی کشور و متعاقباً تصمیمات سرمایه‌گذاری است. مساله‌ای که وجود دارد این است که تاکنون پژوهش‌های بسیاری در ایران و سایر کشورها به بررسی تاثیر و ارتباط هر کدام از این قلمروهای سه‌گانه و به صورت جزئی‌تر عوامل موجود در آنها، با ارزش بازار اوراق بهادار شرکت به صورت مجزا پرداخته‌اند، اما تاکنون پژوهشی به صورت یکپارچه به بررسی این سه قلمرو و عوامل آنها که بر ارزش بازار اوراق بهادار تاثیر دارد، نپرداخته است. هدف این پژوهش، این است که مدل کیفی عوامل این سه قلمرو تاثیرگذار بر اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار اوراق بهادار را ارائه نماید. در همین رابطه، ضمن مصاحبه با خبرگان در این سه قلمرو، از روش نظریه داده‌بنیاد برای تحلیل داده‌های به دست آمده و ارائه مدل نهایی پژوهش استفاده می‌شود. در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه

تجربی پژوهش مرور شده، سپس روش‌شناسی پژوهش و یافته‌های پژوهش و مدل پژوهش بیان می‌گردد و در نهایت نیز نتیجه‌گیری پژوهش ارائه خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه تجربی پژوهش

با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت به صورت یکپارچه نپرداخته است و عوامل موثر هر یک از سه قلمرو حسابداری، مالی و شالوده اقتصادی کشور بر ارزش بازار اوراق بهادار به صورت مجزا توسط پژوهشگران در ایران و سایر کشورها مورد بررسی قرار گرفته است، ابتدا مبانی نظری با تاکید بر عوامل موثر هر یک از این قلمروها بر اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت‌ها بیان می‌شود و در ادامه پیشینه تجربی هر کدام از قلمروهای بررسی شده، ارائه می‌گردد.

حسابداری

موضوع مربوط بودن یا عدم مربوط بودن اطلاعات حسابداری از نگرانی‌های دیرینه پژوهشگران حسابداری و مالی بوده است (فغانی ماکرانی، ۱۳۹۴). پژوهش‌های ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری، سودمندی اطلاعات حسابداری را از منظر سرمایه‌گذاران اندازه‌گیری می‌کند. در پژوهش‌های ارتباط ارزشی، رابطه بین مبالغ حسابداری و ارزش بازار شرکت بررسی می‌شود اعتمادی و بابایی (۱۳۹۷). اسکات (۲۰۲۰) اشاره داشت که کاهش ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری به خاطر افزایش تاثیر سایر منابع اطلاعاتی در قیمت سهام می‌باشد. فرایند حسابداری و محیط اقتصادی می‌تواند به واسطه دو مولفه وقفه و سویه در اطلاعات حسابداری، بر محاسبه نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام اثر بگذارد. از جمله موارد مرتبط با سویه در اطلاعات حسابداری می‌توان به (۱) شناسایی زیان احتمالی و عدم شناسایی سود احتمالی و (۲) قاعده اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش برای دارایی‌ها اشاره نمود و در مورد وقفه در اطلاعات حسابداری نیز به (۱) روش محاسبه استهلاک متفاوت از الگوی اقتصادی مصرف دارایی‌ها و (۲) شناسایی کل هزینه تحقیق و توسعه در سال وقوع در صورت مالی اشاره کرد (بیور و رایان^۲، ۲۰۰۰). داورن، جیلز، هانلون و پینوک^۳ (۲۰۱۹) نشان دادند که سرمایه‌گذاران،

1. Scott
2. Beaver & Ryan
3. Davern, Gyles, Hanlon & Pinnuck

صورت‌های مالی را مانند سایر منابع اطلاعاتی از جمله صحبت مستقیم با مدیران و اطلاعات افشا شده در گزارش تفسیری می‌بینند. بال، جیراکس، لیناینما و نیکولایف^۱ (۲۰۲۰) با نگاه به ساختار حقوق صاحبان سهام بیان کردند که نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار، یک استراتژی موثر در پیش‌بینی بازده سود شرکت است. بارت، لی و مک‌کلور^۲ (۲۰۲۱) نشان دادند که ارتباط ارزشی ترکیبی اطلاعات حسابداری (سود و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام) کاهش نیافته است و شواهدی ارائه دادند که افزایش هم یافته است. ادبیات پژوهش ایران در حوزه ارتباط ارزشی با تمرکز بر ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام بیانگر این است که ارزش دفتری، میزان ارتباط ارزشی خود را به مرور زمان از دست داده و کاهش یافته است (فرهادی و سلیمانی، ۱۳۹۷؛ نورانی، خدای پور و پورحیدری، ۱۳۹۸؛ مومنی، فروغی و امیری، ۱۳۹۷) و این باعث شده تا نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام^۳ (B/M) کوچکتر شود.

مالی

در فرایند سرمایه‌گذاری در بازار اوراق بهادار، سرمایه‌گذاران با تجزیه و تحلیل بازده سهام و پیش‌بینی‌های بدست آمده از آن، فرایند تصمیم‌سازی خود را در مورد انتخاب و خرید و فروش سهام شکل می‌دهند. در همین راستا متخصصان علوم مالی از دیرباز سعی در ارائه مدل‌هایی داشته‌اند که این مدل‌ها بتوانند به تبیین بازده سهام شرکت‌های مختلف بپردازند (اسلامی بیگدلی و شاهسونی، ۱۳۹۱). علوم مالی را می‌توان در دو حوزه، مالی سنتی (کلاسیک) و مالی رفتاری که با خلاف قاعده‌های^۴ مالی به نقد مالی سنتی پرداخته‌اند طبقه‌بندی نمود (سعیدی و فرهایان، ۱۳۹۴). در مالی کلاسیک، مدل‌های مختلفی برای اندازه‌گیری و پیش‌بینی بازدهی سهام پیشنهاد شده است. یکی از اساسی‌ترین مدل‌ها برای تعیین پرتفوی بهینه، مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای^۵ (CAPM) است (کریم‌زاده، ۱۳۸۵) و اساس و پایه آن برگرفته از مدل پرتفوی مارکوویتز^۶ است که ریسک و بازده سهام را با استفاده از واریانس و میانگین بازده سهام شناسایی کرد (نمازی و محمدتبار کاسگری، ۱۳۸۶). بر طبق نظریه پرتفوی، ریسک در بازار سرمایه شامل دو بخش ریسک سیستماتیک و ریسک غیرسیستماتیک است. سرمایه‌گذاران قادرند با ایجاد

1. Ball, Gerakos, Linnainmaa, & Nikolaev
 2. Barth, Li, & McClure
 3. Book value to Market value (B/M)
 4. Anomalies
 5. Capital Asset Pricing Model (CAPM)
 6. Markowitz

تنوع در سبد دارایی خود ریسک غیرسیستماتیک را که مرتبط با صنایع و بنگاه‌های موجود در بازار است حذف نمایند. اما ریسک سیستماتیک که مرتبط با تحولات و متغیرهای اقتصاد کلان است قابل اجتناب نمی‌باشد (نصرالهی، نصرالهی و میرزابابایی، ۱۳۹۰). پژوهشگران از دهه ۱۹۸۰ میلادی برای یافتن رابطه متغیرهای دیگری غیر از بتا با بازده سهام، تلاش کرده‌اند و در این راه به موفقیت‌هایی نیز رسیده‌اند. یکی از مهمترین ویژگی‌های مدل‌های چندعاملی، سهولت افزودن متغیر جدید به مدل‌های قبلی و یا حتی تغییر متغیرهای قبلی است و این ویژگی سبب تنوع پژوهش‌ها در حوزه تبیین بازده سهام بوده است و از جمله مدل‌های ارائه شده می‌توان به مدل سه عاملی فاما و فرنچ^۱ (۱۹۹۳)، مدل چهار عاملی کارهارت^۲ (۱۹۹۷) و مدل پنج عاملی فاما و فرنچ (۲۰۱۵) اشاره کرد. نتایج پژوهش هانگ^۳ (۲۰۱۹) نشان داد که مدل ۵ عاملی فاما و فرنچ نسبت به سایر مدل‌های قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای دارای قدرت بیشتری در توضیح بازده سهام نسبت به مدل‌های سنتی قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای است. نتایج پژوهش‌های نوریخش و ایرانی‌جانیارلو (۱۳۹۹) و رضایی‌دولت‌آبادی و یوسفان (۱۳۹۷) نشان دادند که قدرت تبیین بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران توسط مدل پنج عاملی فاما و فرنچ در مقایسه با مدل سه عاملی فاما فرنچ بیشتر می‌باشد.

خلاف قاعده‌های مالی، شواهد تجربی است که نشان از انحراف بازار از قواعد عقلایی دارد. این شواهد در تناقض با مفروضات بازار کارا و مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای است. بر اساس فرضیه بازار کارا، سرمایه‌گذاران به تمام اطلاعات موجود در بازار دسترسی داشته و آن را به طور کامل و به درستی تفسیر می‌نمایند، اما شواهد تجربی نشان داده است که بسیاری از سرمایه‌گذاران اطلاعات را به طور کامل پردازش نمی‌نمایند، بنابراین نظریه‌های رفتاری بسیاری در نشان دادن ناکارایی بازار و فرایند پردازش سوگیرانه اطلاعات معرفی گردیده است (بدری و گودرزی، ۱۳۹۳). از جمله سویه‌های رفتاری که در ادبیات پژوهش ایران به آن اشاره شده که در بازار سرمایه ایران وجود دارند می‌توان به این موارد اشاره داشت: نمایندگی (بدری و گودرزی (۱۳۹۳))، اتکا و تعدیل (اصولیان، حسن‌نژاد، صادقی‌شریف و حمزه‌نژادی (۱۴۰۰))، خوش‌بینی (نصیرزاده، عباس‌زاده و ذوالفقارآرانی (۱۳۹۶))، زیان‌گریزی (ابراهیمی‌سروعلیا، سلیمی و قوچی‌فرد (۱۳۹۹))، رفتار توده‌وار (وارث، آرین و

1. Fama and French
2. Carhart
3. Huang

آریانا یکتا (۱۳۹۹)). چونگ، لیو و ژو^۱ (۲۰۱۷) در تبیین اینکه چه عاملی رفتار توده‌واری در بازار سرمایه چین را توضیح می‌دهد؟ نشان داد که در بازار صعودی و نزولی بازار اوراق بهادار چین، توده‌واری وجود دارد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که ۱- توصیه‌های تحلیلگران، ۲- افق زمانی کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاران و ۳- ریسک، علل اصلی توده‌واری هستند. هوو، منگ و چان^۲ (۲۰۲۱) نشان دادند که فروش استقراضی و سویه خوش‌بینی، دارای همبستگی منفی هستند. همچنین اطلاعات فروش استقراضی، دقت پیش‌بینی سود را بهبود می‌بخشد. چن و ساب‌هروال^۳ (۲۰۱۹) به بررسی فراعتمادی در میان معامله‌گران اختیار معامله بازار پرداختند و بیان کردند که سرمایه‌گذاران دارای سویه فراعتمادی، بیشتر در بازار اختیار معامله به مبادله می‌پردازند تا در بازار سهام.

اقتصاد

سرمایه‌گذاری از عوامل مهم و کلیدی مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. تجهیز و هدایت وجوه موجود در کشورها، به سوی بخش‌های تولیدی و صنعتی هر کشوری امری اجتناب‌ناپذیر است. این وظیفه را در کشورها، بازارهای مالی، بویژه بازار سرمایه به عهده دارد (واعظ‌برزانی، دلالی‌اصفهانی، صمدی و فعالجو، ۱۳۸۸). با پیوند خوردن تولید، ظرفیت‌ها و امکانات جامعه به منبع عظیم و خودجوش بازار سرمایه، به صورت درونزا شاهد توانایی‌های زیادی در سطوح مختلف اقتصادی خواهیم بود. در این بین، منابع ملی تجهیز شده به سمت بازار سرمایه، علاوه بر اینکه از فشارهای طرف تقاضا می‌کاهد، قابلیت طرف تولید و عرضه اقتصاد را به شکل مناسبی شکوفا خواهد کرد و از برآیند این دو، به انضمام نتایج ناشی از حرکت توامان این جریان، در واقع فضای مطلوب برای سرمایه‌گذاری را شاهد خواهیم بود (تقوی، محمدی و برزنده، ۱۳۷۸). از آنجا که در اتخاذ تصمیم‌های سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار، شاخص قیمت سهام یکی از ابزارها برای سرمایه‌گذاران برای تجزیه و تحلیل تاریخی و پیش‌بینی است، از اینرو، شناخت عوامل موثر بر آن بااهمیت است (کریم‌زاده، ۱۳۸۵؛ عباسیان، مرادپور اولادی و عباسیون، ۱۳۸۷). هسته اولیه مطالعات مربوط به رابطه بین قیمت‌های سهام و متغیرهای اقتصادی توسط ویلیام شارپ^۴ ارائه شد (تقوی و جنانی، ۱۳۷۹). در مدل قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (CAPM) که دارایی‌های سرمایه‌ای را با توجه به ریسک

1. Chong; Liu, & Zhu
2. Hou, Meng, & Chan
3. Chen, & Sabherwal
4. William F. Sharpe

آنها قیمت گذاری می کند، قیمت سهام تحت تاثیر دو دسته عوامل مجزا قرار می گیرد (تقوی و جنانی، ۱۳۷۹؛ کریم زاده، ۱۳۸۵؛ عباسیان و همکاران، ۱۳۸۷):

- عوامل کلان (بیرونی) که خارج از اختیارات مدیریت شرکت بوده و به گونه ای فعالیت شرکت را تحت تاثیر قرار می دهد. مانند رشد اقتصادی، نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ ارز.
- عوامل خرد (داخلی) که مربوط به مسائل درونی و برنامه های شرکت ها است که بر قیمت سهام تاثیر می گذارد، مانند سود تقسیمی.

پژوهش های بسیاری در ایران به بررسی رابطه متغیرهای کلان اقتصادی با بازار سهام و جهت این ارتباط پرداخته اند و بررسی ادبیات پژوهش در ایران نشان می دهد که دو متغیر اقتصاد کلان تورم و نرخ ارز بیشترین تاثیر را بر بازار سرمایه ایران داشته اند. به نحوی که بررسی متغیر اقتصاد کلان تورم توسط پژوهش های مشایخ و حاجی مرادخانی (۱۳۸۸) و صمدی و بیانی (۱۳۹۰) ارتباط مثبت بین تورم با مولفه های بازار سرمایه را نشان می دهد، لیکن پژوهش های عباسیان و همکاران (۱۳۸۷) و محمدزاده، شهیکی تاش و روشن (۱۳۹۶) ارتباط منفی بین تورم با مولفه های بازار سرمایه را نشان داد. همچنین برای متغیر اقتصاد کلان نرخ ارز، در حالی که پژوهش های کریم زاده (۱۳۸۵) و واعظ برزانی و همکاران (۱۳۸۸) ارتباط منفی بین نرخ ارز با مولفه های بازار سرمایه را نشان دادند، لیکن پژوهش های عباسیان و همکاران (۱۳۸۷) و مولایی، واعظ برزانی، صمدی و پرورده (۱۳۹۶) ارتباط مثبت بین نرخ ارز با مولفه های بازار سرمایه را نشان دادند.

تحریم و وضعیت اقتصادی ایران

تحریم، جزئی از دیپلماسی بین المللی است که از سوی کشورهای تحریم کننده به عنوان ابزاری غیر نظامی جهت اجبار کشورهای هدف به منظور انجام واکنش مورد نظر اعمال می شود. هدف از «تحریم اقتصادی» کاهش یا متوقف ساختن، یا تهدید به توقف روابط اقتصادی و تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی کشور تحریم کننده است (خاطری، نجارزاده و عاقلی، ۱۴۰۰). با توجه به اختلافات راهبردی با آمریکا، از یک سو دولت ایران تحت آماج تحریم های متعدد امریکا، سازمان های بین المللی و برخی کشورهای دیگر قرار گرفته و از سوی دیگر، از سال ۲۰۰۵ با وجود تمایل اتحادیه اروپا به گسترش همکاری سازنده با ایران، موضوع برنامه هسته ای ایران، روابط ایران و اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار داد که باعث گردید تا مسأله تحریم به پدیده ای درونزا در اقتصاد ایران تبدیل شود، که در سه دهه گذشته با افت و خیزهای

متعددی همراه بوده است (کازرونی، اصغرپور و خضری، ۱۳۹۵). نظریه‌های مالی و اقتصادی در کشورهای توسعه یافته و با اقتصاد آزاد (بدون محدودیت) ارائه شده است و برای انجام پژوهش در ایران محدودیت‌های اعمال شده مانند تحریم‌های اقتصادی و اثرات آن، باید مدنظر قرار بگیرد. پژوهش‌های انجام شده در ایران در این خصوص نشان داده‌اند که تحریم‌ها بر متغیرهای کلان اقتصادی مانند نرخ ارز و تورم تاثیرگذار هستند به نحوی که طیبی و صادقی (۱۳۹۶) و برخوردار و جلیلی‌بوالحسنی (۱۳۹۷) نشان دادند که تحریم با نرخ ارز ارتباط مثبت دارد و صادقی و طیبی (۱۳۹۷) و کیومرثی، احمدی شادمهری، سلیمی فر و ابریشمی (۱۳۹۸) نشان دادند که تحریم با تورم ارتباط مثبت دارد. در ادامه به عنوان الگوی رقیب اقتصاد متعارف، اقتصاد رفتاری و در زیرشاخه آن، اقتصاد روایی و تاثیر رسانه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اقتصاد رفتاری

هواداران مکتب اقتصاد رفتاری، آن را عکس‌العملی در برابر ضعف‌ها و کاستی‌های اقتصاد متعارف می‌دانند. از نظر سایمون، اقتصاددانان به مثابه متخصصین علوم اجتماعی باید آماده باشند تا مشخصات انسان عامل را نشان بدهند. به اعتقاد این برنده جایزه نوبل در اقتصاد، «اقتصاد رفتاری» نامی بر آن مجموعه از تحقیقات یا نظریه‌هایی است که به دنبال ارضای این نیازها هستند (حسینی، ۱۳۸۳). اقتصاد رفتاری اولیه، تا حد زیادی متکی بر شواهدی بود که با آزمایشات شکل گرفته بودند، اما اخیراً اقتصاددانان رفتاری از آزمایش فراتر رفته و از روش‌های اقتصاددانان استفاده می‌کنند (انصاری سامانی، پورفرج، زارع و امینی، ۱۳۹۴).

اقتصاد روایی

فکر کردن به اقتصاد روایی تلاشی برای کشف همگرایی در علوم بوده است. اگر این طور فکر کنیم که اقتصاد متشکل از انسان‌های زنده‌ی آگاهی است که اقداماتشان را با توجه به داستان‌ها و هیجان‌ها و باورهای مربوط به آنها ارزیابی می‌کنند، لزوم استفاده از رویکردهای مختلف برای پرداختن به اقتصاد را درک می‌کنیم. روایت‌ها، سازه‌هایی انسانی و آمیزه‌ای از حقایق، هیجان، جنبه انسانی و دیگر جزئیات فرعی‌ای هستند که بر ذهن انسان تاثیر می‌گذارند (شیلر^۱، ۱۳۹۹). استدلال اصلی اقتصاد روایی این است که روایت‌های عامه‌پسند و

1. Shiller

محبوب تصمیمات اقتصادی مانند مخارج افراد یا سرمایه‌گذاری، بازار سرمایه را تحت تاثیر قرار می‌دهد (پوگام، استولوی و گندران^۱، ۲۰۲۱). پوگام و همکاران (۲۰۲۱) اظهار داشتند که حوزه اقتصاد می‌تواند به میزان قابل ملاحظه‌ای از اقتصاد روایی و اتفاقات دنیای اقتصادی درس بگیرد. اقتصاد روایی بر پویایی روایت‌ها و چگونگی مسری شدن داستان‌ها و ایده‌ها (خواه درست یا غلط) در میان مردم به واسطه شبکه‌ها^۲ و اینکه چگونه بر اقتصاد رفتاری تاثیر می‌گذارد تمرکز دارد. این شبکه‌ها، شامل مواردی مانند مکالمات روزمره، رسانه‌های گروهی سنتی و جدیدا رسانه‌های اجتماعی^۳ می‌باشد.

پوشش رسانه‌ای بازار سرمایه

رسانه‌های اجتماعی یک پلت فرم تعاملی^۴ هستند و احساسات رسانه‌های اجتماعی برای تحلیل متن و نظرات مثبت و منفی درباره سهم، یک سنجه اندازه‌گیری مستقیم می‌باشد. احساسات در رسانه‌های اجتماعی^۵ می‌تواند سرمایه‌گذاران با عقلانیت محدود را جذب نماید. توئیت یکی از رسانه‌های اجتماعی آنلاین است که به کاربر اجازه می‌دهد که پیام‌های کوتاه به نام توئیت را ارسال نماید (دوزتان و تاس^۶، ۲۰۲۱). دوزتان و تاس (۲۰۲۱) با استفاده از نمونه بزرگی از سهام در بازارهای سرمایه بین‌المللی، نشان دادند که احساسات و توئیت کردن دارای همبستگی با حجم مبادلات و پیش‌بینی حجم مبادلات روز بعد است و احساسات توئیت کننده و تعداد توئیت‌ها دارای همبستگی با بازده بالاتر سهام است. دریک و گست و توئیت^۷ (۲۰۱۴) بیان کردند که پوشش خبری اطلاعات شرکت، همبسته با بهبود محیط اطلاعاتی شرکت است. در ایران نیز مهرانی، کرمی و وطن‌پرست (۱۳۹۵) به بررسی نقش مطبوعات تجاری در ارزش‌گذاری اطلاعات حسابداری پرداختند. نتایج بدست آمده حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین پوشش خبری اعلان سود توسط مطبوعات تجاری با ارزش‌گذاری اشتباه ارقام تعهدی و جریان‌های نقدی می‌باشد.

1. Paugam, Stolowy. & Gendron
2. Channels
3. Social Media
4. Interactive platform
5. Social media sentiment
6. Duz Tan, S. & Tas
7. Drake, Guest. & Twedt

با توجه به اینکه اولاً: تاکنون اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار در اوراق بهادار (سهام) در قلمروهای حسابداری، مالی و اقتصاد به صورت مجزا از هم بررسی شده و در هر یک از این قلمروها نیز عوامل موثر آن به طور یکپارچه مورد بررسی قرار نگرفته است و ثانياً: مدل یکپارچه‌ای برای دربرگرفتن همزمان هر سه قلمرو ارائه نگردیده است و ثالثاً: در کشور ما به خاطر شرایط خاص اقتصادی از بابت تحریم، ابعاد این موضوعات تحت تاثیر قرار می‌گیرند، در این پژوهش تلاش می‌شود با ارائه مدلی کیفی، عوامل موثر هر سه قلمرو که بر این اختلاف تاثیر دارند به طور یکپارچه نمایش داده شود. همانگونه که در روش پژوهش داده‌بنیاد بیان خواهد شد، بررسی ادبیات پژوهش با توجه به آنکه مدل استخراج شده بومی است، ضرورت ندارد و فقط برای شناسایی الگوهای کلی ارائه می‌شود. در این پژوهش نیز از عنوان عناصر فوق، تنها برای شناسایی الگوهای کلی و نام‌گذاری مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده در مصاحبه‌ها استفاده شده است.

سوالات پژوهش

سوال اصلی پژوهش:

۱. عوامل موثر بر اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت‌های بورس اوراق

بهادار تهران چیست؟

سوالات فرعی:

۱. عوامل موثر قلمرو حسابداری در اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار

شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران چیست؟

۲. عوامل موثر قلمرو مالی در اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت‌های

بورس اوراق بهادار تهران چیست؟

۳. عوامل موثر شالوده اقتصادی در اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار

شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران چیست؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از دیدگاه هدف، پژوهشی بنیادین شمرده می‌شود و از دید نحوه گردآوری داده‌ها نیز در دسته پژوهش‌های توصیفی (غیرآزمایشی) قرار دارد. روش‌شناسی پژوهش با انتخاب استراتژی پژوهش، پارادایم و روش پژوهش همراه است. از میان استراتژی‌های پژوهش،

استراتژی پژوهش استفاده‌ی برای پژوهش حاضر مناسب به نظر می‌رسد چرا که نقطه شروع در این استراتژی، جهان اجتماعی کنشگران اجتماعی مورد پژوهش است (بلیکی^۱، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر پارادایم تفسیری انتخاب شده است. پژوهش حاضر دارای رویکرد کیفی می‌باشد و مهمترین و شاید بتوان گفت معتبرترین دلیل انتخاب این رویکرد، به ماهیت سوال پژوهش بر می‌گردد که در آن تلاش می‌شود تا معنا و تجربه افراد در خصوص عوامل موثر بر پدیده «اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار» شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در سه قلمرو حسابداری، مالی و شالوده اقتصادی را دریابد (استراوس و کوربین^۲، ۱۹۹۸). در این پژوهش کیفی، با توجه به ارائه مدلی از معنا و تجربه مصاحبه‌شوندگان از پدیده مورد پژوهش، از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده می‌شود. نظریه داده‌بنیاد به عنوان رویکردی دقیق و نظام‌مند طراحی شده است تا افراد و تجربیات آنها در رابطه با یک مسئله اجتماعی را بررسی کند (میل‌لو و فلینت^۳، ۲۰۰۹). الگوهای مختلفی از این نظریه توسط خبرگان ارائه شده که در این پژوهش از رویه نظام‌مند استراوس و کوربین (۱۹۹۸) استفاده شده است که بر تحلیل داده‌ها از طریق رویه منظم کدگذاری در سه مرحله باز، محوری و انتخابی (گزینشی) تمرکز دارد. پژوهش حاضر با مطالعه دقیق مبانی نظری و مطالعات مشابه پیشین آغاز شد. مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش نه به منظور استفاده از متغیرها و مفاهیم آنها بلکه به منظور آشنایی هر چه بیشتر با حوزه و گستره مفاهیمی است که در پژوهش می‌تواند بروز پیدا کند.

ابزار اساسی گردآوری داده‌ها در این مرحله از پژوهش، مصاحبه است. از آنجا که پژوهش کیفی ماهیت اکتشافی دارد و مستلزم تعداد معدودی پاسخ دهنده است (دانایی فرد و مظفری، ۱۳۸۷)، استراتژی نمونه‌گیری در رویکرد کیفی از نوع غیرتصادفی و به صورت گلوله برفی است. در این مرحله پژوهشگر، نمونه‌ای را انتخاب می‌کند که اطلاعات مرتبط‌تری را در اختیار وی قرار می‌دهد. همچنان که داده‌ها تحلیل می‌شوند، پژوهشگر از یافته‌های بدست آمده برای انتخاب منابع بعدی استفاده می‌کند (میل‌لو و فلینت، ۲۰۰۹) و ملاک اندازه نمونه، کفایت تئوریک است، به این معنا که در مصاحبه با جامعه آماری خبرگان، شاخص یا سازه جدیدی شناسایی نشود. بنابراین ملاک کفایت نمونه، اشباع نظری است. به این ترتیب، نمونه پژوهش

1. Blaikie

2. Strauss. & Corbin

3. Mello. & Flint

کیفی با ملاک کیفیت تنوریک از میان خبرگان و استادان دانشگاهی دخیل در سه قلمرو حسابداری، مالی و اقتصادی برگزیده شده است. بر این اساس، ۱۶ نفر از خبرگان برای بازه زمانی سال ۱۴۰۰ الی ۱۴۰۱ در پژوهش مشارکت کرده که پس از برگزاری این مصاحبه‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها به اشباع نظری رسیدند. اغلب مصاحبه‌ها ضبط شدند، مگر افرادی که با ضبط صدا مخالف بودند که در این موارد نکات مهم یادداشت برداری می‌شد. سپس گفتگوها به طور کامل تایپ شده و مورد تحلیل قرار گرفتند و سپس کدهای استخراج شده از متون، در نرم‌افزار صفحه گسترده^۱ شرکت مایکروسافت نسخه ۲۰۱۹ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. تعداد افراد مصاحبه شونده بر اساس سه قلمرو پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول ۱. تعداد افراد مصاحبه شونده بر اساس قلمرو پژوهش

حوزه تخصص مصاحبه شونده	تعداد مصاحبه شونده
حسابداری	۷
مالی	۵
اقتصاد	۴
جمع	۱۶

و مشخصات سازمانی و حرفه‌ای^۲ آنها به شرح جدول (۲) است:

جدول ۲. مشخصات سازمانی و حرفه‌ای مصاحبه شونده‌گان

مشخصات مصاحبه شونده‌گان	اقتصاد	حسابداری	مالی
اعضای هیات علمی دانشگاه	۴	۴	۳
مدیر در سازمان فرابورس ایران			۱
مدیران سازمان حسابرسی و کمیته تدوین استانداردها		۲	
اعضای جامعه حسابداران رسمی		۳	
مدیران اجرایی در شرکتها		۱	۳
مدیر در بانک مرکزی	۱		

فرایند انجام مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بدین صورت بود که مصاحبه ابتدا با سوال‌های کلی شروع می‌شد و با پیشرفت در مصاحبه و بسته به موقعیت سوال‌های دقیق‌تری مطرح می‌شد، پس

1. Excel

۲. در جدول مشخصات سازمانی مصاحبه‌شونده‌گان، تعدادی از مصاحبه‌شونده‌گان در ۲ طبقه قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، مصاحبه شونده در طبقه «اعضای هیات علمی دانشگاه» است و همچنین در طبقه «مدیران اجرایی در شرکتها» قرار گرفته است.

از انجام هر مصاحبه، تحلیل‌های لازم روی داده‌ها صورت می‌گرفت و مفاهیم استخراج می‌شدند تا در نهایت مدل پژوهش مشخص شد و در اختیار پنج شخص خبره که سه نفر از آنها در گروه مصاحبه‌شوندگان نبودند و دو نفر نیز در گروه مصاحبه‌شونده‌های قبلی حضور داشتند، قرار گرفت و مدل نهایی پژوهش ارائه شد. شایان ذکر است که تحلیل مفاهیم و مقوله‌ها بر اساس هر یک از مصاحبه‌ها، در چارچوب و حوصله این مقاله نمی‌گنجد و صرفاً مهمترین تحلیل‌ها در این خصوص ارائه می‌شود.

کدگذاری باز

در گام اول، از آنجایی که در روش نظریه داده‌بنیاد، گردآوری و تحلیل داده‌ها تقریباً همزمان صورت می‌گیرد، فرآیند تحلیل داده‌ها با کدگذاری باز آغاز می‌شود. در واقع، کدگذاری باز فرآیندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم، شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد مربوط به هر مفهوم کشف می‌شود. در جریان کدگذاری باز، داده‌ها به پاره‌های مجزا خرد می‌شوند و با دقت مورد بررسی قرار می‌گیرند و از جهت شباهت‌ها و تفاوت‌ها با یکدیگر مقایسه می‌شوند. در این پژوهش برای انجام کدگذاری باز از روش تحلیل سطر به سطر استفاده شده است. این روش با معاینه دقیق و از نزدیک داده‌ها، معمولاً پرحاصل‌ترین روش است زیرا در غیر این صورت کشف منظم ابعاد لازم و ارتباط دادن مقوله‌ها و مقوله‌های فرعی و دنبال کردن و پی‌جویی وجوه ظریف تر روابط علت و معلولی بی‌نهایت دشوار خواهد بود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این مرحله ابتدا داده‌ها از هم مجزا می‌شوند، سپس بر اساس واحدهای معنایی دسته‌بندی می‌شوند و در آخر، مفاهیمی به آنها تعلق می‌گیرد. پس از شناسایی مفاهیم، روابط بین آنها و محور مشترک ارتباط دهنده آنها با یکدیگر شناسایی می‌شود. به بیان دیگر از طریق مقایسه مفاهیم با یکدیگر، محورهای مشترک دیگری به دست می‌آید که به آنها مقوله (طبقه) اطلاق می‌شود. به دنبال استخراج مقوله‌های اصلی، مشخصات و ابعاد هر مقوله نیز تعیین می‌شود. از جمله کدهای استخراج شده به شرح زیر است:

«من موافق این موضوع هستم که بخشی از دارایی‌های نامشهود مانند سرمایه فکری (عدم شناسایی سرمایه فکری) و سرقتی (عدم شناسایی سرقتی) در ترازنامه شناسایی نشده است. با اینکه ارزش‌های حسابداری باز هم آمدند به سمت ارزش منصفانه، البته در ایران کمتر این اتفاق افتاده، زیرا خیلی از استانداردها به خاطر مشکلاتی که در شناسایی ارزش منصفانه وجود

دارد (نبود شرایط لازم برای اندازه گیری ارزش منصفانه) نتوانستند خودشان را تطبیق بدهند، ولی همانطور که اشاره کردید یک سری دارایی های دیگری هست که ما اصلاً چون بحث قابلیت اندازه گیری و قابلیت شناسایی را برایشان نداریم (نبود امکان اندازه گیری و شناسایی ارزش منصفانه در دفاتر) و الان هم سهم این دارایی ها ممکن است در برخی از صنایع خیلی زیاد شود (ویژگی صنعت). طبیعتاً ارزش های حسابداری نمی تواند آن نقشی که برای تصمیم گیری داشته باشد، را نزد سرمایه گذاران به آن شکل نقش زیادی ایفا کند (عدم لحاظ کردن در تصمیم گیری)، ولی سرمایه گذاران همین صورت های مالی را چون حسابرسی شده و قابلیت اتکا دارد، تعدیل می کنند (تعدیل در اطلاعات بهای تمام شده تاریخی)، چون قابل اتکا هست (تاکید بر ویژگی قابلیت اتکا) می آیند از آن استفاده می کنند و تعدیل می کنند.

در جمله فوق، کد باز «عدم شناسایی سرقفلی» در قالب مفهوم «عدم شناسایی دارایی نامشهود ایجادی در شرکت» قرار گرفته و این مفهوم نیز در قالب مقوله «عدم شناسایی بخشی از ارزش شرکت و بخشی از دارایی های نامشهود» به عنوان یک مقوله «شرایط علی» در قلمرو «عوامل مربوط به حسابداری» طبقه بندی می شود. سایر کدهای باز، مفاهیم و مقوله ها نیز به همین ترتیب استخراج شدند. در این پژوهش به طور میانگین از هر یک از مصاحبه ها، تعداد ۴۲ کد باز و تعداد ۳۱ مفهوم استخراج گردید که برخی از کدهای باز و مفاهیم دارای همپوشانی می باشند و در هر مصاحبه برخی از آنها تکرار شده بودند و پژوهشگر نسبت به برچسب گذاری آن کد باز و مفهوم در هر مصاحبه به صورت جداگانه اقدام نمود. بدیهی است هنگام شمارش کدهای باز و مفاهیم نهایی پژوهش، موارد تکراری، یکسان در نظر گرفته شده و در نهایت تعداد ۴۰۸ کد باز و ۱۱۹ مفهوم یکتا و ۳۹ مقوله شناسایی گردید که تقریباً به طور میانگین هر ۳ مفهوم، یک مقوله را تشکیل داده است.

با توجه به اینکه حوزه پژوهش در سه قلمرو حسابداری، مالی و شالوده اقتصادی انجام شده است، آمار مفاهیم استخراج شده از کدهای باز در جدول (۳) ارائه می گردد.

جدول (۳). فراوانی تعداد کدهای باز و مفاهیم به تفکیک حوزه های پژوهش

تعداد مفاهیم	تعداد کدهای باز	حوزه تفکیک شده پژوهش
۴۴	۱۴۱	قلمرو حسابداری
۳۹	۱۴۸	قلمرو مالی
۳۶	۱۱۹	شالوده اقتصادی
۱۱۹	۴۰۸	جمع

کد گذاری محوری

در گام دوم، نظریه پرداز داده بنیاد، یک مقوله از مرحله کد گذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرایندی که در حال بررسی آن است (به عنوان «پدیده مرکزی») قرار می دهد و سپس، دیگر مقوله ها را به آن را ربط می دهد. این مقوله های دیگر عبارتند از: شرایط علی؛ راهبردها؛ شرایط بستر؛ شرایط مداخله گر و پیامدها و تعریف هر یک به شرح زیر است (کرسول^۱، ۲۰۱۱):

۱. شرایط علی: مقوله هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تاثیر دارد
 ۲. بستر: شرایط ویژه ای که بر راهبردها تاثیر می گذارد
 ۳. مقوله محوری: ایده ای از پدیده که هسته اصلی برای فرایند است.
 ۴. شرایط مداخله گر: شرایط بستر عمومی که بر راهبردها تاثیر می گذارد.
 ۵. راهبردها: واکنش/تعامل هایی که از مقوله محوری ناشی می شود.
 ۶. پیامد: خروجی ناشی از بکارگیری راهبردها
- مقوله های شناسایی شده در این پژوهش در مدلی که در ادامه ارائه خواهد شد، طبقه بندی گردیده اند.

کد گذاری انتخابی

در گام سوم، یکپارچه سازی و پالایش مقوله ها که در بخش کد گذاری محوری بدست آمد، انجام می شود، زیرا تا زمانی که مقوله های اصلی در کد گذاری محوری به یکدیگر نپیوندند و طرح نظری بزرگ تری را تشکیل ندهند، یافته های پژوهش شکل نظریه به خود نمی گیرد. به بیان دیگر، پژوهشگر مقوله محوری را انتخاب کرده و با سایر مقوله ها به صورتی نظام مند مرتبط می کند. استراوس و کوربین (۱۹۹۸) ویژگی های انتخاب مقوله محوری را به شرح زیر بیان کردند:

۱. مرکزی باشد یعنی بتوان سایر مقوله های عمده را به آن ربط داد.
۲. در داده ها مکرر پدیدار شود، به نحوی که در اکثر موارد به آن اشاره شده باشد.

۳. توضیحی که با مرتبط کردن مقوله‌ها پدید می‌آید منطقی و یکدست باشد و چیزی نباشد که به زور به همه چیز مرتبط شده باشد.

۴. نام یا عبارتی که برای توصیف مفهوم مرکزی به کار رفته است باید به قدر کفایت انتزاعی باشد تا بتواند برای انجام پژوهش در سایر عرصه‌ها به کار رود و منجر به پرورده شدن مقوله کلی‌تر گردد.

۵. با پالایش آن به صورت تحلیلی از طریق یکپارچه‌سازی با سایر مفاهیم، عمق و قدرت تبیین آن بیشتر شود.

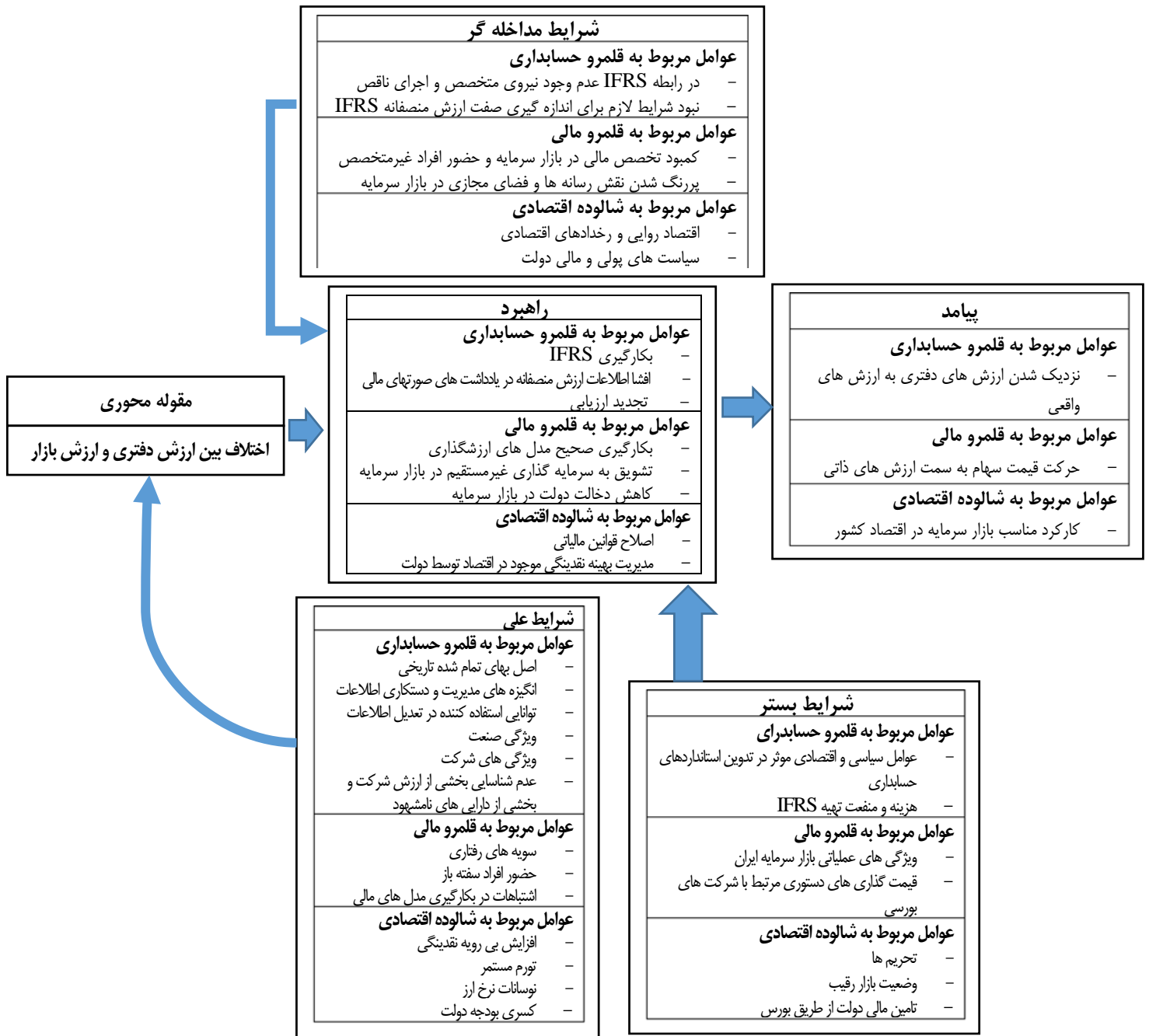
۶. مفهوم بتواند گوناگونی‌ها و نیز نکته اصلی موجود در داده‌ها را تبیین کند، بدین معنی که با تغییر شرایط معتبر بماند.

پس از آن که مقوله محوری شناسایی شد، همه مقوله‌های دیگر، مقوله‌های فرعی و توصیف‌گر مقوله محوری می‌شوند. سرانجام از طریق ترسیم پیوند بین مقوله کانونی و مقوله‌های فرعی و مفاهیم مطالعه به صورت یکپارچه، نظریه داده‌بنیاد تدوین می‌شود (نوری و مهرمحمدی، ۱۳۹۰). در این پژوهش مقوله «اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار» که تمام مقوله‌ها در رابطه با آن شکل گرفته‌اند و قادر به توضیح آن هستند، به عنوان مقوله محوری انتخاب شده است.

یافته‌های پژوهش

مدل استخراج شده این پژوهش از فرایند سه‌گانه کدگذاری تشریح شده در صفحه قبل، در نمودار (۱) مشاهده می‌شود. از جمله روش‌های یکپارچه کردن مفهوم برای تشکیل نظریه می‌توان به نوشتن خط سیر داستان، استفاده از نمودار، مرور و دسته‌بندی یادداشت‌ها با دست یا برنامه کامپیوتری اشاره کرد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). روش نمودار، ساده‌ترین و قابل فهم‌ترین روش است که در این پژوهش نیز از آن استفاده شده است. به دلیل محدودیت در حجم این نوشتار، مهمترین مقوله‌های بیان شده در مدل تشریح می‌شود. از مهمترین شرایط علی که در مصاحبه با خبرگان استخراج شد، می‌توان به موضوع اصل بهای تمام شده تاریخی اشاره کرد. اصل بهای تمام شده تاریخی که مبتنی بر اندازه‌گیری در تاریخ تحصیل دارایی است، به خاطر ویژگی‌های ذاتی آن و همچنین شرایط اقتصادی کشور مانند تورم، دچار نقصان در ارائه اطلاعات مربوط برای

سرمایه‌گذاران است. در قلمرو مالی، از مهمترین موضوعات، سویه‌های رفتاری با تاکید بر رفتار توده‌وار بیان شده است. این موضوع به خاطر عدم سواد کافی سرمایه‌گذاران حاضر در بازار سرمایه و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر دهان به دهان شدن آنان می‌باشد. در شالوده اقتصادی، از مهمترین موضوعات ورود حجم نقدینگی قابل ملاحظه به بازار سرمایه مانند سایر بازارهای اقتصادی در کشور است که خود منجر به اثرگذاری شدید بر سایر متغیرهای اقتصادی مانند تورم و نرخ ارز می‌گردد. اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار نیز، مقوله محوری این پژوهش است و سایر مقوله‌ها و شرایط سعی در توضیح آن دارند. از مهمترین راهبردهایی که خبرگان برای تغییر میزان اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار سهام مطرح کرده‌اند، بکارگیری استانداردهای حسابداری IFRS یا حداقل استفاده از تجدیدارزیابی برای اقلام صورت وضعیت مالی است تا بتوان ارزش دفتری را به ارزش روز دارایی‌ها نزدیک کرد تا بدین طریق ارزش شرکت در دفاتر به‌روزرسانی شود. همچنین تشویق به سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در بازار سرمایه مانند خرید واحدهای صندوق‌های سرمایه‌گذاری است، زیرا همانطور که توسط خبرگان بیان شده است یکی از عوامل اثرگذار بر اختلاف ارزش دفتری با ارزش بازار، وجود افراد غیرمتخصص در بازار سرمایه است و مدیریت بهینه نقدینگی و هدایت آن به سمت بخش مولد اقتصاد اشاره شده است، زیرا در وضعیت فعلی اقتصاد کشور، این نقدینگی در بخش واسطه‌گری اقتصاد قرار دارد و منجر به بازدهی تولید و افزایش تولید ناخالص ملی نمی‌شود. تحریم‌ها که بر متغیرهای اقتصادی و تصمیمات سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه اثرگذار است، هزینه و منفعت تهیه استانداردهای حسابداری IFRS و ملاحظات سیاسی و اقتصادی در تدوین استانداردهای حسابداری جدید ایران مانند مقاومت مدیریت شرکت در بکارگیری ارزش منصفانه که بر اندازه‌گیری عملکرد وی تاثیر دارد و همچنین قیمت‌گذاری دستوری دولت برای کالاها و خدمات که بر عملکرد شرکت‌های بورسی تاثیر دارد، از مهمترین شرایط بستری است که راهبردهای پیشنهادی لازم است تا در این شرایط اجرا شود و در بخش انتهایی مدل، در صورت اجرای راهبردها، پیامدهای قابل پیش‌بینی بیان شده از جمله حرکت ارزش دفتری به سمت ارزش واقعی شرکت در قلمرو حسابداری و از طرف دیگر در قلمرو مالی با حرکت قیمت سهام به سمت ارزش ذاتی آن و با کارکرد مناسب بازار سرمایه در شالوده اقتصادی، می‌توان انتظار داشت در میزان اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت تغییراتی حاصل شود.



نمودار ۱. مدل عوامل موثر بر اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار شرکت های بورس

اوراق بهادر تهران

همانند پژوهش‌های کمی، پژوهش‌های کیفی نیز معیارهایی برای ارزیابی کار خود دارند که برخی از آنها معادل معیارهای ارزشیابی پژوهش‌های کمی است. هر چند این معیارها به صورت واحد در تمامی پژوهش‌ها استفاده نشده است ولیکن در بسیاری از پژوهش‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش، از «مثلث بندی»، «کنترل اعضا» و «مقبولیت» جهت ارزشیابی مدل‌های ارائه شده استفاده شده است (کوربین و استراوس^۱، ۲۰۰۸):

- مثلث بندی (زاویه بندی - اجماع) داده‌ها: اجماع داده‌ها یعنی از منابع مختلف یا گروه‌های مختلف و یا محیط‌های مختلف، داده‌ها گردآوری شوند. در این پژوهش نیز به منظور جمع‌آوری داده‌ها، گروه‌های مختلف مورد مصاحبه قرار گرفتند، گروه‌هایی که حسب مورد شاغل در سازمان حسابداری، شاغل در شرکت فرابورس ایران، شاغل در بانک مرکزی، عضو هیات علمی دانشگاه، حسابداری رسمی و مدیر اجرایی شرکت‌ها بوده‌اند.
- کنترل اعضا یا اعتبار پاسخگو: که به وسیله آن پژوهشگر مفروضات خود را با یک یا چند نفر از افراد مطلع تحت بررسی کنترل می‌کند و بدین وسیله تفاسیر پژوهشگر تایید یا رد می‌شود. در این پژوهش نیز، پس از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی، به منظور اعتباربخشی به مدل پژوهش، مدل پژوهش به ۵ نفر از خبرگان حرفه و دانشگاه (۳ نفر از اشخاص مذکور قبلاً در مصاحبه شرکت نداشتند) ارائه شده و مورد پالایش قرار گرفت.
- مقبولیت: همواره دو معیار اصلی روایی و پایایی برای ارزیابی پژوهش‌های کمی و کیفی مورد استفاده قرار گرفته‌اند ولیکن کوربین و استراوس (۲۰۰۸) با بکارگیری این دو معیار مخالف بوده‌اند و معیار مقبولیت را پیشنهاد داده‌اند. مقبولیت بدین معناست که یافته‌های پژوهش تا چه حد در انعکاس تجارب مشارکت‌کنندگان و پژوهش در رابطه به پدیده مورد مطالعه موثق و قابل باور است، اگر چه که در عمل تبیین ارائه شده از پدیده ممکن است یکی از تفاسیر معتبر و پذیرفتنی از آن پدیده باشد. کوربین و استراوس، ۱۰ شاخص مقبولیت را معرفی کرده‌اند که بر اساس آنها پژوهش حاضر نیز مورد ارزیابی قرار گرفت. ۱. تناسب: به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا یافته‌های پژوهش با تجربه هر یک از متخصصان حوزه مورد مطالعه و همچنین مشارکت‌کنندگان، سازگاری و همخوانی

دارد؟ در پژوهش حاضر، سعی شد به کمک مصاحبه با مشارکت کنندگانی که در حوزه‌های مختلف تجربه و تخصص دارند، مفاهیم و مقوله‌ها به درستی و در ارتباط با تجربه آنها استخراج شود.

۲. کاربردی بودن یا مفید بودن یافته‌ها: به این سؤال پاسخ می‌دهد که آیا یافته‌های پژوهش تبیین یا نگرش جدیدی ارائه می‌دهد؟ آیا این یافته‌ها می‌تواند در توسعه سیاست‌گذاری، تغییر رویه‌های عمل و اقدامات اجرایی به کار رفته و دانش‌افزایی کند؟ در این پژوهش سعی شد که راهبردهای پژوهش به طور دقیق، اقدامات اجرایی لازم برای پرداختن به تبیین مناسب عوامل موثر بر اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار را پیشنهاد دهد؛ زیرا در مصاحبه‌ها به طور دقیق به اقدامات عملی لازم برای این موضوع اشاره شد و با توجه به تأیید این راهبردها و شناسایی شرایط مداخله‌گر و بستر توسط خبرگان، انتظار بر این است که نتایج، مدنظر سازمان‌های ذیربط قرار گرفته و اجرایی شوند.

۳. مفاهیم: مفاهیم برای ایجاد درک مناسب از پدیده مورد نظر و دستیابی به زبان مشترک در حوزه مورد مطالعه ضروری هستند و انتظار بر آن است که یافته‌های پژوهش از مفاهیم و مقوله‌ها استخراج شوند. اینکه یافته‌ها چگونه نمایش داده شوند، بی‌ربط است، آنچه مهم است این است که یافته‌ها، محتوا داشته باشند، یا اینکه چیزی بیش از یک سری داده‌های بدون تفسیر باشند که مطالعه‌کننده را در تلاش برای درک آنچه آن مفاهیم می‌خواهد بگوید، به حال خود رها کند. در این پژوهش، مدل ارائه شده برای تبیین عوامل موثر بر اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار، از مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها شکل گرفت و با طبقه‌بندی‌های چندین و چندباره و قرار گرفتن در مقوله‌ها، تلاش شد مدل موجز و مختصری برای چارچوب فوق ترسیم شود که خبرگان نیز آن را تأیید کردند. حضور افراد سفته‌باز، توانایی استفاده‌کننده در تعدیل اطلاعات، افشای اطلاعات ارزش منصفانه در یادداشت‌های همراه صورت مالی، اقتصاد روایی و ... از مقوله‌های جدیدی بود که توانست سهم دانش‌افزایی را در این خصوص ایفا کند.

۴. بسترسازی مفاهیم: به این سؤال می‌پردازد که آیا شرایط بستر به درستی شناسایی شده‌اند و به آنها اشاره شده است یا خیر. یافته‌هایی که عاری از بستر هستند، ناقص هستند. بدون بستر شرایط برای مفاهیم، خواننده پژوهش به طور کامل درک نخواهد کرد که چرا اتفاقات رخ داده است و معنای اتفاقات چه بوده است و چرا تجربه‌ای که رخ داده، دلالت بر این

معنی دارد و به نحو دیگری تفسیر نخواهد شد. با تجدیدنظر چندباره در این خصوص و بهره‌مندی از نظر خبرگان، شرایط بستر در این پژوهش که هزینه منفعت تهیه استانداردهای حسابداری IFRS، ویژگی‌های عملیاتی بازار سرمایه ایران، تحریم‌ها و تامین مالی دولت از طریق بورس، از جمله مواردی است که در این پژوهش معرفی شده‌اند تا خواننده با شرایط بستر ایران نیز آشنا شود.

۵. منطقی: آیا مدل پژوهش جریان منطقی‌ای را با خود به همراه داشته و معقول است؟ آیا شکافی در مدل وجود ندارد که خواننده را دچار ابهام کند که امکان دارد، چیزی درست نباشد؟ آیا روش اتخاذ تصمیم برای ایجاد مدل، به روشنی ترسیم شده است تا خواننده بتواند درباره مناسب بودن جمع‌آوری داده و تحلیل انجام گرفته در پژوهش، قضاوت نماید؟ در این پژوهش تا حد امکان تلاش شد با ترسیم روابط و نمایش چند زاویه‌ای از مفاهیم و مقوله‌ها، این رابطه منطقی برقرار شود.

۶. عمق: این عمق محتوای یافته است که، تمایز بین یافته‌های سبک و غیرجالب با یافته‌هایی که دارای پتانسیل برای ایجاد تفاوت در سیاست‌های اتخاذ شده و رویه‌های عمل هستند، را به وجود می‌آورد. این جزئیات توصیف شده است که می‌تواند به غنای یافته‌ها اضافه کند و آن را از دامنه معمولی بودن فراتر ببرد. در این پژوهش با توجه به محدودیت متن مقاله، برای بیان کافی جزئیات کار، مهم‌ترین مقوله‌ها بیان شدند.

۷. انحراف: آیا درون یافته‌ها، انحراف وجود دارد یا به بیان دیگر، آیا مواردی وجود دارد که همسو با الگوی پژوهش نباشد؟ در این پژوهش در مواردی از جمله شرایط مداخله‌گر، به آنها اشاره شده است. برای مثال می‌توان به «کمبود تخصص مالی در بازار سرمایه و حضور افراد غیرمتخصص» اشاره کرد. این موارد موجب درک بهتر خواننده از چالش‌های تبیین عوامل موثر بر اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار می‌شود.

۸. خلاقیت: آیا یافته‌ها به شکل خلاقانه و بدیع ارائه شده‌اند؟ آیا پژوهش حرف جدیدی برای گفتن دارد، یا فقط یکسری ایده‌های قدیمی را به روش جدید در کنار یکدیگر قرار داده است؟ هیچکس علاقه‌ای به شنیدن همان صحبت‌های قدیمی ندارد. این موضوع پژوهش نیست که ضرورت دارد تا نوین باشد، بلکه مهم این است که بتوان درک نوینی از موضوع ارائه داد. این نخستین پژوهشی است که عوامل هر سه حوزه حسابداری، مالی و اقتصاد را که بر اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار سهام تاثیرگذار است در یک مدل مفهومی

ارائه کرده است و با توجه به شرایط خاص اقتصادی کشور و تلاطم‌های شدید اخیر در بازار سرمایه و حرکت استانداردهای حسابداری به سمت ارزش منصفانه، توجه به این مقوله‌های ارائه شده در پژوهش، بدیهی به نظر می‌رسد.

۹. حساسیت: آیا پژوهشگر نسبت به مشارکت کنندگان و داده‌های پژوهش، حساسیت نشان داده است؟ آیا مفاهیم و سؤال‌ها در فرایند تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده در مسیر پژوهش شکل گرفته‌اند، یا اینکه قبل از جمع‌آوری داده‌ها به وجود آمده بودند؟ به بیان دیگر، آیا داده‌ها از فرایند پژوهش شکل گرفته‌اند یا اینکه پژوهشگر پیش‌فرض‌های خود را در خصوص جمع‌آوری داده‌ها القا کرده است. مورد دوم لزوماً مناسب نیست، اما بستگی دارد که تا چه حد پژوهشگر مراقب بوده تا بتواند سویه‌های خود را در فرایند پژوهش کنار بگذارد. در این پژوهش با اتکا به متن مصاحبه‌ها و با استفاده از ابزارهایی همچون یادداشت‌های تحلیلی و برگشت چندین و چندباره به متون مصاحبه و بازنگری مفاهیم و مقوله‌ها، سعی شد که در آن تعصبات پژوهشگر وارد نشود.
۱۰. استناد به یادداشت‌ها: در میان یکی از مهمترین معیارها، استناد به یادداشت‌ها اهمیت زیادی دارد. از آنجاییکه پژوهشگر یحتمل نمی‌تواند تمام نگرش‌ها، سوالات و عمق تفکری را که در فرایند تحلیل پژوهش جریان داشته است به خاطر بیاورد، یادداشت‌ها، در میان ضروری‌ترین روش‌ها است. در این پژوهش تلاش شد به اندازه کافی به بخش‌های مختلف یادداشت‌ها و متن مصاحبه‌ها در خصوص هر یک از مقوله‌ها اشاره شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های پیشین، عوامل بسیاری در حوزه‌های حسابداری، مالی و اقتصادی که بر اختلاف ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت اثرگذار هستند، به صورت مجزا از یکدیگر مورد بررسی قرار گرفتند. این پژوهش با استفاده از مصاحبه با خبرگان سعی در ارائه مدلی نمود که عوامل این سه قلمرو را در این خصوص به صورت یکپارچه نشان دهد و در این تصویر می‌توان مشاهده کرده که تغییر میزان اختلاف بین ارزش دفتری و ارزش بازار شرکت نیازمند بکارگیری راهبردهایی است که پیاده‌سازی آنها مستلزم توجه ویژه به شرایط علی، مداخله‌گر و بستر تشریح شده است. به عبارت دیگر راهبردهایی مانند تشویق به سرمایه‌گذاری غیرمستقیم مردم در بازار سرمایه، استفاده از استانداردهای حسابداری IFRS و کاهش دخالت دولت در قیمت‌گذاری دستوری، که منبث از عوامل مقدم در مدل ناشی از روش داده‌بنیان طبق نظرات بیان شده هستند، نیازمند ایجاد زیرساخت‌هایی است که بتوان به آنها دست یافت

که می‌تواند برای متولیان این حوزه‌ها مانند سازمان حسابرسی و سازمان بورس مفید باشد. نتایج این پژوهش در قلمرو حسابداری مطابق با پژوهش‌های فرهادی و سلیمانی (۱۳۹۷)، نورانی و همکاران (۱۳۹۸)، مومنی و همکاران (۱۳۹۷) است. در قلمرو مالی نتایج آن مطابق با بدری و گودرزی (۱۳۹۳) و اصولیان و همکاران (۱۴۰۰) و نصیرزاده و همکاران (۱۳۹۶) و ابراهیمی‌سروعلیا و همکاران (۱۳۹۹) و وارث و همکاران (۱۳۹۹) و چونگ و همکاران (۲۰۱۷) و هوو و همکاران (۲۰۲۱) و چن و ساب‌هروال (۲۰۱۹) می‌باشد. در قلمرو اقتصادی، نتایج پژوهش مطابق با مشایخ و حاجی - مرادخانی (۱۳۸۸) و صمدی و بیانی (۱۳۹۰) و عباسیان و همکاران (۱۳۸۷) و مولایی و همکاران (۱۳۹۶) و طیبی و صادقی (۱۳۹۶) و برخورداری و جلیلی بوالحسنی (۱۳۹۷) و صادقی و طیبی (۱۳۹۷) و کیومرثی و همکاران (۱۳۹۸) و دوزتان و تاس (۲۰۲۱) می‌باشد.

مهمترین محدودیت این پژوهش به روش پژوهش مربوط می‌شود که البته نوعی محدودیت ذاتی آن است. هرچند نظریه داده‌بنیاد برای نظریه‌های بومی بسیار مفید است، همانند سایر روش‌های پژوهش کیفی با محدودیت تعمیم‌دهی مواجه است؛ بدین معنا که لزوماً نتایج این پژوهش برای محیط سایر کشورها مناسب نیست. مشکل ذاتی دیگر این روش پژوهش، احتمال ورود تعصبات و قضاوت‌های شخصی پژوهشگر و همچنین مصاحبه‌شوندگان است که تلاش شد با روش‌های آزمون مقبولیت مختلف، این تعصبات و قضاوت‌های شخصی در انجام پژوهش حداقل شود.

با توجه به راهبردهای پیشنهادی در این پژوهش، می‌توان برای هر یک از نهادهای اثرگذار در خصوص تغییر میزان اختلاف بین ارزش دفتری با ارزش بازار سهام در شرکت‌های بورس اوراق بهادار پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه داد:

- سازمان حسابرسی به عنوان متولی تدوین استانداردهای حسابداری کشور، با مدنظر داشتن شرایط محیطی اقتصاد کشور، راهکارهایی برای ایجاد بستر پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری IFRS را ارائه نمایند.
- سازمان بورس اوراق بهادار، به عنوان متولی نظارت بر بازار اوراق بهادار، ضمن ایجاد بستر مناسب برای اجرای استانداردهای حسابداری IFRS توسط ناشران بورسی، با اقدامات پیشگیرانه مناسب از انجام اعمال مشکوک در دستکاری قیمت‌ها ممانعت به عمل آورد.
- سازمان امور مالیاتی، با همراهی سازمان حسابرسی، ضمن اصلاح قوانین قدیم و تدوین قوانین جدید مالیاتی، موانعی که باعث عدم ترغیب شرکت‌ها و ایجاد هزینه در پیاده‌سازی استانداردهای حسابداری IFRS توسط آنها می‌گردد را کاهش دهد.

منابع

- ابراهیمی سرو علیا، محمد حسن؛ سلیمی، محمد جواد؛ قوچی فرد، حمزه. (۱۳۹۹). اثر زیان‌گریزی نزدیک‌بینانه (MLA) سرمایه‌گذاران بر سرمایه‌گذاری در سهام در بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*, ۶۷(۱۷): ۸۹-۱۲۴.
- اسلامی بیدگلی، غلامرضا؛ شاهسونی، داوود. (۱۳۹۱). ارزیابی توانایی مدل مبتنی بر ویژگی‌های سهام در مقایسه با مدل سه عاملی فاما و فرنچ در تبیین اختلاف بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۸۱. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*, ۱۳(۴): ۲۱-۴.
- اصولیان، محمد؛ حسن نژاد، محمد؛ صادقی شریف، سیدجلال؛ حمزه نژادی، یاسر. (۱۴۰۰). تفکر شهودی، سوگیری‌های رفتاری و عملکرد سرمایه‌گذاران حرفه‌ای بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات مالی*, ۲۳(۱): ۱۷-۳۹.
- اعتمادی، حسین؛ بابایی، ساسان. (۱۳۹۷). ارتباط ارزشی و اطلاعات حسابداری. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*, ۲۶(۷): ۵-۱۶.
- انصاری سامانی، حبیب؛ پورفرج، علی‌رضا؛ زارع، مسعود؛ امینی، عباس. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر اقتصاد رفتاری: مفهوم، روش‌شناسی و شیوه‌های استخراج ترجیحات. *اقتصاد تطبیقی*, ۲(۱): ۳۷-۶۹.
- بدری، احمد؛ گودرزی، ندا. (۱۳۹۳). مالی رفتاری، سوگیری‌نماگری و متغیرهای بینادی حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*, ۴۳(۱۱): ۵۷-۸۸.
- برخورداری، سجاده؛ جلیلی بوالحسنی، حسین. (۱۳۹۷). عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز در ایران با تأکید بر نقش تحریم‌های اقتصادی. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*, ۲۸(۷): ۳۵-۵۸.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۹۴). *استراتژی‌های پژوهش اجتماعی*. علیرضا آقامیری، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- تقوی، مهدی؛ محمدی، تیمور؛ برزنده، محمد. (۱۳۷۸). بررسی متغیرهای اقتصادی اثرگذار بر شاخص قیمت سهام اوراق بهادار تهران. *برنامه و بودجه*, ۴۰ و ۴۱: ۳۱-۶۰.
- تقوی، مهدی؛ جنانی، محمد حسن. (۱۳۷۹). بررسی رابطه هم‌انباشتگی بین شاخص کل قیمت سهم در بورس اوراق بهادار تهران و متغیرهای کلان اقتصادی. *آینده پژوهی مدیریت*, ۴۴: ۷۷-۹۰.
- حسینی، حمید. (۱۳۸۳). اقتصاد رفتاری در دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ در کجا شکل گرفت: در میشیگان یا در مکتب کارنگی؟. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصاد*, ۲۹(۱۲): ۳-۳۲.
- خاطری، زانیار؛ نجارزاده، رضا؛ عاقلی، لطفعلی. (۱۴۰۰). تاثیر تحریم‌های اقتصادی بر حساب سرمایه در ایران. *اقتصاد مقداری*, ۱۸(۳): ۱۳۵-۱۶۲.

- دانایی فرد، حسن و مظفری، زینب. (۱۳۸۷). ارتقا روایی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تاملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی. *پژوهش‌های مدیریت*، ۱(۱): ۱۳۱-۱۶۲.
- رضایی دولت آبادی، حسین؛ یوسفان، ناهید. (۲۰۱۸). تحلیل مقایسه‌ای درباره عملکرد مدل سه‌عاملی و پنج‌عاملی فاما و فرنچ در تخمین بازده مورد انتظار. *مدیریت دارایی و تامین مالی*، ۲۲(۳): ۱۰۵-۱۱۶.
- سعیدی، علی؛ فرهانیان، سید محمدجواد. (۱۳۹۴). *مبانی اقتصاد و مالی رفتاری*. تهران: انتشارات بورس. شیلر، رابرت. (۱۳۹۹). *اقتصاد روایی، چگونه داستان‌های ویروسی رخدادهای بزرگ را می‌سازند؟*. سعید زرگریان. تهران: انتشارات آموخته.
- صادقی، عبدالرسول؛ طیبی، سیدکامیل. (۱۳۹۷). اثرات تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل تأثیرگذار بر نرخ تورم در ایران (۱۳۶۰-۱۳۹۳). *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۷۴: ۳۳-۵۷.
- صمدی، سعید؛ بیانی، عذرا. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط متغیرهای کلان اقتصادی و بازده سهام در بورس اوراق بهادار تهران. *اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)*، ۱۶(۵): ۹۱-۱۱۱.
- طیبی، سیدکامیل؛ صادقی، عبدالرسول. (۱۳۹۶). اثرات تحریم‌های بین‌المللی و سایر عوامل تأثیرگذار بر نرخ ارز در ایران. *تحقیقات اقتصادی*، ۵۲(۳): ۶۴۱-۶۶۱.
- عباسیان، عزت‌الله؛ مرادپور اولادی، مهدی؛ عباسیون، وحید. (۱۳۸۷). اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۳۶(۱۲): ۱۳۵-۱۵۲.
- فرهادی، زهرا؛ سلیمانی امیری، غلامرضا. (۱۳۹۷). ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری در دوران نوسانات اساسی بورس و اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸(۱): ۱۷۳-۱۹۸.
- فغانی ماکرانی، خسرو. (۱۳۹۴). بررسی میزان مربوط بودن ارزش دفتری، سود حسابداری و جریان وجه نقد با قیمت سهام. *حسابداری مدیریت*، ۲۴(۸): ۴۳-۵۹.
- کازرونی، سیدعلیرضا؛ اصغرپور، حسین؛ خضری، اوین. (۱۳۹۵). بررسی اثر تحریم‌های اقتصادی بر ترکیب شرکای عمده تجاری ایران طی دوره ۱۳۹۲-۱۳۷۱. *پژوهشنامه بازرگانی*، ۲۰(۷۹): ۱-۳۳.
- کریم‌زاده، مصطفی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه بلندمدت شاخص قیمت سهام بورس با متغیرهای کلان پولی با استفاده از روش همجمعی در اقتصاد ایران. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۲۶(۸): ۴۱-۵۴.
- کیومرثی، مسعود؛ احمدی شادمهری، محمد طاهر؛ سلیمی فر، مصطفی؛ ابریشمی، حمید. (۱۳۹۸). بررسی اثر تحریم‌های مالی و انرژی بر شکاف تولید در اقتصاد ایران. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۷۹(۲۴): ۳۳-۶۶.

- محمدزاده، اعظم؛ شهیکی تاش، محمدنبی؛ روشن، رضا. (۱۳۹۶). ارتباط بین بازارهای کلان اقتصادی و بازار مالی با استفاده از مدل‌های قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای شرطی (مطالعه موردی بازار بورس اوراق بهادار تهران). *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۵(۲۰): ۱۰۰-۱۲۰
- مشایخ، شهناز؛ حاجی مرادخانی، حدیث. (۱۳۸۸). بررسی رابطه نرخ تورم، نرخ سود تضمین شده و بازده طلا با بازار سهام ایران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱(۴): ۱۳۰-۱۴۷.
- مولایی، صابر؛ واعظ برزانی، محمد؛ صمدی، سعید؛ پرورده، افشین. (۱۳۹۶). تحلیل رابطه بین بازار ارز و شاخص قیمت بورس اوراق بهادار تهران: رویکرد ناپارامتریک و کاپولا. *تحقیقات اقتصادی*، ۵۲(۲): ۴۵۹-۴۷۸
- مؤمنی، ایمان؛ فروغی، داریوش؛ امیری، هادی. (۱۳۹۷). مقایسه ارتباط ارزشی گزارشگری دارایی‌ها در ترازنامه سنتی و تجدید ساختار شده، بر اساس پیش‌نویس ارائه شده توسط IASB و FASB. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸(۴): ۵۳-۸۴
- مهرانی، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ وطن پرست، محمدرضا. (۱۳۹۵). بررسی نقش مطبوعات تجاری در ارزش‌گذاری اطلاعات حسابداری. *دانش حسابداری مالی*، ۱۰(۳): ۱-۲۲
- نصراللهی، زهرا؛ نصراللهی، خدیجه؛ میرزابابایی، مرتضی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه‌ی بین متغیرهای اقتصاد کلان و شاخص قیمت سهام در ایران (رویکرد الگوی تصحیح خطای برداری). *اقتصاد مقداری*، ۸(۳): ۸۹-۱۰۳
- نصیرزاده، فرزانه؛ عباس‌زاده، محمدرضا؛ ذوالفقارآرانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر خوش بینی مدیران و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از آن بر روی ریسک سقوط قیمت سهام. *حسابداری مالی*، ۹(۳۴): ۳۵-۷۰
- نمازی، محمد؛ محمدتبار کاسگری، حسن. (۱۳۸۶). بکارگیری مدل چند عاملی برای توضیح بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۵۰(۲۶): ۱۵۷-۱۸۰
- نورانی، حسین؛ خدامی‌پور، احمد؛ پورحیدری، امید. (۱۳۹۸). ارتباط ارزشی استهلاك سرفلی و تأثیر اهرم مالی بر این رابطه با در نظر گرفتن استانداردهای ملی و بین‌المللی. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۴): ۳۶۷-۳۹۱
- نوربخش، عسگر؛ ایرانی جانیارلو، شهرام. (۱۳۹۹). مقایسه مدل سه عاملی فاما و فرنچ با مدل پنج عاملی فاما و فرنچ در پیش‌بینی بازده سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۳۶(۹): ۲۵۱-۲۶۹

- نوری، علی؛ مهرمحمدی، محمود. (۱۳۹۰). الگویی برای بهره‌گیری از روش نظریه برخاسته از داده‌ها در پژوهش‌های تربیتی. *مطالعات برنامه درسی ایران*، ۲۳: ۸-۳۵
- وارث، حامد؛ آرین، حمیدرضا؛ آریانایکتا، بنیامین. (۱۳۹۹). بررسی رفتار توده‌ای در بورس اوراق بهادار تهران با مدل چیانگ و ژنگ. *تحقیقات مالی*، ۲۲(۳): ۳۸۸-۴۰۷.
- واعظ‌برزانی، محمد؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ صمدی، سعید؛ فعالجو، حمیدرضا. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط بین متغیرهای کلان اقتصادی و ارزش بازار سهام در بورس اوراق بهادار تهران (۸۴-۱۳۷۳). *پژوهشنامه اقتصادی*، ۵: ۳۱-۵۰.

References

- Abbasian, E., Moradpour Oladi, M. & Abbasiun, V. (2008). The Impact of Macroeconomic Variables on the Stock Market: Evidence from Tehran Stock Exchange Market. *Iranian Journal of Economic Research*, 36 (12), 135-152. (In Persian).
- Ansari Samani, H., Pourfaraj, A., Zareh, M. & Amini, A. (2015). An Introduction to Behavioral Economics; Concept, Methodology and the Ways for Extracting the Preferences. *Journal of Iranian Economic Issues*, 1 (2), 37-71. (In Persian).
- Badri, A. & Goodarzi, N. (2014). Testing representative bias using fundamental accounting measures: Evidence from TSE. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 11 (43), 57-88. (In Persian).
- Ball, R., Gerakos, J., Linnainmaa, J. T., & Nikolaev, V. (2020). Earnings, retained earnings, and book-to-market in the cross section of expected returns. *Journal of Financial Economics*, 135(1), 231-254.
- Barkhordari, S. & Jalili, H. (2019). Determinant Factors of Exchange Rate in Iran with Focus on Economic Sanctions. *Quarterly Journal of Applied Economics Studies, Iran*, 28 (7), 33-58. (In Persian).
- Barth, M. E., Li, K., & McClure, C. (2021). Evolution in Value Relevance of Accounting Information. *The Accounting Review*.
- Beaver, W. H., & Ryan, S. G. (2000). Biases and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity. *Journal of accounting research*, 38(1), 127-148.
- Blaikie, N. (2015). *Approaches to Social Enquiry*. Alireza Aghamiri. Tehran: Jameeshenasan Publications. (In Persian).
- Chen, H. S. & Sabherwal, S. (2019). Overconfidence among option traders. *Review of Financial Economics*, 37(1), 61-91.
- Chong, T. T. L., Liu, X., & Zhu, C. (2017). What explains herd behavior in the Chinese stock market? *Journal of Behavioral Finance*, 18(4), 448-456.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks, California: Sage.
- Creswell, J. W. (2011). *Educational Research Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*. Boston: Pearson Publications.

- Danaei fard, H., Mozafari, Z. (2008). Improving Reliability and Validity in qualitative management research: thinking about research strategies. *Management researches*, 1 (1): 131-162. (In Persian).
- Davern, M., Gyles, N., Hanlon, D., & Pinnuck, M. (2019). Is financial reporting still useful? Australian evidence. *Abacus*, 55(1), 237-272.
- Drake, M. S., Guest, N. M., & Twedt, B. J. (2014). The media and mispricing: The role of the business press in the pricing of accounting information. *The Accounting Review*, 89(5), 1673-1701.
- Duz Tan, S. & Tas, O. (2021). Social media sentiment in international stock returns and trading activity. *Journal of Behavioral Finance*, 22(2), 221-234.
- Ebrahimi Sarv Olia, M, H., Salimi, M, J. & Ghouchifard, H. (2020). The Effect of Investors' Myopic Loss Aversions (MLA) on Investments in Stocks in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 67 (17), 89-124. (In Persian).
- Eslami Bidgoli, GH. & Shahsavani, D. (2012). Evaluation of the Ability of Stock-Based Model Comparison with Fama and French Three-Factor Model in Explaining the Stock Returns Differences of Listed Companies in Tehran Stock Exchange during 2007-2009. *Journal of Accounting and Auditing Research*, 13 (4), 4-21. (In Persian).
- Etemadi, H. & Babaie, S. (2018). Value Relevance and Accounting Information. *Journal of Accounting and Auditing Research*, 26 (7), 5-16. (In Persian).
- FaghaniMakrani, Kh. (2015). Evaluating the value relevance of book value, accounting earnings and cash flow with stock prices. *Management Accounting*, 24 (8), 43-59. (In Persian).
- Farhadi, Z. & Soleymani Amiri, GH. (2018). The Value Relevance of Accounting Information during the Essential Volatility in Tehran Stock Exchange. *Empirical Research in Accounting*, 1 (8), 173-198. (In Persian).
- Hosseini, H. (2004). The arrival of behavioral economics: From Michigan, or the Carnegie School in the 1950s and the early 1960s? *Journal of Economic Research and Policies*, 29, 1-30. (In Persian).
- Hou, D., Meng, Q., & Chan, K. C. (2021). Does short selling reduce analysts' optimism bias in earnings forecasts? *Research in International Business and Finance*, 56, 101356.
- Huang, T. L. (2019). Is the Fama and French five-factor model robust in the Chinese stock market? *Asia Pacific Management Review*, 24(3), 278-289.
- Karimzadeh, M. (2006). Examination Long Run Relationship between Stock Price Index and Monetary Macroeconomics Variables by Using Co integration Technique in Economy of Iran. *Iranian Journal of Economic Research*, 25 (8), 41-54. (In Persian).
- Kazerooni, A., Asgharpour, H. & khezri, A. (2016). The Impact of Economic Sanctions on Composition of Major Trade Partners of Iran (1992-2013). *Iranian Journal of Trade Studies Quarterly*, 20 (79), 1-34. (In Persian).
- Khateri, Z., Njarzadeh., R. & Agheli-Kohnehsahri, L. (2021). The Impact of Economic Sanctions on Capital Account in Iran. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 3 (18), 135-162. (In Persian).

- Kiumarthy, M., Ahmadi Shadmehri, M, T., Salimifar, M. & Abrishami, H. (2019). The Impact of Financial and Energy Sanctions on Output Gap in Iran. *Iranian Journal of Economic Research*, 24 (79), 33-66. (In Persian).
- Mashayekh, SH. & Hajimoredkhani, H. (2010). Investigating the Relationship between Inflation Rate, Guaranteed Interest Rate, and Gold Returns with the Iranian Stock Market. *Journal of Accounting and Auditing Research*, 1(4): 130-147. (In Persian).
- Mehrani, S., Karami, Gh. & Vatanparast, R. (2016). The Role of the Business Press in the Pricing of Accounting Information. *Financial Accounting Knowledge*, 3 (3), 1-22. (In Persian).
- Mello, J. & Flint, D. J. (2009). A refined view of grounded theory and its application to logistics research. *Journal of business logistics*, 30(1), 107-125.
- Mohammadzadeh, A., Shahiki tash, M, N. & Roshan, R. (2018). Investigation Relationship between the Macroeconomic Markets and Financial Market Using the Conditional Capital Asset Pricing Model (Case Study of Tehran Stock Exchange). *The Macro and Strategic Policies*, 5(20): 100-120. (In Persian).
- Molaei, S., Vaez Barzani, M., Samadi, S. & Parvardeh, A. (2017). Analyzing the Relationship between the Foreign Exchange Market and the Tehran Stock Exchange Price Index: Nonparametric Approach and Copula. *Economic Research*, 52 (2), 457-476. (In Persian).
- Momeni, E., Foroughi, D. & Amiri, H. (2019). The Comparison of Value Relevance of Assets Reporting in Traditional and Restructured Balance sheet based on IASB and FASB Exposure Draft. *Empirical Research in Accounting*, 8 (4), 53-84. (In Persian).
- Namazi, M. & Mohammad tabarkasgari, H. (2007). Incorporating multifactor model to explaining stock return of Tehran Stock Exchange firms. *Humanity and social science Shiraz university*, 25(50) 157-180. (In Persian).
- Nasirzadeh, F., Abbaszadeh, M. R. & Zolfaghariani, M, H. (2017). Examining the impact of overconfidence of managers and the resulting information asymmetry on risk of falling of stock prices. *Financial Accounting*, 34(9): 35-70. (In Persian).
- Nasrollahi, Z., Nasrollahi, Kh. & Mirzababae, S, M. (2011). Examination of Relationship between Macroeconomic Variables and Stock Exchange Price Index in Iran Using VECM. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 3 (8), 89-103. (In Persian).
- Noorbakhsh, A. & Irani janyarlou, Sh. (2020). Comparing the Fama & French three-factor model with the five-factor model of Fama & French in explaining stock returns of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Investment Knowledge*, 9 (36), 251-269. (In Persian).
- Nori, A. & Mehrmohammadi, M. (2011). Model for using grounded theory in educational research. *Journal of curriculum studies*, 23, 8-35. (In Persian).
- Nourani, H., Khodami pour, A. & Pourheidari, O. (2020). Value Relevance of Goodwill Amortization and Financial Leverage. *Empirical Research in Accounting*, 4 (9), 367-391. (In Persian).
- Osoolian, M. & Hasannejad, M., Sadeghi Sharif, S, J., Hamzenejadi, Y. (2021). Intuitive Thinking, Behavioral Biases and Performance of Professional

- Investors in Tehran Stock Exchange. *Financial Research Journal*, 23 (1), 17-39. (In Persian).
- Paugam, L., Stolowy, H., & Gendron, Y. (2021). Deploying narrative economics to understand financial market dynamics: An analysis of activist short sellers' rhetoric. *Contemporary Accounting Research*, 38(3), 1809-1848.
- Rezaie Dolatabadi, H. & Yousofan, N. (2018). A comparative Analysis of Performance of Three-Factor and Five - Factor Fama and French Model to Estimate the Expected Rate of Return in Tehran Stock Exchange. *Journal of Asset Management and Financing*, 3 (6), 105-116. (In Persian).
- Sadeghi, A. & Tayebi, S, K. (2018). Effects of International Sanctions and Other Determinants on Iran's Inflation Rate (1981-2014). *Iranian Journal of Economic Research*, 74 (23), 33-57. (In Persian).
- Saeidi, A. & Farhaniyan, S, M. (2015). *Principles of Economics and Behavioral Finance*. Tehran: Bourse Publications. (In Persian).
- Samadi, S. & Bayani, O. (2011). Examination of relationship between Macroeconomic Variables and stock return in Tehran Stock Exchange, *Journal of Financial Economic*, 91-112. (In Persian).
- Scott, W, R. (2020). *Financial Accounting Theory*. Canada: Prentice Hall.
- Shiller, R. (2020). *Narrative Economics: How Stories Go Viral and Drive Major Economic Events*. Saeed Zargarian. Tehran: Amokhteh Publications. (In Persian).
- Strauss, A. & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, London, New Delhi: Sage Publications.
- Taghavi, M., Mohammadi, T. & Barzandeh, M. (1998). Investigation of Economic Variables that affects Price Index of Tehran Stock Exchange. *Journal of Planning and Budgeting*, 4 (4, 5), 31-60. (In Persian).
- Taghavi, M. & Janani, M, H. (2000). Cointegration relation among TEPIX and Some of the Macroeconomic Variables. *Journal of Future Studies Management*, 12 (44, 45), 77-90. (In Persian).
- Tayebi, S, K. & Sadeghi, A. (2017). The Impacts of International Sanctions and other Factors Affecting Exchange Rate in Iran. *Journal of Economic Research*, 52 (3), 641-661. (In Persian).
- Vaez Barzani, M., Dallai Esfahani, R., Samadi, S. & Faaljou, H. (2009). Examination of relationship between macroeconomic variables and stock market price of Tehran Stock Exchange Firms (1994-2005). *Economic Research*, 5, 31-50. (In Persian).
- Vares, H., Arian, H., Aryanayekta, B. & Bannazadeh, M, J. (2020). Herd Behavior Analysis in Tehran Stock Exchange with Chiang and Zheng Model. *Financial Research Journal*, 3 (22), 388-407. (In Persian).

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

اثر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی و آینده‌نگر بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها^۱

علی همایون^۲، محمدحسین رنجبر^۳، فائق احمدی^۴، قدرت الله طالب نیا^۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۲

مقاله پژوهشی

چکیده

افشای اطلاعات یکی از عناصر مهم بازار سرمایه است که شفافیت در مبادلات و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی را در پی دارد و منجر به افزایش کارایی بازار و بهبود عملکرد پایداری می‌شود. با توسعه بازارها و افزایش انتظارات ذی‌نفعان، افشای اطلاعات مربوط به رعایت مسائل اجتماعی، توسعه پایدار و پایداری نیز بیش‌ازپیش ضرورت یافته است و مدیران در صورت فزونی منافع افشا داوطلبانه بر هزینه آن، اطلاعات را افشا خواهند نمود. براین اساس پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی (تاریخی و آینده‌نگر) بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها انجام شده است. بدین منظور داده‌های ۱۲۰ شرکت از جامعه آماری طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. متغیرهای اصلی تحقیق، افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی و عملکرد پایداری غیرمالی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از روش مدل رگرسیون چندگانه (رویکرد داده‌های تابلویی) استفاده گردید و یافته‌ها بیانگر این موضوع است که افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی بر بهبود عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها اثر مثبت و معنی‌داری دارد در صورتی که افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر اثر معناداری بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها ندارد.

واژه‌های کلیدی: افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی، افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر،

عملکرد پایداری غیرمالی.

طبقه بندی موضوعی: M41, G34

10.22051/JERA.2022.35042.2826.DOI .۱

۲. دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. (homayoon.isu@gmail.com).

۳. دانشیار، گروه حسابداری و مدیریت مالی، دانشکده علوم انسانی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول). (mhranjbar54@gmail.com).

۴. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. (faeghahmadi@gmail.com).

۵. دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (Gh-talebni@yahoo.com) <https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

افشای اطلاعات بازار سرمایه دارای اهمیت ویژه‌ای برای ذی‌نفعان است که منجر به افزایش شفافیت در مبادلات و کارایی بازار می‌گردد؛ پس می‌توان گفت افشای اطلاعات از جمله عوامل تأثیرگذار به‌منظور افزایش شفافیت است. افشای اطلاعات با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه تنگاتنگی دارد که می‌تواند بر کاهش رفتار نامتقارن اثرگذار باشد (ورچیا، ۲۰۰۱). عدم تقارن اطلاعاتی با سطح افشا دارای رابطه معکوس بوده و باعث کاهش کارایی بازار سرمایه، افزایش هزینه‌های معاملاتی، کندشدن نقدشوندگی سهام و در نهایت منجر به افزایش هزینه سرمایه شرکت می‌گردد (براون و همکاران، ۲۰۰۴).

افشا به‌صورت اجباری و داوطلبانه صورت می‌گیرد. افشای اجباری در برگیرنده اطلاعات مالی و در قالب گزارش‌های مالی انجام می‌شود. افشای داوطلبانه شامل کلیه اطلاعات (مالی و غیرمالی) است که توسط مدیریت در سطحی وسیع‌تر از گزارش‌های مالی افشا می‌گردد (استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۴). اطلاعات استراتژیک (محصولات، رقبا، مشتریان)، اطلاعات مالی (پیش‌بینی سود، قیمت سهام) و اطلاعات غیرمالی (عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی) می‌توانند از جمله موارد افشای اختیاری باشند (لی و یانگ، ۲۰۱۶). تحقیقات انجام شده بیانگر این است که افشای اختیاری اطلاعات می‌تواند باعث بهبود نقدینگی سهام گردد، هزینه سرمایه را کاهش دهد، نقش واسطه‌گری اطلاعات و در نتیجه کیفیت درآمد را افزایش دهد (یانگ، ۲۰۱۲). میزان و نوع افشای داوطلبانه به هزینه‌های افشا (ژانگ، ۲۰۰۱)، حاکمیت شرکتی (هو و ونگ، ۲۰۰۱)، سوابق شخصی مدیران (بامبر و همکاران، ۲۰۱۰) و عملکرد پایداری بستگی دارد (خان و همکاران، ۲۰۱۶؛ نگ و رضایی، ۲۰۱۵). انگیزه‌های مدیریت برای افشای اطلاعات غیرمالی با عملکرد پایداری محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت‌ها ارتباط دارد. به‌طوری‌که افشای غیرمالی آینده‌نگر منجر به عملکرد پایداری شرکت‌ها می‌گردد (رضایی و تائو، ۲۰۱۷). افشای داوطلبانه ممکن است اطلاعات خصوصی را برای رقبای موجود و شرکت‌کنندگان احتمالی ارائه دهد و همچنین رقابت و سودآوری شرکت را کاهش دهد که توسط ورچیا (۱۹۸۳ و ۲۰۰۱) به‌عنوان هزینه اختصاصی توصیف شده است. از سوی دیگر، افشای داوطلبانه می‌تواند با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، منافع سرمایه‌گذاران و مدیریت را تأمین کند. تمرکز ادبیات حسابداری و مالی، به‌منظور ارائه

انگیزه‌های مدیریتی جهت افشای اختیاری، بر افشای داوطلبانه مالی پیش‌بینی‌های مدیریت سود و پایداری داوطلبانه غیرمالی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی است. شواهد نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران به افشای داوطلبانه اطلاعات اهمیت می‌دهند و از افشای اجباری برای تأیید افشای داوطلبانه استفاده می‌کنند. تحقیقات علمی نیز اهمیت رابطه بین افشای اجباری و داوطلبانه را تأیید می‌کنند (رضایی، ۲۰۱۶).

مسئولیت اجتماعی به‌عنوان بخشی از عملکرد پایداری به الگوی مسلط و تمام‌عیار در زمینه کنترل و هدایت شرکت‌ها تبدیل گشته است، در نتیجه شرکت تحت تأثیر پایداری قرار دارد. علاقه سرمایه‌گذاران در سرمایه‌گذاری اجتماعی که عمدتاً توجه آن به ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی متمرکز است به طور شگفت‌انگیزی افزایش یافته است. با توجه به ابداع و اجرائی شدن الزامات قانونی در خصوص عملکرد پایداری و همچنین بسط آگاهی عمومی، امروزه مسئله پایداری در کشورهای توسعه‌یافته از طرف شرکت‌ها، دولت‌ها، جامعه و مراکز علمی پژوهشی به طور روزافزونی پیگیری و کنترل می‌گردد. شرکت‌های سطح اول دنیا در مقابل آثار مخربی که بر جامعه و محیط‌زیست می‌گذارند، مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌دهی را به‌عنوان بخشی از برنامه‌های کلی شرکت در جهت کسب مزایای رقابتی خود به شمار می‌آورند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸).

با توجه به تئوری ذی‌نفعان دو جنبه از پایداری وجود دارد، افشای پایداری و عملکرد پایداری که هر دو به یکدیگر مرتبط هستند و به نفع همه ذی‌نفعان است. شواهد نشان می‌دهد که مدیریت اغلب به اقدامات پایدار ESG^۱ آینده‌نگر توجه می‌کند زیرا بر فعالیت‌های تجاری تأثیر می‌گذارد، اثربخشی و حاکمیت شرکتی را بهبود می‌بخشد و منافع شرکت را با علایق سهام‌داران منطبق می‌سازد؛ بنابراین افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر می‌تواند کارایی و اثربخشی پروژه‌های ESG شرکت را بهبود بخشد که در نهایت می‌تواند منجر به بهبود عملکرد پایداری مالی در آینده شود. در مقابل، در افشای اطلاعات غیرمالی تاریخی، مدیریت تمایل به ارائه عملکرد غیرمالی دارد که می‌تواند پروژه‌های فعلی ESG را تحت تأثیر قرار دهد. به طوری که باعث بهبود عملکرد مالی و در نهایت منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود (نگ و رضایی، ۲۰۱۵).

استفاده از نظریه افشای داوطلبانه جهت تشریح روابط آن با عملکرد پایداری، همچنان تأمل برانگیز است (هامل و شلیک، ۲۰۱۶). شرکت‌ها طبق تئوری افشای داوطلبانه، اخبار خوب مربوط به عملکرد خود را به وسیله نشر گزارش‌های پایداری، جهت برتری بر رقبای ضعیف اعلام می‌کنند (لیس و همکاران، ۲۰۱۵). باین وجود، تئوری افشای اختیاری نشان می‌دهد که هزینه‌های اختصاصی بیشتر (کمتر) با سطح افشاگری اختیاری کمتر (بیشتر) در یک جهت هستند، زیرا افشاگری ممکن است منجر به افزایش ریسک آسیب‌پذیری نسبت به رقیب گردد. در عوض، طبق تئوری مشروعیت، نگاه‌ها تمایل دارند تا گزارش پایداری را برای کاهش تأثیر منفی اخبار عملکرد بد منتشر کنند (رضایی، ۲۰۱۵؛ ۲۰۱۶).

در این پژوهش به سه دلیل به مسئله افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی (تاریخی و آینده‌نگر) توجه شده است. ۱- در مقایسه با اطلاعات غیرمالی مالی تاریخی، افشای آینده‌نگر، اطلاعات مرتبط‌تری را برای پیش‌بینی سود آتی شرکت در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد (کلارک سون و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۲۰۱۱). ۲- شرکت‌هایی که افشای غیرمالی آینده‌نگرانه‌تری منتشر می‌کنند، به جای سود کوتاه‌مدت، به عملکرد پایدار بلندمدت توجه بیشتری می‌کنند. ۳- کیفیت بهتر درآمد، تحت حاکمیت شرکتی قوی‌تر با استراتژی بلندمدت یک شرکت همراه است که افشای غیرمالی را به دنبال دارد (لارکر و همکاران، ۲۰۰۷). با توجه به موارد بیان شده بررسی میزان افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی (تاریخی و آینده‌نگر) و تأثیر آن بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌های پذیرفته شده در بازار سرمایه بر ضرورت انجام تحقیق می‌افزاید؛ بنابراین هدف این پژوهش، تبیین و بررسی نقش تأثیر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی و آینده‌نگر بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

افشای اطلاعات اختیاری در خصوص شناسایی، اندازه‌گیری و همچنین افشای اطلاعات اقلام حسابداری مندرج در صورت‌های مالی منجر به تشویق و جذب سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری می‌گردد و به بهبود وضعیت مالی شرکت کمک می‌کند (یاتریدیس و آلكساکیس، ۲۰۱۲). به همین ترتیب، تئوری افشای داوطلبانه بیان داشته که مدیران در صورت مقرون‌به‌صرفه بودن منافع افشا بر هزینه‌های آن، اقدام به افشای اختیاری اطلاعات افشا خواهند نمود (هیتزمن و همکاران، ۲۰۱۰). مطابق با مبانی نظری، افشای داوطلبانه مالی بر پیش‌بینی مدیریت سود و پایداری داوطلبانه

غیرمالی محیطی، اجتماعی و حاکمیتی تمرکز دارد. همچنین میزان و نوع افشای داوطلبانه به هزینه‌های افشا و عملکرد پایداری بستگی دارد و افشای غیرمالی آینده‌نگر منجر به عملکرد پایداری شرکت‌ها می‌گردد (رضایی و تائو، ۲۰۱۷). طبق تئوری مشروعیت، ارائه اطلاعات در گزارش‌های سالانه و سایر روش‌ها جهت قانونی کردن تصمیمات و کارکردهای شرکت، به طور مستقیم بر رفع نگرانی‌های جامعه تأثیر و باعث بهبود مشروعیت شرکت می‌گردد (بوالی و عجمی، ۲۰۱۹). طبق تئوری مشروعیت، عملکرد پایداری غیرمالی، برای تمام ذی‌نفعان من جمله مشتریان، جامعه و محیط‌زیست مطلوب بوده و بیان می‌دارد که رعایت‌نکردن هنجارهای اجتماعی و الزامات محیطی، باعث تهدید مشروعیت سازمانی و پایداری مالی و در نتیجه برآورده‌نکردن نیازهای جامعه می‌گردد (رضائی، ۲۰۱۶).

هسته و مرکز اصلی رابطه قراردادی بین شرکت و ذی‌نفعان، نگاه به آینده قرار دارد و آینده هم توسط پایداری مشهود خواهد شد. اخیراً پایداری شرکت توجه فراوانی را به خود جلب نموده، به طوری که یک بخش مهم در حال رشد بوده و از آن به عنوان مسئولیت‌پذیری در مقابل آثار عملکرد شرکت بر محیط تعبیر شده است. پایداری مفهومی است که در مباحث جهانی‌سازی و در مباحث عملکرد شرکت مطرح و سبب توسعه سازمان می‌شود (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۰). طبق تعریف کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه، پایداری عبارت است از برآوردن نیازهای فعلی بدون محدود کردن توانائی نسل آتی برای تأمین نیازهایشان (اوداح و همکاران، ۲۰۱۸). اتخاذ شیوه‌های پایداری شرکتی نوعی تمایز استراتژیک است که می‌تواند منجر به عملکرد مالی بهتر در آینده شود (یو آنو و سرافیم، ۲۰۱۹). تحقیقات انجام شده قبلی در خصوص پایداری سازمانی استدلال کرده‌اند سازمان‌های که قادر به اجرای پایداری بوده‌اند بقای بلندمدت خود را افزایش می‌دهند، همچنین باعث عملکرد برتر و در نهایت منافع اقتصادی را به ارمغان می‌آورند.

جانسون (۲۰۰۱) در بررسی خود پیشنهاد کرد پایداری در سرمایه‌گذاری شرکت با سرمایه‌گذاری مسئولیت اجتماعی مرتبط بوده، به طوری که می‌توان آن را به عنوان سنتز سرمایه‌گذاری در جهت دستیابی به عملکرد برتر اجتماعی و محیطی استفاده نمود. تحقیقات بیانگر آن است شرکت‌هایی که عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی مطلوبی دارند، به صورت اختیاری به توسعه و افشای اطلاعات پایداری روی می‌آورند؛ زیرا شرکت‌هایی که عملکرد ضعیفی در این زمینه دارند، ترجیح می‌دهند اطلاعات کمتری از فعالیت‌های پایداری خود افشا

کنند (بروکس و اویکونومو، ۲۰۱۷). استراتژی‌هایی که در مقایسه با تمرکز بر مسائل روزمره شرکت (مثل حداکثر نمودن سود کوتاه‌مدت)، منجر به افزایش قیمت سهام، سود عملیاتی و سهم شرکت از بازار در بلندمدت می‌شوند مربوط به پایداری اقتصادی در حوزه عملکرد مالی شرکت هستند (بن و فیشر، ۲۰۱۱).

لو (۲۰۲۰) تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین عملکرد پایداری شرکتی و عملکرد مالی مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داده شرکت‌های با سطح حاکمیت شرکتی بالاتر دارای عملکرد پایداری قوی‌تری هستند. حسین و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود تحت عنوان " بررسی رابطه بین عملکرد پایداری با عملکرد مالی"، نمونه‌ای ۱۰۰ تایی از شرکت‌های آمریکایی که بهترین افشا را داشتند انتخاب و دریافتند که بین عملکرد پایداری با عملکرد مالی رابطه مثبت وجود دارد. الشهبی و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی ۱۳۲ مقاله معتبر در زمینه تأثیر افشای اطلاعات پایداری بر عملکرد و ارزش شرکت پرداختند و دریافتند که در بیش از ۸۰ درصد از مجموع این مقالات نتایج تجربی حاکی از وجود رابطه مثبت است. رضایی و تائو (۲۰۱۷) در پژوهش خود تحت عنوان "افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی و ارتباط آن با عملکرد پایدار"، اقدام به گردآوری و تجزیه و تحلیل افشاهای غیرمالی داوطلبانه ۵۸۰ شرکت نمونه در چهار صنعت منتخب در ایالات متحده نمودند. یافته‌های آنها نشان داد که محتوای اطلاعات و مشوق‌های مدیریتی تأثیر مهمی در ارزیابی پیش‌آیندها و پس‌آیندهای افشای غیرمالی ایفا می‌کنند. آنها با استفاده از رتبه‌های به‌دست‌آمده از پایگاه داده KLD برای ساختن عملکرد پایداری ESG، یک ارتباط دوطرفه بین افشاهای غیرمالی و عملکرد پایداری، مشاهده نمودند. گومز و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی ارتباط بین عملکرد پایداری و بازده سهام شرکت‌ها پرداختند آنها داده‌های ۳۵۰ شرکت اسپانیایی را طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ مورد بررسی و دریافتند عملکرد پایداری شرکت با بازده سهام رابطه منفی دارد. همچنین بیان کردند سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با عملکرد پایدار نه تنها منجر به افزایش بازده در مراحل اولیه می‌گردد، بلکه از متضرر شدن سهام‌داران در مراحل بعد جلوگیری می‌کند. لیس و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان سیگنال‌دهی از طریق گزارشگری پاسخگویی شرکت‌های آمریکایی، با بررسی ۶۴۲ شرکت برای دوره زمانی ۵ ساله منتهی به ۲۰۱۱ با استفاده از روش رگرسیون چندمتغیره دریافتند که شرکت‌ها اخبار و عملکرد خوب خود را به صورت داوطلبانه در قالب گزارش عملکرد پایدار گزارش می‌کنند تا خود را از رقبای ضعیفشان متمایز نمایند.

در زمینه افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی و آینده‌نگر و همچنین عملکرد پایداری غیرمالی، مطالعاتی نیز در داخل صورت گرفته است. امین و همکاران (۱۴۰۰) نقش تعدیل‌گری حاکمیت شرکتی در رابطه بین عملکرد پایداری و عملکرد مالی را مورد بررسی و برای اندازه‌گیری عملکرد پایداری از پنج بعد اقتصادی، اجتماعی، حاکمیتی، زیست‌محیطی و اخلاقی استفاده نمودند و دریافتند که سطح شرکتی رابطه مثبت و مهمی داری با پایداری شرکت دارد و سطح حاکمیت شرکت بالاتر می‌تواند تأثیر عملکرد پایداری شرکت را بر بازده دارایی‌ها و نسبت کیوتو بین شرکت افزایش دهد. صالحی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به بررسی تأثیر اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر بر کارایی سرمایه‌گذاری و محدودیت تأمین مالی پرداخت و نشان داد که اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر می‌تواند محدودیت تأمین مالی و کارایی سرمایه‌گذاری را کاهش دهد. عبدی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی گزارشگری پایداری از روش پرسش‌نامه‌ای پرداختند و نشان دادند که محرک‌های گزارشگری پایداری را می‌توان در ۵ گروه اصلی و ۲۴ شاخص طبقه‌بندی نمود. همچنین دریافتند که محرک‌های الزامات زیستی، ویژگی‌های حاکمیت شرکت و ساختاری از بالاترین اهمیت برخوردار هستند. فیضی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر افشا داوطلبانه اطلاعات غیرمالی و عملکرد پایداری بر بهبود کیفیت حسابرسی پرداختند. نتایج ۱۱۲ شرکت برای سال مالی ۱۳۸۸-۱۳۹۷ نشان داد افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی و ابعاد آن موجب تقویت عملکرد پایداری و بهبود کیفیت حسابرسی شرکت می‌گردد. در پژوهش دیگری هاشمی و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی نمونه‌ای شامل ۱۴ شرکت سیمانی منتخب طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ دریافتند عملکرد پایداری و افشا در سطح عملکرد اجتماعی - اقتصادی شرکت بر بازده سهام تأثیر معنادار و معکوس دارد. یافتیان و صادقی (۱۳۹۸) طی بررسی رابطه غیرخطی بین افشا و عملکرد مالی با تمرکز بر نقش مدیریت سود دریافتند افشای اختیاری و عملکرد مالی دارای رابطه غیرخطی (U معکوس) هستند. همچنین نشان دادند افزایش سطح افشا تا سطح آستانه‌ای می‌تواند باعث بهبود عملکرد مالی و افشای بیش از آن، عملکرد مالی را کاهش می‌دهد. کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی با افشای اطلاعات پایداری شرکت‌ها پرداختند و نشان دادند که مدیریت سود، محافظه‌کاری و کیفیت اقلام تعهدی با افشا اطلاعات پایداری دارای رابطه مثبت و معناداری است؛ اما بین افشای اجباری و افشای اطلاعات پایداری رابطه معناداری مشاهده نشد. حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۷) به ارزیابی مدل عملکرد پایدار کسب‌وکار در ایران با استفاده از روش پرسش‌نامه پرداختند. یافته‌های حاصل از ۱۰۸ پرسش‌نامه که با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفتند نشان داد که

عملکرد پایدار مالی و غیرمالی با یکدیگر دارای ارتباط متقابل هستند. بشیری منش و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی پیامدهای افشای اختیاری نشان دادند افشای اختیاری از مکانیزم‌های شفافیت اطلاعاتی بوده که کاهش در اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام را در بر دارد. همچنین دریافتند افشای اختیاری از عوامل کاهش هزینه سرمایه است.

فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به مبانی نظری، فرضیه‌های تحقیق به صورت زیر تدوین گردیده‌اند:
فرضیه اول: افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی بر عملکرد پایداری غیرمالی تأثیر معناداری دارد.
فرضیه دوم: افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر بر عملکرد پایداری غیرمالی تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر نوع و روش پژوهش، توصیفی همبستگی، از منظر فرایند اجرا و نوع داده‌ها کمی و از نظر نتیجه اجرای آن پژوهشی کاربردی است. جامعه آماری تحقیق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ هستند که تعداد ۱۲۰ شرکت به روش حذف سیستماتیک (هدفمند) و با اعمال محدودیت‌هایی از قبیل لزوم تطابق سال مالی، تولیدی بودن و امکان دسترسی به اطلاعات مورد نیاز انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. در راستای تهیه ادبیات تحقیق و سوابق پژوهش از روش کتابخانه‌ای و از مقالات علمی مندرج در مجلات تخصصی و به منظور گردآوری داده‌های مالی و غیرمالی مورد نیاز از روش اسناد کاوی استفاده گردید. داده‌های مالی و غیرمالی شرکت‌ها از طریق بررسی صورت‌های مالی حسابرسی شده و یادداشت‌های پیوستی این صورت‌ها مندرج در سایت سازمان بورس اوراق بهادار و سایت کدال و همچنین سایر گزارش‌های رسمی ارائه شده، استخراج گردید. مدل‌های رگرسیون خطی چندگانه با به کارگیری نرم‌افزارهای اقتصادسنجی Eviews و STATA جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده گردید.

مدل و متغیرهای پژوهش

برای بررسی و آزمون فرضیه‌های پژوهش و ارائه الگویی از تأثیر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی و آینده‌نگر و عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها رابطه‌های (۱) و (۲) که برگرفته از پژوهش رضایی و تائو (۲۰۱۷) است، مورد استفاده قرار می‌گیرد:

رابطه (۱)

$$\begin{aligned} \text{CSP}_{\text{SCORE}_{i,t}} = & \alpha_0 + \beta_1 \text{HND}_{\text{SCORE}_{i,t}} + \beta_2 \text{BM}_{i,t} + \beta_3 \text{GROWTH}_{i,t} \\ & + \beta_4 \text{INTAN}_{i,t} + \beta_5 \text{ISSU}_{i,t} + \beta_6 \text{LEV}_{i,t} + \beta_7 \text{LOSS}_{i,t} \\ & + \beta_8 \text{SIZE}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

رابطه (۲)

$$\begin{aligned} \text{CSP}_{\text{SCORE}_{i,t}} = & \alpha_0 + \beta_1 \text{FND}_{\text{SCORE}_{i,t}} + \beta_2 \text{BM}_{i,t} + \beta_3 \text{GROWTH}_{i,t} \\ & + \beta_4 \text{INTAN}_{i,t} + \beta_5 \text{ISSU}_{i,t} + \beta_6 \text{LEV}_{i,t} + \beta_7 \text{LOSS}_{i,t} \\ & + \beta_8 \text{SIZE}_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \end{aligned}$$

متغیر مستقل

افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی: افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی شرکت i ام در سال t که با مبنای قرارداد ارقام گفته شده در زیر به دست می‌آید؛ بنابراین اگر یک قلم از افشای اطلاعات غیرمالی شرکت‌ها انجام شده باشد، امتیاز یک و اگر افشا نشده باشد، امتیاز صفر داده می‌شود. از این رو، تعداد ارقام افشا شده به کل ارقام قابل افشا در افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی شرکت‌ها بر اساس اطلاعات مندرج در گزارش هیئت‌مدیره شرکت‌ها، بیانگر درصد افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی شرکت‌ها یا امتیاز افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی شرکت‌ها است. در این پژوهش افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی به دو شکل گذشته‌نگر و آینده‌نگر در نظر گرفته شده است.

اطلاعات غیرمالی گذشته‌نگر ($\text{HND}_{\text{SCORE}_{i,t}}$):

از منظر محیط اطراف شرکت شامل: توانایی شرکت‌های جدید برای ورود به صنعت، توانایی محصولات یا خدمات جایگزین، وضعیت رقابت و موقعیت در صنعت، تغییرات در بازار، رقابت یا تکنولوژی (هویت، منبع و پایداری)، توصیف ساختار صنعت شرکت، تغییرات در سهم بازار و اطلاعات در مورد وضعیت اقتصادی شرکت و صنعت.

از منظر شدت رقابت در صنعت شامل: تغییرات اخیر در محیط، ماهیت و زمان‌بندی پاسخ شرکت، قوانین و مقررات مؤثر بر صنعت، استراتژی کسب و کار و درجه سازگاری استراتژی‌ها با محیط، تأکید بر ارائه اطلاعات مالی مبتنی بر پاسخ‌گویی مدیریت، اهداف بازده دارایی‌ها، بازده حقوق صاحبان سهام و نسبت سرمایه، هویت و پیشینه اعضای هیئت‌مدیره و مدیران، ماهیت سهام‌داران عمده و سهام مدیریتی، اهداف، روش‌های هدایت واحد اقتصادی، مأموریت و

اهداف، ماهیت عدم توافق با اعضای هیئت مدیره، بانک‌ها، حساب‌رسان مستقل و بازرسان پیشین و انواع و مقادیر پاداش اعضای هیئت مدیره و مدیران و روش‌های محاسبه مورد استفاده است. از منظر فشرده‌گی روندهای شرکت شامل: شرایط سودمند یا زیان‌آوری که شرکت با آن درگیر است و ممکن است موجب افزایش یا کاهش جریان‌های نقدی در آینده شود، تغییرات در وضعیت مالی و انعطاف‌پذیری مالی، توضیح روابط و تغییرات در میان داده‌ها، اطلاعات کیفی آینده‌نگر از جمله پیش‌بینی‌ها، اطلاعات مربوط به آینده، ارائه اطلاعات درباره مرحله تحقیق و توسعه، بحث در مورد محصولات جدید، بحث در مورد اختراعات ثبت شده و تأکیدات و جهت‌گیری‌های آتی نوآوری‌های فناوری.

اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر ($FND_{SCORE_{i,t}}$):

از منظر محیط شرکت شامل: توصیف تجارت و ساختار صنعت، مشارکت کارکنان، رویدادهای عمومی در فضای تجاری و واحد اقتصادی طی پنج سال اخیر، تعداد کارکنان، میانگین حقوق و مزایای کارکنان، هویت اشخاص وابسته و توصیف روابط، دامنه و توصیف فعالیت‌های واحد اقتصادی و دارایی‌های وابسته و امور فصلی و دوره‌ای واحد اقتصادی.

از منظر تولید شرکت شامل: تعداد و کیفیت منابع و عرضه‌کنندگان کلیدی، تعریف صنعت، توصیف و استمرار اختراعات مهم، علائم تجاری، توصیف محصولات/خدمات اساسی، اطلاعات مربوط به تمرکز جغرافیایی بر پایه تولید، اطلاعات در مورد تغییر در ماهیت ضمانت یک محصول، تغییرات مهم در نسبت مواد خریداری شده از یک یا دو تأمین‌کننده بزرگ، اطلاعات تجاری تاریخی غیرمالی در حدود ده سال اخیر، محصولات یا خدمات نوآورانه، قدرت چانه‌زنی با تأمین‌کنندگان منابع و رضایت تأمین‌کنندگان، به موقع بودن انجام فعالیت‌های کلیدی (تولید، تحویل، توسعه محصولات جدید)، روندهای فروش، قیمت فروش، بهای تمام شده واحد و حجم و قیمت مواد مصرف شده، اطلاعاتی درباره مکان تهیه و تحویل محصولات تولیدی، اطلاعاتی درباره تمرکز جغرافیایی فروش.

از منظر مشتریان شامل: اطلاعات در مورد تغییرات تکنولوژیکی و حاکمیتی تأثیرگذار بر بازار، اطلاعات بازرگانی، تغییرات محسوس در فروش به مشتریان عمده، روابط قراردادی عمده، تغییرات قیمت، حجم و محصولات و دلایل آن، نفوذ و کیفیت حضور در بازار، ارائه معیارهای رضایت مشتریان و قدرت چانه‌زنی.

از منظر فن آوری‌ها شامل: نوآوری فعلی محصولات، توصیف پروژه‌های تحقیقاتی در حال انجام، شکست پروژه‌های قدیمی و توصیف اختراعات.

متغیر وابسته

عملکرد پایداری غیرمالی شرکت ($CSP_{SCORE_{i,t}}$): عملکرد پایداری مربوط به مولفه‌هایی است که مسئولیت‌های اجتماعی سازمان را نشان می‌دهد. هر چقدر سازمان در جهت حفظ و ارتقای مسئولیت‌های اجتماعی بهتر عمل کند می‌تواند موفقیت‌هایی را در سایر بخش‌های دیگر نیز کسب نماید. جهت اندازه‌گیری عملکرد پایداری غیرمالی، از شاخص‌های عملکرد پایداری غیرمالی (۶۰ شاخص) در سه بعد عملکرد پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیطی استفاده و اگر شرکتی دارای معیارهای تعیین شده باشد عدد ۱ و در غیر اینصورت عدد صفر را در نظر گرفته می‌شود (رضائی و تائو، ۲۰۱۷). برای اندازه‌گیری سطح افشای عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها با بررسی گزارش هیئت‌مدیره شرکت‌ها، از تقسیم کل اقلام افشا شده بر تعداد کل اقلام قابل افشا شرکت در گزارش هیئت‌مدیره بدست می‌آید (برزگر، ۱۳۹۳).

شاخص‌های اقتصادی: جنبه‌ها و اثرات اقتصادی - اجتماعی را در بر می‌گیرد که در ۱۵ طبقه و گروه قرار می‌گیرند. به‌طور کلی از مهم‌ترین شاخصه‌های مذکور می‌توان هدف‌ها و الزامات مشخص برای برنامه‌ریزی، ارزش‌افزوده سهم کارگر، هدف‌گذاری کسب بازده، سهم بازار شرکت نسبت به صنعت و منطقه، رشد یا تغییرات سهم بازار و پیش‌بینی آن در آینده، تمرکز جغرافیایی فروش و مشتریان بر حسب منطقه، تغییرات فروش بر حسب ریال و محصولات و منطقه و مشتریان، تغییرات در تکنولوژی و الزامات بازار، تغییرات به وجود آمده توسط بازار و سایر رقبا، شناخت اثرات اقتصادی غیرمستقیم بااهمیت و مقیاس‌های بهره‌وری تولید، سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی به تفکیک و هزینه‌های آنها، مالیات ارزش‌افزوده و سایر عوارض را نام برد.

شاخص‌های اجتماعی: به روابط بین واحد کسب‌وکار و جامعه مربوط می‌شود که در ۲۸ طبقه گروه‌بندی می‌گردند. مهم‌ترین شاخصه‌های اجتماعی در برگیرنده ویژگی‌های در کارکنان و سایر موارد مرتبط با آنها شامل استخدام، حقوق و مزایا، بهداشت، امنیت شغلی، جنسیت، شرایط سنی، محل جغرافیایی، رویکردهای ارتباطی با پرسنل و نظرخواهی از آنان، بیان فعالیت‌ها و ساعات آموزش (بر حسب طبقات و گروه‌ها)، مسائل بهداشتی و ایمنی و رعایت آنها و سلامت

شغلی، اخذ گواهی‌نامه‌های موردنیاز محل کار (شغلی، ایمنی، سلامت و بهداشت)، مشارکت در ایجاد مراکز آموزشی، امور رفاهی پرسنلی و رویه‌های استخدام و به‌کارگیری، بیان مشخصات محصول طبق الزامات تعریفی (استانداردها و غیره)، مشتریان و رضایتمندی مشتریان، اخذ گواهی‌نامه‌های مرتبط با شرکت و محصولات، برنامه‌ریزی دریافت و ثبت تخلفات و پیشنهادها، برنامه‌های تحقیق و توسعه و مخارج آنها، بیان روش‌های مرتبط با تأمین‌کنندگان و ارزیابی عملکرد زنجیره تأمین ارزش، استراتژی و مسئولیت‌های مدیران ارشد، مشارکت در انجمن‌ها و نهادها و مجامع، گواهی‌نامه‌ها و جوایز در حوزه‌های مختلف (اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیست، ورزشی و آموزشی)، کمک به توسعه صنایع کوچک و کارآفرین، توسعه زیرساخت‌های عمومی، برنامه‌ها و مساعدت‌های مالی جهت حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، آموزشی و هنری، حامی برای همایش‌های آموزشی، سمینارها و طرح‌های سلامت و بهداشت جامعه، نحوه کمک‌های مالی در حوادث غیرطبیعی، چگونگی برخورد و مقابله با فساد و اعمال خلاف قانون، تدوین نظام‌نامه و منشور اخلاقی و همچنین قوانین و آئین‌نامه‌های مرتبط با حوزه‌های مختلف هستند.

شاخص‌های محیطی: به محیط‌زیست و محیط اطراف مربوط می‌شود. مهم‌ترین شاخصه‌های محیطی میزان و ارزش مواد اولیه، منابع مصرفی به تفکیک منبع و میزان آنها، میزان آب مصرفی و بازیافتی و تصفیه شده، شیوه‌های کاهش ضایعات و همچنین کاهش اثرات مخرب بر محیط، ایده‌هایی برای تولید محصولات مبتنی بر بازیافت، مقدار انرژی صرفه‌جویی شده با بهبود فرایندها، در نظر گرفتن برنامه‌های جاری و آتی به منظور مدیریت تأثیرات زیست‌محیطی، مجموعه اقدامات صورت گرفته در خصوص گازهای گلخانه‌ای، تفکیک ضایعات بر حسب نوع و نحوه مصرف و همچنین روش‌های کاهش و حذف ضایعات پرخطر و دفع مناسب آنها، اثرات محیطی حمل‌ونقل در حوزه‌های مختلف، بیان فعالیت‌ها در خصوص رعایت مسائل زیست‌محیطی از بعد مصرف‌کنندگان و زنجیره تأمین ارزش، اطلاع‌رسانی به مشتریان در خصوص مصرف محصولات با ملاحظات زیست‌محیطی، داشتن روش‌های احیای منابع طبیعی نظیر جنگل و خاک، طراحی تجهیزات و محصولات سازگار با محیط، تدوین نظام‌نامه و منشور زیست‌محیطی و دعاوی حقوقی موارد زیست‌محیطی هستند.

متغیرهای کنترلی

چون در یک پژوهش اثرات همه متغیرها قابل بررسی نیستند، پژوهشگر اثرات برخی از متغیرها را کنترل و خنثی می‌کند. در پژوهش حاضر با توجه به اثرات متغیرهای زیر بر روابط بین متغیرها، متغیرهای کنترلی به شرح زیر در نظر گرفته شده‌اند.

بدهی‌های بلندمدت (ISSU): برابر است با تقسیم بدهی‌های بلندمدت تقسیم بر کل دارایی‌ها. اندازه شرکت (SIZE): برابر لگاریتم طبیعی دارایی‌های شرکت. نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BM): نسبت ارزش دفتری سهام به ارزش بازار سهام شرکت.

اهرم مالی (LEW): برابر با نسبت بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت. زیان (LOSS): اگر شرکت در طول دوره مالی دارای زیان باشد ارزش "یک" و در صورتی که زیان‌ده نباشد ارزش "صفر" به آن اختصاص می‌یابد. فرصت رشد (GROWTH): از طریق نسبت تغییرات دارایی‌های شرکت در سال جاری به دارایی‌های ابتدای دوره به می‌آید.

نسبت دارایی‌های نامشهود (INTAN): برابر است با نسبت دارایی‌های ثابت نامشهود به کل دارایی‌های شرکت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

آمار توصیفی تحقیق طی جدول ۱ ارائه شده است. انحراف معیار از شاخص‌های پراکندگی (از مهم‌ترین مقیاس‌های آماری در آمار توصیفی) است که میزان پراکندگی داده‌ها را مشخص می‌کند. در صورتی که انحراف معیار نزدیک به صفر باشد بیانگر این موضوع است که داده‌ها به میانگین نزدیک و دارای پراکندگی اندک هستند، در حالی که انحراف معیار بزرگ نشان می‌دهد پراکندگی داده‌ها قابل توجه است. با توجه به جدول ارائه شده، می‌توان بیان نمود که تمام متغیرهای تحقیق دارای توزیع آماری مناسب بوده و انحراف معیار آن‌ها صفر نمی‌باشد، در نتیجه می‌توان متغیرهای تحقیق را در مدل وارد کرد.

جدول ۱. جدول آمار توصیفی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کوینوس	سکورت	میانگین	انحراف معیار	متغیر
عملکرد پایداری	۰/۲۸۵	۰/۲۸۳	۰/۰۷۹	۰/۰۵	۰/۴۸۳	۰/۱۶۲	۳/۰۲۷
افشای اطلاعات غیرمالی تاریخی	۰/۲۳۸	۰/۲۲۹	۰/۰۷۱	۰/۱۱۴	۰/۴۰۰	۰/۳۱۱	۲/۸۴۵
افشای اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر	۰/۳۰۲	۰/۳۱۰	۰/۱۰۹	۰/۱۳۸	۰/۵۵۲	۰/۷۶۹	۲/۸۶۲
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	۰/۴۷۴	۰/۴۳۲	۰/۲۵۰	۰/۱۳۶	۱/۰۶۳	۰/۷۶۹	۲/۸۶۲
فرصت رشد	۰/۱۷۱	۰/۱۲۵	۰/۱۹۸	-۰/۰۸۴	۰/۶۶۸	۱/۰۳۴	۳/۴۰۲
دارایی‌های نامشهود	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۶	۰	۰/۰۲۴	۱/۷۰۷	۴/۸۷۲
بدهی‌های بلندمدت	۰/۰۵۸	۰/۰۳۷	۰/۰۵۹	۰/۰۰۲	۰/۲۱۹	۱/۴۶۹	۴/۲۲۸
اهرم مالی	۰/۵۴۷	۰/۵۶۷	۰/۱۸۴	۰/۸۲۸	۰/۱۸۰	-۰/۳۹۳	۲/۲۱۸
زیان	۰/۰۴۵	۰	۰/۲۰۷	۰	۱	۴/۳۷۶	۲۰/۱۵۲
اندازه شرکت	۱۴/۵۰۵	۱۴/۱۶۲	۱/۵۰۸	۱۲/۴۳۴	۱۸/۰۰۵	۰/۸۴۷	۲/۹۷۶

یافته‌های استنباطی

جهت اعتباربخشی به نتایج آزمون‌های آماری ابتدا بایستی پیش فرض‌های مدل رگرسیون بررسی گردند، بنابراین قبل از تفسیر نتایج رگرسیون، مفروضات کلاسیک رگرسیون و نحوه تخمین مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۲. آزمون انتخاب الگوی تحلیل داده‌ها

مدل	آماره F	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون	مدل انتخابی
۱	F لیمر	۹/۶۸۹	(۱۱۹/۷۱۲)	۰/۰۰	رد H0
۲	F لیمر	۹/۵۷۷	(۱۱۹/۷۱۲)	۰/۰۰	رد H0

بررسی جدول (۲) نشان می‌دهد فرض صفر آزمون در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با عدم تأیید مواجه شده است، در نتیجه می‌توان روش داده‌های پانل را استفاده نمود. با توجه به استفاده از روش داده‌های پانل، موضوع انتخاب از بین مدل‌های اثرات ثابت و تصادفی مطرح می‌شود که در این تحقیق از آزمون هاسمن استفاده می‌گردد.

جدول ۳. نتایج آزمون هاسمن

مدل انتخابی	نتیجه آزمون	سطح معنی داری	درجه آزادی	χ^2	آزمون	مدل
اثرات ثابت	رد H_0	۰/۰۰۰	۸	۴۲/۱۲۸	هاسمن	۱
اثرات ثابت	رد H_0	۰/۰۰۰	۸	۴۶/۱۴۷	هاسمن	۲

بررسی جدول (۳) نشان می‌دهد که در مدل فرض شده پژوهش باید از روش اثرات ثابت استفاده نمود.

جدول ۴. نتایج آزمون خود همبستگی سریالی

وضعیت	نتیجه	سطح معنی داری	آماره F	آزمون	مدل
وجود خودهمبستگی سریالی	رد H_0	۰/۰۰۰	۱۳۲/۷۰۷	والدریج	۱
وجود خودهمبستگی سریالی	رد H_0	۰/۰۰۰	۱۳۴/۱۲۲	والدریج	۲

نتایج آزمون خودهمبستگی برای آزمون مدل‌ها در جدول (۴) بیان شده است. باتوجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۵، مدل‌ها دارای خودهمبستگی هستند که جهت برطرف کردن مشکل خودهمبستگی، متغیر اتورگرسیو $AR(1)$ به مدل اضافه می‌گردد.

جدول ۵. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس

وضعیت	نتیجه	سطح معنی داری	کای دو	آزمون	مدل
وجود ناهمسانی واریانس	رد H_0	۰/۰۰۰	۵۹۰۰/۴۹	والد تعدیل شده	۱
وجود ناهمسانی واریانس	رد H_0	۰/۰۰۰	۸۲۳۳/۲۶	والد تعدیل شده	۲

نتایج آزمون ناهمسانی واریانس برای آزمون مدل‌ها در جدول (۵) بیان گردیده است. باتوجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۵، مدل دارای ناهمسانی واریانس بوده که به منظور برطرف نمودن مشکل ناهمسانی واریانس از رویکرد "حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS)" استفاده می‌شود.

آزمون هم خطی

شدت هم خطی متغیرهای مستقل با استفاده از ضرایب عامل تورم واریانس و ضرایب تفرانس، مورد بررسی قرار گرفته است. ضرایب ارائه شده در جدول (۶) نشان می‌دهند که مدل پژوهش با مشکل هم خطی مواجه نمی‌باشد.

جدول ۶. نتایج آزمون هم خطی

متغیر	تلورانس	تورم واریانس (VIF)
عملکرد پایداری	۰/۹۷۰	۱/۰۳
افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی	۰/۳۳۳	۳
افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر	۰/۲۵۳	۳/۹۴
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	۰/۸۹۱	۱/۱۲
رشد دارایی	۰/۷۴۷	۱/۳۴
نسبت دارایی‌های نامشهود	۰/۹۵۲	۱/۰۵
نسبت بدهی‌های بلندمدت	۰/۹۴۵	۱/۰۶
اهرم مالی	۰/۶۰۸	۱/۶۴
زیان	۰/۹۲۶	۱/۰۸
اندازه شرکت	۰/۹۵۲	۱/۰۵

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج جدول (۷) نشان می‌دهد آماره دوربین واتسون برابر با $2/10$ بین $(1/5 - 2/5)$ است، بیانگر نبود خطاهای خودهمبستگی مدل است. با توجه به آماره F و سطح معناداری $(0/00)$ مدل رگرسیون برازش شده معنادار است. در این مدل ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/733$ است؛ یعنی ۷۳ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی توجیه پذیر است. سطح معناداری ضریب رگرسیونی افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی برابر $(0/006)$ است، بنابراین می‌توان بیان کرد افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با عملکرد پایداری داشته و با توجه به مثبت بودن ضریب متغیر مستقل (برابر با $0/006$) مشخص می‌گردد بین افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی و عملکرد پایداری رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد. بررسی سطح معناداری متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد فقط اندازه شرکت رابطه معکوس و معناداری با عملکرد پایداری شرکت‌ها دارد.

جدول ۷. نتایج برآورد مدل رگرسیونی فرضیه اول

متغیر	ضریب رگرسیونی	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۷۳۶	۰/۲۲۸	۳/۲۲۶	۰/۰۰۱
افشای اطلاعات غیرمالی تاریخی	۰/۰۴۸	۰/۰۱۷	۲/۷۴۵	۰/۰۰۶
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	۰/۰۱۴	۰/۰۰۸	۱/۷۳۳	۰/۰۸۳
رشد دارایی	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	-۰/۰۹۴	۰/۹۲۵
نسبت دارایی‌های نامشهود	-۰/۸۲۲	۰/۵۳۵	-۱/۵۳۶	۰/۱۲۴
نسبت بدهی‌های بلندمدت	۰/۰۲۰	۰/۰۴۴	۰/۴۵۳	۰/۶۵۰
اهرم مالی	-۰/۰۰۴	۰/۰۱۸	-۰/۲۵۰	۰/۸۰۲
زیان	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	-۰/۸۱۱	۰/۴۱۷
اندازه شرکت	-۰/۰۳۰	۰/۰۱۵	-۱/۹۸۰	۰/۰۴۸
AR(1)	۰/۴۶۰	۰/۰۸۶	۵/۳۲۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۷۸۰			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۳۳			
آماره F	(۰/۰۰)۱۶/۴۵۴			
دوربین واتسون	۲/۱۰			

نتایج جدول (۸) نشان می‌دهد آماره دوربین واتسون برابر با $۲/۱۰$ بین $(۱/۵-۲/۵)$ و بیانگر عدم وجود خطاهای خودهمبستگی مدل است. با توجه به آماره F و سطح معناداری $(۰/۰۰)$ مدل رگرسیون برازش شده معنادار است. در این مدل ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $۰/۷۳۳$ است؛ این آماره نشان می‌دهد که ۷۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل و متغیرهای کنترلی مدل قابل توجیه است. سطح معناداری ضریب رگرسیونی افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر برابر $(۰/۶۱۲)$ است، بنابراین می‌توان بیان کرد افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر رابطه معناداری با عملکرد پایداری شرکت‌ها ندارد. بررسی سطح معناداری متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد اندازه شرکت در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معکوس و معناداری با عملکرد پایداری شرکت‌ها دارد و نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار نیز در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مستقیم و معناداری با عملکرد پایداری شرکت‌ها دارد.

جدول ۸. نتایج برآورد مدل رگرسیونی فرضیه دوم

متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۰/۷۵۳	۰/۲۱۹	۳/۴۳۷	۰/۰۰۰
افشای اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر	-۰/۰۱۰	۰/۱۹۰	-۰/۵۰۷	۰/۶۱۲
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	۰/۰۱۵	۰/۰۰۸	۱/۸۹۷	۰/۰۵۸
رشد دارایی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	۰/۰۳۷	۰/۶۹۶
نسبت دارایی‌های نامشهود	-۰/۸۳۰	۰/۵۲۴	-۱/۵۸۴	۰/۱۱۳
نسبت بدهی‌های بلندمدت	۰/۰۱۸	۰/۰۴۱	۰/۴۵۱	۰/۶۵۱
اهرم مالی	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۸	-۰/۳۵۷	۰/۷۲۰
زیان	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	-۰/۸۴۲	۰/۳۹۹
اندازه شرکت	-۰/۰۳۰	۰/۰۱۵	-۲/۰۴۳	۰/۰۴۱۰/
AR(1)	۰/۴۵۷	۰/۰۸۷	۵/۲۲۴	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۷۸۱			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۳۴			
آماره F	(۰/۰۰۰)۱۶/۴۹۹			
دوربین واتسون	۲/۱۰			

بحث و نتیجه‌گیری

تصمیم‌گیری صحیح و منطقی در بازار سرمایه منوط به وجود اطلاعات قابل اتکا و در دسترس است. توسعه بازارهای سرمایه و به تبع آن افزایش انتظارات ذی‌نفعان باعث شده است که افشای اجباری و اختیاری اطلاعات مالی و غیرمالی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. تدوین استانداردها و مقررات حسابداری و مالی و ضوابط تعیین شده توسط بازارها به‌عنوان الزامات افشای اجباری اطلاعات موجب توسعه کمی و کیفی گزارشگری مالی و غیرمالی شرکت‌ها شده است. از طرفی دیگر بسیاری از شرکت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که افشای داوطلبانه اطلاعات نیز می‌تواند زمینه تصمیم‌گیری صحیح‌تر را برای ذی‌نفعان فراهم نموده و در نتیجه اعتماد و اطمینان آنان را افزایش دهد. افشای اجباری گزارشگری مالی تنها منبع اصلی اطلاعات مورد نیاز ذی‌نفعان بازار نیست. شواهد نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران افشای داوطلبانه غیرمالی را نیز ارزشمند تلقی می‌کنند. افشای داوطلبانه اطلاعات مالی و غیرمالی اعم از گذشته‌نگر و آینده‌نگر می‌تواند ضمن کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، می‌تواند برای شرکت و تمامی ذی‌نفعان آن سودمند باشد. از طرفی دیگر؛ حفظ و ارتقای عملکرد پایداری مربوط به مولفه‌های مسئولیت‌های اجتماعی سازمان، قدرت سودآوری و ایجاد ارزش می‌تواند موفقیت سازمان را در پی داشته

باشد. باتوجه به اهمیت موضوع، این پژوهش به ارزیابی میزان تأثیر افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی و آینده‌نگر بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها پرداخته است. بدین منظور ۱۲۰ شرکت از شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران به روش هدفمند و حذف سیستماتیک انتخاب و داده‌ها و اطلاعات موردنظر در آنها طی قلمرو زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ گردآوری و با استفاده از مدل‌های رگرسیونی خطی چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد افشای اطلاعات داوطلبانه غیرمالی تاریخی می‌تواند موجب بهبود عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها شود؛ ولی افشای اطلاعات داوطلبانه غیرمالی آینده‌نگر تأثیر معناداری بر عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها ندارد. نتایج به دست آمده با یافته‌های پژوهش رضائی و تائو (۲۰۱۷) هم‌راستا است. براین اساس می‌توان گفت شاخص‌هایی چون هویت و پیشینه اعضای هیئت‌مدیره و سهام‌داران، ماهیت سهام‌داران عمده و سهام‌مدیریتی، اهداف، مأموریت‌ها و روش‌های هدایت شرکت می‌توانند اثر تعیین‌کننده‌ای بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی عملکرد پایداری غیرمالی شرکت‌ها داشته باشند. به بیانی دیگر وجود رابطه بین افشای اطلاعات غیرمالی گذشته‌نگر و عملکرد پایداری مبین این است که شرکت‌هایی با سطح افشای بالاتر توجه بیشتری به الزامات برنامه‌ریزی، افزایش سهم کارگر در تصمیمات، هدف‌گذاری سهم بازار و فروش، برقراری مؤثرتر روابط کسب و کار و جامعه از جمله مسائل آموزشی، رفاهی، ایمنی و بهداشتی کارکنان و همچنین عوامل محیطی مانند محیط‌زیست، تولید پاک، صرفه‌جویی در مصرف انرژی دارند. همچنین افشای اطلاعات غیرمالی گذشته‌نگر می‌تواند نشان‌دهنده توجه شرکت‌ها به دغدغه‌های اقتصادی و اجتماعی کارکنان و ذی‌نفعان و رعایت الزامات زیست‌محیطی و منافع جامعه به‌عنوان مهم‌ترین عناصر عملکرد پایداری باشند. توسعه عملکرد پایداری نیز به تحقق اهداف بلندمدت شرکت، تصمیمات مؤثر سازمانی، ایجاد ارزش و حسن شهرت، کاهش تضاد منافع، جلب رضایت ذی‌نفعان و مشتریان کمک می‌کند و تضمین‌کننده بقا سازمان در عرصه رقابت خواهد شد. براین اساس به سیاست‌گذاران و مدیران شرکت‌ها توصیه می‌گردد به افشای اطلاعات غیرمالی نیز همانند اطلاعات مالی اهمیت دهند. افشای اطلاعات غیرمالی می‌تواند زمینه‌ساز موفقیت‌های سازمان در دستیابی به اهداف بلندمدت و کسب مزیت رقابتی شود. همچنین باور داشته باشند افشای اطلاعات موردنیاز ذی‌نفعان بازار علاوه بر کاهش تعارض و تضاد منافع، از طریق کاهش

عدم تقارن اطلاعاتی به تصمیمات گیری مناسب تر و درست تر منجر می شود و نتیجه تصمیمات درست ذی نفعان به بهبود عملکرد پایداری شرکت ها کمک می نماید.

به سرمایه گذاران در بازار سرمایه کشور نیز توصیه می گردد که برای ارزیابی وضعیت پایداری و عملکرد پایداری شرکت ها، به میزان افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی و ابعاد آن توجه داشته باشند و این مهم را در نظر بگیرند که شرکت هایی که توجه بیشتری به افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی دارند، عملکرد پایداری بهتری خواهند داشت و پایداری آنها بالاتر از شرکت هایی است که افشای داوطلبانه اطلاعات غیرمالی تاریخی کمتری دارند. در نتیجه سرمایه گذاری در شرکت های دارای عملکرد پایداری بالاتر، بستر سرمایه گذاری مطمئن تر و زمینه افزایش بازدهی مطلوب تر را فراهم می سازد.

در انتها و به منظور انجام پژوهش های آتی به پژوهشگران توصیه می گردد در پژوهش های خود تأثیر سطوح افشای داوطلبانه اطلاعات مالی و غیرمالی را به دو شکل داوطلبانه و غیرداوطلبانه و در دو حالت گذشته نگر و آینده نگر بر عملکرد مالی و غیرمالی مورد بررسی قرار دهند. همچنین پژوهشگران می توانند نوع صنعت را به عنوان متغیری مداخله گر در بررسی روابط بین این متغیرها مورد مطالعه قرار دهند.

محدودیت های پژوهش

به دلیل وجود محدودیت های بالقوه، در پژوهش حاضر صرفاً داده های مربوط به ۱۲۰ شرکت مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت، بنابراین در تعمیم این نتایج به جامعه بزرگ تر می بایست محتاطانه عمل شود. همچنین محدودیت منظور شده در تعیین قلمرو زمانی نیز ممکن است تعمیم نتایج به دست آمده به سال های دیگر را دشوار سازد.

منابع

- امین، وحید؛ فغانی مکرانی، خسرو؛ ذبیحی، علی؛ بررسی نقش تعدیل‌گری حاکمیت شرکتی در رابطه بین عملکرد پایداری و عملکرد مالی شرکت. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۱(۴۱)، ۱-۲۶.
- برزگر، قدرت اله. (۱۳۹۳). مدلی برای افشا مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و ارتباط آن عملکرد مالی. پایان‌نامه دکتری حسابداری. دانشگاه علامه طباطبائی تهران.
- بشیری منش، نازنین؛ رحمانی، علی؛ موسوی، میرحسین. (۱۳۹۵). پیامدهای افشای اختیاری: رویکرد معادلات ساختاری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۶(۲۰)، ۱۶۱-۱۸۶.
- حساس یگانه، یحیی؛ باباجانی، جعفر؛ تقوی فرد، محمدتقی؛ آریز پور، آرش. (۱۳۹۷). مدل عملکرد پایدار کسب و کار در ایران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*. ۷(۷۷)، ۱۸۱-۲۰۴.
- رحیمیان، نظام‌الدین؛ رضایی، فرزین؛ ماستری فراهانی، حسین. (۱۳۹۰). بررسی عوامل تعیین‌کننده ساختار سرمایه شرکت‌های با اندازه کوچک و متوسط. *پژوهش‌نامه حسابداری مالی و حسابرسی*. ۳(۲۱)، ۲۲۱-۲۶۳.
- صالحی، اله کرم (۱۳۹۹). تأثیر اطلاعات غیرمالی آینده‌نگر بر کارایی سرمایه‌گذاری و محدودیت تأمین مالی. *دانش سرمایه‌گذاری*، ۹(۳۶)، ۱۲۱-۱۴۱.
- عبدی، مصطفی؛ کردستانی، غلامرضا؛ رضازاده، جواد. (۱۳۹۹). گزارشگری پایداری: رتبه‌بندی محرک‌ها و شاخص‌ها. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۳۴)، ۷۱-۱۱۴.
- فیضی، مهدی؛ پور آقاجان سر حمای، عباسعلی؛ نسل موسوی، سید حسین. (۱۳۹۸). تأثیر افشا داوطلبانه اطلاعات غیرمالی و عملکرد پایداری بر بهبود کیفیت حسابرسی. *دانش حسابرسی*. ۱۹(۷۷)، ۱۹۰-۲۲۰.
- کاشانی پور، محمد؛ جندقی، غلامرضا؛ رحمانی، محمد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی با افشای اطلاعات پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*. ۸(۱۱)، ۱-۳۱.
- هاشمی، سید عباس؛ قاسمی، محمدرضا؛ رفیعی شهرکی، احمدرضا. (۱۳۹۸). تأثیر عملکرد پایداری شرکت بر مازاد بازده سهام و سودآوری. *پژوهش حسابداری و حسابرسی*. ۹(۲)، ۱۲۵-۱۴۳.
- یافتیان، مهرناز؛ صادقی، سمیه. (۱۳۹۸). بررسی رابطه غیرخطی بین افشا و عملکرد مالی با تمرکز بر نقش مدیریت سود. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۳۴)، ۳۲۶-۳۴۰.

References

- Abdi, M; Kordestani, G; Rezazadeh, J. (2020). Sustainability reporting: Rating of drivers and indicators. *Journal of Emperical Research in Accounting*, 9 (34), 71-114. (In Persian).

- Amin, V; Faghani, K; Zabihi, A. (2021). Investigating the Role of Corporate Governance Moderation in the Relationship between Corporate Sustainability Performance and Financial Performance. *Journal of Emperical Research in Accounting*, 11(41), 1-26. (In Persian).
- Alshehh, A; Nobanee, H; Khara, N. (2018). The impact of sustainability practices on corporate financial performance: Literature trends and future research potential. *Sustainability*. 10(2).
- Bashirymanesh, N; Rahmany, A; Mosavy.MI. (2016). Consequences of optional disclosure: Structural equation approach. *Journal of Emperical Research in Accounting*, 6(20), 161-186. (In Persian).
- Bonn, I; Fisher, J. (2011). Sustainability the missing ingredient in strategy. *Journal of Business Strategy*, (1)32, 9-81.
- Brooks,C; Oikonomou,I.(2017).The effects of environmental ,social and governance disclosures and performance on firm value:a review of the literature in accounting and finance.*The British Accounting Review*,50(1), 1-15.
- Brown, S; Hillegeist, S; & Lo, K. (2004). Conference calls and information asymmetry. *Journal of Accounting and Economics*, 37(3), 43-366.
- Bually, A; Ajmi, J. (2019). The rol of audit committee attributes in corporate sustainability reporting: Evidence from banks in the gulf cooperation council. *Journal of Applied Accounting Reseach*, 1-17.
- Clarkson, P. M; Li, Y; Richardson, G. D; Vasvari, F. P. (2008). Revisiting the relation between environmental performance and environmental disclosure: An empirical analysis. *Journal of Accounting, Organizations and Society*, 33(4), 303-327.
- Clarkson, P. M; Li, Y; Richardson, G. D; Vasvari, F. P. (2011). Does it really pay to be green? Determinants and consequences of proactive environmental strategies. *Journal of Accounting and Public Policy*, 30(2), 122-144.
- Feyzi.M; Pouragajan sarhammamy, A.A; Nasl Mosavy, S.H. (2019). Impact of voluntary disclosure of non - financial information and the performance of sustainability on improving audit quality. *Knowledge of the audit* .77, 190-220. (In Persian)
- Gómez, F.B, Przychodzen, W; and Przychodzen, J. (2016). Corporate Sustainability and Shareholder. *Journal of sustainability*, (8) 3,276.
- Hashemy.S. A; Gasemi, M. R; Rafii Shahraki, A.A. (2019). The effect of firm's sustained performance on the excess stock returns and profitability. *Accounting and Auditing Research*. 9 (2), 125-143. (In Persian)
- Hassas Yeganeh, Y; Babajani, J; Taghavii fard, MT; Aryan pour, A. (2018). Model of sustainable business performance in Iran. *Accounting knowledge and Management Auditing*. 7(27), 181-204. (In Persian)
- Hummel, K; Sckliek, C. (2016). The relation between Sustainability performance and Sustainability disclosure-reconciling voluntary disclosure theory and legitimacy theory. *Journal of Accounting and public policy*, 35(5), 455-476.
- Heitzman, S; Wasley.C; Zimmerman, J. (2010). The joint effect of materiality thresholds and voluntary disclosure incentives on firm's disclosure decisions incentives on firm's disclosure decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 49(1), 109-132.

- Hussain, N; Rigoni, U; Cavezzali, E, (2018). Does it pay to really good? Looking inside the block box f the relationship between sustainability performance and financial performance. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*.
- Ioannou, I; Serafeim, G, (2019). Corporate sustainability: A strategy? Harvard Business School Accounting & Management Unit, Working Paper, 19-65.
- Jensen, M. C. (2001). Value maximization, stakeholder theory, and the corporate objective function. *European Financial Management*, 7(3), 297–317.
- Kashani pour, M; Jandaghy, G.R; Rahmany, M. (2018). Review the relationship between financial reporting quality and the disclosure of sustainability information of listed companies in Tehran stock Exchange. *Journal of Emperical Research in Accounting*, 8(11), 1-31. (In Persian)
- Khan, M; Serafeim, G; Yoon, A. (2016). Corporate sustainability: First evidence on materiality. *The Accounting Review*, 91(6), 1697–1724.
- Larcker, D. F; Richardson, S. A; Tuna, I. (2007). Corporate governance, accounting outcomes, and organizational performance. *The Accounting Review*, 82(4), 963–1008.
- Movahedy, A; Kazemy, H; Sarraf, F. (2018). Impact of auditing quality on the level of voluntary disclosure of information on the capital market. *The Journal of Science and Engineering*, 3(6), 1-14. (In Persian)
- Neg, A.C; Rezaee, Z. (2015). Business sustainability performance and cost of equity capital. *Journal of corporate finance*, 34, 128-149.
- Li, X; Yang, H. I. (2016). Mandatory financial reporting and voluntary disclosure: The effect of mandatory IFRS adoption on management forecasts. *The Accounting Review*, 91(3), 933–953.
- Lu, L.W. (2020). The moderating effect of corporate governance on the relationship between corporate sustainability performance and corporate financial performance. *Int J Discl Gov.* <https://doi.org/10.1057/s41310-020-00099-6>.
- Lys, T; Naughton, J. and Wang, C. (2015). Signaling through corporate account ability reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 56–72.
- Oudah, M; Jabeen, F; Dixon, C. (2018). Determinants Linked to Family Business Sustainability in the UAE: An AHP Approach.
- Rahimian, N; Rezaei, F; Mastry Farahani, H; (2011). Review the determinants of capital structure of small and medium - sized firms. *The Journal of Financial Accounting and auditing*, 3(21). 221-263. (In Persian)
- Rezaee, Z. (2016). Business sustainability research: A theoretical and integrated perspective. *Journal of Accounting Literature*, 36, 48-64.
- Rezaee, Z; Tuo, L. (2017). Voluntary disclosure of non-financial information and its association with sustainability performance. *Advances in Accounting*, 39, 47-59.
- Salehi.A, (2020). The Impact of Prospective Non-Financial Information on Investment Efficiency and Financing Limits. *Journal of Investment Knowledge*, 9(36), 121-141. (In Persian)

The international federation of accountants (IFAC). Exposure draft: Developing and reporting supplement financial measures-definition, principles, and disclosures. (2014).

Verrecchia, R. E. (1983). Discretionary disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, 5, 179-194.

Verrecchia, R. E. (2001). Essays on disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, (32), pp. 97-180.

Yaftian, M; Sadeghi, S. (2020). Earning management effects on nonlinear relation between and financial performance. *Journal of Emperical Research in Accounting*, 9(34), 327-340. (In Persian)

Yang, H. (2012). Capital market consequences of managers' voluntary disclosure styles. *Journal of Accounting and Economics*, 53(1-2), 167-184.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

بررسی تاثیر عملکرد زیست‌محیطی بر ریسک سقوط قیمت سهام با تاکید بر محافظه‌کاری حسابداری^۱

محمد امید اخگر^۲، پیمان امینی^۳، آزاده مرادی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

مقاله پژوهشی

چکیده

در سال‌های اخیر، بسیاری از مطالعات بر روی مسئولیت اجتماعی شرکت متمرکز شده‌اند تا عوامل تعیین‌کننده و پیامدهای اقتصادی آن را بررسی کنند. با این وجود تعداد کمی از مطالعات به بررسی دقیق ابعاد جداگانه مسئولیت اجتماعی و چگونگی واکنش بازار سهام به این ابعاد پرداختند. در پاسخ به این شکاف پژوهش حاضر به بررسی تاثیر عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها بر ریسک سقوط قیمت سهام با تاکید بر محافظه‌کاری حسابداری در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. این مطالعه شواهد کافی در مورد چگونگی واکنش بازار به عملکرد زیست‌محیطی شرکت ارائه می‌دهد. به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش، تعداد ۱۰۹ شرکت از میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸ به روش حذف سیستماتیک انتخاب و در مجموع ۹۸۱ سال - شرکت در نظر گرفته شده همچنین جهت آزمون فرضیه‌ها از تخمین رگرسیون لجستیک و مدل داده‌های ترکیبی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عملکرد زیست‌محیطی تاثیر منفی و معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد، اما اخذ رویه محافظه‌کاری حسابداری باعث تضعیف این رابطه خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: عملکرد زیست‌محیطی، ریسک سقوط قیمت سهام، محافظه‌کاری حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: E01, Q56, G19.

1. DOI: 10.22051/JERA.2022.35965.2855

2. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (m.o.akhgar@gmail.com)

3. استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (p.amini@yahoo.com)

4. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (azadeh.moradi1996@gmail.com)
https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

مسئولیت و گزارشگری اجتماعی شرکت‌ها بخصوص در بعد زیست محیطی در سال‌های اخیر که روزه‌روز شاهد گرم شدن کره زمین و و نابودی محیط زیست هستیم به عنوان یکی از موضوعات مهم و رایج محافل علمی و دنیای تجارت، توجه زیادی را به خود جلب کرده است. امروزه با توجه به پیچیده شدن ارتباط شرکت‌های موجود در جامعه با یکدیگر و همچنین با دولت و افراد حاضر در جامعه، شرایطی به وجود آمده که شرکت‌ها می‌بایست نه تنها به ذینفعان بلکه به آحاد مردم پاسخگو باشند. از دهه ۶۰ میلادی شرکت‌ها به اهمیت منابع اجتماعی از جمله زیست محیطی پی برده‌اند به گونه‌ای که این اهمیت خود را در یک دهه بعد، در گزارشگری اجتماعی نشان داد. تغییرات ناگهانی قیمت سهام طی سالهای اخیر به ویژه بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸، توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است. این تغییرات معمولاً به دو حالت سقوط و جهش قیمت سهام اتفاق می‌فتد. اما از آنجا که سرمایه‌گذاران برای بازده سهام خود اهمیت ویژه‌ای قائل هستند، پدیده‌ی سقوط قیمت سهام که منجر به کاهش شدید بازده می‌شود، در مقایسه با جهش بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). خطر سقوط قیمت سهام، رخداد نامطلوبی است که در آن قیمت سهام دچار تعدیل شدید منفی و ناگهانی می‌گردد (احمد پور و همکاران، ۱۳۹۳). چنانچه بازده سهام شرکت در یک دوره زمانی خاص پایین‌تر از بازده شاخص کل بازار باشد، احتمال سقوط قیمت سهام در آن دوره بالا می‌رود (طالب نیا و همکاران، ۱۳۹۵). از سوی دیگر یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات به نام محافظه‌کاری، مانع خوش‌بینی بیش از حد مدیران و همچنین تأخیر بیش از حد در انتشار اخبار بد می‌شود. در ادبیات حسابداری دو نوع تعریف برای محافظه‌کاری مطرح است؛ محافظه‌کاری شرطی و محافظه‌کاری غیرشرطی. انگیزه‌ی اصلی از محافظه‌کاری شرطی، خنثی کردن انگیزه‌های مدیران برای گزارشگری اطلاعات حسابداری دارای جانبداری رو به بالا در موقعیتی است که رویدادهای نامناسب اتفاق افتاده باشد، در حالی که انگیزه‌ی اصلی برای محافظه‌کاری غیرشرطی، سختی ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌هاست (بیور و رایان، ۲۰۰۵). رویه‌های محافظه‌کاری در برابر انگیزه و تمایلات مدیریت ایستادگی کرده و ریسک سرمایه‌گذاری در سهام و سقوط احتمالی قیمت سهام را کاهش می‌دهد.

در واقع، شرکت‌های دوست‌دار محیط‌زیست با انتشار اطلاعات مربوط به عملکرد محیطی خود، اطلاعات غیرمالی بیشتری را برای ارتقا شفافیت اطلاعات، افشا می‌کنند و با افشای این گونه اطلاعات داوطلبانه عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران کاهش می‌یابد. بنابراین این گونه شرکت‌ها دارای سطح بالاتری از کیفیت در گزارشگری مالی هستند. همچنین سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران بازارهای مالی می‌توانند از اطلاعات غیرمالی ارائه شده توسط شرکت‌های دوست‌دار محیط‌زیست استفاده کنند تا صداقت اخلاقی مدیران را ارزیابی کنند. و این شرکت‌ها به احتمال زیاد از احتکار اخبار ناخوشایند خودداری می‌کنند. در نتیجه احتمال وقوع ریسک سقوط قیمت سهام کم‌تر است. از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های کیفی اطلاعات به نام محافظه‌کاری، مانع خوش‌بینی بیش از حد مدیران و همچنین تأخیر بیش از حد در انتشار اخبار بد می‌شود (بیور و رایان، ۲۰۰۵). باسو^۱ (۱۹۹۷)، محافظه‌کاری را به عنوان تمایل حسابداران به الزام درجه بالاتری از تایید پذیری برای شناسایی اخبار خوشایند (سودها)، نسبت به شناسایی اخبار ناخوشایند (زیان‌ها)، تفسیر کرده است. بنابراین حسابداران هنگام برخورد با اطلاعات مربوط به عملکرد زیست با افشای تمامی اطلاعات مربوط به عملکرد زیست محیطی، سرمایه‌گذاران را حساس نموده و احتمالاً آن‌ها در مورد سرمایه‌گذاری خود با احتیاط عمل می‌کنند. لذا در این حالت محافظه‌کاری رابطه بین عملکرد زیست محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام را متاثر خواهد کرد. در واقع اطلاعات حسابداری و اخلاق تجاری می‌توانند یکدیگر را در تاثیرگذاری رفتار شرکت‌ها جایگزین کنند.

این پژوهش به دو دلیل به دو دلیل بر بازار بورس ایران متمرکز است: اول توسعه اقتصادی در بازار نوظهور ایران با آلودگی زیست محیطی جدی همراه است. دوم ممکن است ذاتاً برخی از ابعاد CSR با یکدیگر تناقض داشته باشند به این صورت که برخی از واحدهای اقتصادی با تقویت نقاط قوت CSR مانند فعالتهای بشردوستانه، ضعف‌های محیطی مانند آلودگی محیط زیست را پوشانند بنابراین در این حالت پژوهش‌های صورت گرفته شده در زمینه مسئولیت اجتماعی را نمی‌توان به طور کامل برای تمامی ابعاد CSR (محیطی، اجتماعی، اقتصادی) تعمیم داد. هدف این پژوهش کشف تاثیر عملکرد زیست محیطی بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار ایران است. به عبارت دیگر به دنبال پاسخ به این پرسش

است که آیا عملکرد زیست‌محیطی بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر معناداری دارد یا خیر؟ و همچنین محافظه‌کاری حسابداری، امکان دارد بر این رابطه تاثیری داشته باشد؟ در ادامه پژوهش ابتدا مبانی نظری سپس فرضیه‌ها، روش و مدل اندازه‌گیری متغیرها و نهایت یافته‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش بیان گردیده است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تغییرات قیمت سهام شرکت از مدیریت اطلاعات محرمانه آن ناشی می‌شود. در شرایط نبود شفافیت کامل در گزارشگری مالی، برای مدیران این فرصت فراهم می‌شود تا برای حفظ شغل و اعتبار حرفه‌ای خود اطلاعات منفی را در داخل شرکت پنهان کنند. از این رو، این اطلاعات منفی در داخل شرکت انباشته می‌شود. هنگامی که توده اطلاعات منفی انباشته به نقطه اوج خود می‌رسد نگهداری آن برای مدت زمان طولانی‌تر غیرممکن و پرهزینه می‌شود. در نتیجه توده‌ای از اطلاعات منفی به یکباره وارد بازار شده و منجر به سقوط قیمت سهام می‌گردد (فروغی میرزایی، ۱۳۹۱). وقتی مدیران همه اطلاعات را به سرعت افشا کنند، بازده سهام دارای توزیع متقارن خواهد بود، بدین معنا که میانگین حجم بازده مثبت در مورد اخبار خوب با میانگین حجم بازده منفی در رابطه با اخبار بد، برابر می‌شود. اما مدیران همواره انگیزه دارند که اطلاعات و اخبار منفی را از سرمایه‌گذاران پنهان کرده و آن‌ها را در شرکت انباشت کنند که این امر باعث ایجاد ریسک سقوط قیمت سهام می‌گردد (دو، ۲۰۱۸). سقوط قیمت سهام پدیده‌ای است که در آن قیمت سهام دچار تعدیل شدید منفی و ناگهانی می‌گردد. در تعریف دیگری از سقوط قیمت سهام به عنوان پدیده‌ای که در آن تجدیدنظری ناگهانی و منفی در انتظارات سرمایه‌گذاران در مورد سهام یک شرکت رخ می‌دهد، یاد می‌شود.

امروزه سازمان‌ها علاوه بر انجام وظایف سنتی خود به انجام فعالیتهای دیگری نیز مکلف شده‌اند، که هدف این فعالیت‌ها، پاسخ‌گویی به انتظارات جامعه است و از آن به عنوان مسئولیت اجتماعی یاد می‌شود. در این دوران مدیریت موثر، مدیریتی است که از محدوده اندیشه سازمان خود را رها ساخته و به جامعه و محیط‌های وسیع‌تری می‌اندیشد، چرا که نه سازمان‌ها می‌توانند خود را از جامعه جدا کنند و نه جامعه می‌تواند بدون سازمان‌ها (کارنامی، ۱۳۸۷). دیدگاه استراتژیک، مسئولیت اجتماعی را به عنوان استراتژی اضافی شناسایی می‌کند که هدف آن حداکثر سازی سود شرکت است (دنیل

و جانا^۱، ۲۰۱۳) تحت این دیدگاه شرکت‌ها در محیط رقابتی بالا، انگیزه‌های بالایی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اجتماعی دارند (موسر و مارتین^۲، ۲۰۱۲). تقاضای روز افزون ذینفعان از شرکت‌ها برای پذیرش مسئولیت اجتماعی، شرکت‌ها را به درگیر شدن در مسئولیت زیست‌محیطی و اجتماعی تشویق کرده است. منظور از مسئولیت اجتماعی سازمان، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت‌ها و ارزش‌های سازمان طوری است که منافع تمام ذینفعان شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه‌گذاران و عموم جامعه در سیاست و عملکرد سازمان منعکس شود (مران جوری و علیخانی، ۱۳۹۳). از سوی دیگر صنعتی شدن در سراسر جهان سبب ایجاد مسئولیت زیست‌محیطی و اجتماعی مهمی شده است که خواه ناخواه اثرهای مالی و غیرمالی خاص خود را بر جای می‌گذارد. در اثر جهانی شدن، شرکت‌های واقع در کشورهای در حال توسعه مایل به حرکت به سوی بازار جهانی هستند، از این رو به منظور مقبولیت در بازار جهانی، باید مسئولیت زیست‌محیطی و اجتماعی انجام گرفته خود را به نمایش بگذارند. همچنین واحدهای اقتصادی باید این را بدانند که گروه‌های مختلف جامعه، متقاضی اطلاعات متفاوتی همچون اطلاعات مربوط به عملکرد اجتماعی، زیست‌محیطی هستند؛ زیرا آن‌ها تاثیر مهمی بر اجتماع و محیط اطراف خود دارند (چو، ۲۰۰۷). علاوه بر این اطلاعات زیست‌محیطی در سیستم حسابداری به شرکت‌ها کمک می‌کند تا تصمیماتی اتخاذ کنند که علاوه بر افزایش سودآوری بلند مدت، عملکرد زیست‌محیطی را بهبود بخشیده و با معرفی خود به عنوان حامی سبز به بازار سرمایه موجبات افزایش کارایی شرکت‌ها را فراهم آورند. پذیرش این کار می‌تواند شرکت را در وضعیت رقابتی مناسب با سایر شرکت‌ها قرار دهد که تنها حسابداری متداول و مرسوم را به کار می‌برند (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۵). عملکرد زیست‌محیطی به عنوان یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های اجتماعی شرکت، عبارت است از مجموعه‌ای از عملیات شرکت که همگام و سازگار با محیط زیست بوده و این عملکرد عمدتاً از طریق معیارها و مقیاس‌های تعیین شده توسط نهادها و آژانس‌های مربوطه، اعم از کشوری و بین‌المللی اندازه‌گیری می‌شود (سارومپ^۳، ۲۰۰۵). عملکرد زیست‌محیطی بر بازدهی غیر معمول تجمعی، بازده عملیاتی، بازده سهام و قیمت سهام تاثیر می‌گذارد (کای و های، ۲۰۱۴). مطالعات نشان داده است که شرکت‌هایی که عملکرد زیست‌محیطی بهتری دارند، گزارشگری مالی با کیفیت بالایی دارند (دو، ۲۰۱۸).

1. Daniel & Juna
2. Moser & Martin
3. Sarumpaet

محافظه کاری ابزاری برای روبه رو شدن با مسائل و خطرات اخلاقی ناشی از حضور و مشارکت ذینفعان مختلف در واحد تجاری است (واتس^۱، ۲۰۰۳). با توجه به عدم وجود تعریف جامعی از محافظه کاری در ادبیات حسابداری دو ویژگی مهم محافظه کاری حسابداری مورد بررسی قرار گرفته است، نخست وجود جانب‌داری در ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری سهم، نسبت به ارزش بازار آن (اوهالسون^۲، ۱۹۸۰) و دوم تمایل به تسریع بخشیدن در شناسایی زیان‌ها و به تعویق انداختن شناسایی سود (باسو، ۱۹۹۷) عنوان شده است. باسو (۱۹۹۷)، محافظه کاری را در یک بیان دستوری برای حسابداران اینگونه تعریف نموده است: «هیچ سودی را پیش بینی نکنید اما تمام زیان‌ها را پیش بینی کنید». بر اساس این تعریف سودها تنها زمانی می‌توانند شناسایی شوند که ادعای قانونی نسبت به درآمدهای به وجود آورنده آن وجود داشته باشد و آن درآمدها قابل رسیدگی (تایید پذیر) باشند. گویلی و همکاران (۲۰۰۷)، محافظه کاری را این‌گونه تعریف نموده‌اند: انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان که در نهایت به ارائه کم‌ترین دارایی‌ها و درآمدها بینجامد و کم‌ترین اثر مثبت را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد.

کرنل^۳ (۲۰۲۱) نشان داد از آنجایی که سرمایه‌گذاری در مسئولیت اجتماعی باید با دید بلند مدت صورت گیرد بنابراین در کوتاه مدت بازدهی آنچنانی ندارد اما باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام خواهد شد. ژانگ^۴ و همکاران (۲۰۲۰) نشان دادند رابطه بین عملکرد محیطی و عملکرد مالی U می‌باشد بدین گونه که در کوتاه مدت عملکرد محیطی هزینه زیاد و بازدهی کمی دارد اما در بلند مدت برعکس خواهد شد و عملکرد محیطی منافع بالایی برای شرکت به همراه دارد. لی^۵ و همکاران (۲۰۲۰)، نشان دادند که رابطه مثبت و معناداری بین ارزش شرکت و عملکرد زیست‌محیطی وجود دارد و نوآوری‌های زیست‌محیطی هم باعث تقویت این رابطه خواهد شد. وانگ^۶ و لی (۲۰۲۰)، نشان دادند رابطه منفی و معناداری بین محافظه کاری و ریسک سقوط سهام وجود دارد اما سطوح بالاتر حاکمیت شرکتی باعث تضعیف این رابطه خواهد شد.

1. Watts
2. Ohlson
3. Cornell
4. Zhang
5. Lee
6. Wang

کیم^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، نتایج پژوهش آن‌ها بیانگر رابطه منفی و معنادار عملکرد زیست-محیطی با ریسک سقوط قیمت سهام بود.

زندى و فغانى ماكرانى (۱۳۹۷)، نشان دادند كه عملكرد اجتماعى، زيست‌محيطى و اخلاقى تأثير مثبت و معنادارى بر عملكرد مالى شركت‌ها دارد. آرين پور و همكاران (۱۳۹۷)، به اين نتيجه رسيدند، كه شركت‌ها مولفه‌هاى مواد اوليه، انرژى و آب را نسبت به ساير مولفه‌ها بهتر افشا مى‌كنند با اين وجود بر خلاف مباني نظري پژوهش آن‌ها اطلاعات عملكرد پايدار زيست محيطى بر هزينه سرمايه شركت‌ها تأثير مثبت و معنادارى دارد. ذبيحى و دربابارى (۱۳۹۶)، نشان دادند كه رابطه منفى و معنادار بين افشاى ابعاد مسئوليت اجتماعى و ريسك سقوط قيمت سهام بود.

عملکرد زیست‌محیطی، محافظه‌کاری حسابداری و ریسک سقوط قیمت سهام

همواره در طول سال‌های اخیر این سوال در بین صاحب‌نظران و محققین حسابداری و جوامع اقتصادی و تجاری وجود داشته است که آیا بین عملکرد اقتصادی و عملکرد زیست محیطی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد یا خیر؟ آیا تولید و ارائه کالا و خدمات سازگار با محیط زیست، می‌تواند به عنوان وجه تمایز بین شرکت‌ها با عملکرد خوب و شرکت‌ها با عملکرد ضعیف مورد استفاده قرار گیرد و به عبارت دیگر آیا می‌توان تولید و ارائه کالا و خدمات سازگار با محیط زیست را، راهکاری برای کسب سود بیشتر و ارتقای بازده دارایی در نظر گرفت؟ در این راستا عده‌ای بر این باورند که سطوح بالاتری از فعالیت‌های اقتصادی (مصرف و تولید) همواره نیازمند مقادیر بیشتری از انرژی و مواد اولیه است و فرآورده‌های فرعی بیشتری را به جا می‌گذارد. استخراج بی‌رویه منابع طبیعی، انباشت ضایعات و تمرکز بر روی آلاینده‌ها، می‌تواند ظرفیت زیست کره را در هم بشکنند و در نهایت با وجود افزایش درآمدها به تخریب کیفیت محیط زیست و کاهش رفاه بشر منجر شود (دلی^۲، ۲۰۰۵). افزون بر این تخریب منابع پایه می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی را در معرض ریسک قرار دهد (جانسون، ۲۰۰۴). شرکت‌هایی که به فعالیت‌های اقتصادی اعم از تولیدات صنعتی و کشاورزی مشغولند، از یک سو از منابع طبیعی استفاده کرده و به آن وابسته‌اند و از سوی دیگر، ماهیت فعالیت آنها به گونه‌ای است که

1. Kim
2. Daly

به طور بالقوه محیط زیست را آلوده می‌کنند. بنابراین، چنانچه به پیامدها و مسائل زیست‌محیطی انجام این‌گونه فعالیت‌ها توجه نشود، علاوه بر صرف هزینه‌های کلان برای رفع خسارت و ضایعات ناشی از عدم توجه به این موضوع، باید منتظر واکنش سرمایه‌گذاران و ذینفعان نیز ماند (تروبردیگ، ۲۰۰۳). گرچه عملکرد زیست‌محیطی برای شرکت‌ها هزینه بردار است اما واحدهای اقتصادی با عملکرد مثبت و سازنده در راستای محیط زیست و اجتماع می‌توانند علاوه بر دستیابی به خوشنامی و شهرت از مزایای دیگری مانند سهولت جمع‌آوری سرمایه، کاهش هزینه سرمایه (نرخ بهره پایین) و... بهره‌بگیرند (راسو و فوتو، ۱۹۹۷). لذا افشای عملکرد زیست محیطی که میزان توجه شرکت‌ها را به عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی نشان می‌دهد، منجر به بهبود کیفیت افشای اطلاعات شده و افشای این اطلاعات غیر مالی تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و عملکرد مالی شرکت از جمله ارزش شرکت و به تبع آن ارزش سهام آن را تحت تاثیر قرار دهد (کاظم زاده ارسی، ۱۳۸۲). از سوی دیگر افشای مناسب عملکرد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی از طریق گزارشگری مالی می‌توان نگرشی مثبت در میان سهامداران و بازار سرمایه ایجاد و به تبع آن از طریق افزایش عایدی و درآمد هر سهم و در نهایت، افزایش ارزش روز سهام زمینه افزایش ثروت سهامداران را فراهم کرد (مران جوری و علی‌خانی، ۱۳۹۳). اگر ذینفعان از یکپارچگی اخلاقی مدیران اطمینان حاصل نمایند، ممکن است معتقد باشند که مدیران اینگونه شرکت‌ها احتمال کمی دارد اخبار ناخوشایند را احتکار کنند و بنابراین معتقدند که شرکت‌های مسئول محیط زیست در آینده به میزان کمتری در معرض خطر سقوط قیمت سهام قرار دارند. بنابراین افشای به موقع و کامل اطلاعات مربوط به عملکرد شرکت با افزایش کیفیت صورت‌های مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی به نوبه خود موجب کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌گردد (دو، ۲۰۱۸).

بسیاری از پژوهشگران نظیر چن^۱ و همکاران (۲۰۰۱)، بر این باورند که سقوط قیمت سهام یک شرکت از مدیریت اطلاعات داخلی آن (اطلاعات مربوط به عملکرد مالی و غیرمالی) ناشی می‌شود. در شرایطی که اطلاعات به صورت تصادفی وارد بازار می‌شود و فرایند انتشار اطلاعات بدون توجه به خوب بودن یا بد بودن آن به صورت سیستماتیک انجام گیرد، می‌توان گفت که اطلاعات منتشر شده دارای توزیع متقارن است. به عبارت دیگر اگر مدیران همه اطلاعات مربوط به عملکرد واحد اقتصادی

را به سرعت افشا کنند، این عمل سبب می‌شود که بازده سهام دارای توزیع متقارن باشد. بدین معنی که متوسط حجم بازده مثبت در مورد اخبار خوب، بایستی با متوسط حجم بازده منفی در رابطه با اخبار بد برابر باشد (کوتاری و همکاران، ۲۰۰۹). و از آنجایی که اطلاعات مربوط به عملکرد زیست محیطی به عنوان اطلاعات غیر مالی ریسک و بازده سهام را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد برخورد محافظه کارانه در مورد اینگونه اطلاعات رابطه بین عملکرد زیست محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام را تحت تاثیر قرار خواهد داد (دو، ۲۰۱۸).

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس ادبیات و مبانی نظری عنوان شده در بخش های قبلی، در این پژوهش دو فرضیه به شرح ذیل تدوین شده است:

الف) عملکرد زیست محیطی بر ریسک سقوط قیمت سهام تاثیر منفی و معناداری دارد.

ب) محافظه کاری حسابداری رابطه بین عملکرد زیست محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام را تعدیل می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نتیجه، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی است. همچنین این پژوهش از لحاظ زمان انجام پژوهش از نوع پژوهش‌های پس‌رویدادی (غیر تجربی) است و از لحاظ نوع استدلال برای نتیجه‌گیری، جزء پژوهش‌های استقرایی تلقی می‌شود. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود و شامل دو بخش است. بخش اول آن شامل ادبیات موضوع و تعریف و شناسایی مفهوم متغیرهای مستقل و وابسته و بحث و بررسی چگونگی تأثیر بین آن‌ها با استفاده از نظریه‌های دانشمندان مالی است؛ که از کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، پایگاه‌های اینترنتی و مجلات تخصصی فارسی و انگلیسی استفاده شده است. بخش دوم جمع‌آوری داده‌های پژوهش است که داده‌های مورد نیاز از کتابخانه بورس اوراق بهادار، نرم‌افزار ره‌آورد نوین، صورت‌های مالی و اطلاعیه‌های منتشر شده توسط شرکت‌ها در سایت کدال متعلق به سازمان بورس اوراق بهادار به دست آمده است.

داده‌های مورد نیاز این پژوهش از اطلاعات واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۰، گردآوری شده و با استفاده از روش حذف سیستماتیک جهت دستیابی به مجموعه مشاهدات همگن‌تر بر اساس معیارهای زیر اقدام شده است:

۱. به منظور قابلیت مقایسه پذیری، سال مالی منتهی به ۲۹ اسفندماه در نظر گرفته می‌شود.
 ۲. جزء شرکت‌های مالی، سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد.
 ۳. اطلاعات مالی آن‌ها قابل دسترس باشد.
 ۴. در طی قلمرو زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد.
 ۵. اطلاعات مورد نیاز مربوط به متغیرها در دسترس باشد.
- و در نهایت تعداد ۱۰۹ شرکت واجد شرایط پس از عبور از محدودیت‌های اعمال شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

مدل و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش، بر اساس دو (۲۰۱۸) به منظور آزمون فرضیه اول از رگرسیون چند متغیره (رابطه ۱) زیر استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned}
 CRASH_{i,t} = & \gamma_0 + \gamma_1 CEP_{i,t-1} + \gamma_2 BLOCK_{i,t-1} + \gamma_3 NCSKEW_{i,t-1} \\
 & + \gamma_4 INSTSHR_{i,t-1} + \gamma_5 DTURN_{i,t-1} + \gamma_6 SIGMA_{i,t-1} + \gamma_7 RET_{i,t-1} \quad (1) \\
 & + \gamma_8 SIZE_{i,t-1} + \gamma_9 DTE_{i,t-1} + \gamma_{10} BTM_{i,t-1} + \gamma_{11} ROA_{i,t-1} \\
 & + \gamma_{12} ACCM_{i,t-1} + \gamma_{13} TAX_{i,t-1} + \gamma_{14} PENALTY_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

به منظور آزمون فرضیه دوم نیز بر اساس دو (۲۰۱۸) از مدل رگرسیون چند متغیره زیر (رابطه ۲) استفاده می‌شود:

$$\begin{aligned}
 CRASH_{i,t} = & \gamma_0 + \gamma_1 CEP_{i,t-1} + \gamma_2 C - SCORE_{i,t-1} \\
 & + \gamma_3 CEP * C - SCORE + \gamma_4 BLOCK_{i,t-1} + \gamma_5 NCSKEW_{i,t-1} \\
 & + \gamma_6 INSTSHR_{i,t-1} + \gamma_7 DTURN_{i,t-1} + \gamma_8 SIGMA_{i,t-1} + \gamma_9 RET_{i,t-1} \quad (2) \\
 & + \gamma_{10} SIZE_{i,t-1} + \gamma_{11} DTE_{i,t-1} + \gamma_{12} BTM_{i,t-1} + \gamma_{13} ROA_{i,t-1} \\
 & + \gamma_{14} ACCM_{i,t-1} + \gamma_{15} TAX_{i,t-1} + \gamma_{16} PENALTY_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t}
 \end{aligned}$$

مدل‌های فوق، نحوه اندازه‌گیری متغیرها به شرح زیر است.

ریسک سقوط قیمت سهام (CRASH): تقریباً در تمام مطالعات انجام شده، پدیده سقوط قیمت سهام به عنوان پدیده‌ای مترادف با چولگی منفی بازده سهام، از لحاظ آماری این‌گونه تعریف شده است: «سقوط قیمت سهام به عنوان یک پدیده نادر در بازار سرمایه هنگامی رخ می‌دهد که طی آن بازدهی هفتگی خاص شرکت ۳/۰۹ انحراف معیار کمتر از میانگین بازده هفتگی خاص آن باشد. اساس این

تعریف بر این مفهوم آماری قرار دارد که با فرض نرمال بودن توزیع بازده هفتگی خاص شرکت، نوسان‌هایی که در فاصله میانگین به علاوه ۳/۰۹ انحراف معیار و میانگین منهای ۳/۰۹ انحراف معیار قرار می‌گیرند از جمله نوسان‌های عادی محسوب می‌شوند و نوسان‌های خارج از این فاصله جز موارد غیرعادی مطرح است و این بدان معنا است که در آن سال سقوط قیمت سهم رخ داده است و در آن صورت متغیر معرف سقوط مقدار عددی یک را خواهد گرفت در غیر این صورت مقدار صفر را می‌گیرد (هاتن و همکاران ۲۰۰۹). برای تشخیص دوره‌هایی که در آن سقوط اتفاق افتاده است از رگرسیون مبتنی بر مدل بازار استفاده شده است:

$$r_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1 r_{m,t-2} + \alpha_2 r_{m,t-1} + \alpha_3 r_{m,t} + \alpha_4 r_{m,t+1} + \alpha_5 r_{m,t+2} \quad (۳)$$

در این رابطه :

$r_{j,t}$: بازده سهام شرکت j در هفته t طی سال مالی

$r_{m,t}$: بازده شاخص کل بازار سهام در هفته

\square_{jt} : باقیمانده معادله رگرسیونی.

از آنجایی که در این فرمول از بازده چند هفته قبل و بعد استفاده شده است لذا نشان می‌دهد که بازده یک سهم در یک دوره خاص چگونه تغییر می‌کند، و روند بازده آن چگونه است.

پس از برازش مدل رگرسیونی فوق و خروج باقیمانده‌های مدل رگرسیونی (\square) برای هر شرکت از رابطه ذیل جهت تعیین دوره‌های کاهش استفاده شد:

$$W_{it} = \ln(1 + \varepsilon_{it}) \quad (۴)$$

در رابطه فوق:

W_{it} : بازده هفتگی خاص شرکت j در هفته t طی سال مالی

ε_{it} : باقیمانده مدل رگرسیونی (۱)

بنابراین از آنجایی که برای شناسایی دوره‌های سقوط از احتمال کاهش بازده هفتگی خاص شرکت استفاده شده است، لذا اگر دوره تحت بررسی حداقل یک هفته سقوط را تجربه کرده باشد در آن دوره سقوط رخ داده و عدد ۱ و در غیر اینصورت صفر خواهد گرفت.

عملکرد زیست‌محیطی (CEP): در این پژوهش عملکرد زیست‌محیطی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است داده‌های مربوط به عملکرد زیست‌محیطی از اطلاعات مالی و غیرمالی (گزارش‌های سالانه هیئت مدیره، به خصوص بخش اطلاعات مربوط به مسئولیت‌های اجتماعی) افشا شده توسط واحد تجاری، استخراج شده است.

طبق پژوهش دو (۲۰۱۸)، اطلاعات افشا شده واحدهای اقتصادی فعال در بازار سرمایه برای اندازه‌گیری میزان عملکرد زیست‌محیطی واحدهای تجاری ۴۲ شاخص (در انتها پژوهش ضمیمه گردیده است)، در نظر گرفته شده که با توجه به میزان افشای اطلاعات مربوط به عملکرد محیطی نمره دهی می‌گردد. به این صورت که پژوهشگر اطلاعات مربوط به عملکرد زیست‌محیطی را از اطلاعات افشا شده توسط واحد تجاری استخراج کرده و با توجه به آن ۴۲ شاخص به ازای هر مورد که در راستای حفظ محیط زیست اقدامی صورت گرفته باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد ۰ و در پایان هر سال جمع تمامی فعالیت‌های محیطی شرکت، نسبت به عدد ۴۲ اندازه‌گیری می‌گردد.

محافظه‌کاری حسابداری (C_SCORE): با توجه به اینکه در این پژوهش توانایی اطلاعاتی محافظه‌کاری جهت تغییر میزان ریسک سقوط قیمت سهام، مورد نظر است، لذا بر محافظه‌کاری از نوع شرطی تاکید شده و جهت اندازه‌گیری آن در هر سال-شرکت از معیار محافظه‌کاری شرطی خان و واتس (۲۰۰۹) استفاده می‌شود.

این معیار با استفاده از مدل خان و باسو به شرح رابطه (۵) محاسبه می‌شود:

$$X_{jt} = \beta_{1t} + \beta_{2t}D_{jt} + \beta_{3t}R_{jt} + \beta_{4t}D_{jt} * R_{jt} + \varepsilon_{jt} \quad (5)$$

$X_{j,t}$: سود عملیاتی پس از کسر هزینه‌های مالی تقسیم بر ارزش بازار سرمایه شرکت

$R_{j,t}$: بازده سهام شرکت ز طی سال مالی t

D_{jt} : متغیر مجازی. اگر $R < 0$ باشد برابر ۱ و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.

$\beta_{3j,t}$: معیار به هنگام بودن اخبار خوب.

$\beta_{4j,t}$: معیار به هنگام بودن تفاضلی اخبار بد نسبت به اخبار خوب (محافظه‌کاری).

ε_{jt} : باقیمانده یا پسماند مدل.

$\beta_{3j,t}$ و $\beta_{4j,t}$ توابع خطی از ویژگی‌های خاص شرکت بوده و براساس

روابط (۶) و (۷) تعریف می‌شوند:

$$G - SCORE : \beta_{3j,t} = \mu_{1t} + \mu_{2t}MKV_{j,t} + \mu_{3t}MB_{j,t} + \mu_{4t}LEV_{j,t} \quad (6)$$

$$C - SCORE : \beta_{4j,t} = \lambda_{1t} + \lambda_{2t}MKV_{j,t} + \lambda_{3t}MB_{j,t} + \lambda_{4t}LEV_{j,t} \quad (7)$$

در روابط مذکور:

G-SCORE: معیار به موقع بودن اخبار خوب

C-SCORE: معیار به موقع بودن تفاضلی اخبار خوب نسبت به اخبار بد (محافظة کاری)

$MB_{j,t}$: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت t سال

$LEV_{j,t}$: اهرم مالی شرکت که نسبت بدهی به سرمایه شرکت زدر پایان سال مالی t به دست می‌آید.

$MKV_{j,t}$: لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت زدر پایان سال مالی t .

با جایگذاری روابط (۶) و (۷) در رابطه (۵)، رابطه (۸) حاصل می‌شود:

$$X_{j,t} = \beta_{1t} + \beta_{2t} D_{jt} + (\mu_{1t} + \mu_{2t} MKV_{j,t} + \mu_{3t} MB_{j,t} + \mu_{4t} LEV_{jt}) * R_{j,t} \\ + (\lambda_{1t} + \lambda_{2t} MKV_{j,t} + \lambda_{3t} MB_{j,t} + \lambda_{4t} LEV) * D_{j,t} R_{j,t} + (\delta_{1t} MKV_{jt} + \\ \delta_{2t} MB_{j,t} + \delta_{3t} LEV_{j,t} + \delta_{4t} D_{j,t} MKV_{j,t} + \delta_{5t} D_{j,t} MB_{j,t} + \delta_{6t} D_{j,t} LEV_{j,t}) + \varepsilon_{j,t}$$

رابطه‌ی (۸) با استفاده از رگرسیون سالانه برآورد شده و با توجه به ضرایب حاصل از این

برآورد و همچنین رابطه‌ی (۵)، محافظه کاری شرطی محاسبه می‌شود.

در این پژوهش برخی از مهم‌ترین متغیرهایی که بر مبنای پژوهش دو (۲۰۱۸)، به عنوان عوامل موثر بر ریسک سقوط قیمت سهام شناخته شده‌اند، به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفتند که شامل موارد زیر است:

INST_SHR: درصد سهام متعلق به سرمایه‌گذاران نهادی در سال قبل. اطلاعات مربوط به

سهامداران نهادی از اطلاعیه مربوط به گزارش‌های سالانه هیئت مدیره به دست می‌آید.

NCSKEW: ضریب چولگی منفی بازده‌های هفتگی شرکت در سال قبل که با استفاده از

مدل چن و همکاران (۲۰۰۱)، به دست می‌آید.

DTURN: عدم تجانس اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران برابر است با متوسط گردش تصادفی

ماهانه سهام در سال جاری منهای متوسط گردش تصادفی ماهانه سهام در سال قبل که با استفاده

از معیار هانگ و استین (۲۰۰۳) به دست می‌آید.

SIGMA: انحراف معیار بازده‌ی هفتگی شرکت در سال ماقبل مورد بررسی.

RET: میانگین حسابی بازده‌های هفتگی شرکت در سال ماقبل مورد بررسی.

ROA: بازده دارایی‌هاست که از نسبت سودخالص به کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

SIZE: لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام.

DTE: نسبت بدهی کل به ارزش بازار سهام.

BTM: نسبت ارزش دفتری سهام به ارزش بازار آن در سال قبل.

ACCM: ارقام تعهدی اختیاری که بر اساس مدل اصلاح شده جونز اندازه گیری می‌شود.
 TAX: احتمال برآورد سپر مالیاتی که برای اندازه گیری آن از مدل کیم و همکاران (۲۰۱۱)، استفاده می‌گردد.
 PENALTY: متغیر ساختگی است اگر شرکت توسط قانون‌گذاران مالی مجازات شوند عدد ۱ و در غیر اینصورت صفر می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری، لازم است این داده‌ها توصیف شود. همچنین توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آن‌ها و پایه‌ای برای تبیین روابط بین متغیرهایی است که در پژوهش به کار می‌رود. در این قسمت به توصیف متغیرهای پژوهش پرداخته و به‌صورت خلاصه در جدول (۱) مورد بررسی قرار می‌گیرد. این جدول حاوی شاخص‌های مرکزی همچون میانگین و میانه و شاخص‌های پراکندگی انحراف معیار برای توصیف متغیرهای تحقیق است.

جدول ۱. نتایج آماره‌های توصیفی مورد استفاده در این پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
ریسک سقوط قیمت سهام	CRASH	۹۵۸	۰/۱۹۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	-
عملکرد زیست‌محیطی	CEP	۹۵۸	۰/۲۵۱	۰/۲۳۲	۰/۶۴۶	۰/۰۰۰	۰/۱۲۵
محافظه‌کاری حسابداری	C-SCORE	۹۵۸	۲/۲۷۶	۲/۲۲۲	۱۰/۶۷۵	-۳/۹۸۵	۱/۵۸۶
هموارسازی سود	ACCM	۹۵۸	۰/۰۰۳	-۰/۰۰۲	۱/۱۷۵	-۱/۰۴۰	۰/۲۷۸
سهامداران نهادی	INSTSHR	۹۵۸	۰/۴۴۶	۰/۴۱۸	۰/۹۸۷	۰/۰۰۰	۰/۳۴۴
عدم تجانس اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران	DTURN	۹۵۸	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۱۷	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۱
جریمه ناظران بورس	PENALTY	۹۵۸	۰/۰۲۱	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۴۶
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	BTM	۹۵۸	۰/۴۹۳	۰/۴۳۰	۳/۳۲۲	-۱/۶۳۲	۰/۳۷۸
نسبت بله‌کل به ارزش بازار سهام	DTE	۹۵۸	۰/۹۲۶	۰/۶۹۲	۷/۱۷۶	-۲/۸۱۲	۰/۹۹۶
انحراف معیار بازده هفتگی سهام	SIGMA	۹۵۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۲۴۴	-۰/۰۹۶	۰/۰۱۱
میانگین حسابی بازده‌های هفتگی شرکت	RET	۹۵۸	۰/۰۰۴	۰/۰۰۳	۰/۱۹۲	-۰/۱۷۸	۰/۰۱۶

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
بازده دارایی‌ها	ROA	۹۵۸	۱۰/۲۰۶	۹/۰۱۶	۴۴/۴۷۸	-۴۰/۰۳	۱۱/۹۷۴
اندازه شرکت	SIZE	۹۵۸	۱۴/۴۰۲	۱۴/۲۴۷	۱۹/۷۳۵	۱۰/۳۵۲	۱/۴۹۵
سپهر مالیاتی	TAX	۹۵۸	۰/۱۱۲	۰/۱۲۸	۰/۸۶۳	-۰/۷۵۶	۰/۱۰۸
چولگی منفی بازده‌های هفتگی سهام	NCSKEW	۹۵۸	-۰/۲۹۴	-۰/۴۴۸	۶/۹۹۸	-۵/۳۶۸	۱/۵۹۸

مهمترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکز داده‌ها است. برای مثال میانگین متغیر محافظه‌کاری حسابداری سهام برابر با ۲/۲۷۶ می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی می‌باشد که وضعیت جامعه رو نشان می‌دهد که میانه محافظه‌کاری حسابداری با توجه به جدول (۱) برابر است با مقدار ۲/۲۲۲، که نشان دهنده‌ی این است که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار می‌باشد. و از بزرگ‌تر بودن میانگین نسبت به میانه استنباط می‌گردد که توزیع داده‌های مربوط به این متغیر، دارای چولگی به سمت راست است. همچنین میانگین عملکرد زیست-محیطی برابر ۰/۲۵ است که این مقدار نشان می‌دهد که واحدهای تجاری مورد بررسی به طور متوسط فقط به اندازه‌ی یک چهارم شاخص‌های مورد بررسی در راستای حفظ محیط زیست تلاش کردند. و پایین‌تر از حد متوسط عمل کرده‌اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی معیاری برای تعیین میزان پراکندگی داده‌ها از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از جمله مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای محافظه‌کاری حسابداری برابر ۱/۵۸۶ که این مقدار با توجه به میانگین این متغیر نشان می‌دهد که پراکندگی زیادی بین داده‌ها وجود ندارد و داده‌ها به هم نزدیک هستند. بیشترین پراکندگی بین داده‌ها مربوط به بازده دارایی‌ها و متغیر عدم تجانس اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران کمترین میزان پراکندگی بین داده‌های خود دارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

الف) فرضیه اول

آزمون فرضیه اول پژوهش با استفاده از رگرسیون لجستیک مدل داده‌های ترکیبی انجام و نتیجه آزمون در جدول (۲) قابل مشاهده است. در این فرضیه با استفاده از یک مدل لجستیک تأثیر عملکرد زیست‌محیطی بر ریسک سقوط قیمت سهام بررسی می‌شود.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضرایب	آماره والد	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
α_0 عرض از مبدأ	۰/۲۶۹	۰/۲۹۷	۰/۷۶۶	
عملکرد زیست‌محیطی	-۵/۱۳۲	-۵/۷۸۴	۰/۰۰۰	۱/۲۲۱
اقدام تعهدی اختیاری	۰/۸۱۶	۲/۵۳۴	۰/۰۱۱	۱/۱۰۹
مالکان نهادی	۰/۲۹۳	۱/۱۳۰	۰/۲۵۸	۱/۰۹۷
عدم تقارن اطلاعاتی	-۴/۹۲۹	-۰/۱۱۲	۰/۹۱۰	۱/۰۵۰
جریمه ناظران بورس	۰/۲۵۹	۰/۴۳۴	۰/۶۶۳	۱/۰۴۲
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	-۰/۱۷۱	-۰/۷۰۵	۰/۴۸۰	۱/۲۴۷
نسبت بدهی کل به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	۰/۳۱۸	۳/۲۰۲	۰/۰۰۱	۱/۶۴۶
انحراف معیار بازده‌های هفتگی	۳/۳۱۲	۰/۴۵۵	۰/۶۴۸	۱/۰۲۸
میانگین حسابی بازده هفتگی	۰/۶۴۸	۰/۱۱۴	۰/۹۰۸	۱/۲۹۵
بازده دارایی‌ها	۰/۰۲۲	۲/۵۶۰	۰/۰۱۰	۱/۴۸۱
اندازه شرکت	-۰/۰۸۴	-۱/۲۳۰	۰/۲۱۸	۱/۲۲۷
سپهر مالیاتی	۰/۲۳۹	-۱/۲۹۳	۰/۰۹۲	۱/۱۲۹
چولگی منفی بازده‌های هفتگی	۰/۱۳۳	۲/۲۱۵	۰/۰۲۶	۱/۲۶۵
R^2 مک فادن			۰/۰۸۷	
آماره نسبت درست‌نمایی			۸۱/۵۷۲	
سطح معناداری مدل			۰/۰۰۰	
آماره هاسمر-لمشو (معناداری با درجه آزادی ۸)			(۰/۴۵۹) ۷/۷۴۱	
آماره اندروز (معناداری با درجه آزادی ۱۰)			(۰/۴۶۳) ۹/۷۴۳	

در این پژوهش برای بررسی خوبی برازش از آزمون هاسمر-لمشو با استفاده از آماره کایدو انجام می‌شود، نتایج مربوط به آزمون هاسمر-لمشو و اندروز در جدول (۲) ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، سطح معناداری مقدار احتمال آماره هاسمر-لمشو و اندروز بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرض صفر پذیرفته و قابلیت تبیین مطلوب مدل پذیرفته می‌شود. به‌منظور بررسی معنادار بودن مدل رگرسیونی از احتمال آماره درست‌نمایی در سطح خطای ۵ درصد استفاده شده است. با توجه به آماره درست‌نمایی به‌دست آمده (۸۱/۵۷۲) و همچنین سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، با ضریب خطا ۵ درصد می‌توان ادعا نمود که مدل معنی‌دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است. احتمال آماره درست‌نمایی که مقدار آن کمتر از ۵ درصد است، نشان‌دهنده رد فرضیه صفر مبنی بر صفر بودن کلیه ضرایب متغیرهای توضیحی در سطح خطای ۵ درصد بوده و در نتیجه رگرسیون معنی‌دار

است. همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، ضریب عملکرد زیست محیطی به عنوان متغیر مستقل پژوهش ۵/۱۳۲- حاصل گردیده و با توجه به سطح معناداری آن که کمتر از ۵ درصد است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با سطح خطا ۵ درصد، بین عملکرد زیست محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد. با این نتیجه می‌توان بیان کرد که شرکت‌هایی که در راستای حفظ محیط زیست عمل می‌کنند نسبت به سایر شرکت‌ها از ریسک کمتری برخوردارند. مطابق با این شواهد فرضیه اول پژوهش که مبنی بر وجود رابطه منفی و معنادار بین عملکرد زیست محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام است رد نمی‌گردد.

از بین متغیرهای کنترلی، ریسک سقوط قیمت سهام با اقلام تعهدی اختیاری و نسبت بدهی کل به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها و چولگی منفی بازده هفتگی دارای رابطه معناداری است؛ اما بین متغیر وابسته با سایر متغیرهای کنترلی پژوهش رابطه معناداری یافت نشد.

ب) نتایج آزمون فرضیه دوم

نتایج تخمین الگوی رگرسیون لجستیکی فرضیه دوم پژوهش به روش داده‌های ترکیبی در جدول (۳) ارائه شده است. در این فرضیه با استفاده از یک مدل لجستیک تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه‌ی بین عملکرد زیست محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام بررسی می‌شود.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضرایب	آماره والد	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
α_0 عرض از مبدأ	۴/۴۲۰	۲/۹۹۷	۰/۰۰۲	-
عملکرد زیست محیطی	-۶/۹۹۱	-۵/۲۱۱	۰/۰۰۰	۲/۷۳۲
محافظه‌کاری حسابداری	-۰/۶۲۲	-۴/۴۶۴	۰/۰۰۰	۴/۲۴۹
CEP*CScore	۱/۱۸۰	۳/۱۵۸	۰/۰۰۱	۴/۷۵۴
اقلام تعهدی اختیاری	۰/۹۰۰	۲/۶۷۵	۰/۰۰۷	۱/۱۲۲
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	-۰/۲۲۲	-۰/۸۹۵	۰/۳۷۰	۱/۲۴۳
نسبت بدهی کل به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	۰/۴۳۹	۴/۱۰۹	۰/۰۰۰	۱/۸۰۵
عدم تقارن اطلاعاتی	۱/۸۴۲	۰/۰۳۹	۰/۹۶۸	۱/۰۵۳
مالکان نهادی	-۰/۰۰۴	-۲/۲۳۷	۰/۸۱۲	۱/۰۰۱
چولگی منفی بازده‌های هفتگی	۰/۱۱۶	۲/۰۳۰	۰/۰۴۲	۱/۲۵۶
جریمه ناظران بورس	۰/۲۱۷	۰/۳۳۷	۰/۷۳۵	۱/۰۴۵
میانگین حساسی بازده هفتگی	۴/۹۷۹	۰/۸۱۵	۰/۳۹۴	۱/۳۱۶

متغیر	ضرایب	آماره والد	سطح معناداری	عامل تورم واریانس
بازده دارایی‌ها	۰/۰۲۸	۳/۱۶۸	۰/۰۰۱	۱/۴۷۴
انحراف معیار بازده‌های هفتگی	۲/۹۵۲	۰/۴۱۲	۰/۶۷۹	۱/۰۲۸
اندازه شرکت	-۰/۲۷۶	-۳/۰۵۲	۰/۰۰۲	۱/۹۴۱
سپر مالیاتی	۰/۹۷۹	۱/۰۷۰	۰/۲۸۴	۱/۱۶۶
R^2 مک فادن	۰/۱۲۰			
آماره نسبت درست‌نمایی	۱۱۲/۴۶۰			
سطح معناداری مدل	۰/۰۰۰			
آماره هاسمر - لمشو (معناداری با درجه آزادی ۸)	۹/۳۴۰ (۰/۳۱۴)			
آماره اندروز (معناداری با درجه آزادی ۱۰)	۱۲/۳۸۲ (۰/۲۶۰)			

نتایج آزمون هاسمر - لمشو و اندروز مربوط به مدل در جدول (۳) ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، مقایسه سطح معناداری مقدار احتمال آماره هاسمر - لمشو و اندروز بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، در نتیجه فرض صفر پذیرفته و قابلیت تبیین مطلوب مدل پذیرفته می‌شود. به‌منظور بررسی معنادار بودن مدل رگرسیونی از احتمال آماره درست‌نمایی در سطح خطای ۵ درصد استفاده شده است. با توجه به آماره درست‌نمایی به‌دست‌آمده (۱۱۲/۴۶۰) و همچنین سطح معناداری آن (۰/۰۰۰)، با سطح خطای ۵ درصد می‌توان بیان کرد که الگو در کل از معناداری خوبی برخوردار است؛ همچنین به‌منظور بررسی معنادار بودن ضرایب همبستگی از احتمال آماره والد در سطح خطای ۵ درصد استفاده شده است. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، در ارتباط با متغیر محافظه‌کاری حسابداری که نقش متغیر تعدیلگر را ایفا می‌کند، سطح معناداری برای عملکرد زیست‌محیطی* محافظه‌کاری حسابداری، برابر ۰/۰۰۱ حاصل گردیده که مقدار آن کمتر از ۵ درصد است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با سطح خطا ۵ درصد رابطه معناداری بین عملکرد زیست‌محیطی* محافظه‌کاری حسابداری و ریسک سقوط قیمت سهام وجود دارد. از طرفی، با توجه به ضریب مثبت این متغیر (۱/۱۸۰)، در می‌یابیم محافظه‌کاری به عنوان متغیر تعدیلگر رابطه بین عملکرد زیست‌محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام را تعدیل می‌کند. به بیان دیگر، محافظه‌کار بودن شرکت بر رابطه بین عملکرد زیست‌محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام تأثیرگذار است. با توجه به نتایج بالا و به دلیل این که مبنای فرضیه‌های پژوهش وجود رابطه معنادار است لذا فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌گردد.

از بین متغیرهای کنترلی، ریسک سقوط قیمت سهام با اقلام تعهدی اختیاری و نسبت بدهی کل به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها و چولگی منفی بازده هفتگی و اندازه شرکت، دارای رابطه معناداری است؛ اما بین متغیر وابسته با سایر متغیرهای کنترلی پژوهش رابطه معناداری یافت نشد.

نتیجه گیری و بحث

نقش افشای اطلاعات در پیش بینی، قضاوت و ارزیابی همواره مورد توجه بوده است. توجه افراد به مسائل و مشکلات محیط زیست در سال‌های اخیر ذهن استفاده کنندگان را از گزارش‌های سنتی و صرفاً مالی به گزارش‌های غیرمالی بخصوص گزارش‌های مربوط به مسئولیت اجتماعی معطوف کرده است. به طوری که این فعالیت‌ها به طور مستقیم بر عملکرد شرکت تاثیر گذار بوده است. در واقع شرکت‌های سازگار با محیط زیست با افشای اختیاری اطلاعات مربوط به عملکرد زیست محیطی باعث بهبود کیفیت اطلاعات افشا شده شرکت می‌گردند. همچنین با معرفی خود به عنوان حامی سبز، شهرت و خوشنامی خود را بین سرمایه‌گذاران شکل می‌دهند و با ایجاد سرمایه اخلاقی مثبت از حمایت ذینفعان، فعال محیط زیست بهره خواهند گرفت مطابق با این شواهد واحد تجاری از طریق عملکرد زیست محیطی باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام می‌گردد. در واقع نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که در جهت حفظ و حمایت محیط زیست عمل می‌کنند باعث کاهش ریسک سقوط قیمت سهام خود نسبت به سایر شرکت‌ها خواهند شد. مدیران واحدهای اقتصادی به همان اندازه که به انتشار اخبار خوب در خصوص شرکت متمایل هستند؛ سعی در پنهان نمودن اخبار بد نیز دارند. این نوع تمایل مدیران به افشای نامتقارن اخبار، منجر به ایجاد ریسک کاهش قیمت سهام می‌شود. از سوی دیگر امروزه عملکرد زیست محیطی شرکت‌ها یک جنبش نوظهور در میان صنایع مختلف است که به دنبال یافتن یک راه حل مفید و موثر برای مواجه شدن با مسائل اجتماعی و محیطی شرکت‌های مدرن در جامعه امروزی است. محافظه‌کاری با الزام حسابداران درجه بالاتری از تایید پذیری برای شناسایی اخبار خوشایند (سودها)، نسبت به شناسایی اخبار ناخوشایند (زیان‌ها)، باعث کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و مدیران خواهد شد اما زمانی که در این پژوهش به عنوان متغیر تعدیلگر به کار برده شده باعث تعدیل رابطه بین عملکرد زیست محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام گردیده، از جمله علل ایجاد چنین تاثیری، می‌توان به این نکته اشاره نمود که چون شرکت‌های محافظه کار تمایل به تسریعی بخشی در افشای اطلاعات خود دارند لذا، در این نوع شرکت‌ها ممکن است با افشای تمامی اطلاعات مربوط به محیط زیست، سرمایه‌گذاران را حساس نموده و آن‌ها در مورد سرمایه‌گذاری خود با احتیاط عمل نمایند. در واقع اطلاعات حسابداری و اخلاق تجاری می‌توانند یکدیگر را در تاثیر گذاری رفتار شرکت‌ها جایگزین کنند. نتایج این پژوهش با مطالعات کیم و همکاران

(۲۰۱۴) مطابقت داشت زیرا نتایج آن‌ها بیانگر رابطه منفی و معنادار عملکرد زیست‌محیطی با ریسک سقوط قیمت سهام بود. همچنین با پژوهش صورت گرفته توسط ذیحی و درباباری (۱۳۹۶)، که به بررسی ارتباط مسئولیت اجتماعی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند، نیز مطابقت دارد. اما نتایج این پژوهش با نتایج بنی مهد و همکاران (۱۳۸۸) که به بررسی رابطه بین عملکرد زیست‌محیطی و عملکرد مالی واحد تجاری پرداختند مطابقت نداشت از جمله دلایل این عدم تطابق می‌توان به این نکته اشاره کرد: ۱- آن‌ها در پژوهش خود فقط یک شاخص یعنی فقط دارا بودن گواهینامه ISO14001 را بررسی کردند و به بررسی سایر ویژگی‌های محیطی شرکت پرداختند. ۲- از آنجایی که ده سال پیش نسبت به الان بازار از رقابت کمتر و انحصار بیشتری برخوردار بودند لذا واحد تجاری به افشای این گونه اطلاعات اختیاری توجهی نداشت و سرمایه‌گذاران هم بیشتر به اطلاعات مالی افشا شده تاکید بیشتری می‌کردند.

با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر وجود رابطه منفی بین عملکرد زیست‌محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام و تاثیر محافظه‌کاری حسابداری بر رابطه بین عملکرد زیست‌محیطی و ریسک سقوط قیمت سهام، پیشنهاد زیر مطرح می‌گردد: الف) به سرمایه‌گذاران، سهامداران و سایر ذی‌نفعان پیشنهاد می‌شود که برای سرمایه‌گذاری، شرکت‌هایی را در اولویت قرار دهند که در راستای حفظ محیط زیست عمل می‌کنند، زیرا در این شرکت‌ها که به خوشنامی و بعد اخلاقی توجه می‌کنند به احتمال زیاد از احتکار اخبار ناخوشایند در شرکت جلوگیری می‌کنند. لذا احتمال ریسک سقوط قیمت سهام در این شرکت‌ها پایین تر است. ب) به مدیران و حساب‌برسان توصیه می‌شود در ارائه صورت‌های مالی و فرآیند گزارشگری مالی شرکت‌ها به این ابعاد توجه ویژه داشته باشند تا از این طریق موجبات کاهش ریسک افت آتی قیمت سهام شرکت گردند. ج) به سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیرنده توصیه می‌شود بسترسازی لازم (از طریق اهدای جوایز مانند تخفیفات مالیاتی، سهولت تامین مالی و هزینه تامین مالی پایین و...) برای افشای شاخص‌های عملکرد زیست‌محیطی در شرکت‌ها با حمایت و مساعدت مدیریت ارشد شرکت‌ها، سهامداران و مسولین ذیربط فراهم گردد.

همچنین با توجه به یافته‌های پژوهش، موضوعات زیر به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد: ۱- با تفکیک شرکت‌ها بر اساس صنعت، موضوع پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و با نتایج این پژوهش، مقایسه گردد. ۲- عملکرد زیست‌محیطی یکی از ابعاد مسئولیت اجتماعی در شرکت می‌باشد و از آنجا که این بعد به طور کلی بر ریسک سقوط قیمت سهام موثر است به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد که به بررسی سایر ابعاد مسولیت اجتماعی (اجتماعی، اقتصادی) با ریسک سقوط قیمت سهام بپردازند. ۳- تاثیر سازو کارهای حاکمیت شرکتی از قبیل مالکیت مدیریتی، اندازه هیئت مدیره و حضور کمیته حسابرسی بر افشای فعالیت‌های زیست‌محیطی.

منابع

- احمدپور، احمد؛ زارع بهنیری، جواد؛ حیدری رستمی، کرامت الله. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر ویژگی شرکت بر ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله بورس اوراق بهادار*، ۷(۲۸): ۲۹-۴۵.
- آرین پور، آرش؛ حساس یگانه، یحیی؛ باباخانی، جعفر و تقوی فرد، محمد تقی. (۱۳۹۷). تحلیل عملکرد پایدار عملکرد زیست محیطی و تاثیر آن بر هزینه سرمایه. *فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۳(۵): ۱-۳۹.
- بنی مهد، بهمن؛ طالب نیا، قدرت اله و ازوجی، حسین. (۱۳۸۸). بررسی رابطه ی بین عملکرد زیست محیطی و عملکرد مالی. *پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی* ۱(۳): ۱۷۴-۱۴۹.
- خدای پور، احمد؛ دلفام، محمد؛ صبرجو، جلال. (۱۳۹۲). اثر تعدیل گر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین اقلام تعهدی و اختیاری و بازده سهام. *بررسی های حسابداری*، ۱(۱): ۸۰-۶۴.
- ذبیحی، علی؛ دریاباری، آناهیتا سادات. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین افشای ابعاد مختلف مسئولیت اجتماعی شرکت ها بر اساس مدل نیروانتو و ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۶(۲۱): ۷۶-۶۱.
- زند، آناهیتا؛ فغانی ماکرانی، خسرو. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر عملکرد اجتماعی، زیست محیطی (محیطی)، و اخلاقی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. *فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۷(۲۶): ۱۵۸-۱۴۵.
- شفیعی، حسین؛ خدای پور، احمد و دستگیر، محسن. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین تغییرات سطح افشای مسائل اجتماعی و زیست محیطی با شاخص‌های سودآوری با استفاده از شاخص KLD. *دانش حسابداری مالی*، ۳(۴): ۶۴-۴۳.
- طالب نیا، قدرت اله؛ تقی زاده خانقاه، وحید؛ حشمت، نسا. (۱۳۹۵). ارتباط بین چرخه عمر شرکت و خطر سقوط قیمت سهام با تاکید بر عدم تقارن اطلاعاتی و رویکرد رفتاری. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۱(۲): ۲۳۹-۲۱۵.
- علیخانی، راضیه؛ مران جوری، مهدی. (۱۳۹۳). کاربرد تئوری های افشای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۳(۹): ۳۶-۵۳.
- فروغی، داریوش؛ میرشمس شهشانی، مرتضی؛ پور حسین، سمیه. (۱۳۸۷). نگرش مدیران درباره‌ی افشای اطلاعات حسابداری اجتماعی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۳): ۷۷-۵۷.

فروغی، داریوش؛ میرزایی، منوچهر. (۱۳۹۱). تاثیر محافظه‌کاری شرطی حسابداری بر ریسک سقوط قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، ۴(۲): ۷۷-۱۱۵.

کاظم زاده ارسی، نادر. (۱۳۸۳). حسابداری محیط زیست. بررسی‌های حسابداری، ۴(۱۵۹): ۷۱-۵۸.

References

- Ahmadpour, A; Zare Behniri, J; Heidari Rostami, K. (2014). Investigating the effect of company characteristics on the risk of falling stock prices of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Journal of Securities Exchange*, 7 (28): 45-29. (in Persian)
- Alikhani, R; Maran Jori, M. (2014). Application of theories of disclosure of environmental and social information. *Accounting and Auditing Studies*, 3 (9): 36-53. (in Persian)
- Arinepour, A; Hasas Yeganeh, Y; Babakhani, J; Taqwaifard, M. (2017). Sustainable performance analysis of environmental performance and its impact on the cost of capital. *Quarterly Journal of Value and Behavioral Accounting*, 3 (5): 39-1. (in Persian)
- Bartov, E., Marra, A., & Momenté, F. (2021). Corporate social responsibility and the market reaction to negative events: Evidence from inadvertent and fraudulent restatement announcements. *The Accounting Review*, 96(2), 81-106.
- Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 3-37.
- Beaver, W. H. & Ryan, S. G. (2005). Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling. *Review of Accounting Studies*, 10(2-3), 269-309.
- Bani Mahd, B; Talibnia, Gh; Azuji, H. (2009). Investigating the relationship between environmental performance and financial performance. *Financial Accounting and Auditing Research* 1 (3): 174-149. (in Persian)
- Cai, L. and He, C. (2014), 'Corporate Environmental Responsibility and Equity Prices', *Journal of Business Ethics* 125 (4): 617-635
- Chen, J., Hong, H. & Stein, J. (2001). Forecasting crashes: Trading volume, past returns, and conditional skewness in stock prices. *Journal of Financial Economics*, 61, 345-381.
- Cormier, D., Gordon, I. M., & Magnan, M. (2004). Corporate environmental disclosure: contrasting management's perceptions with reality. *Journal of Business Ethics*, 49(2): 143-165.
- Cornell, B. (2021). ESG preferences, risk and return. *European Financial Management*, 27(1), 12-19.
- Daly, E., & Porporato, A. (2005). A review of soil moisture dynamics: from rainfall infiltration to ecosystem response. *Environmental engineering science*, 22(1), 9-24.
- Daniel, F., and Juna, s (2007). —When Necessity Becomes a Virtue: The Effect of Product Market Competition on Corporate Social Responsibility, Working paper.

- Dhaliwal, D. S., Li, O. Z., Tsang, A., and Yang, Y. G. (2011). Voluntary nonfinancial disclosure and the cost of equity capital: The initiation of corporate social responsibility reporting. *The Accounting Review* 86 (1): 59-100.
- Diamond, D., & Verrecchia R.(1991),"Disclosure, liquidity and the cost of equity capital", *The Journal of Finance*, September, PP. 1335-1360.
- Du, X. (2018). Corporate Environmental Performance, Accounting Conservatism, and Stock Price Crash Risk: Evidence from China. 20(1).
- Foroughi, D; Mirshams Shahshani, M; Poor Hossein, S. (2008). Managers' Attitudes Towards Disclosure of Social Accounting Information: Companies Listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Reviews*, 15 (3): 77-57. (in Persian)
- Foroughi, D; Mirzaei, M. (2012). The effect of conditional accounting conservatism on the risk of stock price falls in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting Advances*, 4 (2): 115-77. (in Persian)
- Giovly, D., Hayn, C. & Natarajan, A. (2007). Measuring reporting conservatism. *The Accounting Review*, 82, 65-106.
- Hutton, A.P., Marcus, A.J., Tehranian, H. (2009). Opaque financial reports, R2, and crash risk. *Journal of Financial Economics*, 94(2): 67-86.
- Kazemzadeh Arsi, N.(2007). Environmental Accounting. *Accounting Reviews*, 4 (159): 71-58. (in Persian)
- Khodamipour, A; Delfam, M; sabrjo; j. (2013). The effect of auditing quality modulator on the relationship between accruals and stock returns. *Accounting Reviews*, 1 (1): 80-64. (in Persian)
- Kim, J. B., & Zhang, L. (2016). Accounting conservatism and stock price crash risk: Firm level evidence. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 412-441.
- Kim, Y., Li, H., and Li, S. (2014), 'Corporate social responsibility and stock price crash risk. *Journal of Banking and Finance* 43: 1-13
- Kothari, S. P., Li, X., & Short, J. E. (2009). The effect of disclosures by management, analysts, and business press on cost of capital, return volatility, and analyst forecasts: A study using content analysis. *The Accounting Review*, 84(5), 1639-1670.
- Li, Z., Liao, G., & Albitar, K. (2020). Does corporate environmental responsibility engagement affect firm value? The mediating role of corporate innovation. *Business Strategy and the Environment*, 29(3), 1045-1055.
- Moser, D. V., & Martin, P. R. (2012). A broader perspective on corporate social responsibility research in accounting. *The accounting review*, 87(3), 797-806.
- Ohlson, J. A. (1980). Financial ratios and the probabilistic prediction of bankruptcy. *Journal of accounting research*, 109-131.
- Sarumpaet, S. (2005). The relationship between environmental performance and financial performance of Indonesian companies. *Jurnal Akuntansi dan Keuangan*, 7(2), 89-98.
- Shafi'i, H; Khodamipour, A; Dastgir, M. (2016). Investigating the relationship between changes in the level of disclosure of social and environmental issues with profitability indices using KLD index. *Knowledge of Financial Accounting*, 3 (4): 64-43. (in Persian)

- Talibnia, Gh; Khaneghah, V; Heshmat, N. (2016). The relationship between the life cycle of the company and the risk of falling stock prices with an emphasis on information asymmetry and behavioral approach. *Value and Behavioral Accounting*, 1 (2): 239-215. (in Persian)
- Wang, Q., Li, X., & Liu, Q. (2020). Empirical research of accounting conservatism, corporate governance and stock price collapse risk based on panel data model. *Connection Science*, 1-16.
- Watts, R.L., (2003a). Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications. *Accounting Horizons*, 17, 207-221.
- Watts, R.L., (2003a). Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications. *Accounting Horizons*, 17, 207-221.
- Yamaguchi, K. (2008). Reexamination of stock price reaction to environmental performance: A GARCH application. *Ecological Economics*, 68(1-2), 345-352.
- Zabihi, A; Daryabari, A. (2017). Investigating the relationship between disclosure of different dimensions of corporate social responsibility based on the Nirvanto model and the risk of stock price falls in companies listed on the Iranian Stock Exchange. *Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6 (21): 76-61. (in Persian)
- Zandi, A; Faghani Makrani; K. (2017). Investigating the Impact of Social, Environmental (Ethical), and Ethical Performance on the Financial Performance of Companies Listed on the Stock Exchange. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 7 (26): 158-145. (in Persian)
- Zhang, Y., Wei, J., Zhu, Y., & George-Ufot, G. (2020). Untangling the relationship between Corporate Environmental Performance and Corporate Financial Performance: The double-edged moderating effects of environmental uncertainty. *Journal of Cleaner Production*, 263, 121584.

۴۲ شاخص مربوط به عملکرد زیست‌محیطی، شامل اطلاعات مربوط به موارد زیر است:

ساختار حکومتی و سیستم‌های مدیریت

- ۱- وجود یک بخش برای کنترل آلودگی و/یا موقعیت مدیریت برای مدیریت عملکرد زیست‌محیطی
- ۲- وجود کمیته مسائل زیست‌محیطی
- ۳- وجود شرایط و ضوابط مربوط به تامین کنندگان و/یا مشتریان در مورد اقدامات محیطی
- ۴- پیاده سازی ISO 14001 در سطح کارخانه یا شرکت

اعتبار

- ۱- استقرا قوانین و مقررات زیست‌محیطی در سطح شرکت
- ۲- تایید مستقل /اطمینان در مورد اطلاعات محیط زیستی منتشر شده در گزارش‌های وب
- ۳- حسابرسی مستقل دوره‌ای درباره‌ی عملکرد سیستم‌های زیست‌محیطی

- ۴- دریافت گواهینامه‌های عملکرد مثبت مربوط به محیط زیست از سازمان‌های مستقل
- ۵- گواهینامه محصول مربوط به اثرات زیست‌محیطی
- ۶- جوایز اعمال زیست‌محیطی خارجی
- ۷- مشارکت ذینفعان در فرایند افشای محیطی
- ۸- مشارکت در برنامه‌های دواطلبانه زیست‌محیطی مورد تایید سازمان محیط زیست
- ۹- مشارکت در انجمن‌ها / ابتکارات ویژه صنفی برای بهبود شیوه‌های محیطی
- ۱۰- مشارکت در سایر سازمان‌ها و انجمن‌های زیست‌محیطی

بهره‌وری

۱. بهره‌وری مناسب از انرژی
۲. استفاده بهینه در مصرف آب
۳. کنترل انتشار گاز گلخانه‌ای
۴. کنترل انتشار سایر آلاینده‌ها مضر
۵. بهره‌وری مناسب از خاک
۶. عملکرد مناسب در رابطه با سایر تخلیه‌ها، انتشارات، و یا نشت‌ها و پساب
۷. مدیریت زباله و پسماند
۸. استفاده بهره‌وری در استفاده از زمین، و منابع و تنوع‌های زیستی
۹. کنترل آلودگی‌های صوتی
۱۰. تولید کالا و خدماتی با حداقل اثرات نامطلوب بر محیط زیست

هزینه‌های زیست‌محیطی

۱. هزینه‌های انجام گرفته در راستای محیط زیست سالم‌تر
۲. هزینه‌های صرف شده برای به کار گیری فن‌آوری جدید در راستای محیط پاک و تحقیق و توسعه و / یا نوآوری‌ها برای افزایش عملکرد و یا کارایی محیط زیست

چشم اندازها و ادعاهای استراتژی

۱. بیانیه‌های مدیرعامل در مورد عملکرد زیست‌محیطی
۲. بیانیه‌ای از سیاست‌های محیط زیست شرکتی، ارزش‌ها و اصول اخلاقی محیطی

۳. بیانیه‌ای در مورد پیاده‌سازی سیستم‌های مدیریت زیست محیطی
۴. بیانیه‌ای از اهداف قابل اندازه‌گیری از لحاظ عملکرد زیست محیطی آینده
۵. بیانیه‌ای در مورد نوآوری‌های خاص محیط زیست و / تکنولوژی‌های جدید

مشخصات محیطی

۱. بیانیه در مورد رعایت (یا عدم وجود) شرکت با استانداردهای زیست محیطی خاص
۲. مرور کلی از تاثیرات زیست محیطی این صنعت
۳. مرور اینکه چگونه فعالیت‌های تجاری و یا محصولات و خدمات بر محیط زیست تاثیر می‌گذارند.
۴. مرور بر عملکرد زیست محیطی شرکت نسبت به هم‌تایان در همان صنعت

ابتکارات زیست محیطی

۱. آموزش کارکنان در مدیریت و عملیات زیست محیطی
۲. وجود طرح‌های واکنش مقابل در صورت وقوع حادثه محیطی
۳. جوایز زیست محیطی داخلی
۴. حسابرسی‌های زیست محیطی داخلی
۵. صدور گواهینامه‌های داخلی برنامه‌های زیست محیطی
۶. مشارکت‌های اجتماعی یا کمک‌های مربوط به محیط زیست
۷. شرکت در برنامه‌های تدوین شده توسط محیط زیست

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

افشای ریسک شرکت‌ها: تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی^۱

ستاره فصیحی^۲، رضوان برشد^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۸

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و افشای ریسک شرکت‌هاست. با استفاده از روش تحلیل محتوی دستی شاخص افشای ریسک محاسبه شده است. در این روش ریسک‌های افشا شده در گزارش‌های مالی شرکت‌ها در سامانه کدال مورد بررسی قرار گرفته و در قالب ۵ طبقه عمده ریسک‌های مالی، عملیاتی، قوانین و مقررات، استراتژیک، و سایر ریسک‌ها مانند فرهنگی اجتماعی و زیست محیطی طبقه بندی شده اند. همچنین برای ویژگی‌های کمیته حسابرسی از متغیرهای میزان استقلال اعضا کمیته حسابرسی، میزان تخصص اعضا کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی استفاده شده است. نمونه پژوهش شامل ۶۸ شرکت برای بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ است. روش پژوهش کمی و تحلیل نتایج با استفاده از نرم افزارهای تحلیل آماری ایویوز ۱۰ و استاتا ۱۲ انجام شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی تنها اندازه کمیته حسابرسی رابطه معنادار و مستقیمی با میزان افشای ریسک شرکت‌ها داشته است. این نتیجه همسو با تئوری وابستگی به منابع است. یعنی افزایش تعداد اعضای کمیته حسابرسی سبب افزایش تعداد افراد متخصص و باتجربه در شرکت شده، و از طریق خدمات مشاوره‌ای مرتبط بیشتر به هیات مدیره، افشای ریسک را نیز افزایش می دهد. علاوه بر آن، در میان ویژگی‌های کمیته هیات مدیره نیز تخصص مالی هیات مدیره رابطه معناداری با افشای ریسک دارد یعنی با افزایش میزان تخصص مالی اعضای هیات مدیره افشای ریسک نیز افزایش یافته است.

واژه های کلیدی: کمیته حسابرسی، استقلال اعضا کمیته حسابرسی، تخصص اعضا کمیته حسابرسی، اندازه

کمیته حسابرسی، افشای ریسک، عدم تقارن اطلاعاتی.

طبقه بندی موضوعی: G3, M420, M410.

DOI: 10.22051/JERA.2022.37494.2924

۲. عضو هیات علمی، گروه حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

(sfasihi2020@yahoo.com)

۳. کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه غیر انتفاعی خرد بوشهر، بوشهر، ایران. (r.barshad 99@gmail.com)

https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

سرمایه‌گذاران جهت اتخاذ تصمیمات صحیح نیاز به اطلاعات حسابداری و مالی با کیفیت شرکت‌ها دارند از طرفی شرکت‌ها در دنیای نامطمینی فعالیت می‌کنند که مجبورند ریسک‌های موجود و آتی موثر بر فعالیت‌های خود را مدیریت کرده تا ارزش شرکت حفظ شده و حقوق سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه نیز حفظ شود. لذا، اطلاعات مرتبط با ریسک از جمله مهمترین اطلاعات مورد نیاز سرمایه‌گذاران است. مطابق تیوری نمایندگی، افشای اطلاعات سبب کاهش مسئله نمایندگی بین مدیران و سهامداران است. با در نظر گرفتن نقش ارزشیابی و مباشرتی اطلاعات حسابداری، افشای اطلاعات ریسک شرکت‌ها، ارزشیابی دقیق‌تر را تسهیل می‌کند و راهنمایی جهت ارزیابی کار مدیران است (می‌هکنن^۱، ۲۰۱۲). همچنین یکی از مکانیزم‌های کنترلی و نظارتی قوی در جهت افشای کافی و به موقع اطلاعات وجود ساختار حاکمیت شرکتی قوی و کارآمد در شرکت‌هاست. در این راستا، کمیته حسابرسی به عنوان یکی از مکانیزم‌های کلیدی راهبری شرکتی است که می‌تواند منجر به بهبود کیفیت افشا شرکت‌ها و کارایی بازار سرمایه شود (کامیابی و بوژمهرانی، ۱۳۹۴). پژوهش‌های داخلی پیشین در رابطه با افشا اطلاعات مالی و کمیته حسابرسی به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. به طور مثال، صدیقی و پاکدل (۱۳۹۵) به رابطه مثبت و معنی‌داری بین استقلال کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی با افشای داوطلبانه اطلاعات رسیده‌اند در صورتی که اندازه کمیته حسابرسی تأثیر معناداری نداشته است. اما نتایج پژوهش انجام شده توسط کامیابی و بوژمهرانی (۱۳۹۴) حاکی از آن است که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل تخصص و اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت افشا شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد.

از طرفی از آنجا که از مهمترین کارکردها و وظایف کمیته حسابرسی نقش نظارتی آن در ارایه و افشا اطلاعات مدیریت ریسک شرکت‌هاست. پژوهش‌های صورت گرفته در سایر کشورها در خصوص ارتباط بین کمیته حسابرسی و افشای ریسک نیز حاکی از آنست که برخی ویژگی‌های کمیته حسابرسی سبب تقویت افشا ریسک شرکت‌ها می‌شود (الشیرا، الشیرا و لطفی^۲، ۲۰۲۱؛ عبدالله، شکر و رحمت^۳، ۲۰۱۷؛ زنگک، تیلور، کیو، و وایس^۴، ۲۰۱۳). اما در ایران،

1. Miihkinen
2. Alshirah, Alshirah, & Lutfi.
3. Abdullah, Shukor, & Rahmat.
4. Zhang, Taylor, Qu, & Wise.

تا آنجایی که پژوهشگران اطلاع دارند، تاکنون پژوهشی در خصوص بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و افشای ریسک شرکت‌ها صورت نگرفته است، لذا پژوهش حاضر درصدد است تا به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و افشای ریسک در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

مبانی نظری

ریسک عدم اطمینان در مورد وقوع حادثه‌ای در آینده است. مدیران به دلیل عدم اطمینان محیطی و شدت رقابت در سازمان‌ها، با چالش‌های متعددی در تصمیم‌گیری مواجه‌اند. اطلاعات مربوط به ریسک‌هایی که شرکتها با آن‌ها مواجه می‌شوند. از جمله اطلاعات مهم و تاثیرگذار بر تصمیمات ذینفعان شرکت‌ها، خصوصاً سرمایه‌گذاران است. افشای ریسک می‌تواند نشان‌دهنده میزان مدیریت ریسک شرکت‌ها باشد، مدیریت ریسک شامل شناسایی عوامل ریسک، تحلیل ریسک، تصمیم‌گیری در خصوص رفتار با ریسک و کنترل تأثیر آن‌ها است (دابلر^۱، ۲۰۰۵). همچنین هیئت‌مدیره ممکن است به دلیل کاهش هزینه شهرت و یا عدم نمایش تصویر بد از وضعیت شرکت ریسک‌های بد را افشا نکنند (لینسلی و شریو^۲، ۲۰۰۶). کونیش و علی^۳ (۲۰۰۷) دریافتند که در شرکت‌های ژاپنی افشای ریسک‌های با اخبار خوب بیشتر از اخبار بد است. آن‌ها چنین استدلال می‌کنند که مدیران احتمالاً می‌خواهند این پیام را مخابره کنند که در مدیریت ریسک شرکت قابلیت و کارایی دارند. در خصوص تیوری‌های مرتبط با افشای ریسک می‌توان به تیوری‌های نمایندگی و علامت‌دهی اشاره کرد. مطابق تیوری نمایندگی هدف مدیران از افشای اختیاری کاهش هزینه نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی است (ابراهام و کوکس^۴، ۲۰۰۷). همچنین مطابق الشندی و همکاران^۵ (۲۰۱۳) از آنجا که عدم تقارن اطلاعاتی زیربنای نظریه علامت‌دهی است بنابراین مدیران از افشای اختیاری جهت نشان دادن عملکرد مناسب خود استفاده می‌کنند (به نقل از نمازی و ابراهیمی میمند، ۱۳۹۵). بنابراین انتظار می‌رود افشای ریسک سبب کاهش هزینه نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی شود. از طرفی، یکی از مکانیزم‌های کنترلی اصلی در جهت بهبود کیفیت افشای شرکت‌ها،

1. Dabler
2. Linsley & Shrivs
3. Konishi & Ali
4. Abraham & Cox
5. Elshandidy, Fraser, Hussainey

کمیته حسابرسی است. مسئولیت این کمیته شامل بازرسی و نظارت بر گزارشگری مالی و افشا شرکت‌ها به عنوان یکی از کمیته‌های عملیاتی و زیر مجموعه کمیته هیات مدیره است (سلیمانی امیری و فصیحی، ۱۳۹۵) همچنین به هیات مدیره در استقرار ساختار حاکمیت شرکتی قوی در شرکت کمک می‌کند.

رابطه بین کمیته حسابرسی و میزان افشای ریسک را از دیدگاه تئوری نمایندگی و تیوری وابستگی به منابع می‌توان تبیین نمود. افشای اطلاعات حسابداری و ریسک می‌تواند با کاهش ناقصی اطلاعاتی به اهداف ارزش‌گذاری و مباشرت کمک کند (بیر و همکاران، ۲۰۱۰، میهکن، ۲۰۱۳). افشای بهتر با بهبود شفافیت و کاهش شکاف اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه‌گذاران خارجی منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود (لوبو و زو، ۲۰۰۱). مدیران با افزایش ارائه اطلاعات افشای ریسک شرکت‌ها، سعی در کاهش هزینه نمایندگی و مسئله عدم تقارن اطلاعاتی دارند؛ بنابراین افشای ریسک درک سرمایه‌گذاران از اطلاعات مالی افشا شده را افزایش می‌دهد (فصیحی و همکاران، ۱۳۹۸). از طرفی، کمیته حسابرسی را می‌توان به عنوان ابزار کنترلی موثر در کاهش هزینه نمایندگی و افزایش افشا در نظر گرفت (الشیرا و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین تئوری وابستگی منابع شرکت بر چگونگی تأثیر منابع خارجی سازمان بر رفتار آن اشاره دارد و بر وابستگی متقابل یک سازمان و منابع خارجی آن تأکید دارد. لذا مطابق این تئوری، کمیته حسابرسی به عنوان ابزار مشاوره هیات مدیره، به عنوان اندوخته منابع عمل نموده و با فراهم نمودن اعضای با تجربه و متخصص مزیتی رقابتی برای شرکت و کیفیت گزارشگری مالی است (عبدی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، وقتی شرکتی کمیته حسابرسی فعالی دارد مشخص می‌کند که این شرکت دارای رویه‌های حسابداری خوب و کنترل‌های داخلی قوی است که سبب کشف تقلب و اطمینان نسبت به سطح بالای کیفیت گزارشگری می‌شود (فیلو و همکاران، ۲۰۰۳).

علاوه بر این وجود کمیته حسابرسی به تنهایی تضمین‌کننده نظارت اثر بخش آن نیست (زننگ و همکاران، ۲۰۱۳)، ترکیب و ساختار کمیته حسابرسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و محرک اصلی اثربخشی آن است (فریرا، ۲۰۰۸). از جمله ویژگی‌های مهم کمیته حسابرسی که

1. Beyer, Cohen, Lys, & Walther
2. Lobo & Zhou
3. Felo, Krishnamurthy, & Solieri
4. Zhang, Taylor, Qu, & Wise
5. Ferreira

به دفعات در پژوهش‌های پیشین به آن‌ها پرداخته شده است می‌توان به تخصص کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی اشاره کرد.

یکی از عوامل اصلی و مهم تاثیر گذار بر اثربخشی کمیته حسابرسی وجود اعضای مستقل است. زنگ و همکاران (۲۰۱۳) با بررسی ۶۶ شرکت استرالیایی به این نتیجه رسیدند که وجود رابطه مثبت و معنادار بین استقلال کمیته حسابرسی و افشای ریسک نشان دهنده نقش سازنده کمیته حسابرسی در بهبود شفافیت اطلاعات و کاهش عدم تقارن در بازار سرمایه است. تخصص مالی نیز نقش مهمی در اثربخشی کمیته حسابرسی دارد (کوهن و همکاران^۱، ۲۰۱۴). از دیدگاه حیب و بحیویان^۲ (۲۰۱۶) کمیته حسابرسی دارای تخصص، اثربخشی بیشتری در نظارت بر شرکت دارد که این امر بر کیفیت افشای شرکت‌ها اثر مثبت دارد. البته مطابق منشور کمیته حسابرسی سازمان بورس و اوراق بهادار داشتن تحصیلات و با تجربه در زمینه حسابداری و مدیریت مالی جهت تخصص کمیته حسابرسی کافی است.

علاوه بر آن، بر اساس تئوری وابستگی به منابع، انتظار می‌رود تعداد بیشتر اعضای کمیته حسابرسی باعث افزایش تخصص و منابع آن شود، از این رو ضمن انجام وظایف مدیریت ریسک، کارآیی آن نیز بهبود می‌یابد (دیونی و تریکی^۳، ۲۰۰۵). لی، منگنا و پایک^۴ (۲۰۱۲) بیان می‌کنند که تعداد بیشتر اعضای کمیته حسابرسی در استفاده از نظرات و تخصص بی‌شمار به کمیته حسابرسی کمک کرده و سبب اطمینان از انجام موثر کار، از جمله وظیفه نظارتی آن می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود که تعداد بیشتر اعضای کمیته حسابرسی اثر بخشی آن را بالاتر برده و سبب افزایش افشای ریسک شوند.

پژوهش‌های پیشین

باکسترو کاتر^۵ (۲۰۰۹) به بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با کیفیت سود در شرکتهای استرالیایی پرداختند. متغیرهای کمیته حسابرسی مورد بررسی شامل شکل‌گیری کمیته حسابرسی، استقلال و تخصص مالی، اندازه، فعالیت و چرخش اعضا کمیته حسابرسی است و یافته‌ها حاکی از کاهش مدیریت سود با شکل‌گیری کمیته حسابرسی است. ایکا و غزالی^۶

1. Cohen et al
2. Habib & Bhuiyan
3. Dionne & Triki
4. Li; Mangena, & Pike
5. Baxter & Cotter
6. Ika & Ghazali

(۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین اثربخشی کمیته حسابرسی و به موقع بودن گزارشگری اطلاعات مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار مالزی پرداختند. محققین اثربخشی کمیته را بصورت شاخص ترکیبی از ویژگی‌هایی مانند اختیار، تعداد جلسات، استقلال و تخصص مالی در نظر گرفته و به این نتیجه رسیدند که به موقع بودن با اثربخشی کمیته حسابرسی مرتبط است و کمیته حسابرسی اثربخش احتمالاً سبب کاهش تاخیر در ارائه گزارش‌های مالی می‌شود. آبرنتلی و همکاران^۱ (۲۰۱۴) ارتباط میان ویژگی‌های تخصص حسابداری و تخصص حسابرسی اعضا کمیته حسابرسی را با به موقع بودن آرایه گزارش‌های مالی در شرکتهای آمریکایی بررسی نمودند. محققین دریافتند که تخصص مالی اعضا کمیته حسابرسی رابطه معنادار و مثبتی با به موقع بودن آرایه گزارش‌های مالی دارد. عبدالله و همکاران^۲ (۲۰۱۷) با بررسی تأثیر کمیته ریسک و کمیته حسابرسی بر افشای ریسک شرکت‌ها و با استفاده از داده‌های ۳۹۵ شرکت غیرمالی مالزیایی به این نتیجه رسیدند که وجود کمیته ریسک و فعالیت‌های کمیته حسابرسی بر افشای ریسک تأثیر معناداری دارد. الشیرا و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود با بررسی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر سطح افشای ریسک ۹۹ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اردن به این نتیجه رسیدند که اندازه کمیته حسابرسی تأثیر مثبت معناداری بر سطح افشای ریسک شرکتهای دارد.

کامیابی و بوژانی (۱۳۹۵) با بررسی ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به این نتیجه رسیدند که بین دوره تصدی و تجربه اعضای کمیته حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد در صورتیکه بین تخصص و اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت افشا رابطه معناداری وجود ندارد. نمازی و ابراهیمی میمند (۱۳۹۵) به بررسی چگونگی افشای ریسک در گزارش سالانه شرکتهای و عوامل موثر بر آن به این نتیجه رسیدند که این شرکتهای به طور معناداری به ارائه اطلاعات گذشته نگر در مقایسه با آینده نگر، کیفی در مقایسه با کمی و افشای منابع ریسک در مقایسه با مدیریت ریسک گرایش دارند. همچنین مطابق یافته‌های این پژوهش، اندازه شرکت و اهرم مالی رابطه معنادار مستقیم با میزان افشای ریسک و سطح ریسک بازار رابطه معنادار منفی با افشای ریسک دارد. صدیقی و پاکدل (۱۳۹۶) به رابطه معناداری بین تخصص، استقلال و تعداد جلسات کمیته حسابرسی با افشای داوطلبانه رسیدند. برادران حسن زاده و محرومی (۱۳۹۶)

1. Abernathy, Beyer, Masli, & Stefaniak

2. Abdullah, Shukor, & Rahmat

در پژوهشی تحت عنوان تاثیر افشای ریسک بر پیش بینی قیمت سهام به وسیله سود و ارزش شرکتها، به این نتیجه رسیدند که رابطه معناداری بین سطح افشای ریسک شرکتها و محتوای اطلاعاتی تغییرات سود وجود ندارد. همچنین بین افشای ریسک و ارزش شرکتها رابطه معناداری مشاهده نشد. محققان بیان کردند که نامربوط بودن اطلاعات افشاشده و ناتوانی و عدم آگاهی سرمایه گذاران در تفسیر اطلاعات افشاشده، میتواند از مهمترین دلایل این نتیجه گیری باشد. فصیحی، حسینی و مشایخ (۱۳۹۸) به بررسی رابطه بین افشای ریسک و کارایی سرمایه گذاری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که در شرکت‌هایی که افشای ریسک بیشتری دارند کارایی سرمایه گذاری نیز افزایش یافته است. فصیحی و حسینی (۲۰۲۰) به بررسی تاثیر افشای ریسک شرکت‌ها بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. محققان مشاهده کردند که با افزایش افشای ریسک، ارزش شرکت‌ها نیز افزایش یافته است.

مرور پژوهش‌ها نشان‌دهنده تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر فرایند گزارشگری مالی شرکت‌هاست. کمیته حسابرسی به عنوان یکی از کمیته‌های زیر مجموعه هیات مدیره، با نقش نظارتی که در فرایند گزارشگری مالی شرکت‌ها ایفا می‌کند بر کیفیت گزارشگری مالی تاثیر معناداری دارد. همچنین با توجه به وظیفه نظارتی مدیریت ریسک، انتظاری رود که ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای ریسک شرکت‌ها به عنوان یکی از انواع مهم گزارشگری شرکت‌ها تاثیر معناداری داشته باشد و سبب بهبود کیفیت گزارشگری ریسک شرکت‌ها شود. علاوه بر آن، با توجه به اینکه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، در سال‌های اخیر به افشای ریسک روی آورده اند، تعداد کم پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه نشان‌دهنده آن است که بررسی عواملی مانند کمیته حسابرسی می‌تواند بر غنای ادبیات نظری و تجربی در این حوزه بیافزاید.

فرضیه های پژوهش

فرضیه اول: استقلال اعضای کمیته حسابرسی با افشای ریسک اطلاعات حسابداری رابطه معنی‌داری دارد.

فرضیه دوم: تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی با افشای ریسک اطلاعات حسابداری رابطه معنی‌داری دارد.

فرضیه سوم: اندازه کمیته حسابرسی با افشای ریسک اطلاعات حسابداری رابطه معنی‌داری دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در حوزه تحقیقات اثباتی قرار دارد و از نوع هدف نیز جز پژوهش‌های بنیادی است. همچنین این پژوهش از نوع استقرایی و پس رویدادی است. اطلاعات شرکت‌ها در سال‌های مختلف گردآوری شده و به صورت داده‌های تلفیقی و با استفاده از رگرسیون چندگانه تحلیل شده است. جهت گردآوری داده‌های افشای ریسک از تحلیل محتوی دستی استفاده شده است، همچنین سایر اطلاعات متغیرهای پژوهش از روش اسناد کاوی و همچنین نرم افزار تدبیر پرداز و سامانه کدال تهیه شده اند. ابتدا داده‌ها در صفحه گسترده اکسل آماده سازی شده و سپس جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزارهای ایویز ۱۰ و استاتا ۱۲ استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ می‌باشند. نمونه موردنظر برای انجام این پژوهش به روش حذفی و با در نظر گرفتن معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

- ۱- تا پایان اسفندماه سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته‌شده باشند.
 - ۲- شرکت‌های هلدینگ، سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه و واسطه‌گری‌های مالی نباشند.
 - ۳- سال مالی شرکت منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.
 - ۴- وقفه معاملاتی بیش از ۴ ماه نداشته باشند.
 - ۵- داده‌های موردنیاز این پژوهش در خصوص آن‌ها در دسترس باشند.
- در نهایت ۶۸ شرکت در چند صنعت مختلف واجد شرایط موردنظر برای استفاده در پژوهش حاضر شدند که برای استفاده در مدل اصلی پژوهش استفاده شده‌اند.

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش

مدل آماری پژوهش با استفاده از پژوهش‌های الشیرا و همکاران (۲۰۲۱)، عبدالله و همکاران (۲۰۱۷)، زنگ و همکاران (۲۰۱۳) و سایر پژوهش‌های مرتبط به صورت زیر می‌باشد:

$$\begin{aligned} \text{Risk Disc}_{it} = & a_0 + a_1 \text{ACIND}_{it} + a_2 \text{ACSIZ}_{it} + a_3 \text{ACEXP}_{it} \\ & + a_4 \text{BSIZE}_{it} + a_5 \text{BIND}_{it} + a_6 \text{BEXP}_{it} + a_7 \text{FSIZE}_{it} \\ & + a_8 \text{LEV}_{it} + \epsilon_{it} \quad (1) \end{aligned}$$

در این مدل پژوهش، متغیر وابسته افشای ریسک، متغیرهای مستقل ویژگی‌های کمیته حسابرسی به ترتیب شامل استقلال (ACIND_{it})، اندازه (ACSIZ_{it})، و تخصص (ACEXP_{it}) است. بنابراین در صورتی که α_1 و α_2 و α_3 معنادار شود، حاکی از آنست که به ترتیب میزان

استقلال کمیته حسابرسی، اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی بر افشا ریسک شرکتها تاثیر معناداری دارند.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته: شاخص کیفیت افشای ریسک شرکت (*Risk Dis Coverage*)

افشا ریسک شامل تمامی اطلاعاتی است که شرکت‌ها در خصوص ریسک‌هایی که با آن مواجه‌اند و در گزارش‌های مالی سالانه خود ارائه می‌دهند، می‌باشد. افشا ریسک شامل اطلاعاتی است که ریسک‌های اصلی شرکت و تاثیر اقتصادی مورد انتظار آن‌ها بر عملکرد شرکت را توصیف می‌کند، این اطلاعات به سرمایه‌گذاران در ارزیابی جریان نقدی آتی کمک می‌کند. علاوه بر آن، افشا ریسک شامل ریسک‌های گذشته، حال و آتی شرکت‌ها و اقدامات مدیریت ریسک مرتبط با آن‌ها توسط شرکت می‌باشد. در ایران، شرکتها ملزم به ارائه گزارش ریسک در دستورالعمل گزارش فعالیت هیات مدیره، در بخش "ریسک‌های عمده شرکت‌ها" شرکت‌ها هستند (نمازی و ابراهیمی میمند، ۱۳۹۵). در این دستورالعمل ۱۰ طبقه کلی از ریسک به عنوان رهنمودی از ریسک‌های عمده ارائه شده است (فصیحی و همکاران، ۱۳۹۸). در این پژوهش ریسک‌های شناسایی شده توسط شرکت‌های تولیدی در گزارش هیات مدیره شرکت‌ها در بخش افشا ریسک مورد بررسی قرار می‌گیرند. انواع ریسک‌های شناسایی شده مطابق نمونه پیشنهادی سازمان بورس و اوراق بهادار و گزارشگری شرکت‌ها شامل موارد ذکر شده در جدول (۱) به صورت زیر است:

جدول ۱. طبقات مختلف و انواع ریسک‌های مرتبط

انواع ریسک	طبقات ریسک
اعتباری، تورم، کاهش قیمت کالا، قیمت سهام، اعتبار مالی، نرخ ارز، نرخ بهره، نقدینگی	مالی
بازار، سیاسی، سیستم‌های اطلاعاتی، فناوری، تجاری، عدم وجود پلتفرم، عدم وجود طراحان، فروش محصول، تامین مواد اولیه، محصولات جایگزین، تکنولوژی، فرایندهای تولیدی، ساخت و تکمیل، نیروهای مدیریتی نظارتی، حسابداری، نیروی کار، ماشین‌آلات، توسعه محصول، کیفیت محصول، قیمت مواد اولیه و نهادهای تولیدی	عملیاتی
قوانین و مقررات	قانونی
رقبای، تحریم	استراتژیک
فرهنگی اجتماعی، زیست محیطی	سایر

بعد از استفاده از تحلیل محتوی دستی، شاخص افشا ریسک هر شرکت محاسبه می‌شود. بنابراین، ابتدا مطابق طاهری، رحمانی و سلیمانی (۱۳۹۸) شاخص افشا ریسک به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$TD = \sum_{i=1}^n d_i$$

که در آن،

d متغیر دومی برابر با ۱ اگر افشا صورت گیرد و در غیر اینصورت برابر با صفر، و n : تعداد افشای اقلام مرتبط با ریسک است. سپس نمره شاخص افشای ریسک هر شرکت از تقسیم تعداد اقلام افشای ریسک شرکت بر تعداد کل افشای ریسک‌های اشاره شده در جدول ۱ بدست می‌آید.

متغیرهای مستقل

استقلال کمیته حسابرسی (ACIND): نسبت اعضا مستقل کمیته حسابرسی به کل اعضا کمیته حسابرسی.

اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZ): تعداد اعضا کمیته حسابرسی که در گزارش هیات مدیره شرکت‌ها افشا می‌شود.

تخصیص مالی کمیته حسابرسی (ACEXP): میزان تخصیص مالی اعضا کمیته حسابرسی که از طریق تقسیم تعداد اعضا کمیته حسابرسی با تخصیص مالی و حسابداری بر تعداد کل اعضا کمیته حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود.

متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی پژوهش حاضر با توجه به ادبیات پژوهشی صورت گرفته در این زمینه به صورت زیر است:

BSIZE یا اندازه هیات مدیره: تعداد کل اعضا هیات مدیره

BIND یا استقلال هیات مدیره: نسبت مدیران غیر موظف در هیات مدیره به کل اعضا هیات مدیره

BEXP یا تخصیص مالی هیات مدیره: نسبت اعضا دارای تخصیص مالی و حسابداری در هیات

مدیره به کل اعضا هیات مدیره

FSIZE یا اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های واحد تجاری
 MBT یا فرصت رشد: نسبت ارزش بازار دارایی‌ها به ارزش دفتری آنها
 LEV یا اهرم مالی: نسبت جمع کل بدهی‌ها به دارایی‌های واحد تجاری

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
افشای ریسک	Risk Index	۱۷۰/	۱۷۱/	۵۱۴/	۰	۰۷۱/
استقلال کمیته حسابرسی	ACIND	۷۴۷/	۶۶۶/	۱	۰	۱۸۸/
تخصص کمیته حسابرسی	ACEXP	۷۲۰/	۶۶۶/	۱	۰	۲۶۹/
اندازه کمیته حسابرسی	ACSIZ	۳/۱۲	۳	۵	۳	۴۵۴/
استقلال هیئت‌مدیره	BIND	۵۹۹/	۶۰/	۱	۰	۲۲۶/
تخصص هیئت‌مدیره	BEXP	۱۴۲/	۲۰/	۸۰/	۰	۱۵۱/
اندازه هیئت‌مدیره	BSIZE	۴/۹۷	۵	۶	۳	۲۸۵/
اندازه شرکت	FSIZE	۱۴/۸۲	۱۴/۵۹	۲۰	۱۱/۰۳	۱/۶۲
اهرم بدهی	Lev	۵۵۶/	۵۵۴/	۲/۴۲	۰/۱۲	۲۶۱/
فرصت رشد	MBT	۴/۴۷	۱/۴۹	۲۸/۵۳	۰/۷۲	۶/۳۴

شاخص افشای ریسک دارای میانگین ۱۷/ است. همچنین حدود ۷۰ درصد از اعضای کمیته حسابرسی شرکت‌ها مستقل بوده و دارای تخصص حسابداری و مالی هستند، این یافته نشان می‌دهد که شرکت‌ها در تشکیل کمیته حسابرسی به موضوع تخصص و استقلال اعضا دقت بالایی داشته‌اند.

آمار استنباطی

۱. آزمون ریشه واحد

قبل از برآورد مدل، ابتدا آزمون ریشه واحد برای بررسی مانایی یا نامانایی متغیرهای مدل انجام می‌شود تا معادله برآوردی رگرسیون کاذب (ساختگی) نباشد. برای این کار از آزمون لوین، لین و چو استفاده شده و نتایج آزمون ریشه واحد برای تمامی متغیرهای لحاظ شده در مدل در جدول (۳) گزارش شده است.

جدول ۳. آزمون ریشه واحد

نام متغیر	نماد	سطح	سطح معناداری	نتیجه
افشای ریسک	Risk Index	-۴/۲۶۳	۰۰۰	مانا
استقلال کمیته حسابرسی	ACIND	-۱/۸۴	/۰۳	مانا
تخصص کمیته حسابرسی	ACEXP	-۱/۶۷۷	/۰۴	مانا
اندازه کمیته حسابرسی	ACSIZ	-۱/۳۳	/۱۲۸	نامانا
استقلال هیئت‌مدیره	BIND	-۱۱/۱۶۶	۰۰۰	مانا
تخصص هیئت‌مدیره	BEXP	-۸/۳۲	۰۰۰	مانا
اندازه هیئت‌مدیره	BSIZE	-/۱۵۱	/۴۳۹	نامانا
اندازه شرکت	FSIZE	-۳/۹۲	۰۰۰	مانا
اهرم بدهی	LEV	-۷۴/۱۵۴	۰۰۰	مانا
فرصت رشد	MBT	۱۹/۷۵	۱	نامانا

از آنجا که متغیرهای الگو طبق آزمون‌های مانایی جواب یکسانی در مورد مانایی متغیرها گزارش نمی‌دهند، برای پرهیز از وجود رگرسیون کاذب در تخمین‌ها، باید هم‌انباشتگی بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور جهت بررسی هم‌انباشتگی و وجود رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو از آزمون هم‌انباشتگی کائو استفاده می‌شود.

جدول ۴. آزمون هم‌مجمعی کائو

نام آزمون	آماره t	سطح معناداری	نتیجه
هم‌مجمعی کائو	-۲/۲۳	/۰۱۲۶	وجود رابطه تعادلی بلندمدت

با توجه به نتایج جدول (۴)، براساس مقدار احتمال آماره آزمون، وجود هم‌انباشتگی بین متغیرهای الگو را رد نمی‌کنند و فرضیه مقابل مبنی بر وجود هم‌انباشتگی تأیید می‌شود. بنابراین وجود رابطه تعادلی بلندمدت و عدم وجود رگرسیون کاذب بین متغیرهای الگو اثبات می‌شود.

۲. آزمون انتخاب مدل

مطابق فرضیه انتظار بر این بود که ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای ریسک شرکت‌ها تأثیر معناداری داشته باشد. همانطوریکه در جدول (۵) مشخص است، برای انتخاب مدل تحلیل داده و استفاده از داده‌های ترکیبی یا تابلویی از آزمون چاو استفاده گردید. نتایج این دو آزمون مؤید استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی برای مدل پژوهش است.

جدول ۵. آزمون انتخاب مدل تحلیل داده‌های پژوهش

آزمون هاسمن		آزمون چاو (F limer)			
نتیجه	سطح معناداری	مقدار آماره کای دو	نتیجه	سطح معناداری	مقدار آماره
اثرات تصادفی	۰/۱۲۵	۱۲/۶۱	تابلویی	۰۰۰	۱۲/۳۹

۳. آزمون ناهمسانی واریانس

یکی از فروض کلاسیک رگرسیون، فرض همسانی واریانس خطاها است. ناهمسانی واریانس سبب ایجاد اعداد نادرست برای میزان معناداری ضرایب مدل رگرسیونی می‌شود. در این پژوهش، برای آزمون ناهمسانی واریانس از آزمون کوک-ویزبرگ استفاده شده است.

جدول ۶. آزمون ناهمسانی واریانس

نتیجه	سطح معناداری	آماره کای دو	نام آزمون
ناهمسانی واریانس وجود ندارد	۰/۱۰۳	۱۴/۵۷	آزمون کوک-ویزبرگ

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که آماره کای دو معنادار نیست و بیانگر عدم وجود ناهمسانی واریانس در جمله خطای مدل پژوهش است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مشکل ناهمسانی واریانس در این مدل وجود ندارد.

۴. آزمون خودهمبستگی سریالی

برای بررسی خودهمبستگی سریالی از آزمون وولدریج استفاده شده است. نتایج حاصل از انجام این آزمون به شرح جدول (۷) به صورت زیر است:

جدول ۷. آزمون خودهمبستگی سریالی

نتیجه	سطح معناداری	آماره کای دو	نام آزمون
وجود خودهمبستگی سریالی	۰۰۰	۲۴/۹۶	آزمون وولدریج

بر اساس نتایج آزمون وولدریج، با احتمال ۹۵ می‌توان فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی در داده‌های پانل را رد کرد و بنابراین وجود خودهمبستگی سریالی در داده‌ها تایید می‌شود. مدل نهایی پژوهش با در نظر گرفتن مشکل خودهمبستگی سریالی با استفاده از نرم افزار استاتاستا برآورد شده است.

۵. هم خطی بین متغیرهای مستقل مدل

میزان همبستگی بالا بین متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی، سبب کاهش میزان قابلیت اتکای نتایج مدل پژوهش می‌شود. در این پژوهش از معیارهای تورم واریانس (VIF) و عکس آن (تلورانس) برای بررسی هم خطی استفاده می‌شود.

جدول ۸. آزمون هم خطی بین متغیرها

تورانس	VIF	نماد	نام متغیر
۰/۹۵۶	۱/۰۴۵	ACIND	استقلال کمیته حسابرسی
۰/۹۶۵	۱/۰۳۶	ACEXP	تخصص کمیته حسابرسی
۰/۸۷۹	۱/۱۳۶	ACSIZ	اندازه کمیته حسابرسی
۰/۹۱۹	۱/۰۸۷	BIND	استقلال هیئت مدیره
۰/۹۰۲	۱/۱۰۸	BEXP	تخصص هیئت مدیره
۰/۹۲۲	۱/۰۸۴	BSIZE	اندازه هیئت مدیره
۰/۹۲۱	۱/۰۸۵	LEV	اهرم بدهی
۰/۷۹۴	۱/۲۵۸	FSIZE	اندازه شرکت
۰/۸۶۲	۱/۱۶۰	MBT	فرصت رشد

مطابق جدول (۸)، مقادیر آماره VIF متغیرها کمتر از ۵ و حدود ۱ است. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که به احتمال زیاد بین متغیرهای مستقل مدل همخطی قوی برقرار نیست.

برازش نهایی مدل

در جدول (۹) نتایج حاصل از برازش مدل پژوهش با استفاده از نرم افزار استاتا و با در نظر گرفتن اثرات تصادفی، ارائه شده است. در مدل افشای ریسک به عنوان متغیر وابسته استفاده می شود.

جدول ۹. نتایج حاصل از برازش مدل پژوهش

نام متغیر	نماد	ضریب	آماره	سطح معناداری
مقدار ثابت	C	۶/۵۹	۲/۵۵	۰/۰۱۱
استقلال کمیته حسابرسی	ACIND	۰/۰۵۲	۰/۹۴	۰/۳۴۹
تخصص کمیته حسابرسی	ACEXP	-۰/۰۰۸	-۰/۱۹	۰/۸۴۶
اندازه کمیته حسابرسی	ACSIZ	۰/۵۷۳	۲/۳۹	۰/۰۱۷
استقلال هیئت مدیره	BIND	۰/۰۷۴	۱/۷۴	۰/۰۸۲
تخصص هیئت مدیره	BEXP	-۰/۲۰۰	-۳/۱۷	۰/۰۰۲
اندازه هیئت مدیره	BSIZE	۰/۴۵۰	۱/۵۴	۰/۱۲۳
اهرم بدهی	LEV	۱/۱۶۶	۲/۶۶	۰/۰۰۸
اندازه شرکت	FSIZE	-۰/۳۰۹	-۲/۹۵	۰/۰۰۳
فرصت رشد	MBT	-۰/۰۵۷	-۳/۸۳	۰۰۰
آماره والد سطح معناداری	۴۷/۸۶ (۰۰۰)	ضریب تعیین		۰/۱۰۵

در جدول ۳ مقدار آماره کای دو (۴۷/۸۶) در سطح معناداری (صفر) بیانگر معناداری مدل پژوهش است.

متغیرهای استقلال و تخصص کمیته حسابرسی رابطه معناداری با افشای ریسک شرکت‌ها ندارند ولی اندازه کمیته حسابرسی (سطح معناداری ۰۰۵) دارای رابطه معنادار و مثبتی با افشای ریسک است یعنی با افزایش اندازه کمیته حسابرسی شرکت‌ها افشای ریسک در گزارش‌های مالی سالیانه آنها نیز افزایش می‌یابد. این یافته پژوهش با یافته پژوهش الشیرا و همکاران (۲۰۲۱) همسو است اما مغایر با پژوهش عبدالله و همکاران (۲۰۱۷) است. این محققان میان استقلال کمیته حسابرسی و افشای ریسک در شرکتهای مالزیایی رابطه معنادار منفی یافتند ولی میان اندازه کمیته حسابرسی و تخصص کمیته حسابرسی رابطه ای نیافتند. همچنین مغایر با پژوهش زنگ و همکاران (۲۰۱۳) است زیرا این محققان میان ویژگی استقلال کمیته حسابرسی و افشای ریسک ۶۶ شرکت استرالیایی رابطه معنادار مثبتی یافته اند.

در خصوص متغیرهای حاکمیت شرکتی، استقلال و اندازه هیات مدیره رابطه معناداری با افشای ریسک ندارد. این یافته مغایر با تیوری نمایندگی است زیرا مطابق تیوری نمایندگی افزایش مدیران مستقل باعث کاهش امکان فرصت طلبی مدیران موظف می‌شود. این یافته مطابق با پژوهش فصیحی و همکاران (۱۳۹۸) که رابطه معناداری بین اندازه و استقلال هیات مدیره و افشای ریسک نیافتند و با نتایج نمازی و ابراهیمی میمند (۱۳۹۵) که محققان رابطه معنادار منفی بین افشای ریسک و اندازه هیات مدیره یافتند مغایر است. علاوه بر آن، نتایج حاکی از آن است که تخصص هیات مدیره با افشای ریسک شرکت‌ها رابطه معناداری منفی دارد، یعنی با افزایش تخصص حسابداری و مالی اعضای هیات مدیره شرکت‌ها میزان افشای ریسک آن‌ها کاهش می‌یابد. این رابطه در پژوهش‌های داخلی بررسی نشده است.

در خصوص سایر متغیرهای کنترلی، متغیر اهرم بدهی (سطح معناداری صفر) دارای رابطه معناداری با افشای ریسک است، از آنجا که افزایش میزان بدهی شرکت‌ها احتمالاً سبب افزایش ریسک‌های مالی می‌شود لذا با افزایش میزان بدهی بلندمدت شرکت‌ها، احتمال افشای ریسک شرکت‌ها نیز افزایش یافته است. همچنین متغیر اندازه شرکت نیز دارای رابطه معنادار و منفی با افشای ریسک است، یعنی شرکتهای بزرگتر افشای ریسک کمتری دارند متغیر فرصت رشد نیز دارای رابطه منفی میزان افشای ریسک است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطابق تیوری نمایندگی، کمیته حسابرسی در شرکتها سبب کاهش هزینه نمایندگی از طریق کاهش مسئله نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی سبب افزایش کیفیت اطلاعات حسابداری می‌شود. همچنین مطابق تیوری وابستگی منابع، کمیته حسابرسی به عنوان ابزار و سازکار نظارتی است که با نقش مشاوره‌ای برای هیات مدیره، به هیات مدیره کمک می‌کند تا از تخصص‌ها و افراد بیشتری بهره‌برده و کیفیت و شفافیت اطلاعات مالی شرکت را افزایش دهد. لذا، این پژوهش با در نظر گرفتن دو تیوری نمایندگی و وابستگی به منابع، به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای ریسک در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. پس از بررسی ۶۸ شرکت در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸، نتایج حاکی از آن است که در میان ویژگی‌های تخصص، استقلال و اندازه کمیته حسابرسی تنها اندازه کمیته حسابرسی ریسک شرکت‌ها دارای رابطه معنادار و مستقیمی است یعنی با افزایش اندازه کمیته حسابرسی افشای ریسک نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه مطابق با تیوری وابستگی به منابع است؛ یعنی افزایش تعداد اعضای کمیته حسابرسی سبب افزایش تعداد افراد متخصص و باتجربه در شرکت شده، و از طریق خدمات مشاوره‌ای مرتبط بیشتر به هیات مدیره، افشای ریسک را نیز افزایش می‌دهد. این یافته پژوهش با یافته پژوهش الشیرا و همکاران (۲۰۲۱) همسو است اما مغایر با پژوهش عبدالله و همکاران (۲۰۱۷) و زنگ و همکاران (۲۰۱۳) است.

لذا، بر اساس نتایج این پژوهش به سرمایه‌گذاران آتی پیشنهاد می‌شود در ارزیابی‌های خود از شرکت‌ها، به اطلاعات افشای ریسک شرکت‌ها و همچنین وجود کمیته حسابرسی اثربخش که سبب افزایش کیفیت و میزان افشای ریسک شرکت‌ها می‌شود، دقت کنند. با توجه به اینکه اندازه کمیته حسابرسی رابطه معنادار مثبتی با افشای ریسک دارد به شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود مطابق تیوری وابستگی منابع، در تشکیل کمیته حسابرسی تلاش کنند که تعداد افراد بیشتری را به کار بگیرند تا از منابع و تخصص‌های بیشتری بهره‌برده و کمیته حسابرسی اثر بخش‌تری هم داشته باشند. همچنین، به پژوهشگران آتی نیز توصیه می‌شود به بررسی تأثیر کمیته حسابرسی بر افشای طبقات مجزا ریسک شرکتها خصوصا ریسک‌های مالی و عملیاتی بپردازند. همچنین با توجه به اینکه تمرکز این پژوهش بر شرکت‌های غیر مالی بوده است، به پژوهشگران آتی توصیه می‌شود به بررسی نقش کمیته حسابرسی بر افشای ریسک در بانک‌ها و سایر واسطه‌گری مالی و لیزینگ بپردازند.

منابع

- امیری سلیمانی، غلامرضا؛ فصیحی، صغری. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با مدیریت سود تعهدی و واقعی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری، ۲(۸)، ۱۵-۳۴. doi: 10.22055/jiar.2015.12416
- برادران حسن‌زاده، رسول؛ محرومی، رامین (۱۳۹۶). تأثیر افشای ریسک بر پیش‌بینی قیمت سهام به وسیله سود و ارزش شرکت‌ها، راهبرد مدیریت مالی، ۱۹(۵)، ۱۸۹-۲۰۹.
- حسینی، سید رسول؛ گنجی، حمیدرضا؛ اسکندری، قربان؛ سلطان‌پور، حامد. (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مدیریت ریسک سازمانی و ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر شهرت شرکت‌ها. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰۰-۱۰۱، ۱۱(۲). doi: 10.22051/jera.2021.34510.2782
- داداشی، ایمان؛ نوروزی، محمد. (۱۳۹۷). ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۸(۴)، ۲۷۲-۲۵۱. doi: 10.22051/jera.2018.15656.1677
- طاهری، ماندانا؛ رحمانی، علی؛ سلیمانی، غلامرضا. (۱۳۹۸). ارتباط ارزشی افشا و گزارشگری ریسک در بانک‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۱(۲)، ۱-۲۲. doi: 10.22108/far.2019.110363.1242
- صدیقی، هوشنگ؛ پاکدل، عبدالله. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه. مطالعات حسابداری و حسابرسی، ۶(۲۴)، ۸۵-۹۶.
- عبدی، مصطفی؛ آقایی، محمدعلی؛ امینیان، ابوالفضل؛ کاظمی علوم. (۱۳۹۹). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و هزینه سرمایه سهام عادی: آزمون تجربی نظریه وابستگی منابع. دانش حسابرسی، دانش حسابرسی، ۲۰(۷۹).
- فصیحی، صغری؛ حسینی، سید علی؛ مشایخ، شهناز. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر افشای ریسک بر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش سرمایه‌گذاری، ۸(۳۱)، ۳۷۲-۳۵۵.
- کامیابی، یحیی؛ بوژمهرانی، احسان. (۱۳۹۵). ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت غیر موظف اعضای هیات مدیره. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۶(۴)، ۱۹۱-۲۱۸. doi: 10.22051/jera.2017.2631
- نمازی، محمد؛ ابراهیمی میمند، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر افشای ریسک. فصلنامه حسابداری مالی، ۳۰، ۱-۳۹.

References

- Abdy, M. Aghaee, M. A., Aminian, A. & Kazemi, O. (2020), Audit Committee characteristics on COE; empirical examination of resource dependence theory, *Journal of Audit Science*, 20(79). (In Persian).

- Abernathy, J. L; Beyer, B; Masli, A; & Stefaniak, C. (2014). the association between characteristics of audit committee accounting experts, audit committee chairs, and financial reporting timeliness. *Advances in Accounting*, 30(2), 283-297.
- Abdullah, M; Shukor, Z. A; & Rahmat, M. M. (2017). The influences of risk management committee and audit committee towards voluntary risk management disclosure. *Jurnal Pengurusan (UKM Journal of Management)*, 50.
- Abraham, S. & Cox, P. (2007), "Analyzing the determinants of narrative risk information in UK FTSE 100 annual reports", *The British Accounting Review* Vol. 39, No. 3, pp. 227-248.
- Alshirah, M; Alshirah, A; & Lutfi, A. (2021). Audit committee's attributes, overlapping memberships on the audit committee and corporate risk disclosure: Evidence from Jordan. *Accounting*, 7(2), 423-440.
- Baradaran hassanzadeh, R; & Mahroomi, R. (2018). The Effect of Risk Disclosure on the Share Price Anticipation based on Earnings and Firm Value. *Financial Management Strategy*, 5(4), 189-209. doi: 10.22051/jfm.2018.13881.1274.(In Persian).
- Beyer, A. Cohen, D. A. Lys, T. Z. & Walther, B. R. (2010)."The financial reporting environment: Review of the recent literature". *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3): 296-343.
- Baxter, P; & Cotter, J. (2009). Audit committees and earnings quality. *Accounting & Finance*, 49(2), 267-290.
- Cohen, J. R; Hoitash, U; Krishnamoorthy, G; & Wright, A. M. (2014). The effect of audit committee industry expertise on monitoring the financial reporting process. *The Accounting Review*, 89(1), 243-273.
- Dadashi, I; Norouzi, M. (2018). A Model to Explain Effectiveness of Audit Committees on Audit Quality based on Structural Equations. *Empirical Research in Accounting*, 8(4), 251-272. doi: 10.22051/jera.2018.15656.1677.(In Persian).
- Dobler, M. (2005). "National and international developments in risk reporting: May the German Accounting Standard 5 lead the way internationally?" *German Law Journal*, 6(8), 1191-1200.
- Dionne, G; Chun, O.M. & Thouraya, T. 2015. Risk management and corporate governance: the importance of independence and financial knowledge. Available at <http://ssrn.com/abstract=2082515> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2082515>.
- Dionne, G. & Triki, T. (2005). Risk management and corporate governance: The importance of independence and financial knowledge for the Board and the Audit Committee. HEC Montreal Working Paper No. 05-03.
- Elshandidy, T. Fraser, I. Hussainey, K. (2013)." Aggregated, voluntary, and mandatory risk disclosure incentives: Evidence from UK FTSE allshare companies". *International Review of Financial Analysis*, 30: 320- 333.
- Fasihi, S; & Hosseini, S. A. (2020). Do risk disclosure increase firms' value? *Iranian Journal of Finance*, 4(2), 67-76.
- Fasihi, S; Hosseini, S; Mashayekh, S. (2019). The investigation of the effect of risk disclosure on investment efficiency of accepted companies in Tehran stock exchange. *Journal of Investment Knowledge*, 8(31), 355-372. (In Persian).

- Felo, A. J; Krishnamurthy, S; & Solieri, S. A. (2003). Audit committee characteristics and the perceived quality of financial reporting: An empirical analysis (Working paper). Pennsylvania State University.
- Ferreira, I. (2008). The effect of audit committee composition and structure on the performance of audit committees. *Meditari: Research Journal of the School of Accounting Sciences*, 16(2), 89-106.
- Habib, A; & Bhuiyan, M. B. U. (2016). Problem directors on the audit committee and financial reporting quality. *Accounting and Business Research*, 46(2), 121-144.
- Habib, A; & Bhuiyan, M. B. U. (2016). Overlapping membership on audit and compensation committees and financial reporting quality. *Australian Accounting Review*, 26(1), 76-90.
- Hosayni, S; Ganji, H; eskandari, G; SoltanPour, H. (2021). The Effects of Enterprise Risk Management (ERM) and Audit Committee Characteristics on the Firms' Reputation. *Empirical Research in Accounting*, 11(2), 99-136. doi: 10.22051/jera.2021.34510.2782. (In Persian)
- Ika, S. R; & Ghazali, N. A. M. (2012). Audit committee effectiveness and timeliness of reporting: Indonesian evidence. *Managerial Auditing Journal*.
- IFAC (1999), "Enhancing Shareholder Wealth by Better Managing Business Risk", International Federation of Accountants: Price Waterhouse Coopers, New York, NY, available at: http://devbiz.narod.ru/home/kozloff/PWC/risk_mngmnt99.pdf (accessed 3 March 2017).
- kamyabi, Y; boozhmehrani, E. (2017). Audit Committee Characteristics, Quality of Disclosure and Proportion of Non-Executive Directors. *Empirical Research in Accounting*, 6(4), 191-218. doi: 10.22051/jera.2017.2631. (In Persian).
- Konishi, N. & Ali, M. (2007). "Risk reporting of Japanese companies and its association with corporate characteristics". *International Journal of Accounting Auditing and Performance Evaluation*, 4(3), 263-285.
- Li, J; Mangena, M. & Pike, R. (2012). The effect of audit committee characteristics on intellectual capital disclosure. *The British Accounting Review*, 44: 98-110.
- Lobo, G.J. and Zhou, J. (2001), "Disclosure quality and earnings management", paper presented at the 2001 Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics Symposium in Hong Kong.
- Linsley, P. & Shrivies, P. (2006). "Risk reporting: a study of risk disclosures in the annual report of UK companies". *The British Accounting Review*, 38(4), 387-404.
- Lev, B. (1988). Towards a theory of equitable and efficient accounting policy. *The Accounting Review*, 63(1), 1-22.
- Miihkinen, A. (2012). What drives the quality of firm risk disclosure? *The International Journal of Accounting*, 47(4), 437-468.
- Namazi M, & Ebrahimimai-mand M. (2016). Studying the Effect of Corporate Governance on Risks Disclosure. *Quarterly financial accounting journal*. 8 (30) :1-39. (In Persian).
- Sedighi, H; & Pakdel, A. (2017). The Effect of the Characteristics of the Audit Committee on Voluntary Disclosure. *Accounting and Auditing Studies*, 6(24), 85-96. (In Persian).

- Soleimany Amiri, G; & Fasihi, S. (2015). The Relationship between Audit Committee Characteristics and the Real and Accrual Earnings Management of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Iranian Accounting Review*, 2(8), 15-34. doi: 10.22055/jiar.2015.12416. (In Persian).
- Taheri, M; Rahmani, A; & Soleimani, G. (2019). Value relevance of risk disclosure in Iranian listed banks. *Journal of Financial Accounting Research*, 11(1), 1-22. doi: 10.22108/far.2019.110363.1242.
- Zhang, X; Taylor, D; Qu, W; & Wise, V. (2013). Institutional ownership, audit committee and risk disclosure—Evidence from Australian stock market. *Corporate Board: Role, Duties & Composition*, 9(3), 66-81.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

تردید حرفه‌ای و ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف با اهمیت با تاکید بر نظریه شناخت اجتماعی^۱

کاوه پرن‌دین^۲، عبدالله تاکی^۳، سید محسن مدینه^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

مقاله پژوهشی

چکیده

ارزیابی خطر تحریف، یکی از اقدامات حسابرسان برای کسب اطمینان معقول از نبود تحریف صورت-های مالی است. این ارزیابی، نیازمند تبعیت از معیارهای تردید حرفه‌ای است. تردید حرفه‌ای، نگرشی است که همیشه همه چیز را مورد سوال قرار می‌دهد و به طور انتقادی شواهد حسابرسی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. هدف پژوهش حاضر بررسی اثر تردید حرفه‌ای بر ارزیابی خطر تحریف با اهمیت است. قلمرو زمانی پژوهش سال ۱۳۹۹، نمونه انتخابی بر مبنای فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر و جامعه آماری این پژوهش، حسابرسان شاغل در موسسات دولتی و خصوصی است. داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه و سناریو، با بکارگیری روش معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تردید حرفه‌ای بر ارزیابی خطر تحریف با اهمیت تاثیر مثبت دارد. همچنین فشار بودجه زمانی بر رابطه بین تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف، تاثیر منفی و اثر تجربه (متغیر فردی) بر رابطه بین تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف با اهمیت رد شد. حسابرسان برای تشخیص موارد تقلب و تحریف، ملزم به اعمال حد معقولی از تردید حرفه‌ای هستند؛ زیرا وقتی حسابرس دارای سطح پایینی از تردید حرفه‌ای باشد، تمایل دارد علائم تقلب و تحریف را نادیده بگیرد. احتمال کشف موارد تحریف برای حسابرسان با سطح تردید حرفه‌ای بالاتر بیشتر است، چراکه آنها به راحتی شواهد را پذیرفته و چه از جنبه کمی و چه از نظر کیفی بطور دقیق‌تری به بررسی شواهد و اطلاعات حسابداری می‌پردازند.

واژه‌های کلیدی: تردید حرفه‌ای، ارزیابی خطر تحریف، فشار بودجه زمانی، تجربه.

طبقه بندی موضوعی: H83, M42.

DOI: 10.22051/JERA.2023.40968.3028

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (kparandin@pnu.ac.ir)

۳. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). (Stu_taki59@pnu.ac.ir)

۴. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (madineh1361@pnu.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

حسابرسان در طول فرآیند حسابرسی اقدام به جمع آوری، ادغام و ارزیابی حجم زیادی از اطلاعات می‌کنند. یکی از مهم‌ترین ارزیابی‌هایی که حسابرسان در طی فرآیند برنامه‌ریزی انجام می‌دهند ارزیابی خطر تحریف است (حسین و همکاران^۱، ۲۰۱۷). بسته به قضاوت حرفه‌ای حسابرس و عمدی یا غیرعمدی بودن، تحریف ممکن است به دلیل تقلب یا خطا ایجاد شود. تحریف صورت‌های مالی به معنی دستکاری عناصر تشکیل دهنده آن‌ها از طریق متورم نمودن دارایی‌ها، فروش و سود یا ارائه کمتر از واقع بدهی‌ها، هزینه و زیان است (کاروسکی و سودرسکا^۲، ۲۰۱۵). بر خلاف آنچه به نظر می‌رسد ارزیابی میزان خطر تحریف توسط حسابرسان به طور دقیق و کامل انجام می‌شود، اما آن‌ها قادر به پیاده‌سازی صحیح روش‌های حسابرسی در این خصوص نبوده و هنوز هم، خطر تحریف با اهمیت بعنوان یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های تمرکز حسابرسی تلقی می‌شود (پوپوآ^۳، ۲۰۱۸). هارت^۴ (۲۰۱۰) تردید حرفه‌ای را نگرش بدبینی مداوم و عادت تعلیق احکام، تا زمانی که فرد اطلاعات و مدارک کافی را بدست آورد، تعریف می‌کند. هارت معتقد است اگر حسابرس در مورد قابلیت اطمینان اطلاعات ارائه شده توسط مشتری شک و تردید داشته باشد، باید به دنبال نشانه‌های بیشتر باشد تا بتواند مبنای کافی را برای اظهار نظر و قضاوت بهتر بدست آورد. با وجود دیدگاه‌های مختلف، مدل‌های مفهومی تردید حرفه‌ای در یک مورد اتفاق نظر دارند و آن اینکه تردید حرفه‌ای در چگونگی جستجو و پردازش اطلاعات توسط حسابرسان، با قضاوت‌ها و اقداماتی که انجام می‌دهند، قابل مشاهده است (نولدر و کادوس^۵، ۲۰۱۸). صاحب‌نظرانی مانند اسکینر^۶ (۱۹۷۴) رفتار را صرفاً تابع شرایط محیطی دانسته و معتقدند که اگر شرایط محیطی تغییر کند، رفتار نیز تغییر می‌یابد. برخی مانند پیاژه^۷ (۱۹۶۶) نیز رفتار را صرفاً معلول ویژگی‌های فردی می‌دانند. بندورا^۸ (۱۹۸۶) در قالب یک دیدگاه جامع در حوزه رفتار و در قالب نظریه شناخت اجتماعی بیان می‌کند که تعامل سه‌گانه فرد، محیط و رفتار موجب شکل‌گیری رفتار بعدی فرد می‌شود. یعنی هیچ یک از این

1. Hussin et al
2. Karwowski & Swiderska
3. Popova
4. Hurtt
5. Nolder & Kadous
6. Skinner
7. Piaget
8. Bandura

سه عامل جدا از عوامل دیگر به عنوان عامل تعیین کننده رفتار انسان محسوب نمی‌شود. نظریه شناخت اجتماعی توضیح می‌دهد، افراد چگونه الگوهای رفتاری را به دست می‌آورند و آن‌ها را حفظ می‌کنند (مورفی و همکاران^۱، ۲۰۰۱). نتیجه اینکه، کمیت و کیفیت تردید حرفه‌ای حسابرس، موجب ارزیابی بهتر خطر تحریف و در دید کلی تر منجر به بهبود فرایند قضاوت و کیفیت حسابرسی می‌گردد. بر این اساس هدف پژوهش حاضر، بررسی تاثیر تردید حرفه‌ای بر ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف با اهمیت با تاکید بر نظریه شناخت اجتماعی می‌باشد. نتایج این پژوهش، می‌تواند ضمن توسعه ادبیات نظری پژوهش‌های مرتبط با تردید حرفه‌ای و تبیین چگونگی اثرگذاری نظریه شناخت اجتماعی بر فرایند پیاده‌سازی رفتار تردیدآمیز حسابرسان، چگونگی ارزیابی خطر تحریف با اهمیت و نقش تعدیل‌گر عوامل فردی و محیطی را آشکار سازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف با اهمیت

طبق استانداردهای حسابرسی، تردید حرفه‌ای شامل ارزیابی نقادانه شواهد حسابرسی متناقض و قابلیت اتکای اسناد و مدارک و نتایج پرسوجوها و سایر اطلاعات اخذ شده از مدیران اجرایی و ارکان راهبری واحد تجاری است (استاندارد حسابرسی ۲۰۰). در اعمال تردید حرفه‌ای، حسابرس نباید تصور کند که مدیریت صادق نیست و همچنین نباید تصور کند که صداقت کامل دارد (هرمزی و همکاران، ۱۳۹۵). هارت^۲ (۲۰۱۰) این نظریه را مطرح می‌کند که یک حسابرس شکاک معمولاً برای دستیابی به شفافیت، بیشتر سؤال می‌کند و خواهان دلایل یا مستندات بیشتری می‌باشد. مطابق استانداردهای حسابرسی، حسابرس باید در حرفه خود برای انجام حسابرسی از تخصص و مهارت لازم برخوردار باشد؛ هرچه سطح مهارت بالاتر باشد، توانایی حسابرس افزایش یافته و به تبع آن می‌تواند حسابرسی مطلوب‌تری ارائه دهد. یکی از مهارت‌هایی که حسابرس تدریجاً و بر اثر تکرار کار و از طریق تجربه تحصیل می‌کند، مهارت بکارگیری نگرش تردید حرفه‌ای است (ناگراها و سوریاننداری^۳، ۲۰۱۸). یکی از دغدغه‌های اصلی نهادهای نظارتی حسابرسی، توانایی محدود حسابرسان در برجسته کردن موارد

1. Murphy
2. Hurr
3. Nugraha

موفقیت آمیز گزارش موارد تحریف است. ارزیابی صحیح و دقیق خطر تحریف باعث بهبود کیفیت حسابرسی می‌شود. در نتیجه حرفه حسابرسی، حسابرسان را ملزم به اعمال و ارتقای تردید حرفه‌ای نموده است. این حرفه معتقد است نهادینه نشدن تردید حرفه‌ای در بین حسابرسان ممکن است آنها را در این دام گرفتار کند تا کیفیت کار خود را قربانی خطر تحریف با اهمیت نمایند. با در نظر گرفتن این واقعیت که نهادهای نظارتی غالباً عدم کشف موارد تحریف را با پایین بودن سطح تردید حرفه‌ای مرتبط می‌دانند و نیز از آنجا که قصد و نیت حسابرسان برای گزارش تحریف ممکن است رفتار تردید آمیز حسابرسان را به دنبال داشته باشد، به لحاظ نظری می‌توان گفت که حسابرسان دارای نگرش تردید حرفه‌ای قوی، نسبت به حسابرسانی که دارای نگرشی با تردید حرفه‌ای ضعیف هستند، بیشتر درگیر ارزیابی خطر تحریف با اهمیت می‌شوند (حسین و همکاران^۱، ۲۰۱۷). نتایج پژوهش‌های خمسیه^۲ (۲۰۱۹)، ایندراواتی و همکاران^۳ (۲۰۱۹)، عدنان^۴ (۲۰۱۷)، هارتان^۵ (۲۰۱۶) پراسیتو^۶ (۲۰۱۵) و سوپریانتو^۷ (۲۰۱۴) تایید می‌کند که تردید حرفه‌ای بر توانایی حسابرسان در تشخیص تقلب تاثیر می‌گذارد و نشان می‌دهد که هرچه تردید حرفه‌ای یک حسابرس بالاتر باشد، توانایی او در تشخیص تقلب نیز افزایش می‌یابد.

نظریه شناخت اجتماعی، تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف

نظریه شناخت اجتماعی بر تعامل سه گانه و دوسویه خصوصیات فردی، محیطی و رفتار تأکید دارد. بندورا^۸ (۱۹۸۶) بیان می‌کند، عوامل درونی (ویژگی‌های فردی، شخصیتی و شناختی) و عوامل بیرونی (عوامل اجتماعی و محیطی) بر رفتار افراد اثرگذار هستند. حتی گاهی پیش‌بینی فرد از قبل نیز بر نتایج تصمیم او تاثیرگذار است (هرگنان و اولسون^۹، ۲۰۰۷). اولسون و رامیرز^{۱۰} (۲۰۲۰) عواملی نظیر جنسیت، سن، تجربه و شرایط فیزیولوژی را بعنوان عوامل فردی معرفی می‌کنند؛ آنها متغیرهای فردی را متغیرهای منحصر به فردی می‌دانند که هر آزمودنی آنرا با خود به صحنه آزمایش می‌آورد. همچنین در تشریح عوامل محیطی، رامیرز و همکاران^{۱۱}

1. Hussin et al
2. Khomsiyah
3. Indrawati et al
4. Adnan
5. Hartan
6. Prasetyo
7. Supriyanto
8. Bandura.
9. Hrgnhan
10. Olson & Ramírez
11. Ramirez et al

(۲۰۱۲) آن‌ها را عواملی بیرون از فرد اما تاثیرگذار بر رفتار دانسته و حمایت اجتماعی و موانع را از مصادیق بارز عوامل محیطی تعریف می‌کنند. حمایت اجتماعی با این موضوع در ارتباط است که چگونه و تا چه حد، کمک دیگران در ایجاد و تقویت رفتارهای خاص تاثیر دارد. موانع محیطی عواملی اجتماعی و ساختاری هستند که به طور مستقیم از تغییر در رفتار جلوگیری می‌کنند و در حقیقت هر چه موانع بیشتر باشد امکان تغییر در رفتار کمتر خواهد بود. برخی از ابعاد شک و تردید حرفه‌ای ممکن است تحت تاثیر خصوصیات فردی حسابرس مانند آموزش، تجربه کاری، دانش و جنسیت، قرار گیرد (حسین و همکاران^۱، ۲۰۱۹). پیتچوا^۲ (۲۰۱۴) بیان می‌کند که نگرش شک و تردید، تابعی از عوامل فردی حسابرسان است، اما حسین و همکاران (۲۰۱۹) معتقدند رابطه بین عوامل فردی و تردید حرفه‌ای حسابرسان هنوز در هاله‌ای از ابهام است. ایتسلر^۳ (۲۰۱۷) بیان می‌کند در مقیاس تردید حرفه‌ای هارت مواردی از جمله ویژگی‌های فردی حسابرسان و عوامل محیطی مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گرفته است. تردیدگرایی از دیدگاه هارت^۴ (۲۰۱۳) به عنوان یک ویژگی شخصیتی و فردی تعریف شده است، تردید حرفه‌ای حسابرسی بر نوع و شیوه کار حسابرسان در کشف موارد تحریف موثر بوده و در نهایت این مساله، کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹). تجربه عبارت است از دانش یا تخصصی که از طریق مشاهده مستقیم یا شرکت در رویداد یا فعالیتی خاص بوجود آمده باشد (سوکندرا و همکاران^۵، ۲۰۱۵). ووگل^۶ (۱۹۹۳) بیان می‌کند که تجربه امری بسیار مهم و حیاتی در شکل‌گیری فرضیات تردیدآمیز است. تجربه فرایند افزایش توسعه دانش به دست آمده از مشاهده مستقیم یا غیر مستقیم است. تجربه حسابرس بر نگرش حسابرس تاثیر می‌گذارد، یکی از نگرش‌ها، نگرش تردید حرفه‌ای است زیرا یک حسابرس با تجربه می‌تواند تقلب یا اشتباهات را بهتر از یک حسابرس بی‌تجربه تشخیص دهد (ناگراها و سوریاننداری^۷، ۲۰۱۸). جانسن و همکاران^۸ (۲۰۲۱) مدل‌های مفهومی موجود تردید حرفه‌ای حسابرسان را با نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده ادغام و یک مدل قابل آزمایش تجربی را

1. Hussein et al
2. Peytcheva
3. Eutsler
4. Hurtt
5. Sukendra et al
6. Vogel
7. Nugraha & Suryandari
8. Janssen et al

ایجاد کردند و با کمک آن ارتباط بین ویژگی شکاکیت و اقدامات تردید‌آمیز را توضیح دادند. آنها دریافتند شرکا و مدیران رده بالا (با تجربه)، نسبت به کارکنان رده پایین (کم تجربه)، شکاک‌تر بوده و تفاوت‌های فردی و ویژگی‌های شخصیتی با سطوح مختلف شکاکیت مرتبط است. نتیجه پژوهش‌های انجام شده توسط سانتوسا و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، سیلا و همکاران^۲ (۲۰۱۶) و ناگراها و سوریاننداری (۲۰۱۸)، حاکی از تاثیر مثبت و قابل توجه تجربه بر صحت اظهار نظر و کیفیت قضاوت است. یکی دیگر از عوامل محیطی که می‌تواند فرایند حسابرسی و قضاوت حسابرس را تحت تاثیر قرار دهد، فشار بودجه زمانی است. فشار بودجه زمانی هنگامی اتفاق می‌افتد که میزان زمان برنامه‌ریزی شده برای انجام عملیات حسابرسی، کمتر از زمان واقعی مورد نیاز برای انجام این کار باشد. زمان حسابرسی باید بصورت واقع‌بینانه مشخص شود، نه خیلی طولانی و نه خیلی کوتاه؛ بنابراین بودجه زمانی باید از طرفی آنقدر طولانی نباشد که انگیزه تلاش را در حسابرس تضعیف نماید و از طرفی آنقدر محدود نباشد که بدلیل صرف نظر کردن از روش‌ها، باعث بروز رفتار انحرافی و غیر حرفه‌ای شود (دوی و همکاران^۳، ۲۰۲۱). دوی و همکاران (۲۰۲۱) معتقدند هرچه فشار بودجه زمانی دریافت شده توسط حسابرسان بیشتر باشد، کیفیت حسابرسی پایین‌تر خواهد بود. این نشان می‌دهد که در انجام حسابرسی‌ها، حسابرسان اغلب تحت فشار بودجه زمانی قرار می‌گیرند، چرا که باید حسابرسی را در یک زمان مشخص تکمیل کنند. هنگامی که حسابرس چندین روش حسابرسی را برای رعایت مهلت‌های از پیش تعیین شده حسابرسی نادیده می‌گیرد، تأثیر فشار بودجه زمانی ملموس‌تر شده و مقدمات کاهش کیفیت را فراهم می‌آورد. نتایج تحقیقات انجام شده توسط نجیب و سوریاننداری^۴ (۲۰۱۷) و دوی و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که فشار بودجه زمانی بر کیفیت حسابرسی تأثیر منفی دارد.

پیشینه پژوهش

دوی و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «تأثیر استقلال، حرفه‌ای‌گری، تردید حرفه‌ای و فشار بودجه زمانی بر کیفیت حسابرسی» و با در نظر گرفتن استدلال اخلاقی بعنوان متغیر تعدیل‌گر، به این نتیجه رسیدند که استقلال، حرفه‌ای بودن و تردید حرفه‌ای بر کیفیت حسابرسی تأثیر مثبت دارد، اما فشار بودجه زمانی بر کیفیت حسابرسی تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین

1. Santosa et al
2. Sila et al
3. Dewi et al
4. Najib

استدلال اخلاقی بعنوان متغیر تعدیل‌گر، تأثیر استقلال، تردید حرفه‌ای و فشار بودجه زمانی بر کیفیت حسابداری را تعدیل می‌کند.

لاوود و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «توانایی حسابرسان در کشف تقلب: استقلال، تجربه حسابداری، تردید حرفه‌ای و فشار کاری» در کشور اندونزی، تعداد ۲۰۲ حسابرسان را بعنوان نمونه در نظر گرفته و اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌ها را به روش رگرسیون خطی چندگانه مورد تحلیل قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که استقلال تأثیر مثبت و معناداری بر توانایی تشخیص تقلب توسط حسابداران دارد، اما تأثیر تجربه و تردید حرفه‌ای در توانایی حسابرسان در کشف تقلب تأیید نشد. همچنین، تأثیر منفی فشار کاری بر توانایی حسابرسان در تشخیص تقلب تأیید گردید.

سیمون و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «چگونه تجزیه ریسک تقلب بر ارزیابی خطر تقلب حسابرسان تأثیر می‌گذارد» با در نظر گرفتن نمونه‌ای شامل ۱۰۱ مدیر و شریک حسابداری در کشور آمریکا، با جمع‌آوری داده‌های پژوهش بوسیله سناریو و تحلیل آنها به روش رگرسیون، دریافتند که ارزیابی حسابرسانی که خطر تقلب را به احتمال وقوع و میزان آن تجزیه می‌کنند، از میزان خطر تقلب ارزیابی شده نسبت به حسابرسانی که خطر تقلب را بطور کلی بررسی می‌کنند در سطح پایین‌تری قرار دارد.

گرانرت و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تأثیر یادگیری و رتبه‌بندی سازمانی بر تردید حرفه‌ای در جستجوی اطلاعات» در کشور هلند، داده‌های جمع‌آوری شده از طریق پرسشنامه آنلاین مربوط به یک نمونه ۱۶۶ نفری شامل حسابرسان در رده‌های مختلف را با بکارگیری سه راهبرد تحلیل واریانس، آزمون‌های تعقیبی و تجزیه و تحلیل فرایند مشروط مورد تحلیل قرار دادند. آنها دریافتند که حسابرسان با رتبه بالاتر از یادگیری بیشتر بهره‌مند می‌شوند و به طور قابل توجهی در جستجوی اطلاعات تردیدآمیز شرکت می‌کنند.

شوفیا^۴ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «تأثیر استقلال، تجربه و جنسیت در توانایی حسابرسان در کشف تقلب: اثر تعدیلی تردید حرفه‌ای» در کشور اندونزی، با انتخاب نمونه‌ای متشکل از ۸۴ حسابرسان و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار اسپاس پی اس و روش

1. La Ode

2. Simon et al

3. Grohnert et al

4. Shofia

رگرسیون تعدیل شده دریافت که استقلال و تجربه حسابرسان اثر مثبت و معناداری بر کشف تقلب داشته، اما معناداری اثر جنسیت بر کشف تقلب تأیید نشد.

ناگراها و سوریاناداری^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی در کشور اندونزی تحت عنوان «تأثیر تخصص، تردید حرفه‌ای و قضاوت حسابرس بر صحت اظهار نظر حسابرس» با در نظر گرفتن اطلاعات نمونه ۵۵ نفری و تحلیل داده‌ها با روش توصیفی و استفاده از آزمون سوبل، دریافتند که تجربه، تخصص حسابرس و قضاوت حسابرس بر صحت اظهار نظر حسابرس تأثیر مثبت داشته و تخصص حسابرس و قضاوت حسابرس می‌تواند تأثیر تجربه را بر صحت اظهار نظر حسابرسی تقویت کند.

حسین و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «تردید حرفه‌ای و ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف با اهمیت: اثر متغیر تجربه و فشار بودجه زمانی به بررسی رابطه بین تردید حرفه‌ای، تجربه و فشار بودجه زمانی بر ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف با اهمیت پرداختند. نتایج نشان داد که شک و تردید حرفه‌ای و تجربه اثرات مثبتی بر ارزیابی حسابرسان از خطر ناشی از تحریف با اهمیت دارند، در حالی که فشار بودجه زمانی تأثیر منفی دارد و تأثیر مثبت تردید حرفه‌ای در ارزیابی حسابرسان از خطر ناشی از تحریف با اهمیت در بین حسابرسان با تجربه بیشتر است. از طرف دیگر، تأثیر مثبت تردید حرفه‌ای در ارزیابی خطر وقتی حسابرسان تحت فشار بودجه زمانی بالا کار می‌کنند از زمانی که آن‌ها تحت فشار بودجه زمانی کم کار می‌کنند، ضعیف تر است.

پرانسانتی و یولیانتو^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «تأثیر فشار بودجه زمانی، اخلاق حسابرس، استقلال و پیچیدگی کار بر کیفیت حسابرسی» به بررسی تأثیر فشار بودجه زمانی، اخلاق حسابرس، استقلال و پیچیدگی کار بر کیفیت حسابرسی با وجود متغیر تعدیل گر تعهد سازمانی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که فشار بودجه زمانی و اخلاق حسابرس تأثیر مثبت و معنادار بر کیفیت حسابرسی دارد، اما پیچیدگی کار و استقلال حسابرس بر کیفیت حسابرسی تأثیر ندارد.

بروبرگ و همکاران^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «توضیح تأثیر فشار بودجه زمانی بر کیفیت حسابرسی» در کشور سوئد به بررسی تأثیر فشار بودجه زمانی بر کیفیت حسابرسی پرداختند.

1. Nugraha

2. Prasanti & Yulianto

3. Broberg et al

نمونه پژوهش شامل ۱۰۸ حسابرس و ابزار جمع آوری پژوهش پرسشنامه است. تحلیل داده‌ها با روش رگرسیون نشان داد که فشار بودجه زمانی بر کیفیت حسابرسی تاثیر دارد.

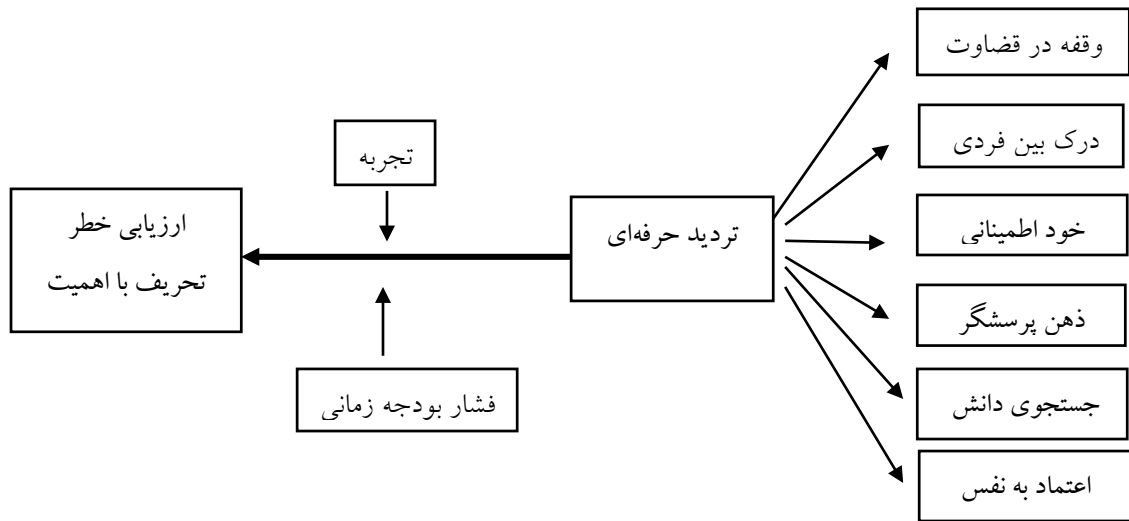
صفی خانی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه تردید حرفه‌ای، شناخت صاحبکار و قضاوت حسابرس به بررسی این موضوع پرداختند که آیا سطوح مختلف تردید حرفه‌ای بین حسابرسان (تردید حرفه‌ای کم یا زیاد) و شناخت صاحبکار (مثبت، منفی و صفر) بر قضاوت‌های حسابرس تاثیر دارد یا خیر؟ نتایج پژوهش نشان داد تصمیمات و قضاوت‌های حسابرس تحت تاثیر سطح تردید حرفه‌ای و شناخت صاحبکار است. ارتقای سطح تردید حرفه‌ای، راهکاری برای پیشگیری از سویه‌های رفتاری است.

موسوی گوکی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان تیپ شخصیتی و شک و تردید حرفه‌ای: آیا حسابرسان واقعا مستقل هستند؟ به بررسی ابعاد مختلف تیپ شخصیتی و تاثیر آن بر تردید حرفه‌ای حسابرس پرداختند. آن‌ها دریافتند که تردید حرفه‌ای تحت تاثیر تیپ شخصیتی بوده که این امر می‌تواند بی‌طرفی و استقلال حسابرسان را تحت تاثیر قرار دهد.

حسینی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تاثیر دیدگاه‌های تردید حرفه‌ای حسابرس بر ارزیابی خطر تقلب» به این نتیجه رسیدند که از میان شش مولفه تردید حرفه‌ای، تنها تاثیر دو عامل ذهن پرسشگر و وقفه در قضاوت بر ارزیابی خطر تقلب معنادار است. مهارت ارتباطی با سه شاخص تردید حرفه‌ای در ارزیابی خطر تقلب، یعنی جستجوی دانش، وقفه در قضاوت و اعتماد به نفس، اثر مداخله‌گری مثبت و معنادار دارد. تضعیف اجتماعی بر سه شاخص تردید حرفه‌ای در ارزیابی خطر تقلب، یعنی ذهن پرسشگر، وقفه در قضاوت و اعتماد به نفس اثر مداخله‌گری منفی و معنادار داشته و آن‌ها را تعدیل می‌نماید.

فرضیه‌های پژوهش

- بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:
۱. تردید حرفه‌ای بر ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف با اهمیت تاثیر مثبت دارد.
 ۲. فشار بودجه زمانی بر رابطه بین تردید حرفه‌ای حسابرسان و ارزیابی آن‌ها از خطر تحریف با اهمیت تاثیر منفی دارد.
 ۳. میزان تجربه حسابرسان بر رابطه بین تردید حرفه‌ای حسابرسان و ارزیابی آن‌ها از خطر تحریف با اهمیت تاثیر مثبت دارد.



شکل ۱. الگوی مفهومی پژوهش (منبع: محقق ساخته)

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت پژوهشی شبه‌تجربی و از نوع پیمایشی می‌باشد. قلمرو زمانی پژوهش سال ۱۳۹۹ است. در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از پرسشنامه مبتنی بر سناریو و برگرفته از پژوهش حسین و همکاران (۲۰۱۷) استفاده می‌شود. به منظور اطمینان از روایی، قبل از توزیع نهایی پرسشنامه در بین نمونه پژوهش، سناریوی تدوین شده توسط استادان حسابداری بررسی و نظر آن‌ها در سناریو اعمال شد و محتوای سناریو مطابق با شرایط محیطی ایران تغییر یافت. علاوه بر این، قبل از توزیع پرسش‌نامه با چند مدیر و شریک حسابرسی در خصوص سناریو و سایر پرسش‌نامه‌ها مصاحبه به عمل آمد و پیشنهادهای آنها نیز اعمال گردید. به منظور کنترل اثرات ناشی از نوسان‌های اقتصادی شدید، دوره حسابرسی سناریو سال ۱۳۹۵ در نظر گرفته شده است و به منظور مقایسه نتایج پژوهش با پژوهش‌های قبلی - از جمله حسین و همکاران (۲۰۱۷) - از اطلاعات واقعی شرکت‌های دارویی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است تا اعداد و ارقام سناریو از نظر محصول قابل فروش، دوره وصول مطالبات و غیره با محیط اقتصادی ایران همخوانی داشته باشد.

پرسشنامه مبتنی بر سناریو در سه بخش تنظیم شده است. در بخش اول آن اطلاعاتی در خصوص شرکت و موسسه حسابرسی که روش تحلیل مقدماتی را برای برنامه‌ریزی حسابرسی مورد استفاده قرار داده است، تشریح شده است. سناریوی طراحی شده حاوی اطلاعات مقایسه‌ای مربوط به عملکرد یک شرکت سهامی و فعال در زمینه تولید دارو در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ است که سه محصول را تولید و به بازار عرضه می‌کند. در بخش دوم پرسشنامه با استفاده از پرسشنامه ۳۰ سوالی تردید حرفه‌ای هارت^۱ (۲۰۱۰)، میزان تردید حرفه‌ای مشارکت‌کننده، اندازه‌گیری و برای جمع‌آوری داده‌های مربوط به متغیر فشار بودجه زمانی از پرسشنامه ۶ سوالی فشار بودجه زمانی اوتلی و پیرس (۱۹۹۶) استفاده شد که در هر دو آنها از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است؛ به این ترتیب که مشارکت‌کننده بیشترین میزان موافقت خود را با عدد ۵ و کمترین میزان موافقت را با عدد ۱ نشان می‌دهد. نهایتاً در بخش سوم پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک مشارکت‌کننده از جمله میزان تجربه حرفه‌ای مورد سوال قرار گرفت. در این پژوهش مشارکت‌کننده با تجربه کمتر از ۱۰ سال به عنوان تجربه پایین و مشارکت‌کننده با تجربه بالای ۱۰ سال بعنوان تجربه بالا، تعریف و داده‌های مربوط به این متغیر بصورت صفر و یک در نظر گرفته شد. دلیل انتخاب ۱۰ سال، رعایت ماده ۳ قانون و مقررات جامعه حسابداران رسمی ایران (۱۳۹۵) مبنی بر داشتن حداقل ۶ سال سابقه کار حسابرسی جهت عضویت در جامعه حسابداران رسمی است.

متغیرهای استفاده شده در این پژوهش به سه دسته مستقل، وابسته و تعدیل‌گر تقسیم می‌شوند. متغیر مستقل پژوهش، تردید حرفه‌ای است. متغیر وابسته پژوهش، ارزیابی حساب‌رسان از خطر تحریف با اهمیت و سایر متغیرها بعنوان متغیرهای تعدیل‌گر می‌باشند. علاوه بر این از دیدگاه نظریه شناخت اجتماعی، متغیرهای تعدیل‌گر پژوهش در دو دسته متغیرهای فردی و متغیرهای محیطی دسته‌بندی شده‌اند، به نحوی که متغیر تجربه، بعنوان متغیر فردی و فشار بودجه زمانی، متغیر محیطی است. جامعه آماری این پژوهش حساب‌رسان شاغل در حرفه حسابرسی بوده و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر نمونه پژوهش برای جامعه نامعلوم تعیین و نمونه‌ها بصورت تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه به صورت حضوری و الکترونیکی توزیع شد و نهایتاً داده‌های جمع‌آوری شده با بکارگیری روش معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار پی‌اس اس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی

نتایج آمار توصیفی مشارکت‌کنندگان پژوهش به صورت خلاصه در جدول (۱) ارائه شده است. آمار توصیفی از جنبه‌های جنسیت، سابقه کاری، نوع موسسه محل اشتغال پاسخ‌دهندگان و عضویت جامعه حسابداران رسمی مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱. نتایج آمار توصیفی

عضویت جامعه حسابداران رسمی		نوع موسسه حسابرسی		سابقه کاری		جنسیت	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۳۳/۷	۹۱	۲۱/۷	۸۳	۵۸	۲۲۳	۶۴/۳	۲۴۷
عضویت دارد		دولتی		کمتر از ۱۰		مرد	
۷۶/۳	۲۹۳	۷۸/۳	۳۰۱	۴۲	۱۶۱	۳۵/۷	۱۳۷
عضویت ندارد		خصوصی		بیشتر از ۱۰		زن	
۳۸/۴		۳۸/۴		۳۸/۴		٪۱۰۰	
جمع کل		٪۱۰۰		٪۱۰۰		٪۱۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که ۲۳/۷ درصد از مشارکت‌کنندگان، عضو جامعه حسابداران رسمی، ۷۸/۳ درصد شاغل در موسسات خصوصی، ۵۸ درصد دارای سابقه کاری زیر ۱۰ سال هستند و درصد فراوانی مردان به میزان ۶۴/۳ درصد است.

پایایی و روایی سازه‌ها

در معادلات ساختاری دو مدل بیرونی و درونی مورد آزمون قرار می‌گیرد. آزمون مدل بیرونی جهت تعیین روایی و پایایی سازه‌ها و آزمون درونی جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش و با استفاده از مدل‌سازی یا تحلیل مسیر انجام می‌شود. در روش معادلات ساختاری، جهت ارزیابی پایایی سنج‌ها از بار عاملی، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ آن‌ها استفاده می‌شود. حداقل میزان قابل قبول برای بار عاملی هر یک از سنج‌ها برابر با ۰/۵ می‌باشد و سنج‌هایی که بار عاملی

آن‌ها کمتر از این میزان باشد باید از فرآیند آزمون کنار گذاشته شوند. همچنین، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی باید به ترتیب از ۰/۵ و ۰/۷ بزرگتر باشند. برای سنجش روایی از آزمون روایی همگرا استفاده می‌شود، مقدار این ضریب نیز از صفر تا ۱ متغیر است که مقادیر بالاتر از ۰/۵ پذیرفته می‌شود (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). نتایج مربوط به روایی و پایایی در جدول (۲) آمده است:

جدول ۲. خلاصه روایی و پایایی مدل پژوهش

سازه	روایی همگرا	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
ارزیابی خطر تحریف با اهمیت	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
تردید حرفه‌ای	۰/۵۳۷	۰/۹۴۷	۰/۹۴۰
تردید حرفه‌ای* فشار بودجه زمانی	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰
جستجوی دانش	۰/۷۲۹	۰/۸۹۰	۰/۸۱۴
وقفه در قضاوت	۰/۷۷۹	۰/۹۱۳	۰/۸۵۸
خودرأیی	۰/۷۱۵	۰/۹۰۹	۰/۸۶۷
ذهن پرسشگر	۰/۷۴۹	۰/۸۹۹	۰/۸۳۳
اعتماد به نفس	۰/۶۴۹	۰/۸۷۷	۰/۸۰۲
درک میان فردی	۰/۵۸۳	۰/۸۷۲	۰/۸۱۳
فشار بودجه زمانی	۰/۶۵۵	۰/۸۸۳	۰/۸۲۴

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج جدول (۲) نشان می‌دهد که تمام سازه‌های پژوهش، مقادیر حداقلی را برای ضریب آلفای کرونباخ (حداقل ۰/۵) و پایایی ترکیبی (حداقل ۰/۷) بدست آورده‌اند. بنابراین، پایایی سازه‌های پژوهش برقرار است. همچنین، با توجه به محتوای پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ها توسط متخصصین و اساتید آشنا به موضوع، مورد بررسی قرار گرفت و روایی آن تایید گردید. علاوه بر این، برای سنجش روایی واگرا از معیار فورنل لانکر استفاده شد. معیار فورنل لانکر اشاره به این موضوع دارد که ریشه دوم مقادیر واریانس شرح داده شده هر سازه (قطر اصلی ماتریس)،

بزرگ‌تر از مقادیر همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر باشد (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷). نتایج مربوط به سنجش روایی واگرا در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. روایی واگرا بر اساس معیار فورنل لانگر

ارزیابی خطر تغییرپذیر	اعتماد به نفس	جستجوی دانش	روایی	درک میان فردی	ذهن پرسشگر	فشار بودجه زمانی	وقفه در قضاوت
ارزیابی خطر تحریف	۱/۰۰۰						
اعتماد به نفس	۰/۴۶۴	۰/۸۰۵					
جستجوی دانش	۰/۴۸۸	۰/۵۶۳	۰/۸۵۴				
خودرایی	۰/۴۶۲	۰/۵۶۲	۰/۵۴۸	۰/۸۴۵			
درک میان فردی	۰/۴۸۱	۰/۶۰۳	۰/۵۹۹	۰/۷۳۳	۰/۷۶۴		
ذهن پرسشگر	۰/۴۴۹	۰/۷۲۰	۰/۵۵۲	۰/۵۷۸	۰/۶۱۵	۰/۸۶۵	
فشار بودجه زمانی	-۰/۵۹۱	-۰/۵۱۵	-۰/۶۶۲	-۰/۵۶۵	-۰/۵۹۱	-۰/۴۷۸	۰/۸۰۹
وقفه در قضاوت	۰/۴۶۴	۰/۴۸۷	۰/۶۶۷	۰/۴۷۸	۰/۵۱۳	۰/۴۶۴	-۰/۶۵۷

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به بازه‌های قابل پذیرش برای روایی واگرا، خروجی‌های نرم افزار پی ال اس نشان می‌دهد که این معیار برای همه سازه‌ها در بازه‌های مناسب قرار دارند.

ارزیابی مدل ساختاری

قبل از بررسی فرضیه‌های پژوهش لازم است ارزیابی مدل ساختاری صورت گیرد. معیارهای ارزیابی مدل ساختاری، شامل معیار ضریب تعیین و عامل تورم واریانس (همخطی) است. برازش مدل ساختاری از طریق معیار ضریب تعیین و عامل تورم واریانس صورت می‌گیرد. ضریب تعیین معیاری است که نشان از تاثیر یک متغیر مستقل بر یک متغیر وابسته دارد و سه مقدار ۰/۱۹،

۰/۲۵ و ۰/۶۵. برای این معیار بعنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته می‌شود. عامل تورم واریانس نیز برای تشخیص همخطی استفاده می‌شود و مقادیر کمتر از ۵ برای این معیار قابل قبول می‌باشد (آذر، ۱۳۹۵). مقادیر ضریب تعیین و عامل تورم واریانس در جدول ۴ و ۵ مناسب بودن برازش مدل ساختاری را تایید می‌کند:

جدول ۴. مقادیر ضریب تعیین مدل ساختاری پژوهش

سازه	ارزیابی خطر تحریر	اعتماد به نفس	جستجوی دانش	مدیریتی	درک میان فردی	فشار پرستشگر	وقته در قضاوت
ضریب تعیین	۰/۴۰۵	۰/۶۶۳	۰/۶۳۴	۰/۶۸۱	۰/۷۳۹	۰/۶۵۱	۰/۵۲۵

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵. مقادیر عامل تورم واریانس مدل ساختاری پژوهش

سازه	تردید حرفه ای	فشار بودجه زمانی	تردید حرفه‌ای * فشار بودجه زمانی
ارزیابی خطر تحریف	۲/۳۲۸	۲/۰۲۸	۱/۲۹۰

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش مربوط به متغیرهای کمی و کیفی در جدول ۶ و ۷ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش (متغیرهای کمی)

مسیر فرضیه	ضریب مسیر	خطای استاندارد	آماره تی	سطح معناداری	نتیجه
تردید حرفه ای -> ارزیابی خطر تحریف	۰/۳۵۹	۰/۰۶۳	۵/۹۳۲	۰/۰۰۰	تایید
تردید حرفه‌ای * فشار بودجه زمانی -> ارزیابی خطر تحریف	-۰/۰۵۴	۰/۰۷۱	-۲/۳۳۵	۰/۰۲۰	تایید

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۷. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش (متغیر کیفی)

نتیجه	سطح معناداری	آماره تی	آماره ولج	اختلاف ضریب مسیر	مسیر فرضیه
رد	۰/۳۴۳	۰/۹۹۶	۰/۹۵۰	۰/۱۲۱	تردید حرفه‌ای * تجربه -> ارزیابی خطر تحریف

منبع: یافته‌های پژوهش

فرضیه اول پژوهش به بررسی تاثیر تردید حرفه‌ای بر ارزیابی خطر تحریف با اهمیت می‌پردازد. ضریب مسیر و آماره تی برای مسیر فرضیه پژوهش به ترتیب ۰/۳۵۹ و ۵/۹۳۲ است، که در سطح خطای ۵ درصد مثبت و معنی‌دار است. از این رو فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. به عبارت دیگر، تاثیر تردید حرفه‌ای بر ارزیابی خطر تحریف با اهمیت مثبت و معنی‌دار است.

در فرضیه دوم که تأثیر فشار بودجه زمانی بر رابطه بین تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف با اهمیت را مطرح می‌کند، مقدار ضریب مسیر ۰/۰۵۴ و با علامت منفی است. با توجه به اینکه مقدار آماره تی در مسیر این فرضیه معادل ۲/۳۳۵ - می‌باشد، می‌توان گفت که فشار بودجه زمانی در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه بین تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف با اهمیت را تحت تاثیر معنی‌دار قرار می‌دهد.

در سومین فرضیه، برای در نظر گرفتن نقش تعدیلی متغیر کیفی پژوهش یعنی تجربه، از تحلیل چندگروهی استفاده شد. در نرم‌افزار پی ال اس، تحلیل چندگروهی، مقایسه مدل بین گروه‌های مختلف بوده و تعیین می‌کند که آیا مدل بطور معنی‌داری بین دو گروه مختلف، متفاوت است یا خیر (عادل آذر، ۱۳۹۵). با توجه به مقدار آماره تی برای متغیر تعدیلی تجربه (۰/۹۹۶)، نتایج تحلیل چندگروهی برای فرضیه سوم، مبنی بر تأثیر متغیر تجربه بر رابطه بین تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف با اهمیت، دلالت بر معنی‌دار نبودن تأثیر تعدیلی تجربه دارد. به عبارت دیگر، در نمونه آماری این پژوهش، تأثیر تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف در نگاه افراد با تجربه کاری مختلف، متفاوت نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

حسابرسان برای تشخیص موارد تقلب و تحریف، ملزم به اعمال حد معقولی از تردید حرفه‌ای هستند؛ زیرا وقتی حسابرس دارای سطح پایینی از تردید حرفه‌ای باشد، تمایل دارد علائم تقلب و تحریف را نادیده بگیرد. احتمال کشف موارد تحریف برای حسابرسان با سطح تردید حرفه‌ای بالاتر بیشتر است، چراکه آنها به راحتی شواهد را نپذیرفته و چه از جنبه کمی و چه از نظر کیفی بطور دقیق‌تری به بررسی شواهد و اطلاعات حسابداری می‌پردازند. تردید حرفه‌ای به این معنی است که حسابرس همواره با داشتن ذهنی پرسش‌گر در رابطه با روایی و پایایی شواهد، به ارزیابی نقادانه این شواهد می‌پردازد. به بیان دیگر حسابرس بدنبال کشف این حقیقت است که آیا شواهد حسابداری به دست آمده در فرایند رسیدگی، اظهارات مدیریت واحد صاحبکار را تأیید می‌کند یا خیر؟ بنابراین، حسابرس می‌تواند اطلاعات بیشتری را جستجو کند و بررسی‌های اضافی را انجام دهد تا بتواند مبنای کافی را برای قضاوت‌های بهتر ایجاد کند. مطابق نظریه شناخت اجتماعی بندورا، تعامل سه‌گانه فرد، محیط و رفتار موجب شکل‌گیری رفتار بعدی فرد می‌شود. یعنی هیچ‌یک از این سه عامل جدا از عوامل دیگر به عنوان عامل تعیین‌کننده رفتار انسان محسوب نمی‌شود. در حرفه حسابداری ویژگی‌های فردی حسابرسان، عملکرد آنها و محیط کار ممکن است تاثیر تردید حرفه‌ای در ارزیابی خطر تحریف را تعدیل نماید. از جمله ویژگی‌های فردی می‌توان به تجربه اشاره نمود و فشار بودجه زمانی نیز جزء عوامل محیطی کار حسابرسان می‌باشد. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، با الهام گرفتن از نظریه شناخت اجتماعی، بررسی تاثیر تردید حرفه‌ای بر ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف با اهمیت با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گر متغیرهای فردی و محیطی می‌باشد.

نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد، تردید حرفه‌ای بر ارزیابی حسابرسان بر ارزیابی خطر تحریف تاثیر مثبت و معنی‌دار داشته و این فرضیه مورد تأیید قرار گرفت. نتایج مربوط به اولین فرضیه، همسو با نتایج پژوهش حسین و همکاران (۲۰۱۷) و سوریاننداری (۲۰۱۶) می‌باشد. در رابطه با فرضیه دوم، نتایج نشان از تأثیر منفی و معنادار متغیر فشار بودجه زمانی - بعنوان متغیر تعدیل‌گر محیطی - بر رابطه تردید حرفه‌ای و ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف با اهمیت دارد به این

معنی که وجود فشار بودجه زمانی باعث تضعیف رابطه بین تردید حرفه‌ای و ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف با اهمیت می‌شود. با در نظر گرفتن عامل ارزیابی خطر تحریف بعنوان یک شاخصه بهبود کیفیت حسابرسی، این نتیجه همسو با نتایج پژوهش‌های پریماستوتی و سوریاننداری (۲۰۱۴)، آپریانس و همکاران (۲۰۱۶)، نجیب و سوریاننداری (۲۰۱۷) و دوی و همکاران (۲۰۲۱) و متناقض با نتایج پژوهش‌های هوتابارات (۲۰۱۲)، خدیله و همکاران (۲۰۱۵) و حسین و همکاران (۲۰۱۷) می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه سوم حاکی از این است که تجربه حسابرس تأثیری بر رابطه بین تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف با اهمیت ندارد. نتایج آزمون این فرضیه متناقض با نتایج پژوهش حسین و همکاران (۲۰۱۷)، الخدش و همکاران (۲۰۱۳)، آدریان (۲۰۱۳)، سوکندرا و همکاران (۲۰۱۵)، سانتوسا و همکاران (۲۰۱۵)، سیلا و همکاران (۲۰۱۶) و ناگراها و سوریاننداری (۲۰۱۸)، است. به عبارت دیگر، در نمونه آماری این پژوهش، تأثیر تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف با اهمیت، در نگاه افراد با تجربه کاری مختلف، تفاوت نداشته و یکسان است. علت بروز این نتیجه، می‌تواند ناشی از تفاوت در روش - های جستجوی شواهد حسابرسی مربوط به تحریف و یا تأثیر متقابل متغیرها در پژوهش‌های مختلف باشد. علاوه بر این، محدودیت ذاتی پرسشنامه و سایر شرایط فردی پاسخ‌دهندگان و عبارتی غلبه ویژگی‌های فردی مشارکت‌کنندگان بر متغیرهای مورد بحث، می‌تواند باعث بروز این نتیجه شده باشد.

با توجه به اینکه حسابرسان و موسسه‌های حسابرسی برای تطبیق با شرایط متغیر محیطی به دریافت بازخورد متکی هستند، مدیران و دست‌اندرکاران این مجموعه‌ها می‌توانند با فراهم کردن بستری برای به اشتراک‌گذاری تجربیات واقعی حسابرسان خود، در حوزه تردید و تحریف، مسیر یادگیری گروهی و سازمانی را هموار نموده و از طریق تعاملات در محل کار و نظارت و راهنمایی توسط سرپرستان، یادگیری سازمانی را این خصوص تقویت نمایند. این کار از یک سو باعث تقویت نگرش تردید حرفه‌ای و ارزیابی بهتر تحریف شده و از سوی دیگر باعث بهبود کیفیت عملیات حسابرسی می‌گردد. در پژوهش‌های آتی می‌توان تأثیر دیگر متغیرهای فردی، از جمله شاخصه‌های شخصیتی حسابرسان و یا سایر شرایط محیطی حاکم بر

محیط حسابداری حسابرسان را در قالب متغیرهای مستقل تاثیرگذار بر ارزیابی خطر تحریف با اهمیت و یا تأثیرگذار بر تردید حرفه‌ای حسابرسان و یا تاثیر تعدیلی آنها را بر رابطه بین تردید حرفه‌ای و ارزیابی خطر تحریف با اهمیت مورد بررسی قرار داد.

منابع

- حسینی، سید حسین؛ بنی مهد، بهمن؛ صفری، زهرا (۱۳۹۹). بررسی تأثیر دیدگاه‌های تردید حرفه‌ای حسابرس بر ارزیابی خطر تقلب، با توجه به اثر مداخله‌کنندگی مهارت ارتباطی و تضعیف اجتماعی. *مجله دانش حسابداری*، ۱۱(۲).
- رسولی، نسرین؛ ترابی، محمد امین (۱۳۹۷). گام به گام با پی ال اس. تهران: پویندگان دانش.
- صفی‌خانی، رضا؛ صفرزاده، محمدحسین؛ اثببعشری، حمیده (۱۴۰۱). بررسی رابطه تردید حرفه‌ای، شناخت صاحبکار و قضاوت حسابرس. *مجله دانش حسابداری*، دوره سیزدهم، شماره ۱، صص ۸۲-۵۹.
- مرکز آموزش و پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی حرفه‌ای (۱۳۹۵). مجموعه قوانین و مقررات جامعه حسابداران رسمی ایران. تهران: انتشارات جامعه حسابداران رسمی ایران.
- موسوی گوکی، سید علی؛ غنایی چمن آباد، علی؛ باقرپورولاشانی، محمد علی (۱۴۰۰). تیپ شخصیتی و شک و تردید حرفه‌ای: آیا حسابرسان واقعا مستقل هستند؟. *دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری*، سال ششم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان، صفحه ۱۶۵-۱۲۶.
- هرمزی، شیرکو؛ نیکو مرام، هاشم؛ رویایی، رمضانعلی؛ رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سوگیری‌های روانشناختی بر تردید حرفه‌ای حسابرس. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۱۲۳(۴)-۱۴۸.
- هیر، جوزف (۱۳۹۵). مدلسازی معادلات ساختاری، ترجمه عادل آذر. تهران: نگاه دانش.

References

- Adnan, J., & Kiswanto, K. (2017). Determinant of Auditor Ability to Detect Fraud with Professional Skepticism as a Mediator Variable. *Accounting Analysis Journal*, 6(3), 313-325.
- Adrian, A. (2013). Pengaruh Skeptisme Profesional, Etika, Pengalaman, Dan Keahlian Audit Terhadap Ketepatan Pemberian Opini Oleh Auditor (Studi Empiris pada BPK RI Perwakilan Provinsi Riau). *Jurnal Akuntansi*, 1(3).
- Al-Khaddash, H., Al Nawas, R., & Ramadan, A. (2013). Factors affecting the quality of auditing: The case of Jordanian commercial banks. *International Journal of Business and Social Science*, 4(11).
- Apriyas, Tri Maya dan Adeng Pustikaningsih. 2016. Pengaruh Kompetensi, Independensi, dan Time Budget Pressure bagi Auditor Terhadap Kualitas Audit. *Jurnal Profita*, Vol. 4, No. 5: 1-14.
- Bandura, A. (1986). *Social foundations of thought and action*. Englewood Cliffs, NJ, 1986(23-28).
- Broberg, P., Tagesson, T., Argento, D., Gyllengahm, N., & Mårtensson, O. (2017). Explaining the influence of time budget pressure on audit quality in Sweden. *Journal of Management & Governance*, 21(2), 331-350.

- Carpenter, T. D., & Reimers, J. L. (2013). Professional skepticism: The effects of a partner's influence and the level of fraud indicators on auditors' fraud judgments and actions. *Behavioral Research in Accounting*, 25(2), 45-69.
- Coram, P., Ng, J., & Woodliff, D. (2003). A survey of time budget pressure and reduced audit quality among Australian auditors. *Australian Accounting Review*, 13(29), 38-44.
- Dewi, Y. E. Effect of Independence, Professionalism, Professional Skepticism and Time Budget Pressure on Audit Quality with Moral Reasoning as Moderation Variables.
- Eutsler, J. (2017). Examining Moral Disengagement as a Threat to Professional Skepticism. Available at SSRN 2972187.
- Eutsler, J., Norris, A. E., & Trompeter, G. M. (2018). A live simulation-based investigation: Interactions with clients and their effect on audit judgment and professional skepticism. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 37(3), 145-162.
- Grohnert, T., Gijsselaers, W., Meuwissen, R., & Trotman, K. (2020). The effects of a supportive learning culture and rank on professional skepticism in information search. Available at SSRN 3504535.
- Hartan, T. H. (2016) 'Pengaruh Skeptisme Profesional, Independensi Dan Kompetensi Terhadap Kemampuan Auditor Mendeteksi Kecurangan (Studi Empiris Pada Inspektorat Daerah Istimewa Yogyakarta)', *Jurnal Profita*, 3.
- Heyer, Joseph (2015). Structural equation modeling, translated by Adel Azar. Tehran: Negha DaneshT (In Persian).
- Hormazi, Shirko, NikoMaram, Hashem, Royai, Ramzan Ali, Rahnama Rudpashti, Fereydoun. (2015). Investigating the effect of psychological biases on the auditor's professional doubt. *Experimental Accounting Research* 6(4).123-148. (In Persian).
- Hosseini, Seyed Hossein, Bani Mahd, Bahman and Safari, Zahra (2020). Examining the influence of auditor's professional skepticism views on fraud risk assessment, considering the mediating effect of communication skills and social impairment. *Journal of accounting knowledge*, 11(2).(In Persian).
- Hrgnhan, B. R. & Olson, M.H. (2007). Introduction to learning theory. Translated by Ali Akbar Saif. 7 ED. Tehran: Doran publish.
- Hurt, R. K. (2010). Development of a Scale to Measure Professional Skepticism. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 29(1), 149-171.
- Hurt, R. K., Brown-Liburd, H., Earley, C. E., Krishnamoorthy, G. (2013). Research on Auditor Professional Skepticism: Literature Synthesis and Opportunities for Future Research. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 32(1), 45-97.
- Hussin, S. A. H. S., Saleh, N. M., & Al-Smady, A. A. (2019). Auditor Demographic Factors and Dimensions of Auditors' Skepticism in Jordan. *Asian Journal of Accounting and Governance*, 11, 39-48.
- Hussin, S. A. H., Iskandar, T. M., Saleh, N. M., & Jaffar, R. (2017). Professional Skepticism and Auditors' Assessment of Misstatement Risks: The Moderating Effect of Experience and Time Budget Pressure. *Economics & Sociology*, 10(4), 225-250.

- Hutabarat, G. (2012). The Effect of Audit Experience Time Budget Pressure, and Auditors' Ethics on Audit Quality. *Jurnal Ilmiah ESAI*, 6(1), 1-15
- Idawati, W., & Gunawan, A. (2015). Effect of competence, independence, and professional skepticism against ability to detect fraud action in audit assignment. *International Journal of Applied Business and Economic Research*, 13(7), 5125-5140.
- Janssen, S., Hardies, K., Vanstraelen, A., & Zehms, K. M. (2021). Auditors' professional skepticism: Traits, behavioral intentions, and actions in the field.
- Karwowski, M., Świdorska, G. K., & Warowny, P. (2015). The valuation of finished products as an important risk factor in the distortion of financial statements. *Zeszyty Teoretyczne Rachunkowosci*, 84(140).
- Khadilah, R. R., Purnamasari, P., & Gunawan, H. (2019). Pengaruh Time Budget Pressure, Pengalaman Auditor, Etika Auditor, dan Kompleksitas Audit Terhadap Kualitas Audit.
- Khomsiyah, Wilson, J. and Mulyani, S. D. 2019. Auditor's Ability in Detecting Fraud. *Option*, 35 (21), pp. 2337-2365.
- Kurniawan, G., Ngumar, S., & Kurnia, K. (2019). Effects of Time Budget Pressure, Audit Fee, Independence and Competence on Audit Quality. *Journal of Auditing, Finance, and Forensic Accounting*, 7(1), 20-28.
- La Ode, A., Wahyuniati, H., Angela, F. (2020). Auditor's ability to detect fraud: independence audit experience. *Russian Journal of Agricultural and Socio-Economic Sciences*, 11(107).
- Landarica, B. A. (2020). Pengaruh Independensi, Moral Reasoning dan Skeptisisme Profesional Auditor Terhadap Kualitas Audit. *Coopetition: Jurnal Ilmiah Manajemen*, 11(1), 33-44.
- Merawati, L. K., & Ariska, N. L. P. Y. (2018). Pengaruh Moral Reasoning, Skeptisisme Profesional Auditor, Tekanan Ketaatan dan Self-Efficacy terhadap Kualitas Audit. *KRISNA: Kumpulan Riset Akuntansi*, 10(1), 70-76.
- Murphy, D. A., Stein, J. A., Schlenger, W., & Maibach, E. (2001). Conceptualizing the multidimensional nature of self-efficacy: Assessment of situational context and level of behavioral challenge to maintain safer sex. *Health Psychology*, 20(4), 281.
- Najib, M. I. A., & Suryandari, D. (2017). The Influence of Experience and Time Budget Pressure on Audit Quality with Compensation as Moderating Variable. *Accounting Analysis Journal*, 6(3), 458-467.
- Nolder, C. J., & Kadous, K. (2018). Grounding the professional skepticism construct in mindset and attitude theory: A way forward. *Accounting, Organizations and Society*, 67, 1-14.
- Nugraha, A. S., & Suryandari, D. (2018). The effect of experience to the accuracy of giving opinion with audit expertise, professional skepticism, audit judgment as mediators. *Accounting Analysis Journal*, 7(1), 61-69.
- Olson, M. H., & Ramírez, J. J. (2020). An introduction to theories of learning. Routledge.
- Otley, D. T., & Pierce, B. J. (1996). Auditor time budget pressure: consequences and antecedents. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*.
- Peytcheva, M. (2014). Professional skepticism and auditor cognitive performance in a hypothesis-testing task. *Managerial Auditing Journal*.

- Piaget, J. (1966). *Autobiographie*. Cahiers Vilfredo Pareto, 4(10), 129-159.
- Popova, V. (2013). Exploration of skepticism, client-specific experiences, and audit judgments. *Managerial Auditing Journal*.
- Popova, V. K. (2018). Integration of Fraud Risk in the Risk of Material Misstatement and the Effect on Auditors' Planning Decisions. *Journal of Forensic Accounting Research*, 3(1), A52-A79.
- Prasanti, O., & Yulianto, A. (2017). The Influence of Time Budget Pressure, Auditor Ethics, Independence, and Task Complexity on Audit Quality with Organizational Commitment as Intervening Variable. *Accounting Analysis Journal*, 6(1), 119-127.
- Prasetyo, S., Kamaliah, K., & Hanif, R. A. (2015). Pengaruh Red Flags, Skeptisme Profesional Auditor, Kompetensi, Independensi, dan Profesionalisme terhadap Kemampuan Auditor dalam Mendeteksi Kecurangan (Studi Empiris pada Kantor Akuntan Publik di Pekanbaru, Padang, dan Medan yang Terdaftar di Iapi 2013) (Doctoral dissertation, Riau University).
- Primastuti, F. D., & Suryandari, D. (2014). Pengaruh Time Budget Pressure Terhadap Kualitas Audit Dengan Independensi Sebagai Variabel Intervening (Studi Kasus Pada BPK RI Perwakilan Provinsi Daerah Istimewa Yogyakarta). *Accounting Analysis Journal*, 3(4).
- Professional Accounting and Auditing Education and Research Center (2015). The set of rules and regulations of the society of certified accountants of Iran. Tehran: Publications of the Society of Official Accountants of Iran. (In Persian)
- Ramirez, E., Kulinna, P. H., & Cothran, D. (2012). Constructs of physical activity behaviour in children: The usefulness of Social Cognitive Theory. *Psychology of Sport and Exercise*, 13(3), 303-310.
- Rasoli, N., & Torabi, M. (2018). Step by step with PLS. Tehran, Purveyors of knowledge. (In Persian)
- Santosa, M. E. S., Ramantha, I. W., & Badera, D. N. (2015). Pengalaman Audit Sebagai eksplanasi pertimbangan auditor dengan moderasi kredibilitas klien. *E-Jurnal Ekonomi dan Bisnis Universitas Udayana*, 4, 447-63.
- Shofia, M. (2019). The effect of independence, experience and gender on auditor's ability to detect fraud by professional skepticism as a moderation variable. *Russian Journal of Agricultural and Socio-Economic Sciences*, 91(7).
- Sila, M., Bambang, S., Zaki, B., & Aulia Fuad, R. (2016). The Effect of Knowledge and Experience on Professional Auditor's Judgment: Study on State Auditor in Indonesia. *International Journal of Management and Administrative Sciences (IJMAS)*, 3(10), 98-106.
- Simon, C. A., Smith, J. L., & Zimbelman, M. F. (2020). PRACTITIONER SUMMARY How Fraud Risk Decomposition Affects Auditors' Fraud Risk Assessments. *Current Issues in Auditing*.
- Sukendra, I. P., Yuniarta, G. A., AK, S., Atmadja, A. T., & SE, A. (2015). Pengaruh Skeptisme Profesional, Pengalaman Auditor, Dan Keahlian Audit Terhadap Ketepatan Pemberian Opini Oleh Auditor (Studi Empiris pada Inspektorat Kabupaten Buleleng, Kabupaten Bangli dan Kabupaten Karangasem). *JIMAT (Jurnal Ilmiah Mahasiswa Akuntansi) Undiksha*, 3(1).

- Supriyanto. 2014. Effect Workload, Audit Experience, Personality Types and Professional Scepticism on the Auditor's Ability to Detect Fraud (Empirical Study in Public Accounting Firm in Solo and Yogyakarta) Publication Manuscript. Surakarta: Muhammadiyah University of Surakarta.
- Suryandari, N. N. A., & Yuesti, A. (2017). Professional scepticism and auditor's ability to detect fraud based on workload and characteristics of auditors. *Scientific Research Journal (SCIRJ)*, 5, 109-115.
- Vogel, J. (1993). Dismissing skeptical possibilities. *Philosophical Studies*, 70(3), 235-250.

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی مبتنی بر روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره^۱

حمیدرضا عباسی^۲، فرزانه حیدرپور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

مقاله پژوهشی

چکیده

هدف از اجرای پژوهش حاضر، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی مبتنی بر روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است. در ابتدا، سنجه‌های اندازه‌گیری اخلاق حسابداری و حسابرسی و عوامل موثر بر آن‌ها شناسایی گردید. سپس با استفاده از روش دلفی، ۱۶ نفر از استادان و متخصصین صاحب‌نظر در حوزه اخلاق حسابداری و حسابرسی، موثرترین سنجه‌های اندازه‌گیری متغیرها را انتخاب و مدل نهایی پیشنهاد گردید. در این مدل، عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی، سازمانی، دولت و محیط قانونی، اقتصادی، حاکمیت شرکتی و هوشمندی موثر بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی شناسایی گردیدند. در راستای اعتبارسنجی مدل پیشنهادی، در سال ۱۴۰۰ با گزینش غیرتصادفی ۴۲۰ نفر از مدیران مالی یا کارشناسان مالی، حسابداری و حسابرسی، ۴۲۰ پرسشنامه توزیع شده و نهایتاً ۴۰۳ مورد در تحلیل‌های بعدی مورد استفاده قرار گرفت. اولویت‌بندی شاخص‌های اخلاقی با استفاده از روش‌های سلسله‌مراتبی، بهترین-بدترین و خاکستری انجام شد. در کلیه روش‌های اولویت‌بندی، مهمترین عامل، مولفه دولت و محیط قانونی بوده است. نکته قابل توجه دیگر، مولفه هوشمندی بوده که از کمترین درجه اهمیت از نظر صاحب‌نظران قلمداد شده است. پس از مولفه دولت و محیط قانونی، مولفه پراهمیت دیگر، مولفه اقتصادی بوده است. سایر مولفه‌ها در روش‌های مختلف، درجه اهمیت متفاوتی را به دست آورده‌اند.

واژه‌های کلیدی: اخلاق حسابداری و حسابرسی، تحلیل سلسله‌مراتبی، روش بهترین بدترین، روش خاکستری.

طبقه‌بندی موضوعی: G41, G30, H32.

10.22051/JERA.2023.42288.3073 :DOI

۱. دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (hira2112@gmail.com)
۲. استاد، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (noisnnde msntul). (theidarpoor@yahoo.com)
۳. https://jera.alzahra.ac.ir

مقدمه

اخلاق را از صفت های روحی و باطنی انسان تعریف کرده اند که به صورت اعمال و رفتاری که از خلیقات درونی انسان ناشی می شود، بروز ظاهری پیدا می کند و به همین دلیل گفته می شود که اخلاق را از راه آثارش می توان تعریف کرد. امروزه، سازمان ها به صورت فزاینده ای درگیر مسئله ای به نام معمای اخلاقی می باشند. یعنی اوضاع و شرایطی که باید یک بار دیگر کارهای خلاف و کارهای درست را تعریف کرد، زیرا مرز بین کارهای درست و خلاف بیش از پیش از بین رفته است (ایزدی نیا، حسین آبادی، رحمانی، ۱۳۹۵).

از طرفی اخلاقی بودن یا نبودن رفتار و عملکرد می تواند موجب بروز پیامدهای مثبت یا منفی در سطح سازمان گردد. اخلاق موضوعی است فراگیر که همه جنبه های زندگی بشر را پوشش می دهد. اخلاق، ضرورت و لازمه یک جامعه سالم است. هر جامعه ای که بتواند اصول و ارزش های اخلاقی را در میان افراد خود گسترش دهد، پیش شرط حرکت در مسیر تعالی را اجرا کرده است. در حرفه حسابداری با توجه به این که اعضای این حرفه در تعامل بسیاری با افراد جامعه هستند، در نتیجه، عدم رعایت اصول و آیین نامه های اخلاقی مرتبط با حرفه حسابداری می تواند بر روند توسعه و رشد نظام این حرفه در جامعه تأثیر به سزایی گذاشته و عملکرد حرفه را با چالش روبه رو سازد (مرادی، زکی زاده، ۲۰۱۳).

(میلر^۱ و شاور، ۲۰۲۰) طی تحقیقی تجربی اثربخشی برنامه آموزشی ارزش بخشی امور حسابداری (GVV)، را به عنوان یک برنامه درسی نسبتاً جدید ارزیابی می کنند که منجر به افزایش قابل توجهی در اعتماد دانش آموزان و قصد آنها برای رویارویی با مسائل اخلاقی می شود. با توجه به اینکه حسابداری و حسابرسی از مهم ترین مشاغل ارائه و تضمین خدمات و گزارش های مالی بوده و با توجه به وجود انتظارات زیادی مانند راستی، درستی، رازداری و مسئولیت پذیری، می توان اظهار داشت که اخلاق حرفه ای در بین حسابداران و حسابرسان، دست اندرکاران امور مالی و کاربران اطلاعات حسابداری، تأثیر بسزایی دارد (اتاکان^۲، برناز^۳، تاپکو^۴، ۲۰۰۸). هدف از حسابداری و حسابرسی، به ترتیب ارائه و تضمین کیفیت گزارش های مالی برای کاربران خارجی سازمان ها است. صورت های مالی توسط ذی نفعانی چون:

1. Miller & Shawver
2. Atakan
3. Burnaz
4. Topcu

سرمایه گذاران بالقوه، سهام داران، بانک‌ها و اعتباردهندگان، بستانکاران، شرکت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای قانونی و سایر کاربران مورد استفاده قرار می‌گیرد، اساسی‌ترین نیاز چنین ذی‌نفعانی داشتن اطلاعات دقیق و درست برای داشتن دیدگاه واقع‌بینانه جهت تصمیم‌گیری است که توسط حسابداران تهیه و توسط حسابرسان تضمین‌کننده می‌شود (زارعی، اسماعیلی، ۲۰۱۶). به طور کلی انسان‌ها در بعد فردی و شخصیتی دارای ویژگی‌های خاص اخلاقی هستند که پندار، گفتار و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد. ممکن است همین افراد وقتی در یک جایگاه و پست سازمانی قرار می‌گیرند، عواملی موجب شود که پندار، گفتار و رفتار متفاوتی از فرد سر بزند که این ویژگی‌های انسانی بر روی میزان کارایی و اثربخشی سازمان تأثیر بگذارد. از جمله این رفتارها می‌توان به مدیریت سود در سازمان‌ها اشاره کرد. اعتقاد بر این است که پژوهش‌گران باید بیشتر بر روی انگیزه و اعتقادات اخلاقی متمرکز شوند. رسوایی‌های اخیر برخی شرکت‌های بزرگ جهان، انتظارات از حسابداران را برای رعایت دقیق و همه‌جانبه رهنمودهای اخلاقی افزایش داده است. بر این اساس پژوهش حاضر با هدف "بکارگیری معیارهای تحلیل سلسله‌مراتبی^۱، تحلیل سلسله‌مراتبی خاکستری^۲، روش بهترین و بدترین^۳ و روش بهترین و بدترین خاکستری^۴." در رتبه‌بندی عوامل موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی "به انجام رسیده است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری پژوهش مبتنی بر عدم تقارن اطلاعات و تئوری ذی‌نفعان می‌باشد که به علت پیچیدگی اطلاعات، شکاف در گزارشگری مالی و قضاوتی بودن در ارائه اطلاعات و به منظور تسهیل و کمک به تصمیم‌گیری، می‌بایستی این اطلاعات مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی تهیه شده باشد. هدف این ارزش‌ها تضمین رعایت حقوق و منافع تمام علاقه‌مندان به اطلاعات مالی است. مفهوم اصلی در ادبیات مورد بررسی "اخلاق" بوده و یکی از موضوعات اصلی مفهومی این است که "رفتار اخلاقی" چگونه شناسایی شده و از چه لحاظ "اخلاقی" است و چه عواملی بر آن تأثیر می‌گذارد.

1. AHP
2. Grey AHP
3. BWM
4. Grey BWM

(بارنی و گریفین^۱، ۱۹۹۲) تفاسیر قانونی، عوامل سازمانی و عوامل شخصی همچون مراحل پیشرفت اخلاقی، شخصیت، تاثیر خانواده و دوستان، تجارب زندگی و عوامل موقعیتی را موثر بر اخلاق شناسایی کردند.

(کاپلان^۲، ۲۰۰۱) میزان ارتباط بین قضاوت های اخلاقی افراد از فعالیت های مدیریت سود و نقش آن ها را با استفاده از سه سناریو بررسی کرد. این سناریوها در زمینه مسائلی چون کسب سود از طریق فعالیت عملیاتی، کسب سود از طریق فعالیت حسابداری، و ایجاد زیان آن از طریق فعالیت حسابداری بودند. اما قبل از این که پاسخ دهندگان این سه سناریو را مطالعه کرده و به سوالات پاسخ دهند، هر کدام از آن ها در یکی از سه نقش سهامدار، یکی از مدیران شرکت که با مدیر مدنظر در سناریوها ناآشنا باشد و یکی از مدیران شرکت که با مدیر مدنظر سناریوها آشنا باشد، قرار می گرفتند. پس از مطالعه هر سناریو از دانشجویان خواسته می شد تا چهار قضاوت اخلاقی انجام دهند (هر سناریو شامل چهار سوال بود)، انتظار می رفت دانشجویانی که در نقش یکی از مدیران شرکت که با مدیر مدنظر در سناریوها ناآشنا بود، قرار داشتند، قضاوت های حسابداری مدیریت سود مصداق داشت اما در مورد فعالیت های عملیاتی مدیریت سود، صادق نبود.

(نگاتان دوان^۳، ترانگ تو تا^۴، ها تی تان چو^۵، ۲۰۲۱) به بررسی جهت و میزان عناصر فرهنگی در تصمیم گیری اخلاقی پرداختند داده ها در این پژوهش با استفاده از مصاحبه با ۱۹۴ نفر از دانشجویان و افراد حرفه ای حسابداری و حسابرسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می دهد که چهار عامل تحصیلات، جنسیت، فاصله قدرت و تمایل به ریسک پذیری بر تصمیم گیری اخلاقی تاثیر دارند

یک سنت دیرینه وجود دارد که معتقد است "رفتار اخلاقی" رفتاری است که نشان داده می شود. با این حال، بسیاری از اخلاق گرایان معتقدند که سوال: کدام نظریه اخلاقی صحیح است؟ خود با تجدید نظر در مورد رفتارهای اخلاقی خاص پاسخ داده می شود. به این معنی که برخی از رفتارها در موقعیت های خاص از نظر اخلاقی کاملاً صحیح است. از آن جهت که یک شهود

1. Barney & Griffin
2. Kaplan
3. Nga Thanh DOAN
4. Trang Thu TA
5. Ha Thi Thanh CHU

اخلاقی را فراهم می‌کند که هر ذهنیت اخلاقی یا ارزش اخلاقی با آن روبرو شود، اگر نظریه درست تلقی شود باید با آن مطابقت داشته باشد. (رویائی و محمدی، ۱۳۹۴).

حرفه حسابداری نیز یکی از متشکل‌ترین و منضبط‌ترین حرفه‌های دنیاست و به دلیل نوع و ماهیت خدماتی که ارائه می‌کند باید اعتبار و اعتماد خاصی داشته باشد. تداوم این اعتبار و اعتماد و تقویت آن، به پایداری فکری و عملی اعضای حرفه به ضوابط رفتاری و اخلاقی آن بستگی دارد (نعمت‌اللهی، آزادی، وطن پرست، ۱۳۹۸).

از آنجایی که حسابداری دارای ویژگی‌های (انضباط، اعتبار و اعتماد و تخصص) می‌باشد و مهارتی است که نیازمند خبرگی بوده و مشتریانی دارد که وابسته به این خبرگی هستند، در نتیجه به عنوان یک حرفه تلقی می‌شود. برای حرفه‌ای بودن، حسابدار متعهد می‌شود تا از منافع مشتریان خود مراقبت کند (ابراهیمی رومنجان، زین‌الدینی میمند، ۱۳۹۴). اخلاق جزئی از مهارت حساب‌برسان محسوب می‌شود (کاظم پور، حساس یگانه، ۱۳۹۲).

حسابدار حرفه‌ای باید خدمات حرفه‌ای را مطابق اصول و ضوابط حرفه‌ای مربوط انجام دهد و همچنین درخواست‌های صاحبکار یا کارفرمای خود را به گونه‌ای با مهارت و دقت انجام دهد که با الزامات درستکاری، بی‌طرفی و نیز استقلال حسابداران حرفه‌ای مستقل، سازگار باشد (زارعی و همکاران، ۲۰۱۶). بدون توجه به این الزامات، بیش اطمینانی مدیران منجر به کاهش سطح قابلیت اتکای اطلاعات مالی و ارائه به موقع آن می‌گردد (بشیری منش، ۱۴۰۱) و همین‌طور خطر اخلاقی مدیران منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام و کارایی سرمایه‌گذاری می‌گردد (عبدی گلزار، ۱۴۰۰).

سپاسی و حسنی (۱۳۹۵) در بررسی از شاغلان حسابداری، استادان و دانشجویان دریافتند در حالی که هر سه گروه دستکاری ارقام تعهدی به عنوان تصمیم غیر اخلاقی ارزیابی می‌کردند، شاغلان حسابداری، مدیریت سود واقعی را به عنوان یک تصمیم اخلاقی می‌پنداشتند. همچنین، نتایج پژوهش نشان‌دهنده رابطه منفی بین مذهب و مدیریت سود ارقام تعهدی است و بیانگر این که مذهب عامل مؤثری در کاهش مدیریت سود ارقام تعهدی است.

(اسدیان اوغانی، حاجیها، رویایی، و کیلی فرد، ۱۴۰۰) به بررسی تاثیر تهدید منافع شخصی بر حساسیت اخلاقی با تأکید بر نقش میانجی شدت اخلاقی حساب‌برسان پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد تهدید منافع شخصی تأثیر مثبت و معناداری بر حساسیت اخلاقی دارد و این تأثیر بواسطه متغیر شدت اخلاقی تشدید می‌شود. بنابراین بر اساس نظریه شناخت اجتماعی، می‌توان بیان کرد

که وجود تهدید منافع شخصی به دلیل ترسی که از عواقب منفی این تهدیدها برای حسابرسان ایجاد می کند، باعث می شود حساسیت اخلاقی و شدت اخلاقی حسابرسان نسبت به موضوعات اخلاقی بیشتر شود.

(کدخدایی و بنی مهد، ۱۴۰۱) رابطه جهت گیری ارزشی، عواطف مثبت و درک از انصاف با تمایل حسابرسان داخلی به گزارشگری تقلب را بررسی کردند. جهت گیری ارزشی، متغیر با اهمیتی در اخلاق کاری است که شامل باورها و اعتقادات افراد به موضوعات مادی و فرامادی می باشد. نتایج آزمون فرضیه ها نشان می دهد جهت گیری ارزشی با تمایل حسابرسان داخلی مادی گرا به گزارش تقلب رابطه ای معنی دار و مثبت دارد. اما این رابطه در گروه حسابرسان فرامادی گرا، رابطه ای معنی دار و منفی است. دانش افزایشی این پژوهش نیز معرفی نظریه جهت گیری ارزشی به متون حسابداری و حسابرسی رفتاری است. هم چنین نتایج این پژوهش می تواند اطلاعات سودمندی در اختیار سیاست گذاران حرفه حسابرسی داخلی درباره گزارشگری تقلب ارائه نماید.

ملاحظه می شود که عوامل بسیاری بر رفتارهای اخلاقی و تصمیم گیری های اخلاقی موثر هستند و این مهم که افراد در موقعیت های شغلی و مکانی مختلف رفتارها و تصمیمات متفاوتی از خود نشان می دهند بنابراین شناسایی این عوامل و رتبه بندی آن می تواند نقش مهمی در آموزش رفتارهای اخلاقی و اعمال تصمیمات اخلاقی داشته باشد. جلوگیری از تقلب و فریب، رشوه و فساد، دست کاری اطلاعات می تواند از جلوه های رفتارهای اخلاقی باشد.

سوال های پژوهش

- پژوهش حاضر در جستجوی شناسایی و رتبه بندی معیارها و عوامل موثر بر اخلاق در حسابداری و حسابرسی است و بر این اساس، پرسشهای پژوهش به شرح زیر است:
- عوامل موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی مبتنی بر تحلیل حوزه دانش و رویکرد تحلیل کیفی متون نظری و پژوهش های پیشین، کدامند؟
 - عوامل شناسایی شده موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی به روش تحلیل حوزه دانش و پالایش شده با تکیه بر رویکرد نظرسنجی دلفی اقناعی از خبرگان، کدامند؟
 - بر مبنای معیارهای چهارگانه ارزیابی، کدام یک از عوامل شناسایی شده موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع نیمه تجربی و با هدف نظری- کاربردی بوده و پس از طی مراحل مختلف و با روش کیفی یا قضاوتی انجام می‌گردد. بخش کیفی پژوهش شامل تحلیل حوزه دانش در بررسی ادبیات تحقیق و الگوی تحلیل محتوای در شناسایی عوامل موثر بر رفتار اخلاقی در حسابداری و حسابرسی و نیز مصاحبه دلفی با خبرگان جهت پالایش و دسته بندی عوامل شناسایی شده است. بنابراین جامعه آماری مورد نظر را خبرگان آشنا به موضوع پژوهش (اساتید دانشگاه در حوزه حسابداری و مالی) تشکیل می‌دهند. در این پژوهش بر خلاف عموم تحقیقاتی که در زمینه رفتار اخلاقی و عوامل موثر بر آن به انجام رسیده، با استفاده از طرحی پیمایشی به دنبال شناسایی، دسته بندی، پالایش و اهمیت سنجی عوامل موثر بر رفتار اخلاقی در حسابداری و حسابرسی در ابعاد فردی، سازمانی، فرهنگی و موارد دیگر در این زمینه پرداخته است.

روش پژوهش

شناسایی عوامل بر مبنای اطلاعات کتابخانه ای

با مطالعه ادبیات پژوهش و پژوهشات انجام شده، عوامل و سنجه های موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی شناسایی شد. برای ثبت و ضبط مطالب به دست آمده در بررسی اسناد و مدارک در مطالعات کتابخانه ای در ارتباط با مبانی نظری یا پیشینه پژوهش، که اعتبار و پایایی خود را در سطح بالایی حفظ می‌کند، از ابزار فیش استفاده شده است.

تدوین و اجرای دلفی فازی پرسشنامه

بر مبنای اطلاعات منتج از ادبیات پژوهش و پژوهش های انجام شده، پرسشنامه و مصاحبه دلفی با خبرگان، عوامل شناسایی شده مورد پالایش و دسته بندی قرار گرفت. در این راستا از اساتید، صاحب نظران و پژوهش گران متخصص در زمینه رفتار اخلاقی در حسابداری یا حسابرسی انتخاب و با استفاده از نظر سنجی چند مرحله ای و پرسشنامه های نیمه ساختار یافته، عوامل شناسایی شده مبتنی بر تحلیل حوزه دانش، اهمیت سنجی، دسته بندی و پالایش قرار گرفت.

انجام نظر سنجی از متخصصین

با استفاده از پرسشنامه طراحی شده در مراحل قبل، از افراد صاحب نظر و متخصص در امور حسابداری و حسابرسی، جهت سنجش متغیرهای پژوهش و شناسایی درجه اهمیت عوامل موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی، استفاده شد. پرسشنامه مورد استفاده در مقیاس کمی ۱ تا ۵ بر

اساس شدت اهمیت یا تاثیر تعريف گرديده و در اختيار صاحب نظران هر شرکت (مدیر مالی، کارشناسان حسابداری یا مالی) قرار گرفت.

طراحی و اجرای پرسشنامه های مقایسات زوجی

در این مرحله، با استفاده از نظر سنجی چند مرحله ای و خاص طراحی شده برای گردآوری اطلاعات ارزیابی معیارهای مورد نظر پژوهش، خبرگان ضمن مشخص کردن اولویت و ارجحیت هر یک از عوامل نسبت به هم، بهترین و بدترین عامل و ارجحیت سایر عوامل را نسبت به بهترین و بدترین عامل مشخص کرده اند.

برای تعیین اعتبار محتوایی، در پژوهشات پیمایشی از تحلیل محتوایی ادبیات تحقیق بهره گرفته شده و در روش نظرسنجی از خبرگان از شیوه افناعمی یا اجماعی دلفی بهره گرفته شده است. برای سنجش سازگاری درونی پرسشنامه، از آلفای کرونباخ استفاده شده است.

در پژوهش حاضر برای تشخیص پایایی از آزمون ADF فیشر استفاده شده است آزمون ADF برای بررسی تاثیر متغیرهای جامعه شناختی (سن، جنسیت، تحصیلات، تجربه کاری) بر پاسخ شرکت کنندگان در نظرسنجی استفاده شده است

در این تحقیق در پالایش عوامل موثر و تعیین الگوی نهایی از بین اساتید دانشگاه، پژوهش گران مجرب و مولفین یا به طور کلی خبرگان ۱۷ نفر انتخاب کرده و در تعیین درجه اهمیت عوامل بر مبنای معیارهای ۴ گانه و پرسشنامه تخصصی اطلاعات ۱۶ خبره جمع آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای انجام نظرسنجی از متخصصین از ۴۲۰ نفر از افراد صاحب نظر و شاغل در حرفه، بصورت غیر تصادفی استفاده شده است.

یافته های پژوهش

توصیف جمعیت شناختی

نمونه آماری انتخاب شده در این پژوهش دو دسته خبرگان و متخصصین می باشد. داده های گردآوری شده از متخصصین برای شناسایی و تایید عوامل موثر بر تصمیم گیری و برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی معیارهای چهارگانه استفاده شده است. داده های بدست آمده از نظرسنجی متخصصین برای تایید عاملی و شناسایی اهمیت عوامل و سنجه ها بر مبنای معادلات ساختاری است. بخشی از آمار توصیفی نمونه در جدول زیر تلخیص شده است:

جدول ۱. آمار توصیفی پاسخگویان

نمونه آماری	جنسیت		تحصیلات			تجربه کاری	
	مرد	زن	دکتر	فوق لیسانس	سایر	بیشتر از ۲۰ سال	کمتر از ۱۰ سال
خبرگان	۷	۹	۱۴	۲	۰	۱۴	۲
متخصصین	۳۶۳	۴۰	۷	۱۶۱	۲۳۵	۸۶	۲۳۳

ارتباط اخلاق حسابداری و حسابرسی و عوامل موثر بر آن

در این پژوهش بر اساس مطالعات میلر^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، اوگری^۲ و همکاران (۲۰۱۹) و دیگران رابطه بین اخلاق حسابداری و حسابرسی به عنوان متغیر وابسته و مولفه های فردی، اجتماعی، فرهنگی، سازمانی، دولتی و محیط قانونی، اقتصادی، حاکمیت شرکتی و هوشمندی به عنوان متغیرهای توضیحی و عوامل موثر مورد مطالعه قرار گرفته است.

جهت ارزیابی ارتباط بین مولفه های اخلاق حسابداری و حسابرسی و عوامل موثر بر آن از تحلیل مسیر یا تصمیم گیری چندمعیاره پیشرفته بهره گرفته شده است.

بر پایه تحلیل حوزه دانش و به کارگیری الگوی تحلیل محتوی، اخلاق حسابداری و حسابرسی و مهم ترین عوامل موثر بر آن شناسایی و دسته بندی و به صورت جدول ۱ خلاصه گردیده است:

جدول ۲. اخلاق حسابداری و حسابرسی و عوامل موثر بر آن (تحلیل حوزه دانش)

ردیف	متغیر	نماد	بعد	پشتوانه
۱	۳	PER01	قدرت شناخت و تشخیص فردی	سلین و همکاران (۲۰۱۰)، سلیمان (۲۰۲۰)
۲		PER02	ارجحیت های فردی (فرصت طلبی، توفیق طلبی...)	
۳		PER03	نگرش های فردی و سطح رشد اخلاقی	
۴		PER04	مشارکت پذیری	
۵		PER05	اعتماد و قدرت نفس	
۶		PER06	تصور و انتظارات از نقش	
۷		PER07	دانش فردی	
۸		PER08	سطح و رشته تحصیلی	
۹		PER09	ارزش های فردی	
۱۰		PER10	باورهای فردی	

1. Miller
2. O'Grady

ردیف	متغیر	نماد	بعد	پشتوانه
۱۱		PER11	مقاصد و اهداف فردی	
۱۲		PER12	فلسفه های اخلاقی	
۱۳	توانمندی	SOC01	تعامل (بده و بستان) اجتماعی	زارعی و همکاران (۲۰۱۶)، پرایوگو و افریزال (۲۰۲۱)
۱۴		SOC02	هنجارها و ارزش های دینی در جامعه	
۱۵		SOC03	تاثیر پذیری از نهادهای اجتماعی	
۱۶		SOC04	تاثیر پذیری از نهادهای حرفه ای	
۱۷		SOC05	شان و منزلت اجتماعی	
۱۸		SOC06	هنجارها و ارزش های بشردوستانه در جامعه	
۱۹		SOC07	هنجارها و ارزش های فرهنگی در جامعه	
۲۰		SOC08	نفوذ ذی نفعان	
۲۱	فرهنگ	CUL01	تربیت و اصالت خانوادگی	تروینو (۲۰۱۶)، مهد غزالی (۲۰۲۱)
۲۲		CUL02	باورها و اعتقادات مذهبی	
۲۳		CUL03	عرف و ارزش های اجتماعی	
۲۴		CUL04	پیشینه (سبقه) فرهنگی	
۲۵		CUL05	جو سازمانی	
۲۶		CUL06	دستور پذیری و فاصله از قدرت	
۲۷	سازمان	ORG01	فشار یا تاثیر پذیری از همکاران	جایجایرام (۲۰۱۷)، سلین و همکاران (۲۰۲۱)
۲۸		ORG02	سبک رهبری مدیریت عالی در تعامل با زیردستان	
۲۹		ORG03	عدالت سازمانی	
۳۰		ORG04	ابهت یا کاریزمای مدیریت عالی	
۳۱		ORG05	قوانین و مقررات سازمانی	
۳۲		ORG06	سیاست های تشویق و تنبیه	
۳۳		ORG07	فرصت های تخلف و ضعف کنترل ها	
۳۴		ORG08	سیاست ها و خط مشی های سازمانی	
۳۵		ORG09	مسئولیت پذیری در قبال اهداف و پی آمدهای سازمانی	
۳۶		ORG10	محدودیت های وضعی	
۳۷		ORG11	هنجارهای سازمانی	
۳۸		ORG12	رویه های سازمانی	
۳۹		ORG13	روابط و ارتباطات سازمانی	
۴۰		ORG14	کیفیت سیستم های اطلاعاتی	
۴۱	قانون و محیط	LIG01	سیستم قانون گذاری	سلین و همکاران (۲۰۱۰)، اوگری و وندگرفت (۲۰۱۹)
۴۲		LIG02	مشروعیت و اقتدار دولت	
۴۳		ORG03	شفافیت قوانین و مقررات	

پشتوانه	بعد	نماد	متغیر	ردیف
	عدالت رویه ای در برخورد قانونی	LIG04		۴۴
	سیستم قضایی	LIG05		۴۵
	تمرکزگرایی یا دموکراسی (پاسخ گو بودن به مردم)	LIG06		۴۶
	سطح آگاهی و شناخت جامعه از قوانین و مقررات	LIG07		۴۷
	فساد سیاسی	LIG08		۴۸
زارعی و همکاران (۲۰۱۶)، آهینفول و همکاران (۲۰۱۷)	سطح رفاه اجتماعی	ECO01	اقتصادی	۴۹
	سطح و گستردگی فساد اقتصادی و ارتشا	ECO02		۵۰
	توسعه یافتگی	ECO03		۵۱
	ضریب جینی و عدالت اجتماعی	RCO04		۵۲
	سیاست های اقتصادی دولت	ECO05		۵۳
	سطح رفاه فردی	ECO06		۵۴
	شرایط اقتصادی	ECO07		۵۵
	سطح رفاه طلبی فردی	ECO08		۵۶
	محیط اقتصادی	ECO09		۵۷
آهینفول و همکاران (۲۰۱۷)، مهد غزالی (۲۰۲۱)	کمیته حسابرسی	GOV01	حاکمیت شرکتی	۵۸
	استقلال هیات مدیره	GOV02		۵۹
	شفافیت حاکمیتی	GOV03		۶۰
	نظام موثر کنترل های داخلی	GOV04		۶۱
	نظام کارآمد پاسخ گویی	GOV05		۶۲
	تخصص مالی هیات مدیره	GOV06		۶۳
	سطح فعالیت کمیته حسابرسی	GOV07		۶۴
زارعی و همکاران (۲۰۱۶)، سلین و همکاران (۲۰۲۱)	صداقت و راستی	PRE01	اصول اخلاقی حسابداری	۶۵
	عینیت و واقعیت گرایی	PRE02		۶۶
	مواظبت و مراقبت حرفه ای	PRE03		۶۷
	شایستگی و صلاحیت حرفه ای	PRE04		۶۸
	رازداری و رعایت محرمانه بودن اطلاعات	PRE05		۶۹
	استقلال رای و نظر	PRE06		۷۰
	توجه به تعارض منافع	PRE07		۷۱
زارعی (۲۰۱۶)، میلر و همکاران (۲۰۲۱)	هوشمندی منطقی	INT01	هوشمندی	۷۲
	هوشمندی هیجانی و عاطفی	INT02		۷۳
	هوشمندی فرهنگی	INT03		۷۴
	هوشمندی معنوی	INT04		۷۵
	هوشمندی کلی	INT05		۷۶
	هوشمندی قانونی	INT06		۷۷

نظرسنجی از خبرگان

به منظور شناسایی و تایید عوامل موثر بر اخلاق در حسابداری و حسابرس، از خبرگان (۱۷ نفر که داده های ۱۶ نفر مورد تحلیل قرار گرفت) در دو مرحله و با استفاده از اعداد فازی (جدول ۳) انجام شده است.

جدول ۳. جدول اعداد فازی مثلثی

متغیرهای کلامی	عدد فازی مثلثی	عدد فازی قطعی شده
خیلی زیاد	(۱ و ۱ و ۰/۷۵)	۰/۷۵
زیاد	(۱ و ۰/۷۵ و ۰/۵)	۰/۵۶۲۵
متوسط	(۰/۷۵ و ۰/۵ و ۰/۲۵)	۰/۳۱۲۵
کم	(۰ و ۰/۲۵ و ۰/۵)	۰/۰۶۲۵
خیلی کم	(۰ و ۰ و ۰/۲۵)	۰/۰۶۲۵

اعداد فازی قطعی شده در جدول ۳، با استفاده از رابطه مینکوسکی به شکل زیر محاسبه شده اند.

$$X = m + \frac{\beta - a}{4}$$

پس از انجام هر دو مرحله نظرسنجی اختلاف میان میانگین فازی زدایی شده (دو مرحله) عوامل موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی بررسی و تحلیل قرار گرفت. جدول ۴ میانگین فازی زدایی شده دو مرحله نظرسنجی از خبرگان-۱۶ نفر از اساتید دانشگاه - را نشان می دهد.

جدول ۴. اختلاف میانگین فازی زدایی شده مرحله اول و دوم نظرسنجی خبرگان

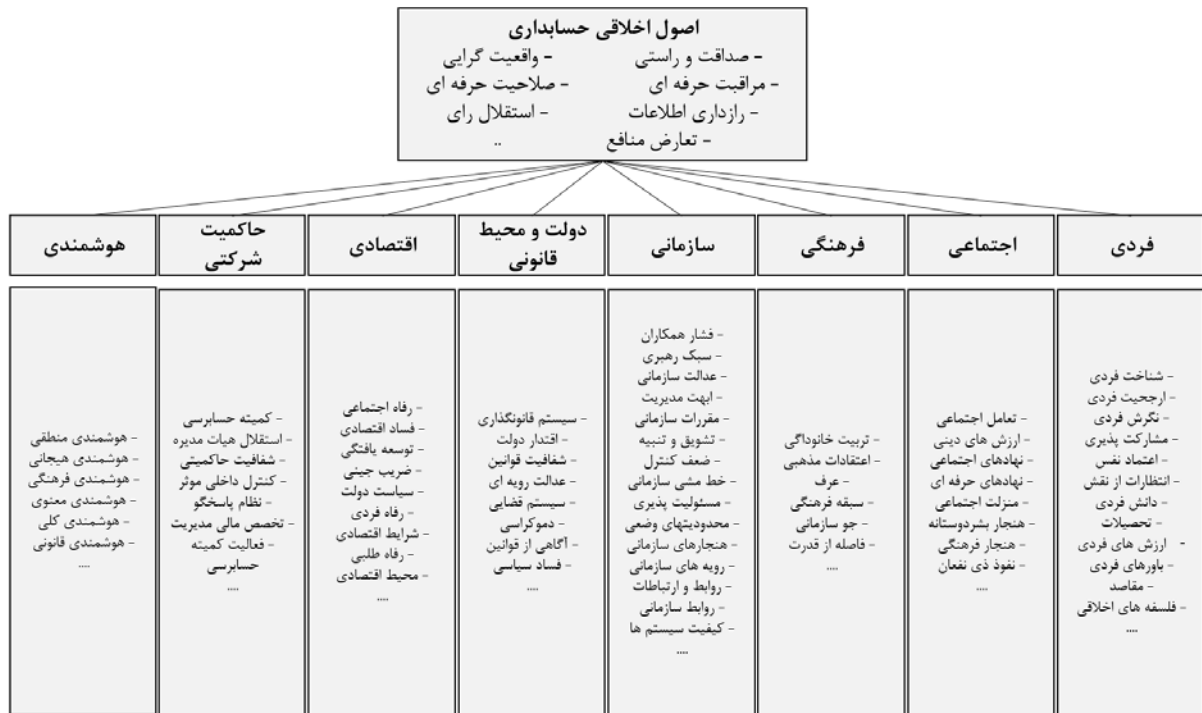
متغیرها	میانگین فازی زدایی شده مرحله اول	میانگین فازی زدایی شده مرحله دوم	اختلاف میانگین فازی زدایی شده مرحله اول و دوم	متغیرها	میانگین فازی زدایی شده مرحله اول	میانگین فازی زدایی شده مرحله دوم	اختلاف میانگین فازی زدایی شده مرحله اول و دوم
کیفیت سیستم های اطلاعاتی	۰/۳۸۱	۰/۳۷۲	۰/۰۰۹	قدرت شناخت و تشخیص فردی	۰/۴۲۲	۰/۳۸۸	۰/۰۳۴
سیستم قانون گذاری	۰/۴۲۵	۰/۴۱۳	۰/۰۱۲	ارجحیت های فردی (فرصت طلبی، توفیق طلبی)	۰/۴۸۴	۰/۴۶۶	۰/۰۱۸
مشروعیت و اقتدار دولت	۰/۴۵۶	۰/۴۳۸	۰/۰۱۸	نگرش های فردی و سطح رشد اخلاقی	۰/۴۷۸	۰/۴۶۹	۰/۰۰۹

مبتنی بر	میانگین نمره فازای زداپی شده مرحله اول	میانگین نمره فازای زداپی شده مرحله اول و دوم	اختلاف میانگین فازای زداپی شده	مبتنی بر	میانگین نمره فازای زداپی شده مرحله اول	میانگین نمره فازای زداپی شده مرحله اول و دوم	اختلاف میانگین فازای زداپی شده
مشارکت پذیری	۰/۳۸۸	۰/۳۹۷	۰/۰۰۹	شفافیت قوانین و مقررات	۰/۴۴۷	۰/۴۳۱	۰/۰۱۶
اعتماد و قدرت نفس	۰/۴۰۳	۰/۴۱۳	۰/۰۱۱	عدالت رویه ای در برخورد قانونی	۰/۴۸۱	۰/۴۲۸	۰/۰۵۳
تصور و انتظارات از نقش	۰/۴۱۶	۰/۴۱۶	۰/۰۰۰	سیستم قضایی	۰/۴۵۹	۰/۴۱۹	۰/۰۴۱
دانش فردی	۰/۴۳۸	۰/۴۵۹	۰/۰۲۱	تمرکزگرایی یا دموکراسی (پاسخ گو بودن به مردم)	۰/۴۷۲	۰/۴۱۶	۰/۰۵۶
سطح و رشته تحصیلی	۰/۳۵۶	۰/۳۵۳	۰/۰۰۳	سطح آگاهی و شناخت جامعه از قوانین و مقررات	۰/۴۴۱	۰/۴۳۱	۰/۰۱۰
ارزش های فردی	۰/۴۷۸	۰/۴۶۹	۰/۰۰۹	فساد سیاسی	۰/۵۱۳	۰/۴۶۹	۰/۰۴۴
پاورهای فردی	۰/۴۸۴	۰/۴۵۳	۰/۰۳۱	سطح رفاه اجتماعی	۰/۴۴۷	۰/۴۱۶	۰/۰۳۱
مقاصد و اهداف فردی	۰/۴۳۴	۰/۴۰۶	۰/۰۲۸	سطح و گستردگی فساد اقتصادی و ارتشا	۰/۵۰۳	۰/۴۷۸	۰/۰۲۵
فلسفه های اخلاقی	۰/۳۵۹	۰/۳۵۹	۰/۰۰۰	توسعه یافتگی	۰/۴۳۱	۰/۴۳۱	۰/۰۰۰
تعامل (بده و بستان) اجتماعی	۰/۳۸۴	۰/۳۶۳	۰/۰۲۲	ضریب جینی و عدالت اجتماعی	۰/۴۷۵	۰/۴۶۳	۰/۰۱۲
هنجارها و ارزش های دینی در جامعه	۰/۳۱۶	۰/۳۰۶	۰/۰۱۱	سیاست های اقتصادی دولت	۰/۴۶۳	۰/۴۲۸	۰/۰۳۵
تاثیر پذیری از نهادهای اجتماعی	۰/۳۴۴	۰/۳۳۱	۰/۰۱۳	سطح رفاه فردی	۰/۴۳۱	۰/۴۰۶	۰/۰۲۵
تاثیر پذیری از نهادهای حرفه ای	۰/۴۲۲	۰/۴۱۳	۰/۰۰۹	شرایط اقتصادی	۰/۴۸۱	۰/۴۵۹	۰/۰۲۲
شان و منزلت اجتماعی	۰/۴۳۴	۰/۴۲۵	۰/۰۰۹	سطح رفاه طلبی فردی	۰/۴۳۸	۰/۴۲۵	۰/۰۱۳
هنجارها و ارزش های بشردوستانه در جامعه	۰/۳۸۴	۰/۳۶۶	۰/۰۱۸	محیط اقتصادی	0/425	0/388	۰/۰۳۷

مختلاف میانگین فازی زدایی شده مرحله اول و دوم	میانگین فازی زدایی شده مرحله دوم	میانگین فازی زدایی شده مرحله اول	مختبرها	مختلاف میانگین فازی زدایی شده مرحله اول و دوم	میانگین فازی زدایی شده مرحله اول	میانگین فازی زدایی شده مرحله اول	مختبرها
۰/۰۰۳	۰/۳۳۴	۰/۳۳۸	کمیته حسابرسی	۰/۰۱۸	۰/۴۱۶	۰/۴۳۴	هنجارها و ارزش های فرهنگی در جامعه
۰/۰۲۲	۰/۳۶۹	۰/۳۴۷	استقلال هیات مدیره	0/000	۰/۴۲۵	۰/۴۲۵	نفوذ ذی نفعان
۰/۰۲۵	۰/۴۳۴	۰/۴۰۹	شفافیت حاکمیتی	۰/۰۰۰	۰/۴۹۱	۰/۴۹۱	تربیت و اصالت خانوادگی
۰/۰۱۳	۰/۴۲۵	۰/۴۳۸	نظام موثر کنترل های داخلی	۰/۰۰۰	۰/۳۴۱	۰/۳۴۱	باورها و اعتقادات مذهبی
۰/۰۰۳	۰/۴۶۳	۰/۴۵۹	نظام کارآمد پاسخ گویی	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱	۰/۳۸۱	عرف و ارزش های اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۴۰۶	۰/۴۰۶	تخصص مالی هیات مدیره	۰/۰۰۰	۰/۳۸۱	۰/۳۸۱	پیشینه (سابقه) فرهنگی
۰/۰۰۰	۰/۳۳۴	۰/۳۳۴	سطح فعالیت کمیته حسابرسی	۰/۰۱۰	۰/۴۲۸	۰/۴۳۸	جو سازمانی
۰/۰۰۹	۰/۴۸۴	۰/۴۹۴	صداقت و راستی	۰/۰۰۰	۰/۳۱۹	۰/۳۱۹	دستور پذیری و فاصله از قدرت
۰/۰۰۹	۰/۴۱۶	۰/۴۲۵	عینیت و واقعیت گرایی	۰/۰۰۰	۰/۳۵۳	۰/۳۵۳	فشار یا تاثیر پذیری از همکاران
۰/۰۰۰	۰/۴۲۵	۰/۴۲۵	مواظبت و مراقبت حرفه ای	۰/۰۰۹	۰/۴۶۳	۰/۴۷۲	سبک رهبری مدیریت عالی در تعامل با زیردستان
۰/۰۰۰	۰/۴۶۹	۰/۴۶۹	شایستگی و صلاحیت حرفه ای	۰/۰۰۰	۰/۳۹۴	۰/۳۹۴	عدالت سازمانی
۰/۰۲۹	۰/۴۳۴	۰/۴۶۳	رازداری و رعایت محرمانه بودن اطلاعات	۰/۰۰۰	۰/۳۱۹	۰/۳۱۹	ابهت یا کارزمای مدیریت عالی
۰/۰۱۹	۰/۴۲۵	۰/۴۴۴	استقلال رای و نظر	۰/۰۰۹	۰/۳۹۷	۰/۴۰۶	قوانین و مقررات سازمانی
۰/۰۴۴	۰/۳۹۷	۰/۴۴۱	توجه به تعارض منافع	۰/۰۲۲	۰/۳۹۱	۰/۴۱۳	سیاست های تشویق و تنبیه

اختلاف میانگین فازی زدایی شده مرحله اول و دوم	میانگین فازی زدایی شده مرحله دوم	میانگین فازی زدایی شده مرحله اول	متغیرها	اختلاف میانگین فازی زدایی شده مرحله اول و دوم	میانگین فازی زدایی شده مرحله اول	میانگین فازی زدایی شده مرحله اول	متغیرها
۰/۰۲۵	۰/۳۲۲	۰/۳۴۷	هوشمندی منطقی	۰/۰۶۶	۰/۴۰۰	۰/۴۶۶	فرصت‌های تخلف و ضعف کنترل‌ها
۰/۰۲۲	۰/۳۹۱	۰/۳۶۹	هوشمندی هیجانی و عاطفی	۰/۰۲۲	۰/۳۵۳	۰/۳۷۵	سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سازمانی
۰/۰۱۵	۰/۲۹۴	۰/۳۰۹	هوشمندی فرهنگی	۰/۰۲۸	۰/۴۴۷	۰/۴۷۵	مسئولیت‌پذیری در قبال اهداف و پی‌آمدهای سازمانی
۰/۰۰۹	۰/۳۷۵	۰/۳۶۶	هوشمندی معنوی	۰/۰۰۳	۰/۳۵۶	۰/۳۵۳	محدودیت‌های وضعی
۰/۰۱۰	۰/۳۶۶	۰/۳۵۶	هوشمندی کلی	۰/۰۱۳	۰/۳۸۱	۰/۳۶۹	هتجارهای سازمانی
۰/۰۰۰	۰/۳۷۲	۰/۳۷۲	هوشمندی قانونی	۰/۰۰۰	۰/۳۴۴	۰/۳۴۴	رویه‌های سازمانی
				۰/۰۰۰	۰/۴۲۵	۰/۴۲۵	روابط و ارتباطات سازمانی

با توجه به اینکه اختلاف بین میانگین فازی زدایی شده کمتر از ۰/۱ بوده است بنابراین خبرگان در مورد عوامل مؤثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی به اجماع نظر رسیده‌اند. لذا مدل مفهومی پژوهش به شکل ۱ ارائه گردید.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

به منظور ارزیابی بار عاملی هر یک از متغیرها، تحلیل عاملی مرتبه اول انجام (جدول ۵) و سپس در مرحله دوم به برآورد مسیرهای علت و معلولی که به صورت یک طرفه در مدل طراحی شده اند، پرداخته شده است. این مسیرها رابطه میان شاخص ها را برای هر یک از عوامل مختلف بیان می کند که نتایج حاکی از پذیرش این عوامل و موثر بودن آنها بر اخلاق بود.

جدول ۵. شاخص های برازش مدل برآوردی

ردیف	متغیر	نماد	بار عاملی	وزن عاملی	آماره تی	نتیجه
۱		PER01	۰/۷	۰/۱۴	۶/۲۵	تایید
۲		PER02	۰/۶	۰/۲۵	۴/۶۵	تایید
۳		PER03	۰/۷	۰/۳۳	۳/۲۸	تایید
۴	۳	PER04	۰/۶	۰/۲۸	۴/۶۸	تایید
۵		PER05	۰/۶	۰/۲۸	۵/۲۳	تایید
۶		PER06	۰/۷	۰/۳۴	۲/۳۳	تایید
۷		PER07	۰/۸	۰/۴۵	۸/۶۲	تایید

تایید	۲/۷۷	۰/۱۴	۰/۷	PER08	۸
تایید	۴/۶۸	۰/۲۸	۰/۶	PER09	۹
تایید	۲/۶۶	۰/۱۱	۰/۸	PER10	۱۰
تایید	۳/۲۹	۰/۱۳	۰/۸	PER11	۱۱
تایید	۲/۲۲	۰/۲۵	۰/۸	PER12	۱۲
تایید	۲/۳۶	۰/۳۲	۰/۷	SOC01	۱۳
تایید	۱/۹۸	۰/۴۱	۰/۶	SOC02	۱۴
تایید	۳/۶۸	۰/۳۴	۰/۷	SOC03	۱۵
تایید	۴/۵۵	۰/۲۸	۰/۸	SOC04	۱۶
تایید	۹/۵۸	۰/۳۱	۰/۸	SOC05	۱۷
تایید	۶/۳۸	۰/۲۹	۰/۷	SOC06	۱۸
تایید	۲/۵۵	۰/۲۲	۰/۶	SOC07	۱۹
تایید	۳/۳۶	۰/۳۴	۰/۸	SOC08	۲۰
تایید	۳/۲۸	۰/۲۹	۰/۸	CUL01	۲۱
تایید	۹/۲۲	۰/۳۵	۰/۸	CUL02	۲۲
تایید	۳/۳۶	۰/۳۴	۰/۸	CUL03	۲۳
تایید	۲/۶۵	۰/۲۵	۰/۷	CUL04	۲۴
تایید	۹/۶۵	۰/۴۱	۰/۸	CUL05	۲۵
تایید	۳/۲۹	۰/۱۳	۰/۸	CUL06	۲۶
تایید	۲/۴۳	۰/۲۶	۰/۸	ORG01	۲۷
تایید	۴/۶۲	۰/۳۱	۰/۷	ORG02	۲۸
تایید	۲/۴۸	۰/۳۳	۰/۶	ORG03	۲۹
تایید	۲/۲۲	۰/۲۵	۰/۸	ORG04	۳۰
تایید	۲/۳۸	۰/۲۸	۰/۸	ORG05	۳۱
تایید	۲/۳۳	۰/۳۴	۰/۷	ORG06	۳۲
تایید	۸/۶۲	۰/۴۵	۰/۸	ORG07	۳۳
تایید	۲/۷۷	۰/۱۴	۰/۷	ORG08	۳۴
تایید	۴/۶۵	۰/۲۵	۰/۶	ORG09	۳۵
تایید	۲/۳۸	۰/۲۸	۰/۸	ORG10	۳۶
تایید	۲/۳۳	۰/۳۴	۰/۷	ORG11	۳۷
تایید	۸/۶۲	۰/۴۵	۰/۸	ORG12	۳۸
تایید	۲/۷۷	۰/۱۴	۰/۷	ORG13	۳۹
تایید	۴/۶۵	۰/۲۵	۰/۶	ORG14	۴۰
تایید	۲/۶۶	۰/۱۱	۰/۸	LIG01	۴۱
تایید	۳/۲۹	۰/۱۳	۰/۸	LIG02	۴۲
تایید	۲/۳۹	۰/۲۷	۰/۸	LIG03	۴۳

اجتماعی

فردی

سازمانی

دولت و محیط
قانونی

تایید	۲/۳۶	۰/۳۲	۰/۷	LIG04		۴۴
تایید	۲/۵۵	۰/۲۲	۰/۶	LIG05		۴۵
تایید	۴/۶۸	۰/۲۸	۰/۶	LIG06		۴۶
تایید	۲/۲۲	۰/۲۵	۰/۸	LIG07		۴۷
تایید	۳/۲۸	۰/۲۹	۰/۸	LIG08		۴۸
تایید	۹/۲۲	۰/۳۵	۰/۸	ECO01		۴۹
تایید	۵/۲۳	۰/۲۸	۰/۶	ECO02		۵۰
تایید	۲/۳۳	۰/۳۴	۰/۷	ECO03		۵۱
تایید	۸/۶۲	۰/۴۵	۰/۸	RCO04		۵۲
تایید	۲/۷۷	۰/۱۴	۰/۷	ECO05	اقتصادی	۵۳
تایید	۴/۶۸	۰/۲۸	۰/۶	ECO06		۵۴
تایید	۲/۶۶	۰/۱۱	۰/۸	ECO07		۵۵
تایید	۳/۲۹	۰/۱۳	۰/۸	ECO08		۵۶
تایید	۲/۳۸	۰/۲۸	۰/۸	ECO09		۵۷
تایید	۲/۳۳	۰/۳۴	۰/۷	GOV01		۵۸
تایید	۸/۶۲	۰/۴۵	۰/۸	GOV02		۵۹
تایید	۲/۷۷	۰/۱۴	۰/۷	GOV03	حاکمیت شرکتی	۶۰
تایید	۴/۶۵	۰/۲۵	۰/۶	GOV04		۶۱
تایید	۲/۶۶	۰/۱۱	۰/۸	GOV05		۶۲
تایید	۳/۲۹	۰/۱۳	۰/۸	GOV06		۶۳
تایید	۲/۳۹	۰/۲۷	۰/۸	GOV07		۶۴
تایید	۲/۳۶	۰/۳۲	۰/۷	PRE01		۶۵
تایید	۲/۵۵	۰/۲۲	۰/۶	PRE02		۶۶
تایید	۴/۶۸	۰/۲۸	۰/۶	PRE03		۶۷
تایید	۲/۲۲	۰/۲۵	۰/۸	PRE04	اصول اخلاقی حسابداری	۶۸
تایید	۳/۲۸	۰/۲۹	۰/۸	PRE05		۶۹
تایید	۹/۲۲	۰/۳۵	۰/۸	PRE06		۷۰
تایید	۵/۲۳	۰/۲۸	۰/۶	PRE07		۷۱
تایید	۲/۳۳	۰/۳۴	۰/۷	INT01		۷۲
تایید	۸/۶۲	۰/۴۵	۰/۸	INT02		۷۳
تایید	۲/۷۷	۰/۱۴	۰/۷	INT03	هوشمندی	۷۴
تایید	۴/۶۸	۰/۲۸	۰/۶	INT04		۷۵
تایید	۲/۶۶	۰/۱۱	۰/۸	INT05		۷۶
تایید	۳/۲۹	۰/۱۳	۰/۸	INT06		۷۷

جهت سنجش ارتباط بین متغیرها از مدل معادلات ساختاری مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی و برآورد مدل مبتنی بر مدل پژوهش بهره گرفته شده است. پس از اندازه‌گیری متغیرها و آزمون‌های تشخیصی و اعتبار سنجی مناسب مدل برازش، بر پایه استفاده از تحلیل عاملی تاییدی و مدل معادلات ساختاری به شیوه رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر داده‌های مقطعی پرسشنامه‌ای و نرم افزار اسمارت پی ال اس ارتباط بین متغیرها در تناظر با فرضیات پژوهش تعیین گردیده و بر مبنای خروجی‌های نرم افزار مزبور نسبت به پذیرش یا رد فرضیه‌های پژوهش مبادرت گردیده است.

جدول ۶. مقادیر میانگین واریانس استخراج شده (AVE)

ردیف	عامل	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)	قضایات
۱	مولفه فردی	۰/۴۸	تایید
۲	مولفه اجتماعی	۰/۵۲	تایید
۳	مولفه فرهنگی	۰/۴۳	تایید
۴	مولفه سازمانی	۰/۵۳	تایید
۵	مولفه دولت و محیط قانونی	۰/۴۹	تایید
۶	مولفه اقتصادی	۰/۴۲	تایید
۷	مولفه حاکمیت شرکتی	۰/۴۴	تایید
۸	مولفه هوشمندی	۰/۴۱	تایید

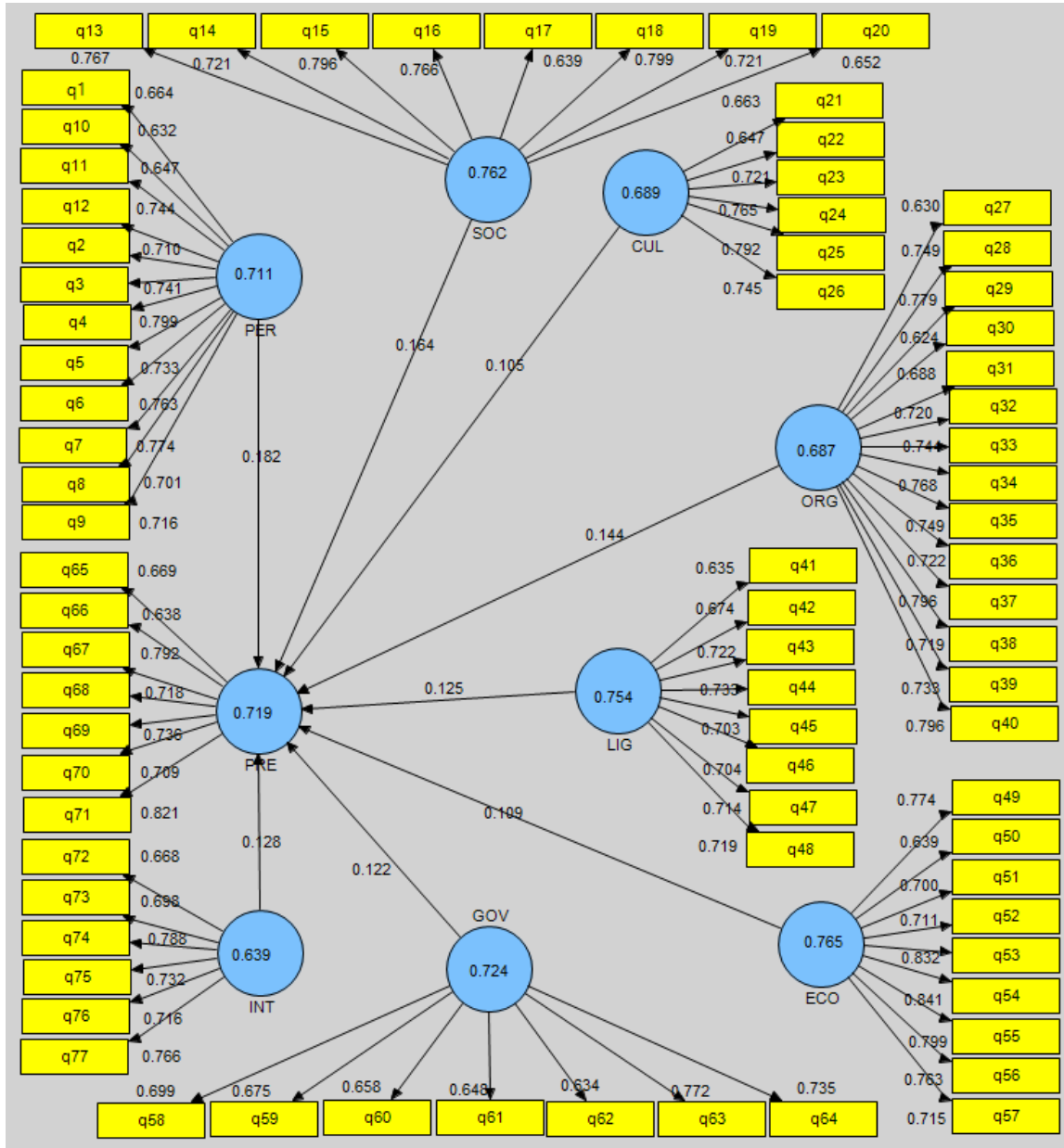
با توجه به نتایج جدول ۶ مشخص گردید که تمام سازه‌های مورد مطالعه در این پژوهش دارای میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بالاتر از ۰/۴ هستند بنابراین میان متغیرهای مکنون مدل پژوهش روایی همگرا وجود داشته و فرض وجود داشتن هم خطی چندگانه رد شده است.

شاخص نیکویی برازش مدل ۱ پژوهش ۰/۴۶ محاسبه شده و می‌توان نتیجه گرفت که مدل آزمون شده در نمونه مورد بررسی برازش مناسبی دارد.

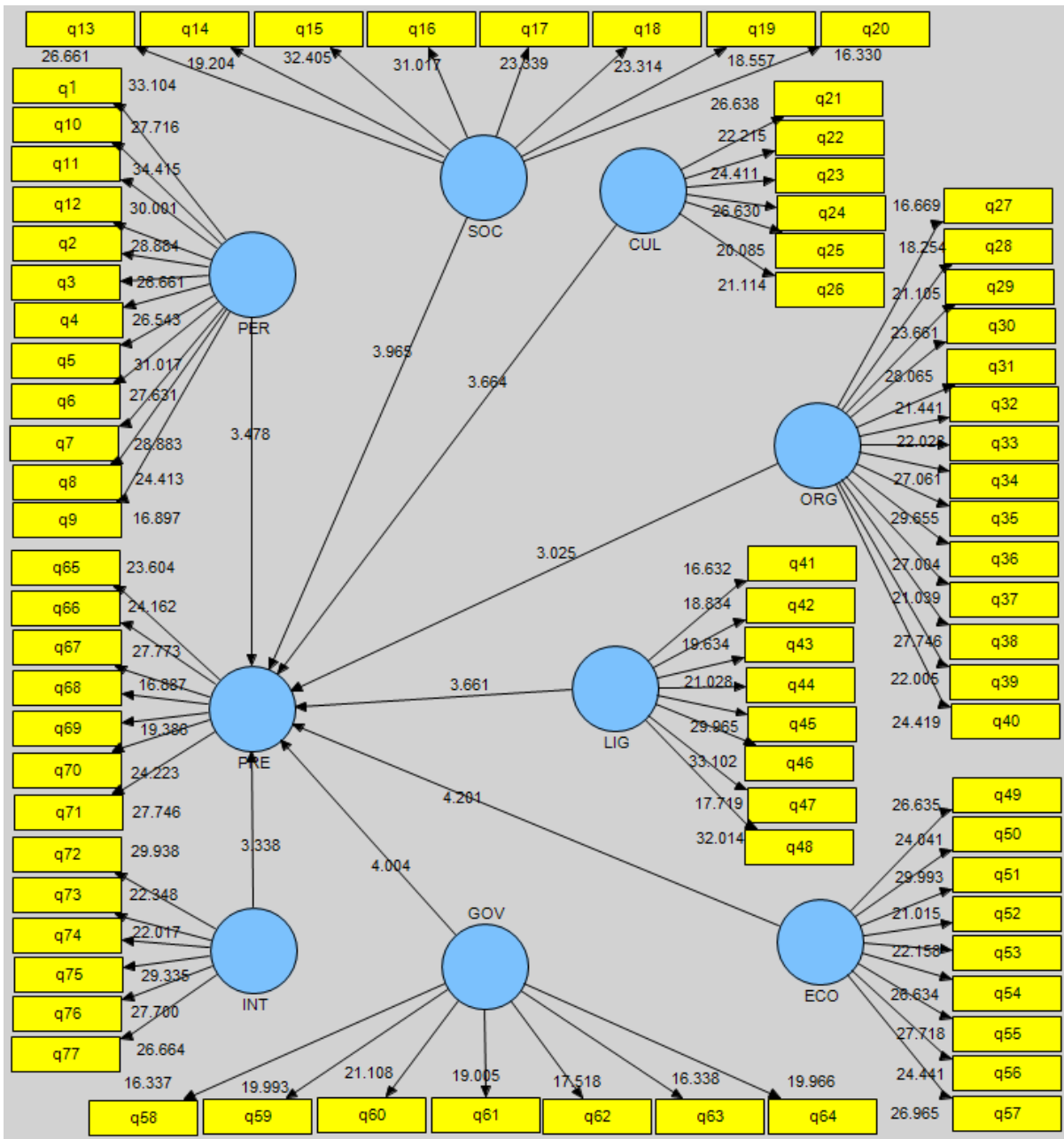
در این بخش از گزارش، با استفاده از نتایج برازش مدل نهایی با روش معادلات ساختاری به بررسی رد یا پذیرش فرضیات پژوهش پرداخته شده است. خروجی مدل سازی معادلات ساختاری نمودار مسیر را در حالت معناداری نشان می‌دهد. این مدل در واقع تمامی معادلات اندازه‌گیری و ساختاری را با استفاده از آماره تی استیودنت، آزمون کرده است. شکل ۲ ضرایب

1. Goodness Of Fit

مسیر بین متغیرها و شکل ۳ آماره تی استیودنت یا سطح معنی داری ارتباط بین متغیرها را نشان داده است.



شکل ۲. مدل ساختاری به همراه ضرایب مسیر، بارهای عاملی و واریانس های تبیین شده



شکل ۳. آماره t روابط بین متغیرهای پژوهش

در جدول ۷، ضرایب مسیر، ضرایب معناداری و ضرایب تعیین مسیرهای مطرح شده در مدل مفهومی پژوهش و نتایج تأیید یا عدم تأیید آنها براساس خروجی مدل یابی معادلات ساختاری ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج اجرای مدل یابی معادلات ساختاری

ردیف	مسیر	ضریب مسیر	آماره t	نتیجه	ضریب تعیین
۱	مولفه های فکری ← اخلاق حسابداری و حسابرسی	۰/۱۸۲	۳/۴۷۸	تایید	۰/۵۶۹
۲	مولفه های اجتماعی ← اخلاق حسابداری و حسابرسی	۰/۱۶۴	۳/۹۶۵	تایید	۰/۴۰۸
۳	مولفه های فرهنگی ← اخلاق حسابداری و حسابرسی	۰/۱۰۵	۳/۶۶۴	تایید	۰/۴۴۶
۴	مولفه های سازمانی ← اخلاق حسابداری و حسابرسی	۰/۱۴۴	۳/۰۲۵	تایید	۰/۶۰۸
۵	مولفه های دولت و محیط قانونی ← اخلاق حسابداری و حسابرسی	۰/۱۲۵	۳/۶۶۱	تایید	۰/۵۱۹
۶	مولفه های اقتصادی ← اخلاق حسابداری و حسابرسی	۰/۱۰۹	۴/۲۰۱	تایید	۰/۶۳۸
۷	مولفه های حاکمیت شرکتی ← اخلاق حسابداری و حسابرسی	۰/۱۲۲	۴/۰۰۴	تایید	۰/۴۲۹
۸	مولفه های هوشمندی ← اخلاق حسابداری و حسابرسی	۰/۱۲۸	۳/۳۳۸	تایید	۰/۴۴۹

بر این اساس معناداری کلیه مسیرها (ارتباط بین مولفه های اخلاقی با اصول اخلاق حسابداری و حسابرسی) پذیرفته شده است.

اولویت بندی شاخص ها با روش تحلیل سلسله مراتبی^۱

در اولویت بندی شاخص ها از نظرات ۱۶ نفر اساتید دانشگاه استفاده شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش بر اساس مدل تحلیل سلسله مراتبی می باشد. این روش هنگامی که عمل تصمیم گیری با چند گزینه و شاخص تصمیم گیری روبرو است، می تواند

مفید باشد. شاخص‌ها می‌توانند کمی و یا کیفی باشند. اساس این روش بر مقایسات زوجی نهفته است.

جدول ۸. ماتریس مقایسات زوجی عوامل موثر بر اخلاق حسابداری و حسابرسی

عوامل موثر	فردی	اجتماعی	فرهنگی	سازمانی	دولت و محیط قانونی	اقتصادی	حاکمیت شرکتی	هوشمندی
فردی	۱	۰/۵۲	۰/۵۸	۱/۰۶	۰/۹۷	۰/۸۱	۱/۲۲	۱/۰۴
اجتماعی	۱/۹۴	۱	۰/۷۲	۱/۳۷	۱/۳۷	۱/۲۵	۰/۹۰	۱/۰۹
فرهنگی	۱/۷۲	۱/۳۸	۱	۱/۴۳	۱/۸۵	۱/۳۹	۰/۹۵	۱/۰۸
سازمانی	۰/۹۴	۰/۷۳	۰/۷۰	۱	۰/۵۶	۰/۵۴	۰/۸۶	۰/۷۹
دولت و محیط قانونی	۱/۰۳	۰/۷۳	۰/۵۴	۱/۸۰	۱	۰/۶۱	۰/۹۶	۰/۷۹
اقتصادی	۱/۲۳	۰/۸۰	۰/۷۲	۱/۸۶	۱/۶۴	۱	۰/۶۳	۰/۷۰
حاکمیت شرکتی	۰/۸۲	۱/۱۱	۱/۰۵	۱/۱۶	۱/۰۴	۱/۶۰	۱	۰/۷۹
هوشمندی	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۸۸	۱/۲۶	۱/۴۳	۱/۲۶	۱

جدول بالا نشان دهنده اهمیت نسبی عوامل اصلی از دیدگاه خبرگان می‌باشد. نرخ ناسازگاری مقایسه زوجی این عوامل ۰/۰۲۴ می‌باشد که نشان دهنده دقت قابل قبول این مقایسه زوجی است.

وزن نهایی

اکنون وزن‌ها را به دست می‌آوریم و نرخ ناسازگاری برای ماتریس تلفیقی ابعاد اخلاقی (با شانزده صاحب نظر در زمینه اخلاق حسابداری و حسابرسی) را محاسبه می‌کنیم که باید کمتر از ۰/۱ باشد تا بیانگر سازگاری خوب در مقایسات باشد. وزن هر یک از این ابعاد در جدول (۳) آمده است.

نرخ ناسازگاری برای ماتریس تلفیقی مقایسه زوجی معیارهای اصلی (با دوازده صاحب نظر) برابر ۰/۰۳۲ می‌باشد و از آنجایی که این نرخ کمتر از ۰/۱ است، بیانگر سازگاری خوب در

مقایسات است و می توان به اولویت های حاصل از مقایسات اعتماد کرد. نرخ ناسازگاری برای سایر ماتریس های مقایسات زوجی تلفیقی برای شاخص ها در زیر معیارهای مربوطه، یعنی در زیر معیار فردی، اجتماعی، فرهنگی، سازمانی، دولتی و محیط قانونی، اقتصادی، حاکمیت شرکتهای و هوشمندی به ترتیب ۰/۰۰۲۵، ۰/۰۰۳۱، ۰/۰۱۲۴، ۰/۰۰۱۱، ۰/۰۰۳۵، ۰/۰۰۲۱، ۰/۰۰۳۱ و ۰/۰۰۲۸ می باشند. در نهایت مطابق جدول (۹) وزن هر شاخص در اختیار ما قرار گرفته است.

جدول ۹. وزن نهایی عامل های اصلی و اولویت بندی عوامل (بر مبنای تحلیل سلسله مراتبی)

عوامل اصلی	وزن نهایی	رتبه
دولت و محیط قانونی	۰/۱۳۵۱	۱
اقتصادی	۰/۱۳۲۱	۲
فردی	۰/۱۲۸۹	۳
اجتماعی	۰/۱۲۴۶	۴
فرهنگی	۰/۱۲۲۳	۵
حاکمیت شرکتهای	۰/۱۲۱۷	۶
سازمانی	۰/۱۲۱۰	۷
هوشمندی	۰/۱۱۴۲	۸

بر اساس جدول (۹) مهمترین و کم اهمیت ترین عامل موثر بر اصول اخلاق حسابداری و حسابرسی از نظر صاحب نظران به ترتیب عوامل دولت و محیط قانونی بوده و هوشمندی بوده است. عوامل اقتصادی، فردی، اجتماعی، فرهنگی، حاکمیت شرکتهای و سازمانی به ترتیب سایر عوامل موثر بوده اند.

اولویت بندی شاخص ها با روش تحلیل سلسله مراتبی خاکستری^۱، روش بهترین و بدترین^۲ و روش بهترین و بدترین خاکستری^۳

بر مبنای تعریف مقیاس خاکستری واضح برای بیان ترجیحات و سپس تعیین ماتریس مقایسات زوجی، نرمال کردن مقادیر ماتریس برای هر صاحب نظر و بر مبنای تعاریف بهترین و بدترین عامل و مشخص کردن ارجحیت سایر عوامل نسبت به بهترین و بدترین عامل (از دیدگاه هر

1. Grey AHP
2. BWM
3. GREY BWM

صاحب نظر خبره) مدل سازی برنامه ریزی خطی روش بهترین و بدترین انجام شده است و بر مبنای تعاریف بهترین و بدترین عامل و مشخص کردن ارجحیت سایر عوامل نسبت به بهترین و بدترین عامل (از دیدگاه هر صاحب نظر خبره) و بر مبنای مقیاس های خاکستری واضح مدل سازی برنامه ریزی خطی روش بهترین و بدترین خاکستری انجام شده که مقادیر بهینه طبق جدول (۱۰) بدست آمده است.

جدول ۱۰. وزن نهایی عامل های اصلی و اولویت بندی عوامل (بر مبنای تحلیل سلسله مراتبی خاکستری، روش بهترین و بدترین و روش بهترین و بدترین خاکستری)

عوامل اصلی	وزن نهایی		
	روش سلسله مراتبی خاکستری	روش بهترین و بدترین	روش بهترین و بدترین خاکستری
دولت و محیط قانونی	۰/۱۳۵۱	۰/۱۸۳۲	۰/۲۱۵۸
اقتصادی	۰/۱۳۲۱	۰/۱۵۲۷	۰/۱۷۲۷
فردی	۰/۱۲۸۹	۰/۱۳۷۴	۰/۱۵۱۱
اجتماعی	۰/۱۲۴۶	۰/۱۱۶۶	۰/۱۲۹۵
فرهنگی	۰/۱۲۲۳	۰/۱۱۹۱	۰/۱۲۵۲
حاکمیت شرکتی	۰/۱۲۱۷	۰/۰۹۱۶	۰/۰۶۴۸
سازمانی	۰/۱۲۱۰	۰/۱۱۶۹	۰/۰۸۲۷
هوشمندی	۰/۱۱۴۲	۰/۰۸۲۴	۰/۰۵۸۳

نتیجه گیری و بحث

در این پژوهش بر اساس ادبیات تحقیق، رابطه بین اخلاق حسابداری و حسابرسی به عنوان متغیر وابسته و مولفه های فردی، اجتماعی، فرهنگی، سازمانی، دولتی و محیط قانونی، اقتصادی، حاکمیت شرکتی و هوشمندی به عنوان متغیرهای توضیحی و عوامل موثر مورد مطالعه قرار گرفته است. روش پژوهش از جهت هدف نظری-کاربردی، متکی به طرح پژوهش پیمایشی و روش استنتاج توصیفی-استقرایی بوده و به جهت ماهیت داده ها و روش تحلیل از نوع

آمیخته (کمی-قضای) بوده است. در ابتدا با تکیه بر تحلیل حوزه دانش و الگوی کیفی تحلیل محتوی سنجی های اندازه گیری اخلاق حسابداری و حسابرسی و عوامل موثر بر آن ها شناسایی گردید. سپس با تکیه بر نظر سنجی اقماعی به روش دلفی، ۱۶ نفر از استادان و متخصصین صاحب نظر در حوزه اخلاق حسابداری و حسابرسی، به روش غیر تصادفی انتخاب و با تکیه بر الگوی چند معیاره تحلیل شبکه فازی اقدام به ارزیابی و پالایش موثرترین سنجی های اندازه گیری متغیرها و تبیین مدل نهایی پیشنهادی گردید.

در راستای اعتبارسنجی مدل پیشنهادی، با گزینش تصادفی ۴۲۰ نفر از مدیران مالی یا کارشناسان مالی، حسابداری و حسابرسی، ۴۲۰ پرسشنامه توزیع که نهایتاً ۴۰۳ مورد در تحلیل یافته ها مورد استفاده قرار گرفت. تحلیل هم خوانی نظرات نشان داد که بین نوع اظهار نظر افراد در زمینه مولفه های اخلاقی، صرف نظر از جنسیت، سن، تجربه، وضعیت تاهل و سطح تحصیلات، اتفاق نظر وجود داشته و به اتفاق بر اهمیت بالای اصول اخلاق حسابداری و حسابرسی و عوامل موثر تصریح نموده اند.

پس از آزمون های تشخیصی مشتمل بر ارزیابی نرمال بودن توزیع متغیرها، همسانی واریانس ها، تحلیل عاملی تاییدی و اعتبارسنجی مناسب الگوی تصمیم گیری چندمعیاره برآوردی، از الگوهای پیشرفته تصمیم گیری چندمعیاره، تحلیل مسیر و برآورد رگرسیونی جهت تفسیر ارتباط مستقیم بین متغیرها، بهره گرفته شده است. در نهایت، از ضریب تعیین جهت اعتبارسنجی روابط برآوردی و از آزمون تی استیودنت به منظور سنجش سطح معنی داری این روابط استفاده شد.

یافته های پژوهش حاکی از تاثیر عوامل دولت و محیط قانونی و اقتصادی و فردی و اجتماعی و سازمانی در تصمیم گیری های اخلاقی حسابداران و حسابرسان می باشد که پیشتر در مطالعات میلر و همکاران (۲۰۲۱) و آگری و همکاران (۲۰۱۹) نیز بیان شده است. دولت با تعیین سیاست های مناسب و پیش بینی شده در جامعه، به حفظ حقوق و آزادی های شهروندان کمک می کند و با تحریم کردن رفتارهای نامطلوب، به شکل گیری اخلاق مثبت در جامعه کمک می کند بنابراین قانون گذاری نقش مهمی در ترویج اصول و ارزش های اخلاقی دارد و خواهد داشت.

با توجه به یافته های کاربردی این پژوهش پیشنهاد میشود اگرچه برمبنای معیارهای چهار گانه ارزیابی، تاثیر دولت و قوانین بیش از سایر عوامل می باشد ولی برای داشتن تصمیمات اخلاقی و

در نهایت جامعه اخلاقی می‌بایستی اهتمام ویژه‌ای به شرایط اقتصادی و فرهنگی و رفع مشکلات آن نیز داشت. همچنین، پیشنهاد میشود که عامل دین و دینداری را به عنوان یک متغیر تعدیل‌گر در پژوهشات آتی در رتبه بندی عوامل موثر در نظر گرفته شود و نیز پیشنهاد می‌شود به بررسی تاثیر تغییرات فناوری و هوش مصنوعی در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در حسابداری و حسابرسی پرداخته شود.

منابع

- ابراهیمی رومنجان، مجتبی؛ زین الدینی میمند، فاطمه. (۱۳۹۴). اخلاق و ارزش های سازمانی در نوک پیکان حسابرسی. مجله حسابر س، ۷۹، ۱۰۰-۱۰۸.
- اسدیان اوغانی، اصغر؛ حاجیها، زهره؛ رویایی، رمضانعلی؛ و کیلی فرد، حمیدرضا. (۱۴۰۰). تاثیر تهدید منافع شخصی بر حساسیت اخلاقی حسابرسان: نقش میانجی شدت اخلاقی. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۱۱(۱)، ۴۱-۶۶.
- ایزدین زاده ناصر، زارع حسین آبادی حمید؛ رحمانی، حسام. (۱۳۹۵). پذیرش اخلاقی مدیریت سود. اخلاق در علوم و فناوری، ۱۱(۴)، ۸۱-۸۹.
- بشیر منش، نازنین؛ حاج زاده، زهرا؛ قبادی سعید. (۱۴۰۱). تاثیر سوگیری رفتاری مدیران بر تصمیم گیری و کیفیت اطلاعات مالی. پژوهش های تجربی حسابداری، ۱۱(۴۳)، ۱۴۱-۱۶۰.
۵. رویائی، رمضانعلی؛ محمدی، مهدی. (۱۳۹۴). اخلاق و حرفه گرایی در حسابداری. تهران: کتابخانه فرهنگ، فصل ۴، ۱۴۷-۱۸۸.
- سیاسی، سحر؛ حسنی، حسن. (۱۳۹۵). رابطه باورهای دینی مدیران با رفتار مدیریت سود. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۱(۲)، ۱۷-۴۰.
- عبدی گلزار، بهمن؛ بادآور نهندی، یونس؛ زینالی، مهدی. (۱۴۰۰). ارائه مدلی برای سنجش خطر اخلاقی مدیران بر مبنای داده های مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های تجربی حسابداری، ۴۸. کاظم پور، احسان؛ حساس یگانه، یحیی؛ (۱۳۹۲)، رابطه سطح مهارت حسابرسان با حساسیت و قضاوت اخلاقی، پژوهش های تجربی حسابداری، شماره ۱۰، ۵۳-۷۰.
- کدخدایی الیادرائی، مژده؛ بنی مهد، بهمن؛ (۱۴۰۰)، رابطه جهت گیری ارزشی، عواطف مثبت و درک از انصاف با تمایل حسابرسان داخلی به گزارشگری تقلب، دو فصلنامه علمی حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۶، شماره ۱۱، ۶۷-۹۱.
- مرادی، جواد و زکی زاده، زهرا؛ (۱۳۹۳)، بررسی نقش مدیریت اخلاقی، عملکرد حسابرسی داخلی و گرایش های اخلاقی بر عملکرد حسابداری و گزارشگری مالی، فصلنامه دانش حسابداری، ۱۸(۵): ۱۴۱-۱۶۳.
- نعمت اللهی، شرلی؛ آزادی، کیهان؛ وطن پرست، محمدرضا؛ (۱۳۹۸)، بررسی پیامد گرایی و وظیفه گرایی اخلاقی با تاکید بر نظریه کانت در جامعه حسابداران رسمی ایران و تاثیر آن بر میزان پایبندی به رفتار حرفه ای حسابرسان، پژوهش های اخلاقی، شماره ۱۰، ۳۱-۴۸.

References

- Abdigolzar, B., Nahandi, Y., & Zeynali, M. (2021). A Model for Measuring Moral Hazard of Managers Based on Financial Data. *Empirical Research in Accounting*, 11(42), 211-236. (In Persian).

- Ahinful, G., Addo, S., Boateng, F., & Danquah, J. (2017). Accounting Ethics and the Professional Accountant: The Case of Ghana. *Available at SSRN* 3009253.
- Asadiyan Owghani, A., Hajiha, Z., Royaee, R.A., & Vakilifard, H. (2021). The Effect of Self-Interest Threat on Ethical Sensitivity: Mediating Role of Moral Intensity. *Journal of Value Behavior and Accounting*, 6(11), 41-66. (In Persian).
- Atakan, M.S., Burnaz, S., & Topcu, Y.I. (2008). An Empirical Investigation of the Ethical Perceptions of Future Managers with a Special Emphasis on Gender: Turkish Case. *Journal of Business Ethics*, 82(3), 573-586.
- Barney, J.B., & Griffin, R.W. (1992). *The Management of Organizations*. Houghton Mifflin Company.
- Basshirimanesh, N., Hajzadeh, H., & Ghobadi, S. (2022). Effects of Managers' Behavioral Bias on Decision Making and Financial Information Quality. *Empirical Research in Accounting*, 12(43), 195-224. (In Persian).
- Céline, B., Marion, B., & Darlene, H. (2021). Accounting Ethics and the Fragmentation of Value. *Journal of Business Ethics*, 168(2), 373-387.
- Ebrahimi Rumanjan, M., & Zain al-Dini Maimand, F. (2014). Ethics and Organizational Values at the Tip of the Audit Arrow. *Audit Magazine*, 79, 100-108. (In Persian).
- Jaijairam, P. (2017). *Ethics in Accounting*. *Journal of Finance and Accountancy*, 23, 1-13.
- Kadkhodae Elyadarani, M., & Banimahd, B. (2021). The Relationship Between Value Orientation, Positive Moods and Perception of Fairness with Internal Auditors' Intention to Whistle-blowing. *Journal of Value-Based Behavioral Accounting*, 6(11), 67-91. (In Persian).
- Kaplan, S. E. (2001). Further Evidence on the Ethics of Managing Earnings: An Examination of the Ethically Related Judgements of Shareholders and Non-shareholders. *Journal of Accounting and Public Policy*, 20, 27-44.
- Kazempour, E., & Hassas Yeghaneh, Y. (2013). Relation between Auditors' Expertise and Ethical Sensitivity and Moral Judgment: Empirical Research in Accounting, 4(10), 53-70. (In Persian).
- Mohd Ghazali, N. A. (2021). Factors Influencing Ethical Judgements of Accounting Practitioners: Some Malaysian Evidence. *International Journal of Social Economics*.
- Miller, W. F., Shawver, T. J., & Mintz, S. M. (2021). Measuring the Value of Integrating GVV into a Standalone Accounting Ethics Course. *Journal of Accounting Education*, 51, 100669.
- Moradi, J., & Zakizadeh Z. (2013). The Role of Ethical Management Internal Audit Function and Moral Orientations on the Accounting and Financial Reporting. *Journal of Accounting Knowledge*; 18(5), 141-163. (In Persian).
- Nga Thanh DOAN et al. (2022). Factors Affecting Ethical Judgments in Accounting Practice: Evidence from Vietnam. *Journal of Asian Finance, Economics and Business*; 9(2), 159-168.
- Nematollahi, S.H., Azadi, K., & Vatanparast, M.R. (2019). An Investigation of Consequentialism and Ethical Conscientiousness with Emphasis on Kant's Theory in the Society of Iranian Certified Accountants and its Impact on

- Adherence to Auditors' Professional Behavior. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 10, 31-48. (In Persian).
- O'Grady, T., & Vandegrift, D. (2019). Moral Foundations and Decisions to Donate Bonus to Charity: Data from Paid Online Participants in the United States. *Data in Brief*, 25, 104331.
- Prayogo, I., & Afrizal, T. (2021). Perceptions of educators, accounting students and public accountants on ethics of financial statement preparation: A study at universities and KAP in Semarang. *Budapest International Research and Critics Institute (BIRCI-J): Humanities and Social Sciences*, 4(1), 89-101.
- Rezaei, J. (2015). Best-worst multi-criteria decision-making method. *Omega*, 53, 49-57.
- Sepasi, S., & Hasani, H. (2015). The relationship between managers' religious beliefs and profit management behavior. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 2(1), 17-40. (In Persian).
- Sulaiman, R., Toulson, P., Brougham, D., Lempp, F., & Haar, J. (2021). The role of religiosity in ethical decision-making: A study on Islam and the Malaysian workplace. *Journal of Business Ethics*. <https://doi.org/10.1007/s10551-021-04828-9>.
- Trevino, L. K. (1986). Ethical decision-making in organizations: A person-situation interactions model. *Academy of Management Review*, 11(3), 601-617. <https://doi.org/10.5465/amr.1986.4306235>.
- Trevino, L.K., & Youngblood, S.A. (1990). Bad apples in bad barrels: A causal analysis of ethical decision-making behavior. *Journal of Applied Psychology*, 75(4), 378-385. <https://doi.org/10.1037/0021-9010.75.4.378>.
- Zarei, R., Esmaeeli, A., & Zarei, S. (2016). Studying the influence factors on ethics in accounting and auditing regarding personal dimension. *International Business Management*, 10(7), 1141-1150. <https://doi.org/10.3923/ibm.2016>

COPYRIGHTS



This is an open access article under the CC BY-NC-ND 4.0 license.

Comparative Study of Identified Factors Affecting Accounting and Auditing Ethics by Knowledge Analysis Method Relying on Four Multi-Criteria Evaluation Approaches¹

Hamid Reza Abasi², Farzaneh Heidarpoor³

Received: 2022/09/27

Accepted: 2023/03/11

Research Paper

Abstract

The present study aims to identify and rank the factors affecting ethical decision-making in accounting and auditing based on multi-criteria decision-making methods. Initially, the measurement indicators of ethical accounting and auditing and the factors affecting them were identified. Then, using the Delphi method, 16 experts in the field of accounting and auditing ethics selected the most effective measurement indicators for the variables and proposed a final model. In this model, individual, social, cultural, organizational, government, and environmental factors, as well as economic, corporate governance, and intelligence, were identified as influential factors in ethical decision-making. To validate the proposed model, 420 financial managers or financial, accounting, and auditing experts were randomly selected in 2021, and 420 questionnaires were distributed. Finally, 403 questionnaires were used in subsequent analyses. The prioritization of ethical indicators was performed using hierarchical, best-worst, and grey methods. In all prioritization methods, the most important factor was the government and legal environment component. Another notable point was the intelligence component, which was considered the least important according to the experts' opinions. After the government and legal environment component, the other most important component was the economic factor. The other components obtained different levels of importance in various prioritization methods.

Keyword: Accounting and Auditing Ethics, Hierarchical Analysis, Best Worst Method, Gray Method.

JEL Classification: G41, G30, H32.

1. DOI: 10.22051/JERA.2023.42288.3073

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (hra2112@gmail.com).

3. Professor, Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (fheidarpoor@yahoo.com).

Professional Skepticism and Auditors' Assessment of the Risk of Material Misstatement with Emphasis on Social Cognition Theory¹

Kaveh Parandin², Abdollah Taki³, Sayed Mohsen Madineh⁴

Received: 2022/10/05

Accepted: 2023/02/18

Research Paper

Abstract

Assessing the risk of misstatement is one of the auditors' actions to obtain reasonable assurance of the absence of misstatement of financial statements. This evaluation requires compliance with the criteria of professional skepticism. Professional skepticism is an attitude that always questions everything and critically evaluates audit evidence. The purpose of the present study is to investigate the effect of professional skepticism on the assessment of the risk of material distortion. The time domain of the research is 2019, the selected sample based on the Cochran formula is 384 people and the statistical population of this research is auditors working in public and private institutions. The data collected through questionnaires and scenarios were analyzed using the structural equation method. The results of the research show that professional skepticism has a positive effect on the assessment of the risk of significant distortion. Also, time budget pressure on the relationship between professional skepticism and distortion risk assessment, negative impact and effect of experience (individual variable) on the relationship between professional skepticism and distortion risk assessment were significantly rejected. Auditors are required to exercise a reasonable degree of professional skepticism to detect fraud and misstatement; because when the auditor has a low level of professional skepticism, he tends to ignore the signs of fraud and misstatement. The probability of discovering distortions is higher for auditors with a higher level of professional skepticism, because they do not accept the evidence easily and examine the accounting evidence and information more carefully, both quantitatively and qualitatively.

Keyword: Professional Skepticism, Distortion Risk Assessment, Time Budget Pressure, Experience.

JEL Classification: H83, M42.

1. DOI: 10.22051/JERA.2023.40968.3028

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (kparandin@pnu.ac.ir).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (Stu_taki59@pnu.ac.ir).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (madineh1361@pnu.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Risk Disclosure: The Effect of Audit Committee Characteristics¹

Setareh Fasihi², Rezvan Barshad³

Received: 2022/10/31

Accepted: 2023/03/19

Research Paper

Abstract

The existence of transparent and quality information is one of the main needs of investors. Audit committee as a corporate governance mechanism increases the quality and transparency of the financial information. The purpose of this study is to investigate the relationship between the characteristics of the audit committee and corporate risk disclosure. The risk disclosure index has been calculated using the manual content analysis method. Also, for the audit committee characteristics, the variables of the degree of independence, the degree of financial expertise, and the size of the audit committee have been used. The research sample includes 68 companies for the period 2013 to 2019. The results indicate that among the characteristics of the audit committee, only the size of the audit committee had a significant and direct relationship with the level of risk disclosure. This result is consistent with the resource dependence theory. In addition, among the characteristics of the board of directors, the board financial expertise had a significant relationship with risk disclosure. These mean with increasing the financial expertise of the board of directors, risk disclosure has increased.

Keyword: Audit Committee, Audit Committee Independence, Audit Committee Expertise, Audit Committee Size, Risk Disclosure, Information Asymmetry.

JEL Classification: G3, M420, M410.

1. DOI: 10.22051/JERA.2022.37494.2924

2. Faculty member, Department of Accounting, Faculty of Management, Economics and Accounting, Payame Noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (sfasihi2020@yahoo.com).

3. M.Sc. Student, Department of Accounting, Kherad University, Bushehr, Iran. (r.barshad99@gmail.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

The effect of Environmental Performance on Stock Price Crash Risk with Emphasis on Conservative Accounting¹

Mohammad Omid Akhgar², Paiman Amini³, Azadeh Moradi⁴

Received: 2022/10/23

Accepted: 2023/03/18

Research Paper

Abstract

Investors and shareholders are two groups that have a special interest in risk and returns information. So, the effect of environmental performance on the risk of stock price crashes is the most important information that is considered by users. The present study examines the impact of companies' environmental performance on the risk of stock price crash with an emphasis on accounting conservatism in the Tehran Stock Exchange. This research is applied in terms of purpose and descriptive-correlational in nature. To achieve the research goal, 109 companies were selected from the companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 1390 to 1398 by systematic elimination sampling method and a total of 981 years of the company was considered for analysis. To study the relationships between variables, multivariate regression was used to fit the logistic regression pattern. Also, the combined data method was used to test the hypotheses. The findings show that environmental performance has a negative and significant effect on the risk of stock price crashes. But accounting conservatism as a moderating variable undermines this relationship.

Keyword: Environmental Performance, Risk of Stock Prices Crash, Accounting Conservatism.

JEL Classification: E01, Q56, G19.

1. DOI: 10.22051/JERA.2022.35965.2855

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Kurdistan University, Sannandaj, Iran. ((m.o.akhgar@gmail.com).

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Kurdistan University, Sannandaj, Iran. (p.amini@yahoo.com).

4. M.Sc. Student, Department of Accounting, Kurdistan University, Sannandaj, Iran. (azadeh.moradi1996@gmail.com).

The Effect of Voluntary Disclosure of Historical and Prospective Non-Financial Information on the Non-Financial Sustainability Performance of Companies¹

Ali Homayoun², Mohammad Hossein Ranjbar³, Faegh Ahmadi⁴,
Ghodrat Allah Talebnia⁵

Received: 2022/10/18

Accepted: 2023/03/13

Research Paper

Abstract

Disclosure of information is one of the important elements of the capital market, which leads to transparency in exchanges and reduces information asymmetry, and leads to increased market efficiency and improved stability performance. With the development of markets and increasing stakeholder expectations, disclosing information related to social issues, sustainable development, and sustainability has become more necessary. Managers will disclose information if the benefits of voluntary disclosure outweigh the cost. Accordingly, the present study aims to investigate the effect of voluntary disclosure of non-financial information (historical and prospective) on the performance of non-financial sustainability of companies. For this purpose, the data of the 120 firms from the statistical population have been investigated and analyzed in the period from 1392 to 1398. The main variables of research are voluntary disclosure of financial-non information and performance of financial-non sustainability. To analyze the data and test the hypotheses, a multiple regression model (using the panel data method) has been used and the findings indicate that voluntary disclosure of historical non-financial information has a positive and significant effect on improving the Performance of Companies' non-financial Sustainability, while voluntary disclosure of future non-financial information does not have a significant effect on the Performance of Companies' non-financial Sustainability.

Keyword: Voluntary Disclosure of Historical Non-Financial Information,
Voluntary Disclosure of Prospective Non-Financial Information,
Non-Financial Sustainability Performance.

JEL Classification: M41, G34.

1. DOI: 10.22051/JERA.2022.35042.2826

2. Ph.D. Student, Department of Accounting, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. (homayoon.iau@gmail.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran. (Corresponding Author). (mhranjbar54@gmail.com).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Humanities, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. (faeghahmadi@gmail.com).

5. Associate Professor, Department of Management and Economics, Tehran Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Gh-talebnia@yahoo.com).

Modeling Factors Affecting the Gap between the Book Value and the Market Value of the Tehran Stock Exchange Firms¹

Gholamreza Karami², Omid Akhondi³

Received: 2022/10/05
Accepted: 2023/02/18

Research Paper

Abstract

We can consider the book value of a firm as a beginning point in valuation, and after it is affected by many various factors, we could reach to the market value of the firm that is observable and can be measured. In this research by focusing on accounting, finance and economics in Iran, we try to reach an integrated model that could explain factors of each domain that affect the gap between the book value and the market value of the Tehran Stock Exchange firms. In this research, we interview 16 experts in accounting, finance and economic domain in Iran. Using grounded theory, we obtain a qualitative model of factors that affect the gap between the book value and the market value of the Tehran Stock Exchange firms. Encouraging indirect investments in capital market, application of IFRS Standards, optimal use of liquidity available, are among the accomplishments of this research that help to change the gap between the book value and the market value of the Tehran Stock Exchange firms.

Keyword: Accounting, Book Value, Economics, Finance, Market Value.

JEL Classification: M41, G40, A42, D01.

1. DOI: 10.22051/JERA.2023.42274.3072

2. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran. (ghkarami@ut.ac.ir).

3. Ph.D. Student., Department of Accounting, Faculty of Management, Tehran University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (omidakhondi@yahoo.com).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

Presenting the Tax Audit Risk Model in the Integrated Tax Project with ISM-ANP Approach¹

Hosein Zareian², Mohsen Hejazi³

Received: 2022/10/09

Accepted: 2023/03/04

Research Paper

Abstract

One of the main challenges of tax auditing in developing countries is the lack of efficiency in resource utilization, which the risk-based tax audit has been developed to overcome them. In Iran, risk-based audits have begun with the implementation of the Integrated Tax System (ITS) in two-time horizons, short-term and long-term. Determining and modeling the risk-measurement indicators for choosing a taxpayer is a key point in the start-up of the risk-based tax audit process that this research deals with. Due to the lack of a theoretical framework on the indicators affecting the tax audit risk, the methodology of mixed exploratory research was used. In the qualitative section, the thematic analysis was conducted through semi-structured interviews. After identifying the concepts (effective indicators) and main themes. Then, for modeling indicators, a questionnaire was developed based on interpretive Structural modeling (ISM) and indicators were then ranked using Analytic Network Process (ANP). Based on the results, the ability to validate data with information systems as the first point of contact between the taxpayer and the tax authority is the most important factor affecting tax audit risk.

Keyword: Tax Audit, Risk Tax Audit, Risk Management, Interpretive Structural Modeling, Analytic Network Process.

JEL Classification: M42, M48.

1. DOI: 10.22051/JERA.2023.38394.2953

2. Ph.D. Department of Accounting, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (Corresponding Author). (Hosein.zareian@gmail.com).

3. Ph.D. Department of Marketing Management, Tehran University, Tehran, Iran. (hejazimohsen@yahoo.com).



A Decade of Qualitative Research in Iranian Accounting Research Journals¹

Mohammad Arabmazar Yazdi², Zahra Joudaki Chegeni³, Parastoo
Dehpour Atash Beik⁴, Benyamin Azizi⁵

Received: 2022/09/22
Accepted: 2023/02/09

Research Paper

Abstract

The subject of this research is to identify the frequency and content characteristics of articles published in journals under the supervision of the Ministry of Science. The purpose of this study is to investigate the number of qualitative articles, type of analysis method, data collection tools and research scope. The statistical population includes the review of 4208 articles published in 15 journals with scientific-research rank in the field of accounting and related subdisciplines. The research method is using quantitative content analysis technique in the period 2011 to 2021. The results show that the trend of qualitative studies in domestic journals has changed in recent years. Because from 2018 onwards, more articles have been done with a qualitative method than in previous years. Also, in qualitative articles, grounded theory, Delphi, theme analysis and content analysis methods are often used. The articles reviewed are mostly in the field of financial accounting and auditing, and in most of them, interviews have been used as a data collection tool, to conduct human-centered research and in-depth study of phenomena, there is no escape from qualitative research. In this research, the importance and role of qualitative research in increasing the understanding of accounting phenomena was identified. Also, various dimensions of qualitative articles in journals under the supervision of the Ministry of Science were explored.

Keyword: Frequency of Qualitative Articles, Quantitative Content Analysis, Qualitative Method.

JEL Classification: M40, M49.

-
1. DOI: 10.22051/jera.2021.31891.2698
 2. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). (marabmazar@sbu.ac.ir).
 3. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (z_joudakichegeni@sbu.ac.ir).
 4. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (p_dehpour@sbu.ac.ir).
 5. Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Benyaminazizi90@gmail.com).
- <https://jera.alzahra.ac.ir>

Investigating the Effect of Economic and Accounting Performance Criteria on the Readability of Financial Reporting Based on the Information Narrative Disclosure¹

Yaghoub Hosseinpour², Naser Izadinia³, Hamzeh Mohammadi Khoshou⁴,
Mohammad Alimoradi⁵

Received: 2022/06/15
Accepted: 2022/11/18

Research Paper

Abstract

Managers can deliberately reduce the narrative of information by complicating its readability, thereby reducing the transparency and understanding of financial statement users. Managers complicate the disclosure of information when they perform poorly. This study aims to investigate the effect of economic and accounting performance criteria on the readability of financial reporting. A sample of 152 companies listed on the Tehran Stock Exchange was selected by systematic elimination method from 2012 to 2021. In terms of purpose, this research is of applied type, and in terms of classification according to the method, it is of descriptive type and the method of data analysis is regression analysis and panel data method. The research results indicate that the economic criteria used in this research have a positive and significant effect on the readability of financial reports. Furthermore, accounting criteria such as return on assets and profit per share hurt the readability of financial reports, and return on equity positively affects the readability of financial reports. The test of combined market and accounting criteria, such as Q-Tobin and price-to-earnings, shows that these variables positively and significantly affect the readability of financial reports. According to the results of the research, we expect that the better performance of companies in the form of economic, accounting, and combined market-accounting variables will cause readability and transparency of information in financial reports and they will not have opportunistic behavior in presenting financial reports and facilitate decision making for investors.

Keyword: Economic Criteria, Accounting Criteria, Readability, Information Narrative Disclosure.

JEL Classification: M41, G40.

1. DOI: 10.22051/JERA.2022.40870.3022

2. Ph.D. Students, Department of Accounting, Isfahan (khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran, (yhp.hosseinpour@gmail.com).

3. Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Isfahan University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author). (N.Izadinia@ase.ui.ac.ir).

4. Assistant Professor, Department of Accounting, Isfahan (khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (mohammad.khosh@yahoo.com).

5. Assistant Professor, Department of Accounting, Isfahan (khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (alimoradi@khuisf.ac.ir).

The Pattern of Improving Disclosure in Financial Reporting¹

Farrokh Barzideh², Ghasem Bolou³, Zahra Nokhbeh Fallah⁴

Received: 2022/09/19

Accepted: 2023/02/19

Research Paper

Abstract

Financial reporting aims to prepare and present information to provide a basis for rational decision-making by investors and creditors. For this purpose, it is required to provide information that is useful and relevant and has the potential to influence individuals' economic decisions. This study aims to identify the existing problems of disclosure in financial reporting in Iran and present an appropriate pattern for its improvement based on the analysis of data obtained from interviews conducted with experts using the thematic analysis method. The statistical population of the research includes faculty members, employees of professional institutions, financial managers, analysts, and audit partners. A total of 22 interviewees were selected by using snowball sampling. The data obtained from interviews have been analyzed and investigated using the thematic analysis method. The findings of this research are presented in three sections including what affects disclosure in Iran and the current problems of disclosure in financial reporting and solutions to improve disclosure. The existing challenges in the implementation of standards, reduction in the quality of some audit reports, not providing some relevant information, and in some cases, the existence of information overload are some of the problems. Improving the process of developing and implementing standards, providing guidelines on disclosure, and enhancing the audit quality can improve disclosure and thus the effectiveness of financial reporting.

Keyword: Disclosure, Mandatory Disclosure, Voluntary Disclosure, Information Overload, Thematic analysis.

JEL Classification: M41.

1. DOI: 10.22051/JERA.2022.40811.3020

2. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

4. Department of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

Table of Content

The Pattern of Improving Disclosure in Financial Reporting	1
Farrokh Barzideh, Ghasem Bolou, Zahra Nokhbeh Fallah	
Investigating the Effect of Economic and Accounting Performance Criteria on the Readability of Financial Reporting Based on the Information Narrative Disclosure	27
Yaghoub Hosseinpour, Naser Izadinia, Hamzeh Mohammadi Khoshoui, Mohammad Alimoradi	
A Decade of Qualitative Research in Iranian Accounting Research Journals	51
Mohammad Arabmazar Yazdi, Zahra Joudaki Chegeni, Parastoo Dehpour Atash Beik, Benyamin Azizi	
Presenting the Tax Audit Risk Model in the Integrated Tax Project with ISM-ANP Approach	71
Hosein Zareian, Mohsen Hejazi	
Modeling Factors Affecting the Gap between the Book Value and the Market Value of the Tehran Stock Exchange Firms	99
Gholamreza Karami, Omid Akhoundi	
The Effect of Voluntary Disclosure of Historical and Prospective Non-Financial Information on the Non-Financial Sustainability Performance of Companies	129
Ali Hodayoun, Mohammad Hossein Ranjbar, Faegh Ahmadi, Ghodrat Allah Talebnia	
The effect of Environmental Performance on Stock Price Crash Risk with Emphasis on Conservative Accounting	153
Mohammad Omid Akhgar, Paiman Amini, Azadeh Moradi	
Risk Disclosure: The Effect of Audit Committee Characteristics	179
Setareh Fasihi, Rezvan Barshad	
Professional Skepticism and Auditors' Assessment of the Risk of Material Misstatement with Emphasis on Social Cognition Theory.....	199
Kaveh Parandin, Abdollah Taki, Sayed Mohsen Madineh	
Comparative Study of Identified Factors Affecting Accounting and Auditing Ethics by Knowledge Analysis Method Relying on Four Multi-Criteria Evaluation Approaches	223
Hamid Reza Abasi, Farzaneh Heidarpoor	

Licence Holder: Alzahra University

Director: Hoseini, Seyed Ali (Associate Prof. Alzahra University)

Editor in chief: Rahmani, Ali (Prof. Alzahra University)

Executive Manager: Pakkhesal, Elnaz

Scientific and Literally Editor: Bashirimanesh, Nazanin

English Editor: Rezaei, Ali

Lay out editor: Hasanzadeh Aliabadi, Marzieh

Print and Binding: Ramtin Publishing

Editorial Board

Pourheidari, Omid, Proffessor of Baahonar University

Pourjalali Hamid, Professor of Hawaii University, The USA

Hejazi, Rezvan, Proffessor of Alzahra University

Rahmani, Ali, Proffessor of Alzahra University

Rezaee Zabihollah, Proffessor of Memphis University, The USA

Sajadi, Hosein, Proffessor of Shahid Beheshti University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Proffessor of Alzahra University

Mashayekhi, Bita, Associate Proffessor Tehran University

Mehrani, Sasan, Associate Proffessor of Tehran University

Homayoun Saeid, Associate Proffessor of Gavle University, Swed

Yazdifar Hassan, Professor of Salford University Business School, The UK

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

This journal is published in collaboration with the Iran Management Accounting Association.

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting

“Scientific Journal”

Spring 2023, Vol 13, Number 47